

والیان بلخ

در نخستین سدهٔ پس از بازستانی استقلال افغانستان
(۱۳۹۸ - ۱۳۹۸/۱۹۱۹/۲۰۱۹)

صالح محمد خلیق

بسم الله الرحمن الرحيم



شناسنامه کتاب:

- نام کتاب: والیان بلخ در نخستین سدهٔ پس از بازستانی استقلال افغانستان
- نویسنده: صالح محمد خلیق
- ناشر: مقام ولایت بلخ
- برگ آرا: سید علی موسوی
- طرح روی جلد از: محمدصمیم صورت گر
- نوبت چاپ: یکم
- تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۹۸ هجری خورشیدی / ۵۶۹۸ آریایی جمشیدی
- جای چاپ: کابل، چاپخانهٔ مسلکی افغان
- شماره گان: ۱۰۰۰ نسخه

حق چاپ برای نویسنده محفوظ است



سپاس گزاری

از جناب محترم الحاج محمداسحاق رهگذر، والی فرهیخته و فرهنگ دوست بلخ بامی، که هزینه چاپ و نشر این کتاب را پرداخته اند، صمیمانه سپاس گزاری می کنم و از خداوند لوح و قلم برای شان پیروزی هایی روزافزون در راستای خدمت گزاری به میهن و هم میهنان استدعا می دارم. با احترام

صالح محمد خلیق

رئیس اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ و نویسنده این کتاب

آن چه در این کتاب می خوانید:

۹.....	سرسخن
۱۳.....	والیان بلخ در دوره شاه امان الله خان
۱۶.....	سردار جمعه خان
۱۷.....	سردار محمدابراهيم خان
۱۸.....	سردار عبدالکريم خان
۱۹.....	سردار محمدسرور خان
۲۰.....	سردار محمدعثمان خان
۲۱.....	غلامنبی خان چرخى
۲۳.....	عبدالعزيز خان چرخى
۲۷.....	والیان بلخ در دوره امير حبيب الله کلکانى
۳۴.....	نايب سالار عبدالرحيم خان
۳۵.....	ميرزا محمدقاسم خان
۳۷.....	خواجه عطا محمد خان کوهستانی
۳۹.....	والیان بلخ در دوره محمدنادر شاه
۴۰.....	ميرزا محمد يعقوب خان
۴۱.....	عبدالجمیل خان
۴۲.....	وزير محمد گل خان مومند
۴۵.....	والیان بلخ در دوره محمدظاهر شاه
۴۹.....	گل احمد خان ملک یار غزنوی
۵۲.....	الله داد خان اعتمادی
۵۳.....	سيد عبدالله خان

عبدالوہاب آصفی	۵۴
غلام رسول پرہماچ	۵۶
عزیز محمد الکوزی	۵۸
مهندس محمد حسین مسما	۵۹
دکتر محمد ناصر عمر کشاورز	۶۱
مهندس محمد بشیر لودین	۶۵
عبدالوہاب ملک یار	۶۶
عبدالعزیز	۶۷
والیان بلخ در دورہ ریاست جمهوری محمد داؤود خان	۷۱
محمد عالم نوابی	۷۳
محمد ہاشم صافی	۷۶
والیان بلخ در دورہ حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان / حزب وطن	۷۹
ژنرال حاج محمد نواز	۸۶
فدا محمد دہنشین	۸۶
مهندس محمد صدیق عالم یار	۸۹
عبدالاحد ولسی	۹۰
مهندس عبدالہادی	۹۱
محمد بشیر بشریار	۹۲
سرگرد / جگرن محمد سعید	۹۲
دکتر خلیل احمد ابوی	۹۳
عبدالقیوم بشریار	۹۵
سخی طاہر	۹۶
غلام حیدر جمالی	۹۷
محمد کاتب تگین	۹۸
مولوی عبدالجمیل ظریفی	۹۹
محمد سمیع عدیل	۱۰۰

۱۰۳.....	مهندس محمد شریف
۱۰۳.....	دکتر نجیب الله مسیر
۱۰۵.....	میر عبدالرحمان انصاری
۱۰۶.....	مهندس محمد عزیز
۱۰۸.....	عبدالشیر پیوستون
۱۱۰.....	آمران زون شمال
۱۱۰.....	فدامحمد دهنشین
۱۱۱.....	سید اکرام پی گیر
۱۱۲.....	سید نسیم میهن پرست
۱۱۳.....	دکتر رحمت الله هم درد
۱۱۳.....	فیض الله البرز
۱۱۴.....	مهندس محمد شریف
۱۱۵.....	ژنرال جمعه خان اچک
۱۱۵.....	ژنرال محمد نبی عظیمی
۱۱۷.....	والیان بلغ در دوره حاکمیت دولت اسلامی
۱۲۳.....	میر عبدالرحمان انصاری
۱۲۴.....	مولوی محمد علم
۱۲۶.....	مولوی محمد عثمان سالک زاده
۱۲۸.....	رهبران صفحات شمال
۱۲۸.....	ارتشبد عبدالرشید دوستم
۱۳۰.....	ژنرال عبدالملک
۱۳۳.....	والیان بلغ در دوره امارت اسلامی طالبان
۱۳۸.....	ملا عبدالرزاق
۱۳۹.....	ملا عبدالمنان نیازی
۱۴۰.....	مولوی اختر محمد عثمانی
۱۴۱.....	مولوی خیر الله خیر خواه
۱۴۳.....	مولوی احمد الله مطیع

- ۱۴۳.....ملا نورالله نوری
- ۱۴۵.....والیان بلخ در دوره حاکمیت نظام مردم سالاری**
- ۱۵۰.....محمداسحاق ره گذر
- ۱۵۰.....دکتر حبیب الله حبیب
- ۱۵۲.....ارتشبد/ سترژنرال عطا محمد نور
- ۱۶۱.....محمداسحاق ره گذر
- ۱۶۵.....سرچشمه ها**
- ۱۸۵.....درباره نویسنده این کتاب**

سرسخن

افغانستان امروز، خراسان بزرگ دی‌روز و آریانای کهن، گهوارهٔ فرهنگ و تمدن آریایی، سرزمین خورشید و مهد آزاده‌گان است و بلخ گزین، مادر شهرهای جهان و نخستین پای‌تخت آریانای کهن و خاستگاه پیش‌دادیان، کیانیان، اشکانیان و سامانیان، برآمدگاه آیین‌های مهر و مزدایسنا، زادگاه زردشت و مولانا و صدها تن از بزرگان اندیشه و خرد، نگینی است که بر تارک فخر تاریخ این سرزمین اهورایی می‌درخشد.

به سلسلهٔ کارهای پژوهشی‌یی که تا کنون در معرفی گوشه‌های گوناگون تاریخ بلخ بامی انجام داده‌ام، در پیوند با صدمین سال‌گرد بازستانی استقلال کشور، خواستم مروری بر تاریخ بلخ و زنده‌گی‌نامه و کارنامه‌های والیان آن در یک سدهٔ اخیر، داشته باشم. البته این کار کاملاً تازه و بی‌پیشینه بود و هیچ گونه منبع مدوئی دربارهٔ این موضوع وجود نداشت و دست کم تهیهٔ فهرست کاملی از والیان بلخ از سال ۱۲۹۸/۱۹۱۹ تا امروز کار دشواری بود. با آن‌هم با نستوهی این کار را دنبال کردم و با مراجعه به کتاب‌خانه‌ها به‌ویژه کتاب‌خانهٔ عامهٔ مولانا خال‌محمد خستهٔ ادارهٔ اطلاعات و فرهنگ بلخ و کتاب‌خانهٔ مدرسهٔ اسدیّهٔ بلخ به جست‌وجو در لابه‌لای سال‌نامه‌های کابل و سال‌نامه‌های افغانستان و به همین‌گونه کلکسیون‌های روزنامهٔ محلی «بیدار» و نیز برخی از کتاب‌ها و منابع اینترنتی پرداختم و هم‌چنین به پای صحبت شماری از دوستان خبره و بزرگ‌وار نشستم و نیز زنده‌گی‌نامهٔ شماری از والیان متأخر را از نزد شخص خود شن و یا بسته‌گان شان به دست آوردم و به همین‌گونه برای برگردان متن‌های مورد نیاز از منابع زبان انگلیسی از هم‌کار گرامی‌ام، استاد محمدفرهاد جلال، یاری خواستم و خدای را سپاس‌گزارم که سرانجام توانستم از عهدهٔ این کار توان‌فرسا پیروزمندانه بدر آیم و خدمت دیگری را برای معرفی زادگاهم، بلخ بامی، انجام دهم.

در این اثر پیش از معرفی والیان هر دوره تاریخی، به گونه‌ی فشرده درباره‌ی روی داده‌های مهم بلخ در همان برهه‌ی زمانی روشنی انداخته شده و معرفی هر والی دربرگیرنده‌ی زنده‌گی‌نامه و نیز مهم‌ترین کارنامه‌هایش برای بلخ است. برای فراهم‌آوری آسانی‌ی بیش‌تر به خواننده‌گان، در ذکر تاریخ روی داده‌ها هم‌زمان از دو گاه‌شماری هجری خورشیدی و میلادی و در روی کرد به سرچشمه‌ها از روش درون‌متنی استفاده شده است.

گفتنی است که والیان از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۴۴/ ۱۹۱۹ تا ۱۹۶۵ به نام نایب‌الحکومه، سپس تا سال ۱۳۶۵/ ۱۹۸۶ به نام والی و در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶/ ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ به نام رئیس کمیته اجرائیه شورای نماینده‌گان مردم ولایت یاد می‌شدند و از سال ۱۳۶۶/ ۱۹۸۷ تا کنون دوباره به نام والی یاد شده‌اند و به همین‌گونه در دوره‌های شاهی در شرایطی خاص برای سامان‌بخشی به‌تر کارهای ولایت‌ها کسانی به عنوان رئیس تنظیمیه از پای‌تخت به ولایت مربوط فرستاده می‌شدند که در این میان چند رئیس تنظیمیه برای ولایت‌های شمالی نیز از کابل به بلخ، مرکز ولایت‌های شمالی کشور، فرستاده شده‌اند که جای‌گاهی بالاتر از والی داشتند، مانند غلام‌نبی خان چرخ‌ی در سال‌های ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰/ ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ در زمان شاه امان‌الله خان، نایب‌سالار عبدالرحیم خان در سال ۱۳۰۷/ ۱۹۲۹ و میرزا محمدقاسم خان در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸/ ۱۹۲۹ در دوره‌ی امیر حبیب‌الله کلکانی، میرزا محمدیعقوب خان در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹/ ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ در دوره‌ی پادشاهی محمدنادرشاه و وزیر محمدگل خان مومند از ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۸/ ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۹ در دوره‌های پادشاهی محمدنادرشاه و محمدظاهرشاه. این رؤسای تنظیمیه شمال تا تعیین والی بلخ هم‌زمان به عنوان والی بلخ کار می‌کردند و در حضور والی بلخ نیز از مرکز بلخ رهبری ولایت‌های شمالی کشور را به دوش داشتند. در دوره‌ی حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان، از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۶/ ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ به ترتیب، شش تن: فدا محمد دهنشین، سید اکرام پی‌گیر، دکتر رحمت‌الله هم‌درد، سید نسیم میهن‌پرست، مهندس محمدشریف و فیض‌الله البرز؛ به نام آمر زون شمال ایفای وظیفه کردند که قلم‌رو مسؤلیت شان را پنج ولایت شمالی: بلخ، جوزجان، سمنگان، سرپل و فاریاب با مرکزیت مزار شریف تشکیل می‌داد. پس از آن در همین دوره از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰/ ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱ اداره فرمان‌دهی اوپراتیفی شمال به وجود آمد که در رأس آن به ترتیب ژنرال جمعه‌خان اچک و برای مدتی اندک ژنرال محمدنبی عظیمی قرار داشتند و در دوره حاکمیت دولت اسلامی ساختار رهبری صفحات شمال شکل گرفت که در رأس آن به ترتیب

ژنرال عبدالرشید دوستم و برای مدت کوتاهی ژنرال عبدالملک قرار گرفتند. در دوره حاکمیت امارت اسلامی طالبان از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ / ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ تمام والی‌های بلخ هم‌زمان رئیس‌ان تنظیمی زون شمال برای پنج ولایت بلخ، جوزجان، سمنگان، سر پل و فاریاب بودند. در این کتاب در کنار والیان بلخ به معرفی رئیس‌ان تنظیمی که عنوان والی را نداشتند و آمران زون شمال، فرمان‌دهان گروه اوپراتیفی شمال و رهبران صفحات شمال نیز پرداخته شده است.

پیدا کردن تصویرهای شماری از والیان، رئیس‌ان تنظیمی، آمران زون، فرمان‌دهان گروه اوپراتیفی شمال و رهبران صفحات شمال نیز کار دشوار دیگری که بود که فراراه این پژوهش قرار داشت. این تصویرها بیش‌ترینه از روی سال‌نامه‌های کابل و افغانستان، کلکسیون‌های روزنامه محیطی بیدار و کتاب‌های منبع نسخه‌برداری شده اند و از این رو از کیفیت خوبی برخوردار نیستند و شمار معدودی از تصویرها از برگ‌های اینترنتی و برخی هم از نزد بسته‌گان والیان و یا از نزد دوستان به دست آمده اند؛ با آن هم جای عکس برخی از والیان در این کتاب هم‌چنان خالی مانده است.

با اطمینان خاطر نشان می‌سازم که آخرین تلاش خود را تا اندازه توان و امکان در جست‌وجو و فراهم‌آوری دانستنی‌های مورد نیاز درباره زنده‌گی‌نامه و کارنامه‌های والیان بلخ در درازای نخستین سده پس از بازستانی استقلال کشور، برای نگارش این اثر انجام داده ام و برای غنامندساختن بیش‌تر این کتاب در چاپ‌های آینده، آرزومند هم‌کاری‌های همه‌جانبه و ارائه مشوره‌ها، دیدگاه‌ها، رهنمایی‌ها و پیش‌نهادهای سازنده خواننده‌گان گرامی خواهم بود.

در پایان از همه عزیزانی که به گونه‌یی در پدیدآمدن این اثر با من هم‌کاری کرده اند، به‌ویژه از ورجاوندان محمد‌هاشم پیکار، محمدسمیع عدیل، محمداسماعیل تیمور، محمدانور رزاق‌یار، دکتر محمدصالح مصلح، محمدآصف، عبدالغفار ریعان شمالی، مولوی عبدالجمیل ظریفی، میر عبدالرحمان انصاری، عبدالشیر پیوستون، خلیل‌الله ابوی، شاه‌محمد حکیم، احمدشاه کوه‌یار، مولوی محمدعثمان سالک‌زاده، جمعه‌خان اچک، حبیب‌الله حبیب و سراج‌الدین فرزند روان‌شاد شهید مولوی محمدعلم به خاطر دردست‌رس‌قرار دادن برخی از زنده‌گی‌نامه‌ها و مطالب مورد نیاز، از جناب استاد محمدفرهاد جلال به خاطر برگردان متن‌های مورد نیاز از منابع زبان انگلیسی، از ورجاوندان لعل محمد همت، مولوی ذبیح‌الله حق‌جو، آمر مدرسه عالی اسدیّه بلخ، و مولوی بسم‌الله مسؤول کتاب‌خانه آن مدرسه که کلکسیون‌های روزنامه بیدار را در دست‌رسم گذاشتند، از جناب سیدعلی موسوی به خاطر برگ‌آرایی این کتاب، از جناب محمدصمیم صورت‌گر به خاطر

آماده ساختن طرح روی جلد این کتاب، از جناب محترم الحاج محمد اسحاق ره‌گذر، والی فرهنگ پرور بلخ بامی، که هزینه چاپ این اثر را پرداخته اند و از هم‌سر گرامی ام، بانو مینا خلیق، که با مهربانی و شکیبایی فضایی آرام را برای نگارش این اثر فراهم آوردند سپاس‌گزاری می‌کنم و از خداوند لوح و قلم برای شان پیروزی‌هایی روزافزون می‌خواهم.

صالح محمد خلیق

رئیس اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ

و رئیس انجمن نویسندگان بلخ

مزار شریف، ۱۵ آبان ۱۳۹۸

والیان بلخ در دوره شاه امان‌الله‌خان

(۱۲۹۷ - ۱۳۰۷ / ۱۹۱۸ - ۱۹۲۸)

در ۲۸ مرداد ۱۲۹۸ / ۱۹ اوت ۱۹۱۹ در دوره شاه امان‌الله‌خان، افغانستان استقلال سیاسی خود را از بریتانیای کبیر به دست آورد و نیز خواستار بازسازی پهنه و برخی از جاهای دیگر در مرزهای شمالی از روسیه شد و شماری از نیروهای ارتش و داوطلبان را به یاری کشور بخارا فرستاد؛ اما ارتش شوروی به یاری خیزش حزب هواخواه خود در برابر دولت بخارا، شتافت و با درهم شکستن ارتش ولشکریان یاری‌رسان افغانستان، در آن جا نظام نوی را به نام «جمهوریت ملی شوروی بخارا» به رهبری فیض‌الله خواجه، رئیس آن حزب، پی‌ریزی کرد. (۲۳، ص ۵۱۷)

افغانستان اگرچه با نظام نوپای بخارا نیز پیوندهای سیاسی و هم‌زمان با دولت شوروی پیمان دوستی و همکاری بست، اما دولت شوروی با تداوم پیش‌روی‌های خود، سفیر افغانستان در بخارا را به اتهام داشتن پیوند با چریک‌های آزادی‌خواه آن سرزمین، بیرون کشید و سرانجام کشور بخارا را با خاک خود پیوست. شاه امان‌الله‌خان، با شماری از کشورهای دیگر جهان نیز پیوندهای سیاسی، بازرگانی و فرهنگی برقرار کرد و برنامه‌های نوسازی و بازسازی را در گستره‌های گوناگون زنده‌گی روی دست گرفت، اما شتاب‌زده‌گی در پیاده‌کردن این برنامه‌ها در جامعه بسته و سنتی آن روزگار، واکنش‌هایی را برانگیخت و شورش‌های گسترده‌یی را در پی داشت که به سرنگونی دولت او انجامیدند. (۲۳، صص ۵۲۰، ۵۲۷ - ۵۲۸)

در زمان شاه امان‌الله‌خان در سال ۱۳۰۰ / ۱۹۲۱ که کشور به چهار حکومت اعلا، پنج ولایت و ۴۱۶ واحد اداری کوچک بخش‌بندی شده بود، بلخ یکی از ولایت‌های پنج‌گانه شناخته می‌شد. (۱۹، ص ۲ - ۳)

در دوره پادشاهی شاه امان‌الله‌خان، به ترتیب هفت تن: سردار جمعه‌خان، سردار محمدابراهیم‌خان، سردار عبدالکریم‌خان، سردار محمدسرورخان، سردار محمدعثمان‌خان، عبدالعزیزخان چرخ‌ی و ژنرال غلام‌نبی‌خان چرخ‌ی در بلخ والی بودند که از آن جمله غلام‌نبی‌خان

چرخه در سال‌های ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰/ ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ رئیس تنظیمی ولایت‌های شمالی افغانستان در بلخ و پس از سقوط دولت امانی برای مدت اندکی والی بلخ بود.

مهم‌ترین روی‌داد فرهنگی در زمان شاه امان‌الله‌خان در بلخ، تأسیس روزنامه تاریخی بیدار است که دو سال پس از استرداد استقلال کشور در ۱ اسفند ۱۳۰۰/ ۲۰ فوریه ۱۹۲۲ اتفاق افتاد. انتشار این نشریه در آن روزگار برای بیداری و روشن‌گری مردم نقش سازنده‌ی داشت. این روزنامه هم‌چون نخستین و یگانه نشریه بلخ در تمام دوره شاه امان‌الله جای‌گاهی ویژه در میان روشن‌فکران و فرهنگیان این دیار داشت. بیدار در آن دوره از یک سو خواننده‌گان خود را در متن روی‌دادهای مهم درون‌مرزی و برون‌مرزی قرار می‌داد و از سویی دیگر آنان را با برنامه‌های نوگرایی و پیش‌رفت‌خواهی دولت تازه‌به‌استقلال رسیده آشنا می‌ساخت. نخستین گرداننده‌گان این نشریه، مانند عبدالرزاق بابکر خلیل، عبدالعزیز چرخ، حافظ عبدالقیوم، میرزا خدای‌داد ثاقب، غلام‌حسن غزنوی و میرحیدر حیدی از پیش‌گامان گستره روزنامه‌نگاری و نهضت روشن‌گری افغانستان بودند. از این میان میرحیدر حیدری واپسین مدیر مسؤول و نگارنده نشریه بیدار در دوره شاه امان‌الله‌خان در سال‌های ششم و هفتم نشراتی آن، نگارنده جوان، پرشور و نوخواهی بود که به خاطر نشر و پخش اندیشه‌های روشن‌گرانه به سود نهضت امانی در دوره امیر حبیب‌الله کلکانی در نشریه بیدار، به دست شورشیان کشته شد.

این نشریه با گذشت نزدیک به صد سال هنوز هم به عنوان ارگان نشراتی ریاست اطلاعات و فرهنگ کشور به زنده‌گی نشراتی خود ادامه می‌دهد.^۱

کار ماندگار فرهنگی دیگری که پس از استرداد استقلال کشور، در زمان شاه امان‌الله‌خان در بلخ انجام داده شد تأسیس مکتبی است که امروز به نام دبیرستان استقلال یاد می‌شود. این مکتب در نخستین سال استقلال یعنی در ۱۳۹۸/ ۱۹۱۹ در گذر هژده‌چمن شهر مزار شریف به نام «مکتب شماره اول» به فعالیت آغاز کرد.^۲

^۱ - در طول این سال‌ها باز هم شخصیت‌های نام‌دار گستره‌های ادبیات و روزنامه‌نگاری کشور، چون استاد محمدیوسف آینه، سرشار شمالی روشنی، رازق فانی و دیگران از گرداننده‌گان این نشریه تاریخی بوده‌اند.

^۲ - این مکتب که در دوره پادشاهی شاه امان‌الله‌خان به نام «شماره/ نمره اول یاد می‌شد، در دوره‌های پادشاهی محمدنادرشاه و محمدظاهرشاه به نام «نادرشاهی»، در دوره حاکمیت حزب دیموکراتیک خلق افغانستان/ حزب وطن به نام «ژنرال احمد»، در سال‌های حاکمیت دولت اسلامی به نام «ژنرال دوستم» و در دوره حاکمیت امارت اسلامی

در دوره شاه امان‌الله خان شماری از وزیران از سوی شاه به عنوان رئیس هیأت تنظیمیه برای رسیده‌گی به احوال مردم به دارالحکومه‌گی‌ها/ ولایت‌ها گماشته شدند که از جمله در بلخ، هنگامی که سردار محمدسرورخان والی بلخ بود، در ۲۹ دی ۱۳۰۰/ ۱۹ ژانویه ۱۹۲۲ وزیر عدلیه کشور به این سمت در شمال گماشته شد و به مزار شریف آمد. سردار محمدسرورخان، والی بلخ، یک‌جا با غلام‌جیلانی‌خان سرتیپ/ لوامشر ارتش در شمال و افسران و سربازان توپچی و پیاده و سواره از او با نواختن موزیک نظامی و شلیک ۱۵ توپ پذیرایی کردند و او را به «باغ حضور» شهر مزار شریف آوردند. رئیس هیأت تنظیمیه شمال به خاطر ایجاد سهولت در کارها، شعبه معارف را به عنوان مهم‌ترین بخش کار هیأت به عبدالعزیزخان چرخي فرزند سپه‌سالار غلام‌حیدرخان چرخي یوسف‌زایی سپرد تا شیوه‌های نو آموزش و پرورش را برای بهره‌وری بیش‌تر دانش‌آموزان از دانش‌ها و فنون معاصر آموزش بدهد. به سلسله راه‌اندازی همین آموزش‌ها به روز یک‌شنبه ۹ بهمن ۱۳۰۰/ ۲۹ ژانویه ۱۹۲۲ مکتبی به نام مکتب اصول دفتر امانیه در مزار شریف توسط عبدالعزیزخان چرخي با حضور رئیس و هیأت تنظیمیه و میرزا عبدالله‌خان، مستوفی بلخ، تأسیس و افتتاح شد که در آن روش‌های نو از جمله جدول‌کشی به مدیریت میر امام‌الدین‌خان آموزش داده می‌شد و به همین گونه به روز پنج‌شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۰۰/ ۲ فوریه ۱۹۲۲ مکتبی به نام «مساحت» برای آموزش پیمایش به روش هندسی به دانش‌آموزان پی‌ریزی شد که در آن صوفی عبدالحمیدخان که پیش‌تر در دوره امیر حبیب‌الله در ماشین‌خانه دارالسلطنه کابل کار می‌کرد تدریس می‌کرد. (۸۷، صص ۱ و ۲)

شاه امان‌الله‌خان در سال ۱۳۰۷/ ۱۹۲۹ زمانی که عبدالعزیزخان چرخي در بلخ والی بود، سفری به شهر مزار شریف داشت (۲۳، صص ۵۲۰، ۵۲۷ - ۵۲۸) و در ۲۷ دی ۱۳۰۷/ ۱۷ ژانویه ۱۲۹۲ با تصرف ارگ کابل توسط امیر حبیب‌الله کلکانی به دوره پادشاهی او پایان داده شد. در اوایل بهمن ۱۳۰۷/ فوریه ۱۹۲۹ نیروهای سید حسین دامنه حکومت امیر حبیب‌الله کلکانی را در شمال کشور گسترش داد (۱۹۹) و نایب‌سالار عبدالرحیم‌خان یک‌جا با میرزا محمدقاسم‌خان مزاری در اسفند ۱۳۰۷/ مارس ۱۹۲۹ شهر مزار شریف را بدون خون‌ریزی به دست آوردند و عبدالعزیزخان، واپسین والی بلخ در دوره امانی، را بازداشت کرده به کابل فرستادند (۲۱، جلد یکم،

طالبان در سال ۱۳۷۷/ ۱۹۹۸ با ادغام دیرستان غازی امان‌الله‌خان با آن به دیرستان «آریانا» تغییر نام یافت و از سال ۱۳۸۰/ ۲۰۰۱ بدین سو به نام دیرستان استقلال نامیده می‌شود.

ص ۸۳۰) و به دنبال آن خواجه عطا محمد کوهستانی از سوی امیر حبیب الله کلکانی به عنوان والی بلخ گماشته شد. (۲۱، جلد اول، ص ۸۳۰)

غلام نبی خان چرخ، سفیر افغانستان در مسکو، در اردیبهشت ۱۳۰۸ / مه ۱۲۲۹ با لشکری از پناهنده گان افغانستان و نیروهای شوروی برای اعاده تاج و تخت شاه امان الله خان از آن سوی رود آمو به شهر مزار شریف، مرکز ولایت بلخ، یورش آوردند (۲۳، ص ۵۸۲) و برای مدتی مرکز و برخی از شهرستان های ولایت بلخ را متصرف شدند، اما با رفتن شاه امان الله خان به بیرون از کشور، در تیر / ۱۳۰۸ / ژوئن ۱۹۲۹ آن ها نیز از بلخ به شوروی عقب نشینی کردند.

سردار جمعه خان

سردار جمعه خان در دوره پادشاهی شاه امان الله خان، از ۱۲۹۷ تا ۱۲۹۹ / ۱۹۱۸ و ۱۹۲۰ والی / نایب الحکومه بلخ بود.

سردار جمعه خان فرزند سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله (۲۱۷) از قوم بارکزایی و از دودمان سراج الخواتین، مادر شاه امان الله خان، است. (۲۲۷)

پدرش، سردار عبدالقدوس خان (زاده شده در ۱۲۲۴ و در گذشته ۲۵ اسفند ۱۳۰۶ / ۱۸۴۵ تا ۱۶ مارس ۱۹۲۸) از رهبران نظامی - سیاسی و نخست وزیر یا وزیر دربار امیر حبیب الله پدر امان الله خان بود (۲۲۱) و پسرش محمد سرور گویا اعتمادی و همسرش گوهریگم نام داشتند. (۲۰۳) محمد سرور خان گویا اعتمادی (۱۲۸۰ تا ۱۳۴۶ / ۱۹۰۱ تا ۱۹۶۷)، از ادبیات شناسان شناخته شده معاصر افغانستان است که در منطقه دهمزنگ کابل می زیست و از مصاحبان استاد خلیل الله خلیلی بود و هر دو با هم شب های جمعه بی دل خوانی می کردند. (۲۲۳) سرور خان گویا در سال ۱۳۰۲ / ۱۹۲۳ عضو اداره مطبوعات وزارت امور خارجه و سپس کارمند وزارت آموزش و پرورش، در ۱۳۱۹ / ۱۹۴۰ مشاور ادبی ریاست مستقل مطبوعات و از ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۶ / ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷ مشاور وزیر آموزش و پرورش کشور بود. از سرور گویا آثاری چون: ترجمه بخش سوم شعر العجم شبلی نعمانی از اردو به فارسی دری (کابل، ۱۳۱۵)، تصحیح تاریخ هرات سیفی هروی، تصحیح و ترجمه بخشی از خلاصت الاخبار خواندمیر درباره هرات چاپ کابل و آثار نفیسه هرات به جا مانده اند. (۲۲۰)

سردار جمعه‌خان از ۱۲۹۷ تا ۱۲۹۹/۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد و در سال ۱۲۹۹/۱۹۲۰ به حیث والی/ حاکم اعلای فاریاب/ میمنه گماشته شد و در سال ۱۳۰۰/ ۱۹۲۱ چشم از جهان پوشید و پیکرش را بر بنیاد وصیتش به شهر مزار شریف آورده در صحن آرام‌گاه حضرت علی «ک» به خاک سپردند. (۲۴، ص ۹۸)

سردار محمدابراهیم خان

سردار محمدابراهیم خان در دوره پادشاهی شاه امان‌الله خان در سال‌های ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰/ ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ والی/ نایب‌الحکومه بلخ بود.

سردار محمدابراهیم خان از قوم بارکزایی و از بسته‌گان خاندان سرورسلطان بیگم ملقب به سراج‌الخواتین دختر لوی نایب شیردل خان، یکی از هم‌سران امیر حبیب‌الله و مادر شاه امان‌الله خان، بود و یک‌جا با داماد خود سرلشکر/ فرقه‌مشر عبدالرحمان خان در سال‌های ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰/ ۱۹۲۰ و هم‌زمان ولایت‌های بلخ و هرات را در دست داشتند. پس از او سردار عبدالکریم خان والی بلخ شد. (۹، صص ۱۷۴ - ۱۷۹؛ ۲۲۳)

محمدابراهیم خان والی در زمان سقوط شاه امان‌الله خان در نتیجه شورش که پیش از رسیدن شجاع‌الدوله خان به هرات در شهر هرات به وقوع پیوسته بود، یک‌جا با عبدالرحمان خان، فرمان‌ده لشکری هرات، کشته شدند و خود شجاع‌الدوله نیز پس از مدت کوتاهی حکمرانی در آن‌جا، با آمدن عبدالرحیم خان کوهستانی، یکی از افسران امانی که با امیر حبیب‌الله خان کلکانی پیوسته بود، صحنه را ترک گفت و به بیرون از کشور رفت.

روی‌داد از این قرار بود که در واپسین روزهای پادشاهی شاه امان‌الله خان دو سرلشکر/ فرقه‌مشر در هرات مستقر بودند: یکی محمدغوث خان و دیگری عبدالرحمان خان که داماد سردار محمدابراهیم خان والی/ نایب‌الحکومه بود. در این هنگام از پای‌تخت به محمدابراهیم خان دستور رسید تا واحدهایی را از هرات برگزیده به کندهار بفرستد و محمدابراهیم خواست با استفاده از فرصت داماد خود، عبدالرحمان خان، را در هرات نگاه دارد و غوث‌الدین را به کندهار گسیل کند و این اقدام او باعث برافروخته‌گی سربازان و افسران شد و واحدهای اعزامی به سرکشی پرداختند. چون عبدالرحمان خان در برابر نافرمانی یکی از واحدها از خشونت کار گرفت، جابه‌جا از سوی سربازان شورش کشته شد و زمانی که محمدابراهیم خان والی، شخصاً بدون آماده‌گی قبلی به محل روی‌داد رفت او را هم با داماد دیگرش، محمدصدیق امیر، که مدیر امور خارجه بود مورد

حمله قرار دادند و کشتند. در لایه‌لای همین نابه‌سامانی‌ها سرهنگ/ غندمشر عبدالرحیم‌خان کوهستانی که از سوی امیر حبیب‌الله‌خان کلکانی با رتبه نایب‌سالاری از مزار شریف رهسپار هرات شده به میمنه رسیده بود با شنیدن این خبر با شتاب خود را به هرات رسانید و اوضاع را در کنترل خود درآورد. (۲۸، ص ۴۶)

در زمانی که او والی بلخ بود در سال ۱۳۰۰/ ۱۹۲۱ نخستین مکتب رسمی دولتی در شهر خلم ساخته شد. (۶ ص ۱۳۶)

سردار عبدالکریم‌خان

سردار عبدالکریم‌خان در دوره پادشاهی شاه امان‌الله‌خان، در سال ۱۳۰۰/ ۱۹۲۱ والی/ نایب‌الحکومه بلخ بود.

سردار عبدالکریم‌خان از قوم بارکزایی و مربوط به خاندان سراج‌الخواتین، مادر شاه امان‌الله‌خان، بود و در دوره پادشاهی شاه امان‌الله‌خان در سال ۱۳۰۰/ ۱۹۲۱ به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد. او پیش از سال ۱۳۰۰/ ۱۹۲۱ در زمان شاه امان‌الله‌خان یک‌جا با عبدالعزیز وزیر، محمدسرور والی/ نایب‌الحکومه و نیک‌محمد سرلشکر/ فرقه‌مشر اداره کندهار را در دست داشتند. پیش از وی ولایت‌های بلخ و هرات در دست محمدابراهیم والی/ نایب‌الحکومه و عبدالرحمان سرلشکر/ فرقه‌مشر قرار داشت و اینان همه بارکزایی و مربوط به خاندان سراج‌الخواتین، مادر شاه امان‌الله‌خان، بودند. (۸ صص ۲۵ و ۲۷؛ ۲۲۳)

در زمان سردار عبدالکریم‌خان، والی بلخ، گرمابه پل خشتی در شرق شهر باستانی خلم در کنار رودخانه خلم ساخته شد. این گرمابه دارای ۷ گنبد است که از آجر مربعی و ملاط سیاه‌چونه ساخته شده و دربرگیرنده آب‌انبار، گلخن، سرتراش‌خانه، جامه‌دان، وضوخانه، محل آب‌تنی، دیگ‌های آب گرم و آب سرد و نمازخانه می‌باشد. او این گرمابه را به هزینه شخصی خود در ساحه نیم جریب زمین در گذر تحت تاق شهر خلم در جای‌داد شخصی خود ساخته بود و چون بعداً کس دیگری به نام حبیب‌الله آن را به اجاره گرفته است به نام گرمابه حبیب‌الله نیز شهرت یافته است و امروز به حیث یک بنای تاریخی ثبت میراث‌های فرهنگی بلخ است. (۱۶، صص ۲۶۷ - ۲۶۸)

سردار محمدسرورخان

سردار محمدسرورخان در دورهٔ پادشاهی شاه امان‌الله‌خان از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲/۱۳۲۱ تا ۱۹۲۳ والی/نایب‌الحکومهٔ بلخ بود.

سردار محمدسرورخان از قوم بارکزایی و از خاندان سراج‌الخواتین، مادر شاه امان‌الله‌خان، بود و پیش از این با سردار عبدالکریم‌خان و عبدالعزیزخان وزیر و نیک‌محمد سرلشکر/فرقه‌مشر ادارهٔ کندهار را در دست داشت. (۲۲۷)

در زمانی که سردار محمدسرورخان والی بلخ بود، در روز ۳۰ دی ۱۳۰۰/۱۹ ژانویهٔ ۱۹۲۲ وزیر عدلیهٔ کشور که برای رسیده‌گی به احوال مردم به سمت رئیس هیأت تنظیمیهٔ شمال گماشته شده بود به مزار شریف آمد. سردار محمدسرورخان، والی بلخ، یک‌جا با غلام‌جیلانی‌خان سرتیپ/لوامشر ارتش در شمال و افسران و سربازان از او پذیرایی کردند. وی به خاطر ایجاد سهولت در کارها، شعبهٔ معارف را به عنوان مهم‌ترین بخش کار هیأت به عبدالعزیزخان چرخ‌فرزند سپه‌سالار غلام‌حیدرخان چرخ‌یوسف‌زی سپرد تا شیوه‌های نو آموزش و پرورش برای بهره‌وری بیش‌تر دانش‌آموزان از دانش‌ها و فنون معاصر آموزش بدهد و نیز توسط عبدالعزیزخان مکتبی به نام مکتب اصول دفتر امانیه در مزار شریف به روز یک‌شنبه ۹ بهمن ۱۳۰۰/۲۹ ژانویهٔ ۱۹۲۲ با حضور رئیس و هیأت تنظیمیه و میرزا عبدالله‌خان، مستوفی بلخ، تأسیس و افتتاح شد که در آن روش‌های نو از جمله جدول‌کشی به مدیریت میر امام‌الدین‌خان تدریس می‌شد. به همین‌گونه به روز پنج‌شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۰۰/۲ فوریهٔ ۱۹۲۲ مکتبی به نام «مساحت» برای آموزش پیمایش به روش هندسی به دانش‌آموزان، ساخته شد که در آن صوفی عبدالحمیدخان که پیش‌تر در دورهٔ امیر حبیب‌الله در ماشین‌خانهٔ دارالسلطنهٔ کابل کار می‌کرد درس می‌داد. (۸۷، صص ۱ و ۲) کارهای مهم دیگری که در زمان این والی در بلخ صورت گرفته اند عبارت اند از تأسیس روزنامهٔ «اتحاد اسلام» در ۱ اسفند ۱۳۰۰/۲۰ فوریهٔ ۱۹۲۲ که بعداً به نام «بیدار» تغییر نام یافت (۸۷، صص ۱ و ۲) و پی‌ریزی ادارهٔ شهرداری/بلدیهٔ شهر مزار شریف در همان سال که نخستین شهردار آن محمداعظم خواجه نام داشت. (۸۸، ص ۲)

سردار محمد عثمان خان

سردار محمد عثمان در دوره پادشاهی شاه امان الله خان، از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۶ / ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۷ والی / نایب الحکومه بلخ بود.

سردار محمد عثمان فرزند سردار محمد عمر خان فرزند سردار سلطان احمد خان معروف به سرکار (۲۴، ص ۵۷) در دوره پادشاهی شاه امان الله خان سپه سالار بود و از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۶ / ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۷ به حیث والی / نایب الحکومه بلخ ایفای وظیفه کرد.

پسرش، غلام فاروق خان عثمان دو بار در کابینه محمد هاشم خان و بار سوم در کابینه شاه محمود خان وزیر امور خارجه کشور بود و کسی بود که به صفت معاون هیأت در تعیین خط مرزی میان افغانستان و ایران در شهریور ۱۳۱۳ / سپتامبر ۱۹۳۴ توظیف شده بود. دکتر اکرم عثمان، داستان نویس شناخته شده معاصر کشور، فرزند غلام فاروق خان عثمان و نواسه همین والی بلخ است.

در روزهایی که برخی از روحانیون به رهبری قاضی عبدالرحمان خان پغمانی، قاضی القضاات بحال و از نزدیکان نورالمشایخ، در برابر شاه امان الله خان دست به تحریکاتی زده با صدور فتوای کفر در برابر امان الله خان رهسپار پکتیا شدند، جریده افغان در شماره مؤرخ ۲۱ مهر ۱۳۰۷ / ۱۳ اکتبر ۱۹۲۸ زیر عنوان «عصیان محمد صادق مجددی» خبری را به نشر سپرد مبنی بر این که محمد صادق مجددی همراه با برادرزاده اش و شماری از مردم که برای بغاوت به ولایت جنوبی / پکتیا می رفتند گرفتار شدند که در جمله گرفتار شده گان سردار محمد عثمان خان، ناظم دارالعلوم عربی، و پسرش سردار غلام فاروق خان عثمان نیز شامل بودند و دیوان حرب، حکم اعدام مجددی ها و حبس محمد عثمان خان و پسرش غلام فاروق خان عثمان را صادر کرد.

به قول معتبر عبدالحق واله، سردار هدایت الله معین السلطنه فرزند امیر حبیب الله که از مادر تگابی بود و نواسه محمد عثمان خان سپه سالار می شد باری با سردار محمد عثمان خان و دامادش، محمد صادق مجددی، به خانه جان حضرت به کوه دامن رفت و در آن جا با حبیب الله کلکانی گفت و گو کرد. او در یک توطئه حبیب الله کلکانی را مأمور کشتن شاه امان الله کرده بود، اما زمانی که حبیب الله کلکانی شاه امان الله را در جشن پغمان در دندانه اسپ دوانی دید، حیفش آمد که جوانی به آن زیبایی را از میان ببرد و از این رو پول و تفنگی را که از سردار هدایت الله خان گرفته بود برایش پس داد.

سردار هدایت‌الله مدّتی را در ارگ و سپس در منزل خود در چهارراه ملک اصغر نظربند بود، اما پسان‌ها امان‌الله‌خان او را از بند رها کرد. هدایت‌الله به عنوان پسر بزرگ شاه حقّ پادشاهی را از آن خود می‌دانست و با سرداران دیگری که مخالف سیاست‌های شاه امان‌الله بودند، از جمله با سردار محمدعثمان‌خان، والی پیشین بلخ، و دامادش محمدصادق مجددی هم‌دست بود. هنگامی که امیر حبیب‌الله کلکانی پادشاه افغانستان شد، به سردار عنایت‌الله اجازه داد تا با خانواده خود به ایران برود، ولی سردار محمدعثمان، والی پیشین بلخ، و سردار هدایت‌الله‌خان را به جرم خیانت به برادر و ولی نعمت شان اعدام کرد.

هنگامی که امیر حبیب‌الله‌خان کلکانی آن دو نفر محکوم به اعدام را به کاخ گل‌خانه ارگ نزد خود خواست، به سردار هدایت‌الله‌خان گفت: «تو به برادرت چه کردی که با من کنی؟» و به سردار محمدعثمان‌خان، والی پیشین، بلخ گفت که: «تو سال‌ها نایب‌الحکومه / والی امان‌الله بودی و به او نمک حرامی کردی و جزایت اعدام است.» و به این گونه سردار محمدعثمان‌خان کشته شد. (۱۹۶)

در زمانی که سردار محمدعثمان‌خان والی بلخ بود کتاره‌های دروازه‌خانه‌های شمالی و جنوبی روضه مبارک حضرت علی «ک» در شهر مزار شریف ساخته شده اند. (۲۴، ص ۵۷)

غلام‌نبی‌خان چرخي

ژنرال غلام‌نبی‌خان چرخي در دوران پادشاهی شاه امان‌الله از آذر ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۰ / دسامبر ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۱ رئیس ارتش بلخ / رئیس تنظیمیه ولایت‌های شمالی افغانستان در بلخ بود و در دوره پادشاهی امیر حبیب‌الله کلکانی از ۲ اردیبهشت تا ۷ تیر ۱۳۰۸ / ۲۲ آوریل تا ۲۸ ژوئن ۱۹۲۹ اداره ولایت بلخ را در دست داشت.

غلام‌نبی‌خان چرخي فرزند بزرگ غلام‌حیدرخان چرخي فرزند ملک عبدالصمدخان یوسف‌زی، از شرکت‌کنندگان جنگ دوم افغان و انگلیس و وزیر جنگ و سپهسالار افغانستان در زمان امارت حبیب‌الله‌خان، در سال ۱۲۶۹ / ۱۸۹۰ در شهرستان چرخ ولایت لوگر زاده شد. وی در زمان امیر حبیب‌الله‌خان به مناصب بلند نظامی رسید و به خاطر جای‌گاه بلند پدرش در دربار و دانش و ذکاوتی که خودش در امور نظامی و سیاسی داشت، از شخصیت‌های مطرح در کشور شد. هم‌یاری، هم‌اندیشه‌گی و هم‌رزمی او با شهزاده امان‌الله‌خان نقش زیادی در رسیدن امان‌الله‌خان به قدرت ایفا کرد. (۲۳۱)

وی در سال ۱۲۸۳/۱۹۰۴ به حیث کرنیل در ارتش افغانستان وظیفه داشت و در سال ۱۲۸۴/۱۹۰۵ به رتبه سرهنگی/ غندمشری رسید و سپس در سال ۱۲۸۵/۱۹۰۶ فرمان‌ده لشکری ننگرهار، در سال ۱۲۸۶/۱۹۰۷ فرمان‌ده لشکری کابل و بعد از آن فرمان‌ده جبل‌السراج شد. در سال ۱۲۹۱/۱۹۱۲ در فرونشاندن شورش منگل سهم گرفت و وظیفه خود را پیروزمندانه انجام داد. بعد از آن برای مدتی به اتهام قتل عبدالاحمدخان ملک‌یار، با برادران خود به دستور امیر حبیب‌الله‌خان زندانی شد، ولی پس از آن که دست‌نداشتن آنان در این قضیه روشن شد در خرداد ۱۲۹۷/ ژوئن ۱۹۱۸ از زندان رها شد. (۸، صص ۲۱ و ۲۲)



او در سال ۱۲۹۸/۱۹۱۹ به حیث فرمان‌ده امنیه جلال‌آباد کمیساری دکه را نیز اداره می‌کرد و در همین سال در جنگ استقلال در جبهه مشرقی نیز سهم گرفت. در سال ۱۲۹۹/۱۹۲۰ برای مدت کوتاهی به جای محمدعثمان‌خان در اسمار مقرر گردید، پس از آن از آذر ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۰/ دسامبر ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۱ در فرمان‌دهی سپاه بلخ به عنوان رئیس ارتش/ رئیس تنظیمیه ولایت‌های شمالی افغانستان در بلخ، از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳/ ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۴ سفیر افغانستان در مسکو و در بهار ۱۳۰۳/ ۱۹۲۴ معین وزارت امور خارجه افغانستان بود. سپس از ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۴/ ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۵ شورش منگل‌ها را از طریق لوگر فرو نشاند و پس از آن در سال ۱۳۰۳/ ۱۹۲۴ والی و فرمان‌ده کل ارتش سمت جنوبی، در سال ۱۳۰۴/ ۱۹۲۵ وزیر مختار/ سفیر افغانستان در پاریس و در سال ۱۳۰۷/ ۱۹۲۸ سفیر افغانستان در شهر مسکو بود. (۸، صص ۲۲)

غلام‌نبی‌خان چرخ‌چی که در پکتیا، لوگر، بلخ، کابل و ننگرهار از نفوذ فراوانی برخوردار بود، پس از سقوط امان‌الله‌خان به او وفادار ماند و با ترک‌گفتن سمت سفارت افغانستان در روسیه در سال ۱۳۰۸/ ۱۹۲۹ یک‌جا با نیروهای اتحاد شوروی از راه ترکمنستان به ولایت بلخ آمد و آن ولایت را فتح کرد و تا ۵۰ میلی کابل رسید، اما با شنیدن خبر بیرون‌شدن شاه امان‌الله از کشور و به‌قدرت‌رسیدن محمدنادرشاه دوباره به روسیه رفت و به این گونه در دوره پادشاهی امیر حبیب‌الله

کلکانی از ۲ اردیبهشت تا ۷ تیر ۱۳۰۸ / ۲۲ آوریل تا ۲۸ ژوئن ۱۹۲۹ اداره ولایت بلخ را در دست داشت. (۲۳۱)

غلامنبی خان چرخي در دوره حاکمیت محمدنادرشاه سفير افغانستان در آنکارا، پای تخت ترکیه، بود، اما به رسم اعتراض از این وظیفه کناره‌گیری کرد (۲۱۸) و نامه اعتراضیه‌ی به نادرشاه نوشت که در آن مطالبی را در مورد نقض پیمان‌های وی در برابر امان‌الله خان و یارانش و کتمان کمک‌گرفتن‌های نقدی از دولت انگلستان، یادآور شده بود. (۸ ص ۲۳) او در بیرون از کشور به حزبی پیوست که جمعی از روشن‌فکران کشور به رهبری شاه امان‌الله خان در اروپا تأسیس کرده بودند. غلامنبی خان چرخي بعداً به دستور همین حزب به افغانستان برگشت و به فعالیت‌های زیرزمینی پرداخت (۲۳۱) و به روایتی دیگر بربنیاد تقاضاهای پی‌هم محمدنادرشاه و به دنبال دیدار و تعهدات شاه‌ولی خان، برادر محمدنادرشاه، با او در ترکیه، برای صحبت رویاروی درباره امور مورد اختلاف نظر در سال ۱۳۱۱ / ۱۹۲۳ یک‌جا با شاه‌ولی خان به کابل آمد، ولی در آن‌جا بازداشت و پس از ۲۷ روز در ۱۶ آبان ۱۳۱۱ / ۸ نوامبر ۱۹۳۲ به دستور محمدنادرشاه اعدام شد. پیکرش را بعداً به خانواده‌اش سپردند که بعد از تکفین و ادای نماز جنازه، در گوشه‌ی از باغچه منزل خودش به خاک سپرده شد. (۸ ص ۲۳) بی‌بی مریم، هم‌سر غلامنبی خان چرخي، و اعضای دیگر خانواده‌اش سال‌های درازی را در زندان سپری کردند. آرام‌گاه غلامنبی خان چرخي در منطقه اندرابی شهر کابل واقع است. (۲۱۸)

عبدالعزیز خان چرخي

عبدالعزیز خان چرخي در دوره پادشاهی شاه امان‌الله خان در مهر ۱۲۹۸ / اکتبر ۱۹۱۹ فرمان‌ده کشوری و لشکری بلخ/ مزار شریف و در سال ۱۳۰۷ / ۱۹۲۸ والی/ نایب‌الحکومه بلخ بود.

عبدالعزیز خان چرخي فرزند سپه‌سالار غلام‌حیدرخان چرخي فرزند ملک عبدالصمد خان یوسف‌زی و به گفته مؤلف کتاب «ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان» چهارمین فرزند سپه‌سالار غلام‌حیدرخان چرخي است. مادرش دختری یکی از خان‌های نورستان بود. پدرش غلام‌حیدرخان چرخي (درگذشته سال ۱۲۷۶ / ۱۸۹۷) در فرونشاندن شورش سردار محمداسحاق خان در بلخ در سال ۱۲۶۷ / ۱۸۸۸ و نیز در فتح نورستان در ۱۲۷۰ / ۱۸۹۱ نقش داشت. (۲۲۲) غلامنبی خان چرخي که در دوره پادشاهی شاه امان‌الله خان از آذر ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۰ / دسامبر ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۱ رئیس ارتش بلخ/ رئیس تنظیمیه ولایت‌های شمالی افغانستان در بلخ بود

و سپس در دوره پادشاهی امیر حبیب‌الله کلکانی از ۲ اردیبهشت تا ۷ تیر ۱۳۰۸ / ۲۲ آوریل تا ۲۸ ژوئن ۱۹۲۹ اداره ولایت بلخ را در دست داشت برادرش است.

عبدالغزیزخان چرخ‌چی در سال ۱۲۷۰ / ۱۸۹۱ میلادی زاده شد. در ۲۷ ساله‌گی در زمان امارت



امیر حبیب‌الله‌خان (۱۲۸۰ / ۱۹۰۱ - ۱۲۹۷ / ۱۹۱۸) به حیث افسر توپخانه، در سال ۱۲۹۸ / ۱۹۱۹ به حیث فرمانده ارتش در لشکر/ فرقه اسمار و در مهر ۱۲۹۸ / اکتبر ۱۹۱۹ به رتبه سرهنگی/ غندمشری به فرماندهی کشوری و لشکری ولایت بلخ مقرر شد و پس از ایفای وظایف در بخش‌های گوناگون ارتش به رتبه نایب‌سالاری رسید. (۷، ص ۱۰۵ و ۱۰۶) هنگامی که در ۲۹ دی ۱۳۰۰ / ۱۹ ژانویه ۱۹۲۲ وزیر عدلیه کشور به عنوان رئیس هیأت تنظیمیه به مزار شریف آمد، بخش آموزش و پرورش به

عبدالغزیزخان چرخ‌چی سپرده شد و عبدالغزیزخان در ۹ بهمن ۱۳۰۰ / ۲۹ ژانویه ۱۹۲۲ مکتبی را به نام مکتب اصول دفتر امانیه در مزار شریف و به همین‌گونه در ۱۳ بهمن ۱۳۰۰ / ۲ فوریه ۱۹۲۲ مکتب دیگری را به نام «مساحت» برای آموزش پیمایش به روش هندسی به دانش‌آموزان پی‌ریزی کرد (۸۷، صص ۱ و ۲) و به دنبال آن بر پایه نبشته‌یی از دانش‌مند و روزنامه‌نگار کشور، روان‌شاد سرور جویا، وی از نخستین نگارنده‌گان مسؤول نشریه اتحاد اسلام در بلخ بود. (۸۴، صص ۸۳ - ۸۴)

عبدالغزیزخان چرخ‌چی در سال ۱۳۰۱ / ۱۹۲۲ به حیث ژنرال در دره کتر به رتبه سرهنگی/ غندمشری، در سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ / ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴ به حیث حاکم نظامی ولایت لغمان، در سال ۱۳۰۵ / ۱۹۲۶ به حیث معین وزارت امور داخله کشور و در سال ۱۳۰۷ / ۱۹۲۸ به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد. (۸، صص ۱۰۵ - ۱۰۶)

هنگامی که امیر حبیب‌الله کلکانی در کابل به قدرت رسید، عبدالرحیم‌خان نایب‌سالار را به حیث رئیس تنظیمیه به ولایت بلخ فرستاد. عبدالغزیزخان، والی بلخ، اگرچه گردان‌ها/ کندک‌های نظامی را به سوی سمنگان به حرکت درآورده بود، ولی انتشار برگه‌های تبلیغی فرمانده عبدالرحیم‌خان و معاونش میر محمدقاسم‌خان مزاری، سربازان دولت را به شورش و بازداشت

افسران شان واداشت. کوشش‌های فرمان‌ده دولت امانی، محمداکلیل خان، هم به جایی نرسید و او یک‌جا با عبدالعزیزخان، والی بلخ، به اسارت هواخواهان امیر حبیب‌الله کلکانی درآمدند. (۲۱، ص ۸۳۰)

عبدالعزیزخان، والی بلخ، پس از این که توسط هواخواهان حبیب‌الله کلکانی بازداشت شد به کابل فرستاده شد، اما او موفق به فرار شده به کویته و از آن‌جا به مشهد رفت و تا سال ۱۳۰۸/ ۱۹۲۹ در آن‌جا باقی ماند. در سال ۱۳۰۹/ ۱۹۳۰ از طریق هندوستان به کابل آمد و در خرداد ۱۳۰۹/ ژوئن ۱۹۳۰ هنگامی که حامل پیامی از سوی نادرشاه برای برادرش غلام‌صدیق‌خان چرخ‌ی به برلین بود، در راه مسافرت پیش از رسیدن به برلین با امان‌الله‌خان و ملکه ثریا در شهر روم دیدار کرد (۸، ص ۱۰۶) و در سال ۱۳۱۰/ ۱۹۳۱ همراه با امان‌الله‌خان به زیارت خانه خدا مشرف شد و در آوان جنگ جهانی خبرها و تبصره‌های سیاسی جنگ را در رادیوی روم به زبان فارسی دری گوینده‌گی می‌کرد. او همچنین نزد برادرش، غلام‌نبی‌خان چرخ‌ی، به آنکارا، پای‌تخت ترکیه، و سپس به برلین رفت و تا سال ۱۳۴۱/ ۱۹۶۲ در آن‌جا باقی ماند و سرانجام در همان سال در برلین در اثر حمله قلبی چشم از جهان پوشید (۵، صص ۴۱ - ۴۲) و در حظیره مسلمانان ترک به خاک سپرده شد. (۸، ص ۱۰۶)

در زمانی که عبدالعزیزخان چرخ‌ی والی بلخ بود در سال ۱۳۰۷/ ۱۹۲۸ شاه‌امان‌الله‌خان سفری به شهر مزار شریف داشت.

والیان بلخ در دورهٔ امیر حبیب‌الله کلکانی

(۲۷ دی ۱۳۰۷ - ۲۳ مهر ۱۳۰۸ / ۱۷ ژانویه - ۱۵ اکتبر ۱۹۲۹)

امیر حبیب‌الله کلکانی پس از فروپاشی دولت امانی در ۲۷ دی ۱۳۰۷ / ۱۷ ژانویه ۱۲۹۲، در اوایل بهمن ۱۳۰۷ / فوریه ۱۹۲۹ نیروهای سید حسین را برای گسترش دامنهٔ حکومت خود به شمال افغانستان (۱۹۹) و نایب‌سالار عبدالرحیم‌خان را که دو سال پیش در سال ۱۳۰۵ / ۱۹۲۶ فرمان‌ده توپخانهٔ نیروهای ارتش مستقر در ولایت بلخ بود با میرزا محمدقاسم‌خان مزاری، یک تن از شخصیت‌های اجتماعی بلخ، به عنوان رئیس تنظیمیهٔ شمال به ولایت بلخ فرستاد. عبدالرحیم‌خان در اسفند ۱۳۰۷ / مارس ۱۹۲۹ از راه درهٔ صوف وارد شهر مزار شریف و در پادگان شهرستان ده‌دادی جابه‌جا شد و پس از این که مزار شریف را بدون جنگ به دست آورد عبدالعزیزخان، واپسین والی بلخ در دورهٔ امانی، را بازداشت کرد و به کابل فرستاد (۲۱، جلد یکم، ص ۸۳۰) و خودش از راه میمنه ره‌سپار هرات شد. به دنبال ورود نایب‌سالار عبدالرحیم‌خان و میرزا محمدقاسم به مزار شریف، خواجه عظامحمد کوهستانی از سوی امیر حبیب‌الله کلکانی به عنوان والی بلخ از کابل به مزار شریف آمد. (۲۱، جلد یکم، ص ۸۳۰) عبدالعزیزخان، والی دورهٔ امانی بلخ، برای پیش‌گیری از پیش‌روی نیروهای اعزامی امیر حبیب‌الله کلکانی اگرچه گردان‌ها/کندک‌های نظامی را به سمندگان سوق داده بود، ولی انتشار برگه‌های تبلیغی فرمان‌ده عبدالرحیم‌خان و معاونش میر محمدقاسم‌خان مزاری، سربازان دولت را به شورش و بازداشت افسران شان واداشت. کوشش‌های فرمان‌ده دولت امانی، محمداکلیل‌خان، هم به جایی نرسید و محمداکلیل‌خان یک‌جا با والی امانی بلخ به اسارت هواخواهان حبیب‌الله کلکانی درآمدند. (۲۱، جلد یکم، ص ۸۳۰) و به این گونه بلخ به تصرف نیروهای امیر حبیب‌الله کلکانی افتاد.

عبدالرحیم‌خان پیش از این که از مزار شریف ره‌سپار هرات شود، فرمان‌دهی لشکر بلخ را به افسری به نام شیرعلی‌خان سپرد، اما این آرامش در بلخ دیری نپایید و غلام‌نبی‌خان چرخ، سفیر

افغانستان در مسکو، در اردیبهشت ۱۳۰۸ / مه ۱۲۲۹ با لشکری از پناهنده‌گان افغانستان و ۸۰۰ سرباز ارتش سرخ به فرمان‌دهی کلنل ک. م. پریماکوف، وابسته پیشین نظامی اتحاد شوروی در کابل، با تن‌پوش‌های کشوری در چتر پشتی‌بانی چند فروند هواپیما از آن سوی رود آمو به شهر مزار شریف، مرکز ولایت بلخ، یورش آوردند. (۲۳، ص ۵۸۲)

شیرعلی‌خان، فرمان‌ده نظامی پادگان ده‌دادی ولایت بلخ، با نیروهای زیر فرمانش و همکاری شماری از پناهجویان بخارا به رهبری خلیفه قزل‌ایاق و مردم بلخ به رهبری داملا عرب خلمی در برابر مهاجمان شوروی ایستادند، اما مهاجمان با برتری جنگ‌افزار به ویژه نیروی هوایی خویش پایداری آنان را درهم شکستند و بر شهرهای مزار شریف و شهرستان‌های ده‌دادی و خلم دست یافتند و به سوی سمنگان پیش رفتند. (۲۳، صص ۵۸۵ - ۵۸۶، ۶۰۳)

تفصیل این روی‌داد چنین است که در اواخر اسفند ۱۳۰۷ / اوایل مارس ۱۹۲۹ دولت شوروی در واکنش به روی‌دادهای افغانستان و تهاجم نیروهای شورشی مهاجر بخارا از شمال افغانستان به آن کشور، برای مداخله به افغانستان آماده شدند. امیر حبیب‌الله کلکانی با گرفتن تماس با امیر بخارا و ابراهیم‌بیگ می‌خواست آنان را در حمله به بخارا هم‌کاری کند. همان بود که غلام‌صدیق‌خان، وزیر امور خارجه افغانستان، و غلام‌نبی‌خان چرخ، سفیر افغانستان در مسکو، دیدار بسیار محرمانه‌یی با استالین، سردبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست سراسری روسیه / بالشویک، انجام دادند و روی اوضاع سیاسی افغانستان و کمکی که اتحاد شوروی برای دولت سرنگون‌شده افغانستان به رهبری شاه امان‌الله‌خان، می‌توانست روی دست بگیرد گفت‌وگو کردند. پس از این دیدار به زودی هدایتی از مسکو به تاشکند رسید که هرچه زودتر گروه ویژه‌یی از کمونیست‌ها و کمسمول‌ها / اعضای سازمان کمونیستان جوان شوروی برای اعزام به افغانستان به وجود بیاید. افراد شرکت‌کننده در این کارزار را شخص م. گرمانوویچ، معاون فرمان‌ده حوزه نظامی ترکستان، برمی‌گزید. (۱۹۹)

^۱ - درباره روی‌داد نخستین تجاوز شوروی به افغانستان در زمان امیر حبیب‌الله کلکانی، استاد خلیل‌الله خلیلی که در آن هنگام مستوفی ولایت بلخ و گواه عینی این روی‌داد بود رساله‌یی دارد به نام «نخستین تجاوز روسیه بر افغانستان» و نیز نویسنده و پژوهش‌گر معاصر بلخ، عزیز آریان‌فر، کتابی را زیر نام «نخستین نبرد سپاهیان شوروی در افغانستان در سال ۱۹۲۹» از زبان روسی به فارسی دری برگردانده است و در این اواخر عبدالرحیم احمد پروانی مقاله‌یی را زیر عنوان «جنگ داخلی افغانستان؛ سال‌های ۱۲۲۸ - ۱۲۲۹» از زبان روسی به فارسی دری برگردانده و در صفحه اینترنتی «نویا جوادان» منتشر کرده است که در این اثر از آن بهره برده شده است.

در فروردین/ آوریل ۱۹۲۹ نخستین تجاوز نیروهای شوروی به افغانستان در ولایت بلخ به فرمان‌دهی ژنرال پریماکوف در هم‌دستی با غلام‌نبی‌خان چرخ‌ی در حالی که با دو هزار شمشیر، چهار جنگ‌افزار سنگین کوهی، دوازده مسلسل پایه‌یی و دوازده مسلسل دستی و دست‌گاه مخابره مجهز بودند و یونیفرم ارتش افغانستان را به تن داشتند به وقوع پیوست. ریاست ارکان این دسته را غلام‌حیدرخان، یک تن از افسران افغانستان، به دوش داشت.

در ۲۶ فروردین ۱۳۰۸/ ۱۵ آوریل ۱۹۲۹ غلام‌نبی‌خان چرخ‌ی با دسته‌یی از افسران افغانستانی که از روسیه و ترکیه و کشورهای اروپایی به او پیوسته بودند یک‌جا با نیروهای مشترک اتحاد شوروی و افغانستانی‌های هواخواه شاه امان‌الله به فرمان‌دهی و. پریماکوف با عبور از رود آمو از طریق شهر ترمذ وارد ولایت بلخ شدند و پاس‌گاه مرزی بلخ را در پَتَکِیسَر با حملهٔ نیروهای هوایی به تصرف خود درآوردند و در این نبرد از ۵۰ سربازی که در آن پاس‌گاه وجود داشتند تنها دو نفر زنده ماندند. به دنبال آن نیروهای پریماکوف با ضد حملهٔ نیروهای مستقر در پاس‌گاه مرزی سیاگرد ولایت بلخ روبه‌رو شدند که در نتیجهٔ نیروهای پریماکوف این پاس‌گاه را نیز به تصرف درآورده به پیش‌روی به سوی شهر مزار شریف ادامه دادند. به همین‌گونه نیروهای شوروی به شهر کالف/ کلفت ولایت بلخ رسیدند و از نیروهای مستقر در آن شهر خواستند که جنگ‌افزارهای خود را به زمین گذاشته به خانه‌های خود بروند؛ و چون آن نیروها مقاومت کردند با شلیک توپ و مسلسل آنان را مجبور به فرار کردند.

در ۲۸ فروردین ۱۳۰۸/ ۱۷ آوریل ۱۹۲۹ نیروهای شوروی به فرمان‌دهی پریماکوف شهر مزار شریف را که مدافعانش فرار کرده بودند به تصرف خود درآوردند. در ۲ اردیبهشت ۱۳۰۶/ ۲۲ آوریل ۱۹۲۹ نیروهای شوروی با مقاومت شدید شبه نظامیان در شهر مزار شریف برخوردند، اما مسلسل‌داران پریماکوف مردم این شهر را به رگ‌بار آتش بستند و در جریان یک هفته که جنگ در مزار شریف ادامه داشت ۵۰۰ تن از هواخواهان امان‌الله‌خان به این نیروها پیوستند که از آنان یک کندک/ گردان پدید آمد. (۱۹۹)

محمّدقاسم‌خان، نایب‌الحکومهٔ امیر حبیب‌الله کلکانی، و خلیل‌الله، معاون او، با نیروهای شکست‌خوردهٔ خود به سوی میمنه عقب‌نشینی کردند و غلام‌نبی‌خان چرخ‌ی مزار را زیر ادارهٔ خود درآورد. (۲۸، ص ۴۷)

در ۴ اردیبهشت ۱۳۰۵/ ۲۴ آوریل ۱۹۲۹ لشکر مستقر در پادگان ده‌دادی تلاش کرد تا نیروهای شوروی را از شهر مزار شریف بیرون براند. همان بود که نیروهای نظامی و شبه نظامیان

با شعارهای مذهبی در صفوفی فشرده چندین بار با تحمل تلفاتی سنگی در برابر آتش مسلسل شتافتند، تا اندازه‌یی که پریماکوف ناگزیر شد از طریق مخابره نیروهای کمکی اتحاد شوروی را از تاشکند بخواند.

در ۵ اردیبهشت ۱۳۰۸ / ۲۵ آوریل ۱۹۲۹ نیروهای تازه‌نفس شوروی مجهز با مسلسل‌ها با شتاب از طریق رود آمو برای یاری به پریماکوف فرستاده شدند، اما با حمله برق‌آسای نیروهای مجاهدان ولایت بلخ به قلب نیروهای پریماکوف، روبه‌رو شده دوباره به کشور خود برگشتند.

در ۶ اردیبهشت ۱۳۰۸ / ۲۶ آوریل ۱۹۲۹ نیروهای هوایی اتحاد شوروی ده مسلسل و دو یست مرمی توپ به نیروهای پریماکوف رسانیدند. سرانجام نیروهای امیر حبیب‌الله کلکانی شهر مزار شریف را که در تصرف نیروهای شوروی درآمده بود در محاصره گرفتند و مجراهای آب را به شهر بستند و در نتیجه سروصدای گردان/ کندک هواخواه امان‌الله‌خان بلند شد و نزدیک بود که به قیام مسلحانه آن گردان بینجامد. پریماکوف از این روی داد بسیار نگران شد و از طریق مخابره از تاشکند خواهان نیروها و تجهیزات بیش‌تر نظامی از جمله نارنجک‌های گازدار شد و هشدار داد که در غیر آن صورت باید عقب‌نشینی کنند. (۱۹۹)

غلام‌نبی‌خان پس از تصرف شهر مزار شریف نیروهای خود را بدون درنگ به سوی کابل فرستاد. این نیروها در ظرف چند روز خلم را هم به دست آوردند و نیروهای سید حسین را که از طریق آبدان میرعلم به سوی آنان شتافته بود شکست دادند و خود از اییک از راه کتل دندان‌شکن به سوی درهٔ بامیان پیش‌روی کردند. (۲۸، ص ۴۷)

حملهٔ غلام‌نبی‌خان به شهر بلخ هم‌زمان با رسیدن شاه امان‌الله‌خان به غزنه بود. نیروهای ابراهیم‌بیگ لقی خطوط مواصلاتی نیروهای غلام‌نبی‌خان را مورد تهدید قرار دادند و غلام‌نبی‌خان ناگزیر شد تا نیروهای احتیاطی خود را از مزار شریف برای دفع آنان بفرستد و به این‌گونه شهر مزار شریف از نیروهای نظامی خالی شد. نیروهای شکست‌یافتهٔ حبیب‌الله کلکانی که در اطراف شهرستان ده‌دادی پراکنده بودند با استفاده از فرصت با یک برنامهٔ ماهرانه خواستند بر غلام‌نبی‌خان دست یابند و به این منظور توسط یک فرستادهٔ خود به او پیام دادند که خود را تسلیم می‌کنند و همان بود که با شماری از ملاها با بیعت‌نامهٔ مهر و امضاشده به سوی شهر مزار شریف حرکت کردند.

غلام‌نبی خان نخست از همه گروهان/ تولى نگهبان خود را دستور آماده‌باش داده در نقاط حاکم جابه‌جا کرد و سپس خودش برای پذیرایی از ساختمان بیرون شد و دید که جمعیت انبوهی با لباس‌ها و قدیفه‌های سفید با پارچه‌های سفیدی که بر نوک چوب‌ها برافراشته بودند از گذر عزیزآباد به سوی باغ حضور که مقرّ ولایت بود پیش می‌آیند. (۲۸، ص ۴۸ و ۴۹) ولی همین که در تیررس باغ رسیدند از زیر قدیفه‌ها تفنگ‌های خود را بیرون کشیدند. غلام‌نبی خان با دیدن این وضعیت تفنگ یاور خود را گرفت و یک تیر هوایی آتش کرد. گروهان محافظ با شنیدن صدای آتش او، جمعیت را زیر آتش‌باری مسلسل‌های خود قرار دادند و آنان را تا فاصله‌های دور دنبال کردند و متواری ساختند. (۲۸، ص ۵۰)

در ۱۵ خرداد ۱۳۰۸ / ۵ ژوئن ۱۹۲۹ دومین دسته ارتش سرخ شوروی ملّس با یونیفرم سربازان افغانستان با ۴۰۰ نفر و شش توپ و هشت مسلسل به فرمان‌دهی ای. پتروف از شوروی وارد ولایت بلخ شد و تا آخرین نفر نیروهای مرزی بلخ را که در برابر تجاوز شوروی ایستاده‌گی کردند با آتش توپ‌خانه و مسلسل خود از بین بردند.

در ۱۶ خرداد ۱۳۰۸ / ۶ ژوئن ۱۹۲۹ نیروهای هوایی شوروی چندین بار قطعات جنگی امیر حبیب‌الله کلکانی را در نواحی شهر مزار شریف که از ۲ اردیبهشت/ ۲۲ آوریل در تصرف نیروهای شوروی زیر فرمان‌دهی پریماکوف بود بم‌باران کردند.

در ۱۷ خرداد ۱۳۰۸ / ۷ ژوئن ۱۹۲۹ نیروهای پتروف توانستند پس از تهاجم دوازده (۱۵ تا ۱۷ خرداد/ ۵ تا ۷ ژوئن) نیروهای پریماکوف را در مزار شریف از محاصره نجات دهند و به این‌گونه نیروهای شوروی نیروهای امیر حبیب‌الله کلکانی را از مزار شریف بیرون کشیدند و پادگان دهادی را محاصره کردند.

در ۱۸ خرداد ۱۳۰۸ / ۸ ژوئن ۱۹۲۹ نیروهای شوروی پس از آتش‌باری توپ‌خانه و بم‌باران هوایی، نیروهای افغانستان را از قلعه جنگی دهادی بیرون رانده غنایم سرشاری از جمله ۵۰ توپ، ۲۰ مسلسل و مقدار زیادی جنگ‌افزار سنگین و سبک را به دست بیاورند.

در ۲۰ خرداد ۱۳۰۸ / ۱۰ ژوئن ۱۹۲۹ نیروهای پریماکوف پس از استراحت دوازده به سوی خلم به راه افتادند و در ۲۱ خرداد/ ۱۱ ژوئن سه هزار نفر از نیروهای ابراهیم‌بیگ و یک و نیم هزار نفر از نیروهای افغانستان زیر فرمان‌دهی سید حسین، وزیر دفاع افغانستان، را از بین بردند و در ۲۲ خرداد/ ۱۲ ژوئن نیروهای شوروی بلخ و در ۲۳ خرداد/ ۱۳ ژوئن خلم را به تصرف خود درآوردند.

در ۲۸ خرداد ۱۳۰۸ / ۱۸ ژوئن ۱۹۲۹ قطعات شوروی پریماکوف به اتحاد شوروی فراخوانده شدند و پریماکوف با هواپیمای ویژه‌یی که برایش فرستاده شده بود به تاشکند پرواز کرد و فرمان‌دهی نیروهای شوروی را چرپانوف به دوش گرفت.

در ۱ تیر / ۲۲ ژوئن شاه امان‌الله کشور را ترک گفت و در ۶ تیر / ۲۳ ژوئن سید حسین، وزیر دفاع با نیروهای تازه‌نفسی که از مرکز کشور فراخوانده بود به خلم حمله کرد و آن شهر را به دست آورد و نیروهای چرپانوف که ارتباط شان با نیروهای داخلی هوادار امان‌الله قطع شده بود از خلم بیرون رفتند.

اما در ۴ تیر / ۲۵ ژوئن پس از آتش‌باری توپخانه و بمباران هواپیماهایی که از شوروی توسط مخابره فرا خوانده شده بودند، قطعات ارتش سرخ چرپانف بار دیگر وارد شهر خلم شدند و جنگ شدید خیابانی در داخل شهر در گرفت و شهر سه بار دست به دست گشت.

در ۷ تیر / ۲۸ ژوئن در روز دوم جنگ، نیروهای شوروی چرپانف شهر خلم را باز هم تصرف کردند. در جریان جنگ خلم، توپخانه چرپانف تقریباً تمام مهمات خود را به مصرف رسانید و بیش‌تر از نصف مسلسل‌ها و تجهیزاتش از کار افتادند. ده نفر از سربازان ارتش سرخ کشته شدند و سی نفر دیگر زخم برداشتند. قطعه داخلی هواخواه امان‌الله خان هفتاد و چهار نفر کشته و یک‌صد و هفده نفر زخمی داشت. (۱۹۹)

غلام‌نبی خان هنوز دل‌خوش پیش‌روی نیروهای اعزامی خود به کابل بود و خود روز و شب از مزار شریف و اطراف آن پاس‌داری می‌کرد که تلگراف برادرش، غلام‌صدیق خان، مبنی بر خبر بیرون‌شدن امان‌الله خان از افغانستان برایش رسید. برادرش از او خواسته بود تا به زودی نیروهای خود را جمع‌آوری کرده برای بیرون‌شدن آماده‌گی بگیرد. (۲۸، ص ۵۰)

غلام‌نبی خان با گرفتن این پیام متردد شد که بیرون برود و یا برنامه خود را ادامه بدهد. در همین حال پیام تلفنی غلام‌حیدرخان، رئیس ارکان نیروهای اعزامی او، از خلم برایش رسید که از بازگشت سید حسین در رأس یک نیروی بزرگ به سوی خلم خبر می‌داد. با آن‌هم وی برای سه روز این خبر را پنهان نگاه داشت تا این که در ۷ تیر / ۱۳۰۸ / ۲۸ ژوئن ۱۹۲۹ چرپانوف رادیوگرامی از ریاست ارکان حوزه نظامی ترکستان مبنی بر بازگشت به شوروی به دست آورد و در جریان چند روز این دستور مورد تطبیق قرار گرفت. (۱۹۹)

و به این گونه نیروهای شوروی، ولایت بلخ و کشور ما را ترک گفتند و غلام‌نبی‌خان آخرین کسی بود که در کنار رود آمو پا به کشتی گذاشت و رفت. (۲۸، ص ۵۱)

در مجموع در این نبردها از نیروهای شوروی، یگان‌های گروهان/ غند ۸۱ سواره‌نظام، یک گروهان کوهی و هفت لشکر/ فرقهٔ توپ‌خانهٔ سوارهٔ کوهی شرکت کرده بودند. دولت شوروی برای سه‌صد تن از افراد قطعات مذکور نشان ستارهٔ سرخ و برای دیگران هدایای گران‌بهای داد.

پس از بیرون‌رفتن نیروهای شوروی و غلام‌نبی‌خان چرخ از بلخ به بیرون از کشور، در تیر ۱۳۰۸/ ژوئیهٔ ۱۹۲۹ امیر حبیب‌الله کلکانی فرمانی را مبنی بر ممانعت فعالیت ابراهیم‌بیگ در برابر اتحاد شوروی، صادر کرد و این فرمان را در مراکز تجمع گروه ابراهیم‌بیگ در خان‌آباد، آق‌تپه و چهاردره خواندند و در نتیجه بسیاری از افراد آن گروه به خانه‌های خود رفتند و از سه هزار نفر تنها هفت‌صد نفر در نزد ابراهیم‌بیگ باقی ماندند. (۱۹۹)

پس از بیرون‌شدن نیروهای شوروی آرامش دوباره به ولایت بلخ برگشت تا این که در ۲۴ مهر ۱۳۰۸/ ۱۶ اکتبر ۱۹۲۹ با سرنگونی امیر حبیب‌الله کلکانی و به قدرت‌رسیدن محمدنادرشاه در کابل، ولایت بلخ نیز در قلمرو حاکمیت محمدنادرشاه قرار گرفت.

در دورهٔ امیر حبیب‌الله کلکانی روزنامهٔ بیدار با نام نو «رهبر اسلام» به نگارنده‌گی عبدالصمد جاهد دوباره در شهر مزار شریف به نشرات پرداخت. (۱۲، صص ۱۰ - ۱۱؛ ۸۴، ص ۸۴)

مردم ولایت بلخ، دورهٔ حاکمیت امیر حبیب‌الله کلکانی را دورهٔ انقلاب می‌نامیدند و در آن دوره در اثر جنگ‌های میان هواخواهان امیر حبیب‌الله کلکانی و شاه امان‌الله‌خان روزگار تلخی را می‌گذراندند و تلفات زیاد جانی و زیان‌های مالی را متقبل می‌شدند. گروه‌های مسلح مردمی وابسته به طرفین درگیر، در کوچه‌ها و گذرهای شهر مزار شریف با حمله به مناطق هم‌دیگر دست به کشتار مردمان ملکی و تاراج خانه‌ها می‌زدند و اسیران جنگی هم‌دیگر را شکنجه می‌کردند، در هنگام دست‌به‌دست‌شدن شهر مزار شریف، زندانیان زندان دولتی تعویض می‌شدند و نیروهای فاتح هواخواهان خود را از زندان‌رها و به جای آن‌ها مخالفان خود را زندانی می‌کردند. در تهاجم نیروهای شوروی با هم‌دستی غلام‌نبی‌خان چرخ بیش‌ترین تلفات جانی را سربازان دولتی متحمل شدند، زیرا نیروهای مهاجم نیروهای دولتی را با جنگ‌افزارهای پیش‌رفته، از جمله مسلسل و هواپیما آماج قرار می‌دادند. مردم بلخ از خاطره‌های تلخ جنگ‌های آن دوره تا چندین

دهه در محافل و مجالس خود یاد می کردند و حتّا آن دوره تاریخی را به عنوان یک مقطع زمانی نشانی شده برای تعیین سن و سال خویش به کار می بردند.^۱

نایب سالار عبدالرحیم خان

نایب سالار عبدالرحیم خان در دوره پادشاهی امیر حبیب الله خان کلکانی برای مدّت کوتاهی در اسفند ۱۳۰۷ و فروردین ۱۳۰۸ / مارس - آوریل ۱۹۲۹ رئیس تنظیمیّه و والی بلخ بود.

نایب سالار عبدالرحیم خان فرزند عبدالقادر خان فرزند نورخان بابای صافی در اواسط سلطنت امیر عبدالرحمان خان در سال ۱۲۷۴ / ۱۸۹۵ در روستای علی خیل شهر محمود راقی، مرکز ولایت کاپیسا، زاده شد. پس از سپری کردن دوره آموزش های نخستین، آموزش مسلکی را در رشته نظامی در دوران امیر حبیب الله خان ادامه داد و مدت سه سال را در دسته سروران امیر به حیث افسر ایفای وظیفه کرد و سپس برای مدّت ده سال فرمان ده لشکر / فرقه هرات بود. هنگامی که شاه امان الله خان به قدرت رسید در کنار وظیفه پیشین پاس داری مرزهای هرات نیز به او سپرده شد. سپس در سال ۱۳۰۵ / ۱۹۲۶ در نیروهای نظامی مستقر در ولایت بلخ به حیث فرمان ده توپخانه گماشته شد. هنگامی که از



سوی فرمان ده لشکر / فرقه مزار شریف در رأس یک واحد نظامی برای رسانیدن مقداری پول و جنگ افزار رهسپار کابل بود هواخواهان حبیب الله کلکانی جبل السراج را در محاصره گرفته بودند و

^۱ - پدرم، صوفی محمدعیسا (۱۲۸۸ - ۱۳۶۶ / ۱۹۰۹ - ۱۹۸۸) فرزند محمدیوسف، فرزند حاج خضر محمد فرزند صوفی محمدجان فرزند سردار محمدخان، که در در دوره حاکمیت امیر حبیب الله کلکانی در فروردین ۱۳۰۸ / مارس ۱۹۲۹ در لشکر / فرقه ۱۸ در پادگان شهرستان ده دادی ولایت بلخ به خدمت سربازی رفته بود، پس از روی داد تهاجم نیروهای شوروی در هم دستی با غلام نبی خان چرخي به شهر مزار شریف و سقوط آن شهر و شهرستان های ده دادی، بلخ و خلم ولایت بلخ در بهار سال ۱۳۰۸ / ۱۹۲۹ به دست آن نیروها، در جریان نبرد با نیروهای شوروی به اسارت آن نیروها افتاد و مدّت هژده شبانه روز را در زندان مزار شریف گذرانید و پس از این که نیروهای شوروی و غلام نبی خان چرخي ولایت بلخ را ترک گفتند از زندان رها شد.

او با تغییر مسیر از راه گردنه حاجی گک به کابل آمد و پول و جنگ افزارها را به دولت امان الله خان سپرد. او با وجودی که وابسته گانش به حبیب الله خان کلکانی پیوسته بودند، تا زمان استعفاى سردار عنایت الله خان، پادشاه سه روزه کابل، به دولت امانی وفادار ماند و بعداً با امیر حبیب الله کلکانی هم کار شد و از سوی او به رتبه نایب سالاری رسید. (۲۱۶)

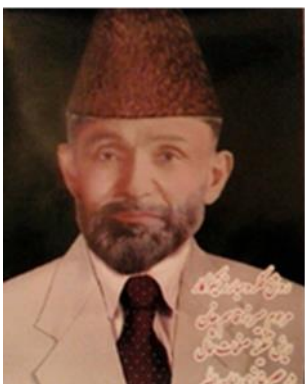
نایب سالار عبدالرحیم خان در دوره امیر حبیب الله خان کلکانی یک جا با میرزا محمد قاسم خان مزاری به حیث رئیس تنظیمیه و والی به ولایت بلخ فرستاده شد و در اسفند ۱۳۰۷ / مارس ۱۹۲۹ از راه دره صوف وارد شهر مزار شریف شد و عبدالعزیز خان چرخى، واپسین والی بلخ در دوره امانی، را بازداشت کرد و به کابل فرستاد و پسان تر خواجه عطا محمد خان کوهستانی به حیث والی بلخ از کابل وارد شهر مزار شریف شد. (۲۱، جلد اول، ص ۸۳۰) عبدالرحیم خان در پادگان لشکر / فرقه نظامی ده دای مستقر شد و پس از گرفتن مسالمت آمیز مزار شریف و میمنه و آوردن نظم در امور کشوری و لشکری ولایت های بلخ و میمنه در ۲۴ فروردین ۱۳۰۸ / ۱۳ آوریل ۱۹۲۹ با هزار و دویست سوار بلخی و فاریابی از میمنه به هرات رفت و در آن جا به حیث والی به کار پرداخت و به این گونه برای مدت کوتاهی در اسفند ۱۳۰۷ و فروردین ۱۳۰۸ / مارس - آوریل ۱۹۲۹ به حیث رئیس تنظیمیه و والی بلخ ایفای وظیفه کرد.

او در سال ۱۳۱۳ / ۱۹۴۳ در زمان پادشاهی محمد ظاهر شاه از سوی نخست وزیر سردار محمد هاشم خان، به کابل خواسته شد و به حیث وزیر فواید عامه و سپس به حیث معاون نخست وزیر گماشته شد. اما در سال ۱۳۲۰ / ۱۹۴۱ به اتهام داشتن در قضیه دادخواهی مردم کتر مدت دو و نیم سال را در در زندان ارگ گذرانید و هنگامی که در آغاز نخست وزیری سپه سالار شاه محمود خان از زندان رها شد به نسبت بیماری بسیار ضعیف و ناتوان شده بود و سرانجام در سال ۱۳۳۴ / ۱۹۶۵ چشم از جهان پوشید. (۲۱۶) پیکرش را با مراسم نظامی و بر یک عراده توپ در برابر منار استقلال آوردند و ژنرال محمد عارف، وزیر دفاع کشور، زنده گی نامه او را بر خواند و سپس به کوهستان برده در قلعه صدق آباد به خاک سپردند. (۲۰۴)

میرزا محمد قاسم خان

میرزا محمد قاسم خان در دوره امیر حبیب الله خان کلکانی در سال ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ / ۱۹۲۹ رئیس هیأت تنظیمیه بلخ و والی بلخ بود.

میرزا محمدقاسم خان فرزند میرزا محمد موسی خان و نواسه میرزا محمد رحیم خان از بزرگان



معروف بلخ است. پدر و پدربزرگش هر دو از سرشناسان و اهل دانش و اخلاق بودند. او در سال ۱۲۵۱ / ۱۸۷۲ در ده کده تنگی خلم ولایت بلخ زاده شد. پس از فراگیری دانش به حیث فرماندار شهرستان آقچه گماشته شد. برای مدت چند سال گمرک بلخ / مزار شریف را به اجاره گرفت و با انداختن ثروتی هنگفت به یکی از توانگران بزرگ محل و زمان خویش مبدل شد، اما آن همه دارایی سرشار را به سود میهن و هم میهنانش در ساختن مسجدها و مدرسه‌های دینی و آموزش و پرورش و نیز ساختن باغ‌ها و

سرای‌ها، از جمله در شهر مزار شریف و شهرستان خلم ولایت بلخ و شهرستان خرم و سارباغ ولایت سمنگان به کار برد. میرزا محمدقاسم خان به فعالیت‌های گسترده اجتماعی و سیاسی نیز دست زد و در قیام مسلحانه مردم ولایت بلخ در برابر نخستین تجاوز شوروی به این سرزمین، هنگامی که در ماه اردیبهشت ۱۳۰۸ / مه ۱۹۲۹ غلام‌نبی خان چرخ‌چی همراه با ارتش سرخ اتحاد شوروی به فرمان‌دهی ک. م. پریماکوف، وابسته پیشین نظامی شوروی در کابل، با چند فروند هواپیما به بلخ حمله کردند و شهرهای مزار شریف، دهدادی، بلخ و خلم را برای چند روز به دست آوردند، نقشی فعال داشت. افزون بر آن میرزا محمدقاسم خان در مشورت با مردم و سرشناسان ولایت‌های شمالی کشور در پی راه‌اندازی طرح تمدید نه‌ری از رود آمو بود که ظرفیت آبیاری زمین‌های پهناوری از بدخشان تا اندخوی را داشته باشد. میرزا محمدقاسم خان در زمان شاه امان‌الله خان زندانی سیاسی شد و پس از به قدرت رسیدن امیر حبیب‌الله خان کلکانی مدت کوتاهی را در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ / ۱۹۲۹ به حیث رئیس هیأت تنظیمیه بلخ و والی بلخ ایفای وظیفه کرد و سرانجام در سال ۱۳۲۵ / ۱۹۴۶ به عمر ۷۴ ساله‌گی در شهرستان خرم و سارباغ ولایت سمنگان درگذشت و در منطقه چهارآسیاب سارباغ پیوست با مسجدی که خودش ساخته بود به خاک سپرده شد. (۲۲۸)

یکی از بناهایی که به کوشش او ساخته شده است، مدرسه میرزا محمد قاسم خان در یک کیلومتری بازار خلم در غرب آن شهر است که در سال ۱۲۹۸/۱۹۱۷ در زمان امیر حبیب الله خان، پدر شاه امان الله خان، ساخته شده است. (۱۶، صص ۲۷۰ - ۲۷۱)

کوچه مشهور میرزا قاسم و گذر باغ میرزا قاسم در شهر مزار شریف به نام او استند. محمد کبیر، رئیس شهرداری خلم، و محمد عثمان علاقه دار پسرانش بودند و یکی از نواسه هایش به نام مهندس عبدالجمیل مسیح تا سال ۱۳۹۷/۲۰۱۸ رئیس شرکت آب رسانی و کانالیزاسیون بلخ بود و اکنون بازنشسته است.

خواجه عطا محمد خان کوهستانی

خواجه عطا محمد خان کوهستانی در دوره امیر حبیب الله خان کلکانی در سال ۱۳۰۸/۱۹۲۹ والی / نایب الحکومه بلخ بود.

خواجه عطا محمد خان کوهستانی در دوره پادشاهی امیر حبیب الله خان کلکانی پس از میرزا محمد قاسم خان مزاری به عنوان والی بلخ از کابل به ولایت بلخ آمد و در آغاز همراه با نیروهای کوهستان در پادگان شهرستان ده دادی جابه جا شد و فضای امن را از بلخ تا میمنه حکم فرما ساخت (۲۰، جلد یکم، ص ۸۳۰) او پیش از این که نیروهای شوروی برای نخستین بار در ۲۸ فروردین ۱۳۰۸/۱۷ آوریل ۱۹۲۹ به ولایت بلخ یورش آورده شهر مزار شریف و چند شهرستان این ولایت را تصرف کنند، احتجاج خود را در مورد سازمان دهی نیروهای غلام نبی خان چرخ در خاک شوروی برای تجاوز به افغانستان اعلام داشته بود، اما با وجود آن که شرایط، ادعای وی را تأیید می کردند، کنسول گری اتحاد شوروی مداخله آن کشور را در امور افغانستان قاطعانه رد کرد. (۱۹۹)

والیان بلخ در دورهٔ محمدنادرشاه

(۲۴ مهر ۱۳۰۸ - ۱۷ آبان ۱۳۱۲ / ۱۶ اکتبر ۱۹۲۹ - ۸ نوامبر ۱۹۳۳)

پس از این که محمدنادر شاه در ۲۴ مهر ۱۳۰۸ / ۱۶ اکتبر ۱۹۲۹ زمام امور کشور را در دست گرفت، میرزا محمد یعقوب خان، والی کابل، را به عنوان رئیس تنظیمیهٔ شمال و والی بلخ به ولایت بلخ فرستاد و او تا سال ۱۳۰۹ / ۱۹۳۰ در همین سمت باقی ماند. در زمان او ابراهیم بیگ لقی که از مهاجران بخارا بود در شمال افغانستان در تفاهم با خلیفهٔ قزل ایاق، پیشوای روحانی ترکمانان، سرگرم سازمان دهی مردم برای مبارزه با شوروی بود و هنگامی که حکومت افغانستان در پی خاموش ساختن ماجراجویی او افتاد، ابراهیم بیگ پرچم مخالفت را با دولت افغانستان نیز برافراشت و با هفت صد سوار مسلح با تفنگ های پنج تیر و یازده تیر خود برای دولت به یک تهدید جدی میدل شد. او نزدیک به بیست تن از کارگزاران امیر حبیب الله کلکانی از جمله محمد عمر خان، محمد سرور خان و پاینده محمد خان فرمان ده را که پس از به پادشاهی رسیدن محمدنادرشاه در میمنه زندانی شده بودند با اعمال فشار از زندان رها ساخت و در نتیجه محمد عمر خان چرخه، حاکم محلی میمنه، با محمد محسن خان و چند تن دیگر که توان مقاومت را ندیدند به شهر مزار شریف فرار کردند. در همین هنگام، میرزا محمد یعقوب خان، رئیس تنظیمیهٔ حکومت محمدنادرشاه، به همکاری میرزا محمد قاسم خان مزاری با شتاب راه گفت و گو با خلیفهٔ قزل ایاق را که از مخالفان دولت امانی بود باز کرد و موفق شد تا ابراهیم بیگ را به شهر مزار شریف برای گفت و گو با خود فرا بخواند. همان بود که ابراهیم بیگ با نیروهای خود در شب نخست نوروز سال ۱۳۰۹ / ۲۲ مارس ۱۹۳۰ به بلخ آمد. از سوی حکومت سرلشکر / فرقه مشر فتح محمد خان، سرلشکر / فرقه مشر مهرباب علی خان و سرلشکر / فرقه مشر عطاء محمد خان توخی و پیر محمد سرهنگ / غندمشر در موضع تخته پل در حومهٔ غربی مزار شریف از آنان پذیرایی کردند. ابراهیم بیگ با نیروهایش در عصر همان روز بدون این که به شهر مزار شریف داخل شوند از

سوی شمال شهر یک‌راست به باغ پهناور عظامحمدخان توخی واقع در دروازهٔ خلم در شرق مزار شریف که مهمان‌جای تعیین شده بود فرود آمدند. پیش از صرف غذا محمدکاظم‌خان سرلشکر/ فرقه‌مشر به نمایندگی از میرزا محمدیعقوب‌خان، رئیس تنظیمیهٔ ولایت بلخ، به ایشان خوشامدید گفت و وعدهٔ ملاقات را برای فردا گذاشت. در هنگام صرف غذای شام آواز آتش‌بازی شدیدی که در پیوند با جشن نوروز اجرا می‌شد مهمانان را سراسیمه و نگران ساخت. عظامحمدخان برای شان از موضوع آگاهی داد و گفت که اگر خسته نمی‌بودیم در مراسم آتش‌بازی نوروزی شرکت می‌کردیم و ابراهیم‌بیگ وعده داد که فردا در جشن نوروز شرکت خواهد کرد. اما ملاقات ابراهیم‌بیگ با میرزا محمدیعقوب‌خان جامهٔ عمل نپوشید، زیرا مهمانان پیش از سینه‌دم با جهیدن از دیوارهای باغ گریخته بودند. ابراهیم‌بیگ از تلفن‌خانهٔ سیاگرد به رئیس تنظیمیهٔ زنگ زد و گفت: «من نمی‌توانم به شما اعتماد و ملاقات و مذاکره نمایم، لهذا خداحافظ!» از آن پس باز هم سرزمین‌های شمال کشور محلّ گشت و گذار ابراهیم‌بیگ باقی ماند تا این که از سوی دولت افغانستان در تنگنا قرار گرفت و ناگزیر شد به خاک شوروی برود و در آن جا به جنگ خود در برابر شوروی ادامه دهد. او در ۱ تیر ۱۳۱۰/ ۲۳ ژوئن ۱۹۳۱ به اسارت نیروهای شوروی درآمد و به تاشکند فرستاده شد. (۲۱، جلد دوم، صص ۷۵ و ۷۶)

در دورهٔ محمدنادرشاه از سال ۱۳۱۰/ ۱۹۳۱ به بعد میرزا عبدالجمیل‌خان والی سرپرست بلخ بود و نیز در همین دوره در ۲ اردیبهشت ۱۳۱۲/ ۲۲ آوریل ۱۹۳۳ محمدگل‌خان مومند به حیث رئیس تنظیمیهٔ شمال به بلخ آمد و در همین سال (۱۳۱۲/ ۱۹۹۳) سردار محمدهاشم‌خان، نخست‌وزیر کشور، از شهر مزار شریف بازدید کرد و در ۱۷ آبان ۱۳۱۲/ ۸ نوامبر ۱۹۹۳ هنگامی که محمدگل‌خان مومند رئیس تنظیمیهٔ شمال و عبدالجمیل‌خان والی سرپرست بلخ بود و نخست‌وزیر کشور در جریان سفر رسمی خود به ولایت بلخ در شهر مزار شریف به سر می‌برد، محمدنادرشاه در کابل کشته شد.

میرزا محمدیعقوب‌خان

میرزا محمدیعقوب‌خان در دورهٔ پادشاهی محمدنادرشاه در سال ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹/ ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ رئیس تنظیمیهٔ شمال و والی بلخ بود.

میرزا محمد یعقوب خان، والی کابل، در دورهٔ محمدنادرشاه، به حیث رئیس تنظیمیهٔ شمال و والی بلخ گماشته شد. در زمان او ابراهیم بیگ لقی از مهاجران بخارا، که در شمال افغانستان در برابر شوروی مبارزه می کرد از سوی دولت افغانستان به رهبری محمدنادرشاه در تنگنا قرار گرفت و از این رو با دولت افغانستان نیز به مخالفت پرداخت و به یک تهدید جدی در ولایت های شمالی مبدل شد. میرزا محمد یعقوب خان با پادرمیانی میرزا محمد قاسم خان مزاری از طریق تفاهم با خلیفهٔ قزل ایاق توانست ابراهیم بیگ را در شب نوروز ۱۳۰۹/۲۲ مارس ۱۹۳۰ به باغی در شهر مزار شریف برای دیدار و گفت و گو به میهانی فراخواند، اما ابراهیم بیگ پیش از این که این دیدار و گفت و گو به تحقق برسد بر وضعیّت بدگمان شده راه فرار را در پیش گرفت و مدت ها سرزمین های شمال افغانستان و مناطق مرزی آن با شوروی را مورد تاخت و تاز سربازان خویش قرار می داد تا سرانجام در ۱ تیر ۱۳۱۰/۲۳ ژوئن ۱۹۳۱ هنگامی که برای نبرد به خاک شوروی درآمده بود به دست نیروهای شوروی افتاد و به تاشکند فرستاده شد و در آن جا اعدام شد. (۲۱، جلد دوم، صص ۷۵ و ۷۶)

در زمانی که محمد یعقوب خان رئیس تنظیمیهٔ بلخ/ مزار شریف و فاریاب/ میمنه بود، دیوار بیرونی دروازه خانهٔ شمالی روضهٔ مبارک حضرت علی «ک» در شهر مزار شریف که مشرف به چهارباغ است کاشی کاری شده است و کتیبهٔ مفصلی بدین متن دارد: (۲۴، ص ۶۰)

«در عصر سعادت حصر سلطنت سنیّهٔ اعلا حضرت غازی محمدنادرشاه پادشاه مستقل افغانستان خلدالله ملکه و دامت شوکته، به حُسن توجّه و اهتمام کاملهٔ والاشان جلالتمآب محمد یعقوب خان، والی ایالات کابل که به سمّت رئیس اصلاحیه و تنظیمیهٔ بلدهٔ طیبّهٔ ولایت مزار شریف و میمنه اعزام شده بودند به تاریخ ۳۰ میزان/ مهر ۱۳۰۹ شمسی مطابق سلخ جمادی الاول ۱۳۴۹ قمری این طاق ظفر رواق چهارباغ شاهی روضهٔ رضیهٔ شاه ولایت مآب کرم الله وجهه الکریم کاشی کاری شده ترمیمات آن با حُسن وجه به انجام رسید، فقط.» (۲۴، ص ۶۱)

عبدالجمیل خان

عبدالجمیل خان در دورهٔ پادشاهی محمدنادرشاه از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳/۱۹۳۱ تا ۱۹۳۴ در آغاز والی سرپرست/ کفیل نایب الحکومهٔ بلخ/ و سپس والی بلخ/ مزار شریف بود.

در زمان او مستوفی سید کمال، فرمان ده امنیه/ کوتوالی سید امیر خان، مدیر گمرک نورالدین، مدیر کشاورزی محمد علی و مدیر مخابرات محمد امان بودند. (۸۴، ص ۷۶) هنگامی که او والی

بلخ بود در ۲ اردیبهشت ۱۳۱۲ / ۲۲ آوریل ۱۹۳۳ محمدگل خان مومند پس از سمت ریاست تنظیمیه کندهار به حیث رئیس تنظیمیه ولایت‌های شمالی بلخ و تخارستان و میمنه در مزار شریف به کار آغاز کرد. (۱۵۸، ص ۲)

در زمان عبدالجمیل خان، در سال ۱۳۱۱ / ۱۹۳۲ مکتب ابتدایی مرکز خلم در جنوب آن شهر



ساخته شد، (۶ ص ۱۳۹) در سال ۱۳۱۲ / ۱۹۳۳ ریاست شهرداری در شهر آقچه که در آن زمان یکی از حکومت‌های درجه اول ولایت بلخ/ مزار شریف بود پی‌ریزی شد (۳۶، ص ۱) و به همین‌گونه ساختمان نو مهمان‌خانه/ هتل مزار شریف و ساختمان اداره شهرداری شهر مزار شریف سنگ‌مانی شدند. (۳۷، ص ۱) کار مهم دیگری که در زمان او در ولایت بلخ انجام داده شده است بازسازی شهر مزار شریف و مسجد و قدمگاه حضرت بهاءالدین (رح) در جنوب روضه مبارک حضرت علی «ک»

در سال ۱۳۱۲ / ۱۹۳۳ است. (۴۱، ص ۱) در زمان همین والی در سال ۱۳۱۲ / ۱۹۳۳ سردار محمدهاشم خان، نخست‌وزیر وقت کشور، از شهر مزار شریف بازدید کرد و هنوز در جریان سفر به مزار شریف بود که در ۱۷ آبان / ۸ نوامبر همین سال محمدنادرشاه در کابل کشته شد.

کار ساختن شهر نو بلخ نیز در زمان همین والی، هنگامی که محمدظاهر شاه به پادشاهی رسیده بود در ۱۵ اسفند ۱۳۱۲ / ۶ مارس ۱۹۳۴ آغاز یافت و برای انجام‌دادن این کار عبدالجبار که حاکم سرپرست شهرستان دره صوف بود از سوی رئیس تنظیمیه به مدیریت ساختن شهر نو بلخ منصوب گردید. (۴۲، ص ۱)

وزیر محمدگل خان مومند

وزیر محمدگل خان مومند در دوره‌های پادشاهی محمدنادرشاه و محمدظاهرشاه از سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۱۸ / ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۹ رئیس تنظیمیه ولایت‌های شمالی بلخ، تخارستان، بدخشان و فاریاب بود.

وزیر محمدگل خان مومند فرزند محمدخورشیدخان فرزند مؤمن خان فرزند عبدالکریم خان در



۱۲۶۴ / ۱۸۸۵ در شهر کابل به جهان آمد. آموزش‌های نخستین را به گونه‌ی خصوصی فرا گرفت و از سال ۱۲۸۸ برای مدت پنج سال دوره‌ی دانش‌آموزی را در دبستان حربی سپری کرد و سپس وظیفه‌ی آموزگاری و سرآموزگاری آن دبستان را به پیش می‌برد. بعداً به حیث فرمان‌ده واحد نظامی اردل به وظیفه‌ی خود ادامه داد، مدتی یاور سپه‌سالار صالح‌محمدخان بود و سپس فرمان‌ده گارد شاهی شد. به دنبال آن در سال ۱۲۹۸ / ۱۹۱۹ از سوی شاه امان‌الله خان به مأموریت تاشکند فرستاده شد و در همین سال در جنگ

استرداد استقلال افغانستان سهم گرفت. در سال ۱۳۰۰ / ۱۹۲۱ به حیث وابسته‌ی نظامی سفارت افغانستان در ترکیه ایفای وظیفه کرد. در سال ۱۳۰۳ / ۱۹۲۴ فرمان‌ده ارتش و حاکم اعلای ولایت پکتیا شد. در سال ۱۳۰۶ / ۱۹۲۷ به حیث رئیس بررسی ملکی مزار شریف گماشته شد. در زمان امیر حبیب‌الله خان کلکانی در آغاز با سردار محمدهاشم خان و سپس با محمدنادرشاه خدمت کرد و پس از سرنوینی امیر حبیب‌الله خان کلکانی در دوره‌ی پادشاهی محمدنادرشاه در سال ۱۳۰۸ / ۱۹۲۹ در کابینه‌ی سردار محمدهاشم خان به حیث وزیر امور داخله گماشته شد و از سوی محمدنادرشاه به نوبت رئیس تنظیمه‌ی ولایت‌های ننگرهار، پروان و کاپیسا مقرر شد و در سال ۱۳۱۰ / ۱۹۳۱ برای تنظیم امور کندهار و فراه فرستاده شد. در سال ۱۳۱۲ / ۱۹۳۳ رئیس تنظیمه‌ی ولایت‌های شمالی تخارستان، بدخشان، بلخ و فاریاب بود. او تا سال ۱۳۱۷ / ۱۹۳۸ به حیث وزیر امور داخله‌ی کشور کار کرد و در سال ۱۳۱۸ / ۱۹۳۹ به حیث وزیر دولت گماشته شد و به خاطر کارکردهای خود از سوی محمدظاهرشاه نشان اعلای «لمر / آفتاب» را به دست آورد.^۱ پس از بازنشستگی در سال ۱۳۳۴ / ۱۹۵۵ به حیث نایب رئیس جرگه‌ی بزرگ برگزیده شد. سپس در خانه‌ی خود مشغول نگارش و تألیف کتاب شد و سرانجام به ساعت ۷ صبح روز سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۴۳ / ۱۸ اوت ۱۹۶۴ در شهر کابل دیده از جهان فرو بست و در گورستان شهدای صالحین به خاک سپرده شد.

^۱ - در سال ۱۳۱۸ / ۱۹۳۹ غلام‌فاروق وزیر سرپرست امور داخله‌ی کشور شد.

آثارش از این قرار اند:

- د سند کتاب/ کتاب سند که فرهنگ زبان پشتو است؛

- د پشتو ژبی لیاره/ راه زبان پشتو؛

- لنده کی پشتو

- پشتنی روزنه/ پرورش پشتونی؛

- پشتو او پشتوواله/ پشتو و پشتون گری؛

- د پشتو لویه نحو (معانی او بیان)/ نحو بزرگ پشتو (معانی و بیان)؛

- د پخلی کتاب/ کتاب پخت و پز. (۲۹، ص ۱۱۱؛ ۳۱، ص ۲)

به گفته غلام جیلانی معاون مجله کابل، نشریه انجمن ادبی کابل، یکی از کارهای او در بلخ، ساختن شهر نو بلخ است که در زمان محمدنادرشاه صورت گرفته است. نخست وزیر، سردار محمد هاشم خان، در روزهای پیش از کشته شدن محمدنادرشاه به بلخ رفته و به رئیس تنظیمیه هدایت ساختن شهر نو بلخ را داده بود. برنیاد نگارش جریده بیدار، مجلس گشایش شهر نو بلخ در ۱۵ اسفند ۱۳۱۲/ ۶ مارس ۱۹۳۴ برگزار شد و محمدگل خان مومند، رئیس تنظیمیه، در آن سخن رانی کرد. آقای محمد اسحاق خان کاشفی این قطعه را در تاریخ آغاز آبادی شهر نو بلخ سروده است:

مژده ای دانش وران خاک با اکسیر بلخ/ ای که باشد نام تان سرمایه توقیر بلخ

چشم امید جهانی را سوی خود کرده بود/ سربرارید و ببینید این زمان تأثیر بلخ

باختر را می توان زین روی نیک اختر شمرد/ زان که در آینه خود دیده او تصویر بلخ

با چنین خاکی کزو فیض بزرگان روشن است/ خامه می شاید کند شب تا سحر تقدیر بلخ

باز در عهد محمد ظاهر آن شاه جوان/ می کند عهد جوانی روزگار پیر بلخ

وز مساعی محمد گل، وزیر داخله،/ باز شهرت می برارد نام عالم گیر بلخ

بود از «ام البلاد» باختر تاریخ نیز (سال ۱۳۱۲)/ یافت سال افتتاحش کاشف از «تعمیر بلخ»

(سال ۱۳۱۲) (۴۴، صص ۸۱ - ۸۵)

روستای «وزیرآباد» در شهرستان بلخ و مسجدی در شهر مزار شریف به نام او استند و نیز در

۲۷ بهمن ۱۳۹۱/ ۱۵ فوریه ۲۰۱۳ چهارراه ورودی شهر باستانی بلخ در شاهراه مزار شریف -

شبرغان به نام او نام گذاری شده است.

والیان بلخ در دوره محمد ظاهر شاه

(۱۷ آبان ۱۳۱۲ - ۲۶ تیر ۱۳۵۲ / ۸ نوامبر ۱۹۳۳ - ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳)

در دوره چهل ساله پادشاهی محمد ظاهر شاه (۱۷ آبان ۱۳۱۲ - ۲۶ تیر ۱۳۵۲ / ۸ نوامبر ۱۹۳۳ - ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳) در سی سال نخست که به نام دوره پیش از مشروطیت شناخته می‌شود، به ترتیب محمد هاشم خان، (از دوره پادشاهی محمد نادر شاه تا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۵ / ۹ مه ۱۹۴۶)، شاه محمود خان (۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۵ - ۱۵ شهریور ۱۳۳۲ / ۹ مه ۱۹۴۶ - ۶ سپتامبر ۱۹۵۳) و محمد داؤد خان (۱۵ شهریور ۱۳۳۲ - اسفند ۱۳۴۱ / ۶ سپتامبر ۱۹۵۳ - مارس ۱۹۶۳) و در ده سال اخیر که به نام دهه مشروطیت و یا دهه مردم سالاری / دموکراسی شهرت دارد، به ترتیب دکتر محمد یوسف (اسفند ۱۳۴۱ - ۷ آبان ۱۳۴۴ / مارس ۱۹۶۳ - ۲۹ اکتبر ۱۹۶۵)، محمد هاشم میوندوال (۷ آبان ۱۳۴۴ - ۱۹ مهر ۱۳۴۶ / ۲۹ اکتبر ۱۹۶۵ - ۱۱ اکتبر ۱۹۶۷)، نوراحمد اعتمادی (۱۹ مهر ۱۳۴۶ - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۹ / ۱۱ اکتبر ۱۹۶۷ - ۱۶ مه ۱۹۷۰)، دکتر عبدالظاهر (۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۹ - ۳ مهر ۱۳۵۱ / ۱۶ مه ۱۹۷۰ - ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۲) و محمد موسای شفیق (۳ مهر ۱۳۵۱ - ۲۶ تیر ۱۳۵۲ / ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۲ - ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳) نخست‌وزیر بوده اند.

هنگامی که محمد ظاهر شاه در ۱۷ آبان ۱۳۱۲ / ۸ نوامبر ۱۹۳۳ در کابل بر تخت پادشاهی نشست در ولایت بلخ عبدالجمیل خان سومین سال مأموریت خود را به حیث والی می‌گذرانید و محمد گل خان مومند به تازه‌گی به حیث رئیس تنظیمیه ولایت‌های شمالی بلخ، تخارستان و بدخشان و فاریاب به کار آغاز کرده بود و نیز سردار محمد هاشم خان، نخست‌وزیر کشور، در جریان بازدید از ولایت بلخ بود.

در ۱۵ اسفند ۱۳۱۲ / ۶ مارس ۱۹۳۴ بر بنیاد دستوری که نخست‌وزیر کشور در هنگام بازدید خود از ولایت بلخ داده بود، کار ساختن شهر نو زیر نظر عبدالجبار، فرمان‌دار پیشین شهرستان دره صوف، آغاز شد. (۴۲، ص ۱)

دوران نخست‌وزیری محمد‌هاشم خان یکی از برهه‌های دشوار برای فعالیت‌های سیاسی در افغانستان بود و بسیاری از روشن‌فکران از جمله استاد خلیل‌الله خلیلی که در دوره حاکمیت امیر حبیب‌الله کلکانی به حیث مستوفی ولایت بلخ کار می‌کرد در کابل زندانی بودند. (۲۳، ص ۶۵۹)

در انتخابات شورای ملی که در دوره مردم‌سالاری / دموکراسی در ۱۳۴۳ / ۱۹۴۹ برگزار شد مولانا خال محمد خسته، یک تن از نویسندگان و پژوهش‌گران بلخ، به نمایندگی از مردم ولایت بلخ عضو مجلس نمایندگان کشور گردید (۲۳، ص ۶۶۲) و در دوره نخست‌وزیری محمد‌هاشم میوندوال، جریده وحدت با مدیریت مسؤولی مولانا خسته، این نماینده آزادی‌خواه مردم بلخ در دوره هفتم شورای ملی کشور، از سوی حزب وحدت ملی در کابل از ۱۱ بهمن ۱۳۴۴ / ۳۱ ژانویه ۱۹۶۶ و نیز در دوره نخست‌وزیری نوراحمد اعتمادی، نشریه «هدف» به صاحب‌امتیازی غلام محمد اورمر، یک تن از فرهنگیان بلخ، و مدیریت مسؤولی محمدرحیم مهربان، یک تن از نویسندگان بلخ، از ۲۰ آذر ۱۳۴۷ / ۱۱ دسامبر ۱۹۶۸ در کابل به نشر آغاز کردند. (۲۳، صص ۷۸۴ - ۷۸۵)

در دوره پادشاهی محمدظاهرشاه در سال ۱۳۴۳ / ۱۹۴۹ که کشور به ۲۹ ولایت، ۱۸۳ یا ۲۳۴ شهرستان و ۱۰۱ بخش‌داری تقسیم شد بلخ مانند گذشته یکی از ولایت‌های درجه یکم بود. (۱۹، صص ۲ - ۳)

در دوره چهل‌ساله پادشاهی محمدظاهرشاه، پس از عبدالجمیل خان به ترتیب، یازده تن دیگر: گل‌احمدخان غزنوی، الله‌دادخان اعتمادی، سید عبدالله‌خان، عبدالوهاب آصفی، غلام‌رسول پره‌ماچ، عزیزمحمد الکوزی، مهندس محمدحسین مسا، دکتر محمدناصر عمر کشاورز، محمدبشیر لودین، عبدالوهاب ملک‌یار و عبدالعزیز؛ والی بلخ بوده‌اند.

در زمانی که عبدالوهاب آصفی والی / نایب‌الحکومه بلخ بود، در سال ۱۳۳۵ / ۱۹۵۶ قیام معروف به شیشه‌شکنی در شهر مزار شریف به وقوع پیوست. در آن زمان اکبرخواجه، رئیس شهرداری / بلدیة مزار شریف، سید کمال‌خان فرمان‌ده امنیه و غلام‌علی پنج‌شیری سرلشکر / فرقه‌مشر ولایت بلخ بودند. سردار محمدداؤودخان، نخست‌وزیر وقت کشور، فرمان مالیات بر عایدات دولت مرکزی را اعلام کرده بود و مردم مزار شریف اعم از پیشه‌وران و بزرگان که توان پرداخت مالیات را نداشتند در روضه مبارک حضرت علی «ک» جمع شدند تا حکومت را به گونه مسالمت‌آمیز به لغو مالیات بر عایدات وادارند. اکبرخواجه، شهردار مزار شریف، از مردم خواست تا

به مقام ولایت نزد والی رفته درخواست خود را مطرح بسازند. حدود پانصد نفر از مردم به مقام ولایت رفتند. فرمان‌ده امنیه با سروصدا بیرون آمد و ضمن متهم‌ساختن مردم به حمله به مقام ولایت، با تفنگ‌چه خود آتش کرد که گلوله به یک تن از شهریان که بر درختی برآمده بود اصابت کرد و او را پادراورد. با دیدن این وضعیّت، مردم عصبانی شده به ساختمان مقام ولایت هجوم بردند و در همین حال شخصی به نام غلام‌علی فرزند توره برتو، با تازیانه اسپ، فرمان‌ده امنیه را مورد لت و کوب قرار داد. به دنبال این روی‌داد هیأتی از کابل به ریاست عبدالحکیم‌شاه علمی، وزیر امور داخله کشور، برای بررسی موضوع به مزار شریف آمد. فرمان‌ده امنیه به هواخواهان سید حسین حاکم اتهام لت و کوب فرمان‌ده را بستند و بدین گونه سید حسین حاکم و شماری از بزرگان دیگر شهر مزار شریف را به کابل بردند و زندانی ساختند. این هیأت سید حسین حاکم، میرزا غلام‌علی چوپه، غلام‌علی قانون، سید اسماعیل برگدیر، محمددین قتّاد، طاهر جان قصاب و مرادعلی‌بای را به کابل برده در بازداشت‌گاه مخصوصی به زندان افگندند که پسان‌ها شماری از آنان رهایی یافتند و اما سیدحسین حاکم و غلام‌علی قانون به زندان دهمزنگ، جایی که علامه سید اسماعیل بلخی زندانی بود، منتقل شدند، سید حسین حاکم تا سال ۱۳۴۲/ ۱۹۶۳ در آن‌جا باقی ماند و علامه سید اسماعیل بلخی در قصیده «شب دیجور» خود از او یاد کرده است. (۲۲۵)

پس از این روی‌داد، حکومت مرکزی برای پیش‌گیری از تکرار دوباره چنین وقایع، غلام‌رسول پره‌ماچ را که یک افسر بلندپایه لشکری بود به عنوان والی بلخ گماشت و او در تمام سال‌های مأموریت خویش در بلخ، در بخش تأمین امنیت، پی‌گرد فعالیت‌های سیاسی و گرفتاری مجرمان جنایی بسیار با جدیّت کار کرد.

در همان سال‌ها در افغانستان و از جمله در ولایت بلخ احزاب گوناگونی چون حزب دموکراتیک خلق افغانستان با دو جناح خلق و پرچم و با اندیشه کمونیسم شوروی، حزب دموکراتیک ملی یا شعله‌جاوید با اندیشه کمونیسم چینی و نهضت اسلامی افغانستان یا سازمان جوانان مسلمان با اندیشه اخوان‌المسلمین مصر و نیز جریان‌های اسلامی دیگر و حزب سوسیال دیموکرات افغان‌ملت به‌ویژه در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها فعالیت داشتند و بیش‌تر به تظاهرات خیابانی و نشر جریده‌های حزبی می‌پرداختند. در سال سوم حکومت نوراحمد اعتمادی نشر سروده‌یی از بارق شفیی در ستایش لنین، رهبر انقلاب شوروی، در نشریه «پرچم» خشم ملاها را برانگیخت و آنان در واکنش به آن در خرداد ۱۳۴۹/ ژوئن ۱۹۷۰ در مسجدجامع پل خشتی کابل

گرد هم آمدند و روز تا روز به شمار شان افزوده شد تا این که نیروهای امنیتی آنان را به زور از مسجد بیرون ساختند. این کار انگیزه‌ی بی‌شد تا عوام نیز به ملاها بپیوندند. (۲۷، صص ۸۷ - ۸۸) هم‌زمان در شهر مزار شریف این حرکت از مدرسه دینی اسدیّه بلخ آغاز شد و شماری از آموزگاران و دانش‌جویان آن مدرسه دست به راهپیمایی به خیابان‌های شهر مزار شریف و گردهم‌آیی در صحن روضه مبارک حضرت علی «ک» با شعارهای ضد حکومتی زدند و این کار برای چندین روز پی‌هم ادامه داشت و دانش‌جویان و شهریان دیگر نیز با این حرکت یک‌جا شدند و مرکز نمایش تیاتر بلخ را آتش زدند و می‌خواستند سینمای مزار را نیز به آتش بکشند که با مقاومت نیروهای انتظامی و ارتش روبه‌رو شدند و سرانجام با بازداشت چند تن از آن‌ها به این روی‌داد پایان بخشیده شد و حکومت نوراحمد اعتمادی نیز به پایان رسید.

خشک‌سالی‌های پی‌هم از روی‌دادهای سزاوار یادکرد دیگر دوره پادشاهی محمدظاهر شاه اند که پس از روی کار آمدن دکتر عبدالظاهر در اردیبهشت ۱۳۵۰/ مه ۱۹۷۱ به مقام نخست‌وزیری، در سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱/ ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ در کشور و به‌ویژه ولایت‌های شمالی اتفاق افتادند. (۲۷، صص ۸۷ - ۸۸) این خشک‌سالی روی وضعیّت اقتصادی مردم شمال کشور اثرهای ناگواری به جا گذاشت و مردم را به قحطی و گرسنگی شدیدی دچار ساخت، تا اندازه‌ی که شماری از خانواده‌ها حتّاً فرزندان خود را به فروش می‌رساندند.

در آن سال‌ها که عبدالعزیز والی بلخ بود، روزانه مقدار زیادی گندم از سوی شرکت‌ها، بازرگانان و سرمایه‌داران خیراندیش ولایت بلخ در شهر مزار شریف پخته و به مستمندان توزیع می‌شد (۸۹، ص ۱) و کمک نقدی هم از سوی جمعیت هلال احمر افغانی به مستمندان صورت می‌گرفت. (۱۰۹، ص ۱) سلسله پخت گندم که از اردیبهشت ۱۳۵۱/ مه ۱۹۷۲ آغاز شده بود در ۴ تیر/ ۲۵ ژوئن همان سال به خاطر فراوانی دوباره فراورده‌ها و کاهش مستمندان به پایان رسید. (۱۲۸، ص ۱)

دوره پادشاهی محمدظاهر شاه در زمان نخست‌وزیری محمد موسی شفیق با کودتای نظامی و روی کار آمدن نظام جمهوری توسط سردار محمد داؤودخان که در دوره پیش از مشروطیّت نخست‌وزیر کشور بود، در ۲۶ تیر ۱۳۵۲/ ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳، هنگامی که شاه در بیرون از کشور به سر می‌برد، به پایان رسید.

گل احمدخان ملک یار غزنوی

گل احمدخان ملک یار غزنوی در دورهٔ پادشاهی محمدظاهر شاه در زمان نخست‌وزیری محمدهاشم‌خان و قسماً نخست‌وزیری شاه‌محمودخان از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۷ / ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۸ والی / نایب‌الحکومهٔ بلخ / مزار شریف بود.

گل احمدخان ملک یار غزنوی در سال ۱۲۷۵ / ۱۸۹۶ (۲۹، ص ۱۰۲) در غزنه زاده شده است. پدرش عبدالاحمدخان نواسهٔ عبدالملک‌خان است و از آن‌رو نام «ملک‌یار» نام خانواده‌گی‌اش است. (۱، ص ۴۳) عبدالاحمدخان، پدر گل احمدخان ملک یار غزنوی، در دورهٔ امیر حبیب‌الله‌خان، پدر شاه امان‌الله‌خان، به حیث «امین‌الوجوهات» در دربار امیر وظیفه داشت که درآمد گمرک و درآمدهای غیر ثابت دیگر را فراهم می‌آورد. در آن روزگار فراهم‌آوری درآمد ثابت دولت مانند مالیهٔ اراضی و غیره را مستوفی‌الممالک به دوش داشت که میرزا محمدحسین‌خان، پدر استاد خلیل‌الله خلیلی، به این کار منصوب بود. (۱، ص ۴۴) عبدالاحمدخان روی رقابت‌های درباری در سال ۱۲۸۳ / ۱۹۰۴ شبی از سوی



کسانی ناشناس در منزلش در غزنه کشته شد و امیر حبیب‌الله‌خان از این روی‌داد متأثر شده عده‌یی را به اتهام قتل او بازداشت کرد، اما قاتل و انگیزهٔ قتلش روشن نشد. (۱، صص ۴۵ - ۴۶)

گل احمدخان غزنوی در دورهٔ پادشاهی امان‌الله‌خان معین وزارت دادگستری / عدلیه و رئیس استخبارات دولت و در دورهٔ پادشاهی محمدنادرشاه در زمان نخست‌وزیری محمدهاشم‌خان شهردار کابل بود. (۲۹، ص ۱۰۲) سپس روزگار درازی، در دورهٔ پادشاهی محمدظاهر شاه در زمان نخست‌وزیری محمدهاشم‌خان و قسماً نخست‌وزیری شاه‌محمودخان از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۷ / ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۸ به حیث والی / نایب‌الحکومهٔ بلخ / مزار شریف ایفاي وظیفه کرد و سپس برای مدت کوتاهی والی هرات شد. از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۳ عضو مجلس اعیان / سناتور بود و پس از بازنشستگی به ایالات متحدهٔ آمریکا رفت و به گفتهٔ آدامیک در سال ۱۳۶۶ / ۱۹۸۷ در حالی که ۹۱ سال عمر داشت هنوز در آن کشور به سر می‌برد. (۲۹، ص ۱۰۲) او شخصی ذکی و پر معلومات و نویسنده و گویندهٔ خوبی بود. (۱، ص ۴۶)

گل احمدخان دو برادر داشت: عبدالاحمدخان که ژنرال ارتش کشور بود و تا رتبه نایب‌سالاری و وزارت امور خارجه رسیده و زمانی به حیث فرمان‌ده ارتش و والی ننگرهار/ مشرقی و سرهنگ/ غندمشر در کندهار و هرات کار می‌کرد؛ (۱، ص ۴۷) برادر دیگرش، عبدالله ملک‌یار (زاده‌شده در ۲۷ فروردین ۱۲۸۸/ ۱۶ آوریل ۱۹۰۹ در غزنه)، (۱، ص ۳۹) یک‌جا با شاه امان‌الله‌خان به بیرون از کشور رفت و آموزش را در ایران به پایان برد و در سال ۱۳۱۱/ ۱۹۳۲ به میهن برگشت، (۱، ص ۴۳) در سال ۱۳۱۶/ ۱۳۳۷ با خیریه، دختر سید اسماعیل شهید هروی، ازدواج کرد و با او به آلمان رفت و در دفتر نماینده‌گی بانک ملی به کار پرداخت و پس از بازگشت به میهن به حیث معین وزارت بازرگانی و معادن و بانک افغانستان و شش ماه بعد به حیث والی هرات ایفای وظیفه کرد. (۱، صص ۵۶ - ۵۷) او دو دوره: از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵/ ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۶ و از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰/ ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۱، والی هرات و سپس رئیس کل انکشاف وادی هیرمند و ارغنداب بود (۱، ص ۳۹) و در خرداد ۱۳۲۷/ مه ۱۹۴۸ با انیسه فرزند سردار عنایت‌الله‌خان معین‌السلطنه ازدواج کرد و تا اکنون با همین هم‌سرش در ایالت کالیفرنیا، آمریکا زیست دارد. (۱، صص ۵۶ - ۵۷)

گل احمدخان غزنوی، والی بلخ، سه خواهر نیز داشت که همه شان از سرشناسان کشور بودند: بانو حیران خواهرزاده زلمی‌خان نایب‌سالار مشهور منگلی؛ بانو حمیرا ملک‌یار سلجوقی که هم‌سر علامه صلاح‌الدین سلجوقی و زنی فاضل و دل‌باخته دانش و هنر و عضو مجلس اعیان کشور بود و بانو حبیبه ملک‌یار که هم‌سر ژنرال محمدقاسم‌خان شریف، سرلشکر/ فرقه‌مشر معروف هرات بود و در سال ۱۳۹۰/ ۲۰۱۱ هنوز در ایالت کالیفرنیا، آمریکا می‌زیست. (۱، ص ۵۰)

در زمانی که گل احمدخان ملک‌یار غزنوی والی بلخ بود، الله‌دادخان فرمان‌ده ارتش ولایت بلخ، عزیزالله مستوفی، ملا میرمحمد قاضی مرافعه، محمدجان‌خان و بعداً عبدالجلیل فرمان‌ده امنیه/ کوتوالی، عبدالحق مدیر گمرک، سید عبدالمؤمن مدیر خارجه، عبدالسلام مدیر آموزش و پرورش و محمدسیلم نزار کارمند موزیم بودند. (۱۸۲، صص ۵۱ - ۵۲)

در زمان سردار گل احمدخان غزنوی، در سال ۱۳۱۵/ ۱۹۳۶ راه نو از مرکز شهر بلخ به طرف بندر کلفت به طول ۴۶ کیلومتر کشیده شد، (۱۸۲، ص ۱۴۱) در همین سال مسجد عیدگاه خلم که دارای هفت گنبد است به هزینه شماری از سرمایه‌داران خلم و توسط استاد محمدیعقوب، معمار شناخته‌شده خلم، ساخته شد، (۱۶، صص ۲۶۸ - ۲۶۹) به همین‌گونه در زمان او در سال ۱۳۱۵/ ۱۹۳۶ مدرسه اسدیّه بلخ گشایش یافت (۱۵۷، ص ۲) و نیز در ۱۴ مرداد همان سال/ ۵

اوت ۱۹۳۶ ساختمان بیمارستان نو شهر مزار شریف سنگ‌مانی شد (۱۵۴، ص ۱) و در ۱۸ و ۱۹ فروردین همین سال / ۷ و ۸ آوریل ۱۹۳۶ فیض‌محمدخان، وزیر امور خارجه کشور، با هیأت همراهش از جمله سید عبدالله، مدیر کل سیاسی وزارت امور خارجه، در بازگشت از سفر اروپا از شهر مزار شریف بازدید کرد، (۱۳۳، ص ۳) در سال ۱۳۱۷ / ۱۹۳۸ حکومت کلان بلخ تازه تشکیل شد و حاکم کلان آن سراج‌الدین خان نام داشت و در سال ۱۳۱۸ / ۱۹۳۹ کوشک مابین در باغ حضور شهر مزار شریف ساخته شد. (۱۶، ص ۲۶۹)

در زمان او همچنین در سال ۱۳۱۹ / ۱۹۴۰ طرف بیرون یکی از دروازه‌خانه‌های روضه حضرت علی «ک» در شهر مزار شریف که به روی بازار حضرت بهاء‌الدین علیه رحمه باز می‌شود کاشی‌کاری شده است و در آن شرح کاشی‌کاری آن دروازه‌خانه با ساخت‌وساز چهار بازار و دکان‌های عصری در سنگ‌نوشته‌یی نگاشته و نصب شده است. (۲۴، ص ۲۰۴)

متن آن سنگ‌نوشته از این قرار است: «در عهد فرخنده و به اراده دین‌پرورانه المتوکل علی‌الله اعلا حضرت محمدظاهرشاه، پادشاه ترقی‌خواه افغانستان، خلف‌الصدق اعلا حضرت محمدنادرشاه غازی شهید سعید رحمت‌الله علیه که عصر درخشان شان دوره نهضت جدید و بخت‌یاری مملکت و احترام و حفاظت و اعمار مزارات متبرکه و ابدات تاریخی وطن مخصوصاً طرف توجهات شاهانه شان واقع بوده در جزو بسا عمرانات مهم و عام‌المنفعه دیگر در این ولا و در سرتاسر مملکت، تعمیر این طاق مینورواق مدخل جنوبی روضه مطهره حضرت شاه ولایت‌مآب اسدالله غالب علی ابی‌طالب کرم‌الله وجهه الکریم، و اطراف روضه شریف و اصلاحات مهمه شهر، به طرز مرغوب در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی به انجام رسید به مساعی جمیله والاشان جلالت‌مآب گل‌احمدخان غزنوی نایب‌الحکومه مزار شریف. (۲۴، ص ۶۱)

در زمان این والی در سال ۱۳۲۲ / ۱۹۴۳ سلطان‌محمدخان به صفت حاکم بزرگ شهرستان بلخ مقرر شد. (۱۸۴، ص بعد از ۴۴) و نیز در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ / ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ محمدصدیق خان حاکم بزرگ شیرغان، محمدمحبوب خان حاکم بزرگ بلخ، و سراج‌الدین خان حاکم بزرگ سمنگان بودند. (۱۸۵، ص ۳۰)

در زمانی که او والی بلخ بود در سال ۱۳۲۰ / ۱۹۴۱ چاپ‌خانه دولتی بلخ با یک پایه ماشین چاپ برقی نوع هایدلبرگ مجهز شد. (۱۴، ص ۳۰) این ماشین با لوازم دیگر چاپ از کابل به مزار شریف آورده شدند و در ۱۶ خرداد ۱۳۲۰ / ۶ ژوئن ۱۹۴۱ آغاز چاپ حروفی بیدار در «باغ حضور» با برپایی همایشی با شرکت سرپرست ولایت بلخ و هیأت اعزامی کابل و بزرگان لشکری و

کشوری دیگر با حضور سید قاسم رشتیا، مدیر کل نشریه‌های کشور، جشن گرفته شد. (۱۴، ص ۳۱) در سال ۱۳۲۰ / ۱۹۴۱ نماینده‌گی خبرگزاری باختر به آماج مبادله خبرها میان کابل و بلخ به گونه تلگرام، در چهارچوب ساختاری اداره مطبوعات ولایت بلخ گشایش یافت. (۱۴، ص ۳۲) در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۷ / ۶ مه ۱۹۴۸ مکتب احضاریه مزار شریف که از جمله پنج باب مکتب متوسط روزانه و شبانه نوبنیاد بود گشایش یافت و نیز راه دشوارگذار چیچل، از توابع دره صوف، از پل برق تا کتل چیچل و از آن جا تا روستای دهی هموارکاری و به مزار شریف متصل شد. (۱۸۶، ص ۱۲۱)

الله دادخان اعتمادی

الله دادخان اعتمادی در دوره پادشاهی محمدظاهرشاه در زمان نخست‌وزیری شاه محمودخان از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۸ / ۱۹۴۸ تا ۱۹۴۹ والی سرپرست / کفیل نایب‌الحکومه بلخ / مزار شریف بود. (۲۴۸)

الله دادخان اعتمادی یکی از افسران ورزیده ارتش افغانستان در دوره پادشاهی محمدظاهرشاه بود و هنگامی که محمدگل خان مومند وزیر امور داخله کشور بود در سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۲ / ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۳ به حیث فرمان‌ده ارتش بلخ / مزار شریف و فاریاب / میمنه ایفای وظیفه می‌کرد (۱۸۲، ص ۱۷؛ ۱۸۴، ص ؟) و به نام الله دادخان سرلشکر / فرقه‌مشر شهرت داشت. سرلشکر یکم / لمری فرقه‌مشر الله دادخان در سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ / ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ به حیث والی سرپرست و فرمان‌ده نظامی بلخ ایفای وظیفه کرد. در زمان او در سال ۱۳۲۸ / ۱۹۴۹ مستوفی ولایت بلخ غلام‌رسول خان، فرمان‌دار بزرگ سرپرست در شیرغان غلام‌علی خان، فرمان‌دار بزرگ سمنگان سراج‌الدین خان (۱۸۷، صص ۳۸ - ۳۹) و مسؤول نشریه بیدار که در یک هفته دو بار نشر می‌شد، عبدالغفور جبارخیل بودند. (۱۸۷، ص ۵۷) در زمان او در سال ۱۳۲۸ / ۱۹۴۹ نشریه دیگری در کنار روزنامه «بیدار» به نام «بلخ» به گونه مجله ماهانه از سوی انجمنی از نویسندگان بلخ در شهر مزار شریف به نشرات آغاز کرد که تا سال ۱۳۳۰ / ۱۹۵۱ منتشر می‌شد. (۱۴، ص ۲۸)

سید عبدالله خان

سید عبدالله خان در دوره پادشاهی محمدظاهرشاه در زمان نخست وزیری شاه محمودخان از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ / ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ والی / نایب الحکومه بلخ / مزار شریف بود. (۱۸۸، ص ۴۴؛ ۱۸۹، ص ۶۱)

سید عبدالله خان فرزند سید غلام فاروق خان است. سید غلام فاروق خان پدر سید عبدالله خان در شهر مزار شریف چشم از جهان پوشیده و در همین شهر در صحن غربی روضه مبارک حضرت علی «ک» به خاک سپرده شده است. (۴، ص ۱۰۴)

سید عبدالله خان پیش تر در سال ۱۳۱۸ / ۱۹۳۹ مدیر اداری دانش کده طب کابل و وکیل مدیریت معارف کابل بود. در سال ۱۳۱۹ / ۱۹۴۰ وی که مدیر اداری دانش کده طب کابل و سرپرست مدیریت معارف ولایت کندز بود به حیث معین وزارت معارف کشور گماشته شد. (۱۸۳، ص ؟) وی از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۸ / ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۹ والی / حاکم اعلای فراه بود. (۱۸۶، ص ۳۵؛ ۱۸۷ ص ۴۱؛ ۲۰۷) سید عبدالله خان در زمان نخست وزیری شاه محمودخان از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ / ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ به حیث والی / نایب الحکومه بلخ / مزار شریف ایفای وظیفه کرد (۱۸۸، ص ۴۴؛ ۱۸۹ ص ۶۱) و سپس در سال ۱۳۳۲ / ۱۹۵۳ به حیث والی کابل گماشته شد. (۱۷۴، ص ؟)



در زمان او در اوایل اردیبهشت ۱۳۲۹ / آوریل ۱۹۵۰ در شهر مزار شریف مؤسسه دانش گاه^۱ نسوان گشایش یافت. این مؤسسه چهار شعبه داشت و تا صنف دوم ۱۵۴ دانش آموز دختر را پذیرفته بود و آمار دانش آموزان آن روز تا روز رو به افزایش بود و از همین رو برای آن در سال ۱۳۳۰ / ۱۹۵۱ بودجه بیش تری در نظر گرفته شد. (۱۸۸، ص ۲۳۰)

یکی از کارهای مهمی که در زمان سید عبدالله در سال ۱۳۳۰ / ۱۹۵۱ در ولایت بلخ انجام یافته است تأسیس دارالمساکین است که خود والی بلخ برای پی ریزی آن کوشیده و رئیسان شرکت های بازرگانی و سهام داران آن شرکت ها و در مجموع بازرگانان و سرمایه داران خیراندیش

^۱ - در آن زمان در سال نامه کابل واژه «دانش گاه» به کار رفته است.

این ولایت را انگیزه داده است تا در این کار خیر سهم بگیرند. در این دارالمساکین مستمندان را از گوشه و کنار ولایت گرد آورده برای شان جای، لباس کافی و غذا و نیازمندی‌های حیاتی را آماده ساخته بودند و نیز برای آنان زمینه کارهای صنایع دستی را فراهم آوردند و درآمد از این مدرک را به سود خود آن مؤسسه به دوران انداختند. والی بلخ برای مراقبت به‌تر از زنده‌گی مستمندان هیأتی را با ترکیب سرطیب بیمارستان ملکی، مدیر آموزش و پرورش، آمر شعبه امنیه و رئیس شهرداری شهر مزار شریف تعیین کرده بود و گردانده‌گی این دارالمساکین را به دوش مجتمع بازرگانان در اتاق بازرگانی گذاشته بود. (۱۸۹، ص ۵۳۸)

در سال ۱۳۳۰ / ۱۹۵۱ به پیش‌نهاد والی بلخ و منظوری وزارت تن‌درستی / صحیه بیمارستانی در شهر سر پل تأسیس شد و پزشکان با داروهای مورد نیاز به آن‌جا فرستاده شد. (۳۳، ص ۱) در سال ۱۳۳۰ / ۱۹۵۱ چاپ‌خانه دولتی بلخ با ماشین برقی نوع هایدنرلبرگ مجهز شدند. (۱۴، ص ۳۰)

در زمان او، از ۷ مهر تا ۱۲ آبان ۱۳۳۲ / ۳۰ سپتامبر تا ۴ نوامبر ۱۹۴۳ دکتر بنک، رئیس هیأت کاوش‌های ایالت پنسلوانیایی آمریکا همراه با محمدنادر سروری، عضو ریاست موزه کابل، برای بار دوم برای کاوش‌های باستان‌شناختی در شهرستان بلخ، در ولایت بلخ به سر بردند و سپس ره‌سپار کندز شدند. (۳۵، ص ۱) هم‌چنین در زمان او راه بلخ - کالف کشیده شد، (۴۰، ص ۱) تانک‌های بنزین در کالف و در منطقه خواجه آهودوش شهر مزار شریف ساخته شدند، (۳۲، ص ۱) ساختمان سینمای مزار شریف اعمار (۴۴، ص ۱) و دارالمساکین مزار شریف گشایش یافت (۳۸، ص ۱) و نیز ساختمان «سلام‌خانه» در شهر مزار شریف بازسازی و به همین‌گونه جای ساختن کارخانه نساجی در حومه شهر مزار شریف تعیین شد. (۳۴، ص ۱)

عبدالوهاب آصفی

عبدالوهاب آصفی در دوره پادشاهی محمدظاهرشاه در زمان نخست‌وزیری محمدداؤودخان از اسفند ۱۳۳۲ تا ۱۲ آذر ۱۳۳۵ / مارس ۱۹۵۴ تا ۳ دسامبر ۱۹۵۶ والی / نایب‌الحکومه بلخ / مزار شریف بود. (۲۴۸)

عبدالوهاب آصفی در سال ۱۲۷۶ / ۱۸۹۷ در شهرستان خویانی ولایت ننگرهار دیده به جهان گشود. فراگیری دانش را به گونه خصوصی انجام داد و به حیث دبیر نخست سفارت افغانستان در

آنکارا، پای تخت کشور ترکیه، و به حیث کنسول در شهر بمبئی کشور هندوستان و در شهر مشهد کشور ایران ایفای وظیفه کرد. در سال ۱۳۲۱/۱۹۴۲ والی/ حاکم اعلای فاریاب، در سال ۱۳۲۹/ ۱۹۵۰ معین وزارت امور داخله، از اسفند ۱۳۳۲ تا ۱۲ آذر ۱۳۳۵/ مارس ۱۹۵۴ تا ۳ دسامبر ۱۹۵۶ والی بلخ و در میان سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۳/ ۱۳۴۴ و ۱۳۵۲ عضو مجلس اعیان کشور بود. عبدالتواب آصفی پسر عبدالوهاب آصفی است. (۲۹، ص ۲۵)

عبدالوهاب آصفی به فرمان شماره ۴۱۲۰ - ۱۳ اسفند ۱۳۳۲/ ۴ مارس ۱۹۵۴ پادشاه وقت، محمدظاهرشاه، به حیث والی بلخ گماشته شد و در ۳۰ اسفند ۱۳۳۲/ ۲۱ مارس ۱۹۵۴ به کار آغاز کرد. (۳۹، ص ۱؛ ۱۳۶، ص ۱) او در ۲۸ اسفند ۱۳۳۲/ ۱۹ مارس ۱۳۵۴ در شهر مزار شریف آمد و به وظیفه خود به حیث والی آغاز کرد. (۱۶۶، ص ۱) قیام معروف به شیشه‌شکنی در شهر مزار شریف در زمان همین والی در سال ۱۳۳۵/ ۱۹۵۶ رخ داده است.

پسرش عبدالتواب آصفی در سال ۱۹۳۱/ ۱۳۱۰ زاده شد، دوره دانش‌آموزی را از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۹ در دبیرستان عالی حبیبیه و آموزش‌های عالی را از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴/ ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۵ در دانشگاه کرنیل^۱ در رشته مهندسی ساختمان پی گرفت و دانش‌نامه کارشناسی به دست آورد و مقطع کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۴۵/ ۱۹۶۶ در رشته هایدرولیک در دانشگاه دولتی کالورادو به پایان برد و به ترتیب در سال ۱۳۴۴/ ۱۹۶۵ رئیس عملیاتی و حفاظتی شرکت وادی هیرمند، از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۴/ ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۵ سرمهندس بخش سروی اداره نقشه‌برداری، از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۲/ ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۳ رئیس توسعه روستاهای ولایت کابل، از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴/ ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵ والی هرات، از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷/ ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ وزیر معادن و صنایع و از ۱۳۵۷ تا دی ۱۳۵۸/ ۱۹۷۸ تا ژانویه ۱۹۸۰ در زندان پل چرخی کابل زندانی بود. عبدالتواب آصفی با فریحه دختر سفیر شعیب مسکین‌یار ازدواج کرده و در ایالات متحده آمریکا اقامت گزیده است. (۲۹، ص ۲۵)

در زمان عبدالوهاب آصفی در سال ۱۳۳۳/ ۱۹۵۴ سیم تلفن از شهر مزار شریف تا سیاکرد و از آن‌جا تا تاش‌گذر تمدید شد، (۱۷۵، ص ۳۵۱) در همان سال یک پسته‌خانه نو در بندر کلفت گشایش یافت، (۱۷۵، ص ۵۸۴) و ساختمان شهرداری شهرستان دولت‌آباد سنگ‌مانی شد. (۱۲۰، ص ۱) به همین گونه در زمان او برخی از دبستان‌های شهر مزار شریف نام‌گذاری شدند:

^۱ - Cornell University.
^۲ - Colorado State University.

مکتب «لیسه» به نام «باختر»، مکتب شمارهٔ اول به نام «نادرشاهی»، مکتب شمارهٔ دوم به نام «مولانا جلال الدین»، مکتب شمارهٔ ۳ به نام «سلطان غیاث الدین»، مکتب شمارهٔ ۴ به نام «وزیر محمد اکبرخان» و مکتب نسوان به نام «سلطان رضیه». (۱۶۲، ص ۱)

غلام رسول پره‌ماچ

غلام رسول پره‌ماچ در دورهٔ پادشاهی محمدظاهرشاه در زمان نخست‌وزیری محمد داؤودخان و دکتر محمدیوسف از دی ۱۳۳۵ تا بهمن ۱۳۴۲ ژانویهٔ ۱۹۵۷ تا فوریهٔ ۱۹۶۴ والی / نایب‌الحکومهٔ بلخ / مزار شریف بود. (۲۴۸)

غلام رسول پره‌ماچ فرزند عبدالودود در سال ۱۲۸۱/۱۹۰۲ در ولایت نورستان در یک خانوادهٔ کشاورزپیشه زاده شد. آموزش‌های نخستین را در دبستان خورده‌سالان عسکری و آموزش‌های عالی را در رشتهٔ نظامی در دانش‌گاه حربی کابل به پایان برد. از سال ۱۲۹۹/۱۹۲۰ در بخش‌های گوناگون ارتش تا معاونیت وزیر دفاع کار کرد و رتبهٔ سرلشکری / تورن‌ژنرالی را به دست آورد. از جمله او در لشکر / فرقهٔ یکم تخار و بدخشان کار کرد و پس از یک سال به پکتیا رفت و فرمان‌ده لشکر / فرقهٔ ۱۲ در ولایت جنوبی بود، در سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷/۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ با نیروهای زیر فرمان خود برای فرونشاندن شورش عبدالرحمان تره‌کی در مقر ایفای وظیفه کرد و پس از پیروزی در سال ۱۳۱۰/



۱۹۳۱ به حیث مدیر دبستان حربی وقت و سپس به نوبت به حیث فرمان‌ده لشکر / فرقهٔ یکم و فرمان‌ده نیروهای ۱۴ غزنه و رئیس تنظیمیهٔ پکتیا خدمت کرد، پس از پنج سال خدمت در پکتیا به رتبهٔ سرلشکری / تورن‌ژنرالی رسید و به حیث فرمان‌ده لشکر / فرقهٔ یکم نیروهای مرکز و سپس به حیث رئیس دانش‌گاه حربی کابل گماشته شد و در فرونشاندن شورش مشرقی سهم گرفت، به دنبال آن دوباره رئیس تنظیمیهٔ پکتیا و بعد از آن معاون وزارت دفاع ملی کشور شد. در زمان نخست‌وزیری محمد داؤودخان و دکتر محمدیوسف، از دی ۱۳۳۵ تا بهمن ۱۳۴۲ / ژانویهٔ ۱۹۵۷ تا فوریهٔ ۱۹۶۴ به حیث والی / نایب‌الحکومهٔ بلخ / مزار شریف ایفای وظیفه کرد. در زمانی

که او والی بلخ بود در اردیبهشت ۱۳۴۱/ مه ۱۹۶۲ محمدظاهرشاه، پادشاه افغانستان، سفری به شهر مزار شریف داشت. غلامرسول پره‌ماچ در درازای خدمت خود در ارتش در از میان برداشتن فتنه ملای لنگ و فرونشاندن شورش‌های اقوام ناصری و توخی مقرر و دفع فعالیت‌های ضد دولتی ابراهیم‌بیگ لقی در شمال و فعالیت‌های ضد دولتی مناطق مرکزی و دره جدران، کتواز و صافی سهمی فعال داشت و از سوی دولت به گرفتن نشان‌های «شجاعت»، «خدمت»، «صداقت»، «استور»، «سردار عالی» و «خدمت معارف» و ده‌ها ستایش‌نامه نایل آمد.

غلامرسول پره‌ماچ افزون از این که در گستره‌های لشکری و کشوری کارنامه‌هایی فراوان دارد در بالنده‌گی فرهنگ ریشه‌دار مردم نورستان نیز کارهای سودمندی انجام داده است. نگارش احوال طوایف و مردم‌شناسی مردم نورستان و فراهم‌آوری واژه‌ها از گویش‌های گوناگون زبان نورستانی و کوشش در معیاری ساختن آن زبان از کارنامه‌های مهم فرهنگی او می‌باشند. او در ۲۲ آبان ۱۳۵۴/ ۱۳ نوامبر ۱۹۷۵ به عمر ۷۳ ساله‌گی چشم از جهان پوشید. (۲۹، ص ۱۴۰؛ ۲۰۹؛ ۷۶، صص ۱ و ۴)

غلامرسول پره‌ماچ در هنگام مأموریت خود در ولایت بلخ، در این ولایت به‌ویژه در شهر مزار شریف و اطراف روضه مبارک حضرت علی «ک» کارهای عمرانی فراوانی را انجام داده است. توسعه شهری شهر مزار شریف پس از سال ۱۳۳۶/ ۱۹۵۷ در زمان همین والی انجام یافته است. (۴، ص ۱۲۸) هنگامی که غلامرسول پره‌ماچ والی بلخ بود، در سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۹/ ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ مسجد جامع کاشی‌کاری‌شده‌یی به مساحت ۱۷۲۰ مترمربع در صحن باختری آرام‌گاه روضه مبارک حضرت علی «ک» در شهر مزار شریف، ساخته شد. دیوارهای این مسجد از سوی بیرون سراپا کاشی‌کاری و از سوی درون تا پیزاره کاشی‌کاری و متباقی گچ‌بری شده بودند و سقف آن بر ۱۱۰ ستون بتونی کاشی‌کاری‌شده استوار بود. این مسجد دارای یک منبر از سنگ رخام سرخ‌رنگ و محراب مقرنس‌کاری بود.^۱ (۱۶، صص ۲۰۴ و ۲۰۵) به همین گونه در زمان این والی در سال ۱۳۳۷/ ۱۹۵۸ اداره گردش‌گری در بلخ به فعالیت آغاز کرد، در سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱/ ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ ساختمان ترمینال فرودگاه مزار شریف ساخته شد (۱۱۶، ص ۱) و در ۱۰ مهر ۱۳۳۸/ ۳ اکتبر ۱۹۵۹ دبیرستان مهستی (۶، ۱۳۷) و در ۱۲ مهر/ ۵ اکتبر همان سال دبیرستان خواجه برهان در شهر خلم تأسیس شدند. (۶، ص ۱۳۸)

^۱ - به جای این مسجد در سال ۱۳۹۳/ ۲۰۱۴ در زمان ولایت عطا محمد نور مسجد دیگری ساخته شده است.

عزیز محمد الکوزی

حاج عزیز محمد الکوزی در دوره پادشاهی محمد ظاهر شاه در زمان نخست‌وزیری دکتر محمد یوسف و قسماً محمد هاشم میوندوال از بهمن ۱۳۴۲ تا دی ۱۳۴۴ / فوریه ۱۹۶۴ ژانویه ۱۹۶۶ والی / نایب‌الحکومه بلخ / مزار شریف بود. (۲۴۸)

عزیز محمد الکوزی فرزند عطا محمد در سال ۱۳۰۱ / ۱۹۲۲ در کونته سنگی کابل دیده به جهان گشود. پس از دوره دانش‌آموزی آموزش‌های عالی را در دارالمعلمین کابل به فرجام رسانید و به کار آموزگاری پرداخت. سپس به حیث معین وزارت آموزش و پرورش کشور گماشته شد و از بهمن ۱۳۴۲ تا دی ۱۳۴۴ / فوریه ۱۹۶۴ تا ژانویه ۱۹۶۶ به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد. در بهمن ۱۳۴۵ / فوریه ۱۹۷۰ با حفظ رتبه پیشین به حیث معاون ریاست دادستانی وزارت دادگستری / عدلیه گماشته شد و به روز ۲۷ بهمن / ۱۶ فوریه توسط دکتر محمد حیدر، وزیر دادگستری کشور، به آن وظیفه معرفی شد و به کار آغاز کرد (۱۱۳، ص ۱) و در سال ۱۳۴۸ / ۱۹۶۹ به حیث معین وزارت امور داخله کشور گماشته شد. (۱۳۱، ص ۱) او در سال ۱۳۴۹ / ۱۹۷۰ برای ادای فریضه حج سفری به عربستان سعودی انجام داد و در سال ۱۳۵۷ / ۱۹۷۸ بازنشسته شد و در سال ۱۳۷۴ / ۱۹۹۵ به عمر ۷۴ ساله‌گی چشم از جهان پوشید.^۱



در زمانی او والی بلخ بود از بهمن ۱۳۴۲ تا دی ۱۳۴۴ / فوریه ۱۹۶۴ تا ژانویه ۱۹۶۶ به اجازه مقام‌های مرکزی، پوشش بالایی هر دو گنبد آرام‌گاه حضرت علی «ک» واقع در شهر مزار شریف که در آستانه ویرانی قرار داشتند سر از نو با گادر و قالب‌کشی اعمار و با کاشی فیروزه‌یی مزین

^۱ - عزیز محمد الکوزی، والی بلخ، شخصی اجتماعی و فروتن و با شهروندان محشور بود. به علمای دینی احترام خاصی قایل بود و هرازگاهی برای دیدار و گفت‌وگو با مولوی عبدالصمد، امام مسجد جامع گذر استالفی‌های شهر مزار شریف، که از علمای جید کشور بود می‌آمد. باری در سال ۱۳۴۳ / ۱۹۶۴ هنگامی که نه‌ساله بودم، در همان گذر به خانه ما هم مهمان پدرم، صوفی محمد عیسا، شده بود.

شدند، به گونه‌یی که اکنون فضای میان گنبد‌های اصلی و پوشش‌های بالایی آن‌ها تهی و باز می‌باشد. به همین‌گونه صحن روضه مبارک که خامه و بدون آبرو بود، برای پیش‌گیری از نفوذ برف و باران به ساختمان، هموارکاری و سنگ‌فرش و با آبرو زیرزمینی مجهز شد. در این کار ۱۴ هزار مترمکعب خاک از صحن برداشته شد و بیش از دو میلیون و سه صد هزار افغانی از کمک‌های مردم ولایت‌های بلخ، جوزجان و سمنگان به مصرف رسید، (۴، صص ۹۳ - ۹۴) در ۵ مرداد ۱۳۴۴/۲۷ ژوئیه ۱۹۶۵ مرکز شهر نو شهرستان چهاربولک بنیادگذاشته شد. در این شهر در مساحت ۵۰۰ جریب زمین اعمار ساختمان‌های اداره‌های دولتی، ۵۰۰ خانه نشیمن، دکان‌ها، پارک، سینما، مسجد، مکتب و سرای‌ها در نظر گرفته شده بود. (۱۱۴، ص ۴) هم‌چنین در زمان او قرارداد ساختمان کارخانه کود و برق مزار شریف در ۱۰ شهریور ۱۳۴۴/۱ سپتامبر ۱۹۶۵ میان وزارت معادن و صنایع افغانستان و مؤسسه تکنوپروم اکسپورت اتحاد شوروی در کابل عقد شد. (۱۳۷، ص ۱)

مهندس محمدحسین مسا

مهندس محمدحسین مسا در دوره پادشاهی محمدظاهرشاه در زمان نخست‌وزیری محمد‌هاشم میوندوال از دی ۱۳۴۴ تا ۱۲ بهمن ۱۳۴۵/ ژانویه ۱۹۶۶ تا ۱ فوریه ۱۹۶۷ والی بلخ بود. (۲۴۸)

مهندس محمدحسین مسا فرزند حاج فقیرمحمد در سال ۱۳۰۲/۱۹۲۳ در کابل به جهان آمد. در سال ۱۳۲۲/۱۹۴۳ دوره دانش‌آموزی را در دبیرستان حبیبیه کابل به فرجام رسانید، پیش از آن که برای ادامه آموزش به بیرون از کشور برود، مدت سه سال در دانش‌کده ساینس دانشگاه کابل در گروه شیمی و زیست‌شناسی سرگرم فراگیری دانش شد و در سال ۱۳۲۶/۱۹۴۷ برای آموزش‌های عالی در رشته مهندسی به آمریکا رفت و در سال ۱۳۳۲/۱۹۵۳ در حالی که دانش‌نامه مهندسی معادن را از دانشگاه آریزونا^۱ و دانش‌نامه مافوق مهندسی نفت را از دانشگاه هوستون^۲ آمریکا به دست آورد دوباره به میهن برگشت. از هنگام بازگشت تا نیمه سال ۱۳۳۴/۱۹۵۵ در مدیریت استخراج و کشف وزارت معادن و صنایع کشور ایفای وظیفه کرد و از ۲۴ مرداد

^۱ - Arizono.

^۲ - Houston.

۱۳۳۴ تا ۱ تیر ۱۳۳۶ / ۱۶ اوت ۱۹۵۵ تا ۲۲ ژوئن ۱۹۵۷ در ریاست تفحص نفت به عنوان مدیر فنی و سپس در ریاست صنایع به حیث سرپرست مدیریت کار و کارگران به کار گماشته شد و تا ۱ مهر ۱۳۳۷ / ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۸ به این وظیفه ادامه داد. سه ماه بعد بر بنیاد تصویب شورای عالی نفت در ریاست صنایع تبدیل و به عنوان معاون ریاست تفحص نفت مقرر شد و به دنبال آن به



اساس پیش نهاد وزارت معادن و صنایع و تصویب مجلس عالی وزیران و منظوری محمد ظاهر شاه به حیث سرپرست ریاست تفحص نفت گماشته شد.

مسا در درازای مدت مأموریت خود از سوی مقام های ذی صلاح به گرفتن ستایش نامه ها و مکافات نیز نایل آمده است و از سوی محمد ظاهر شاه، پادشاه افغانستان، نشان درجه سوم ستوری / ستاره را به دست آورده است. او بسیاری از مناطق شمالی کشور را دیده و سفرهایی به پاکستان، هندوستان، عربستان، عراق، مصر، ایتالیا، فرانسه، جمهوری

فیدرال آلمان، هالند، سوئد، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، مکزیک و شماری از جمهوریت های اتحاد شوروی نیز داشته است. (۱۷۷، صص ۱۹۶ - ۱۹۷)

مهندس محمد حسین مسا در سال ۱۳۴۱ / ۱۹۶۳ وزیر بازرگانی، (۲۹، ص ۱۰۴) در سال های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ / ۱۹۶۳ وزیر سرپرست مخابرات و از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۳ / ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۵ وزیر سرپرست معادن و صنایع، (۱۷۷، صص ۱۲۰ و ۱۹۶ - ۱۹۷) در سال ۱۳۴۴ / ۱۹۶۵ وزیر امور داخله (۲۹، ص ۱۰۴) و از دی ۱۳۴۴ تا ۱۲ بهمن ۱۳۴۵ / ژانویه ۱۹۶۶ تا ۱ فوریه ۱۹۶۷ والی بلخ بود و کار خود را به حیث والی بلخ عملاً از ۵ اسفند ۱۳۴۴ / ۲۴ فوریه ۱۹۶۶ آغاز کرد. (۱۲۳، ص ۱) مهندس مسا، والی بلخ، در ۸ آذر ۱۳۴۵ / ۲۹ نوامبر ۱۹۶۶ به دعوت وزارت معادن و صنایع کشور برای اشتراک در مراسم گشایش کارخانه تولید برق ماهی پر سفری به کابل داشت. (۵۹، ص ۱)

مهندس محمد حسین مسا شناخت ژرفی از ولایت های شمالی کشور به ویژه بلخ، سمنگان و جوزجان داشت. (۱۲۲، ص ۱) او از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۸ / ۱۹۶۸ تا ۱۹۶۹ برای بار دوم وزیر معادن و صنایع بود (۲۹، ص ۱۰۴) و در بهمن ۱۳۴۶ / ژانویه ۱۹۶۸ به حیث وزیر فواید عامه

کشور در کابینه محمدهاشم میوندوال گماشته شد (۱۲۲، ص ۱) و در ۱۲ بهمن ۱۳۴۶ / ۱ فوریه ۱۹۶۸ با کارمندان ولایت بلخ پدرو گفت و راه کابل را به پیش گرفت. (۵۸، ص ۱) پس از رفتن مسا از بلخ تا آمدن والی نو، محمدحنیف یوسفی، معاون ولایت بلخ، امور مربوط به ولایت بلخ را به پیش می برد. مهندس محمدحسین مسا از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸ / ۱۹۶۸ تا ۱۹۶۹ به حیث وزیر فواید عامه به کار خود ادامه داد و سپس عضو مجلس اعیان / سناتور شد. او سفری رسمی به اتحاد جماهیر شوروی نیز داشت و همچنین از برنده گان نشان دولتی استور / ستاره درجه سوم نیز است. مهندس مسا با یک دختر آمریکایی ازدواج کرده است و در سال ۱۳۶۶ / ۱۹۸۷ در حالی که شست سال عمر داشت هنوز در ایالات متحده آمریکا می زیست. (۲۹، ص ۱۰۴)

در زمان مهندس محمدحسین مسا در شهریور ۱۳۴۵ / سپتامبر ۱۹۶۶ به اشتراک شرکت صنعتی باختر و شرکت صنعتی مزار کارخانه جن و پرس در شهرستان بلخ ولایت بلخ در ساحه ۶۵ هزار متر مربع زمین به گونه یک طبقه و قسماً دوطبقه ساخته شد که سالانه ده هزار تن پنبه دانه دار را محلول می کرد، در ۲۶ مهر ۱۳۴۵ / ۱۸ اکتبر ۱۹۶۶ در هنگامی که غلامحبیب نوابی، رئیس اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ بود، کتابخانه عامه بلخ توسط عبدالحمید مبارز، رئیس آژانس خبررسانی باختر، با کمیّت دو هزار جلد کتاب گشایش یافت، (۱۴۹، ص ۱) در آبان / نوامبر همان سال هزارمین سال گرد یادبود رابعه بلخی، شاعرانوی سده چهارم / دهم در شهر باستانی بلخ با اشتراک والی بلخ برگزار شد (۱۶۸، ص ۱) و در آذر ۱۳۴۵ / نوامبر - دسامبر ۱۹۶۶ کار قیریزی شاهراه مزار شریف - شبرغان به درازی ۱۴۰ کیلومتر و پهنای ۱۰ متر آغاز یافت. (۱۳۹، ص ۱)

دکتر محمدناصر عمر کشاورز

دکتر محمدناصر عمر کشاورز در دوره پادشاهی محمدظاهرشاه در زمان نخست وزیری محمدهاشم میوندوال و نوراحمد اعتمادی از اسفند ۱۳۴۵ تا اردیبهشت ۱۳۴۷ / مارس ۱۹۶۷ تا مه ۱۹۶۸ والی بلخ بود.

دکتر محمدناصر کشاورز فرزند محمدعمر در سال ۱۳۰۴ / ۱۹۲۵ چشم به جهان گشود، او برادر دکتر محمدنادر عمر و عبدالله عمر است. دوره دانش آموزی را از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۴ / ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ در لیسه استقلال سپری کرد، در سال ۱۳۲۵ / ۱۹۴۷ از دانش کده ساینس

دانش نامه لیسانس گرفت و یک سال بعد برای ادامه آموزش های عالی به فرانسه رفت و در آن کشور در سال های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۱/۱۹۴۷ تا ۱۹۵۲ گواهی نامه های زیر را به دست آورد:

- گواهی نامه کنترل لبنیات از مؤسسه ملی کشاورزی پاریس؛
- گواهی نامه آزمون شمول در مکتب کشاورزی ملی مونتهپولیه؛
- گواهی نامه آزمون شمول در مکتب عالی اکرونومی ملی مربوط به دانشگاه نانس؛



- گواهی نامه آموزش های عالی در فیزیک و شیمی و علوم طبیعی؛

- گواهی نامه آموزش های عالی گیاهان از آن دانشگاه؛
- گواهی نامه آموزش های عالی زئولوژی؛
- گواهی نامه آموزش های عالی فیزیولوژی و دانش نامه مهندسی از آن دانشگاه؛

وی همچنین دانش نامه لیسانس را در علوم زیست شناسی به دست آورد و در سال ۱۳۳۲/۱۹۵۳ در مؤسسه پژوهش های عالی کشاورزی و دانشگاه سوربون به

فراگیری دانش پرداخت، در سال ۱۳۳۳/۱۹۵۴ با یک دختر فرانسه ای ازدواج کرد و در سال ۱۳۳۵/۱۹۵۶ دانش نامه دکترای خود را به دست آورد و به میهن برگشت و به عنوان کارشناس زووتکنی در وزارت کشاورزی به کار آغاز کرد.

دکتر کشاورز در سال ۱۳۳۶/۱۹۵۷ به حیث رئیس مؤسسه توسعه دامداری، در سال ۱۳۳۹/۱۹۶۰ به حیث سرپرست/ کفیل ریاست تولیدات حیوانی و دام پزشکی، در سال ۱۳۴۰/۱۹۶۱ به حیث سرپرست/ کفیل معین وزارت کشاورزی و در ماه اسفند/ حوت ۱۳۴۱/ مارس ۱۹۶۳ به حیث سرپرست وزارت کشاورزی گماشته شد. (۲۹، ص ۸۴؛ ۱۵۶، ص ۱؛ ۱۷۶، صص ۲۱۳ - ۲۱۵) وی در جریان کار خود به حیث وزیر کشاورزی در تیر ۱۳۴۴/ ژوئیه ۱۹۶۵ سفرهایی رسمی به ایالات متحده آمریکا و انگلستان انجام داده است. (۹۴، ص ۱)

به همین گونه وی در سال ۱۳۴۴/۱۹۶۵ به حیث مشاور نخست وزیری/ صدارت عظمی با حفظ رتبه وزارت، سپس به حیث والی فراه و از اسفند ۱۳۴۵ تا اردیبهشت ۱۳۴۷/ مارس ۱۹۶۷ تا مه ۱۹۶۸ به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد. (۱۵۶، ص ۱؛ ۱۷۶، صص ۲۱۳ - ۲۱۵) وی در

۱۱ اسفند ۱۳۴۵ / ۲ مارس ۱۹۶۷ به ولایت بلخ آمد و به عنوان والی بلخ به کار خود آغاز کرد (۸۰، ص ۱) و در زمان ولایت خود در بلخ از ۱۵ تا ۱۲ شهریور ۱۳۴۶ / ۲ تا ۶ سپتامبر ۱۹۶۷ برای اشتراک در سمپوزیم بین‌المللی قره‌قل به حیث نماینده افغانستان سفری به وینا داشت. (۹۲، ص ۱)

به دنبال آن به حیث والی پروان و در سال ۱۳۴۸ / ۱۹۶۹ به حیث رئیس کل کانال ننگرهار مقرر شد. (۲۹، ص ۸۴؛ ۱۵۹، ص ۱) در سال ۱۳۵۶ / ۱۹۷۷ هم‌سر فرانسه‌یی‌اش درگذشت و او با یک دختر افغانستانی که زبان مادری‌اش فارسی دری است ازدواج کرد. به گفته آدامیک دکتر محمدناصر عمر کشاورز در سال ۱۳۶۰ / ۱۹۸۱ هنوز در ایالات متحده آمریکا به سر می‌برد. (۲۹، ص ۸۴)

دکتر کشاورز در رشته کشاورزی دارای تألیفات زیر است:

- ۱ - رساله‌یی درباره پاستوریزاسیون لبنیات به زبان فرانسه‌یی؛
- ۲ - رساله‌یی در ۴۰ صفحه درباره شیر، گوشت، پشم و تولید پوست قره‌قل؛
- ۳ - رساله‌یی درباره گوسفند قره‌قل و فراورده‌های آن به زبان فرانسه‌یی؛
- ۴ - رساله‌یی درباره سیر تکامل کشاورزی به زبان فارسی دری در ۳۸ صفحه؛
- ۵ - رساله دکترای مبنی بر تحقیق درباره تشکیل و تکامل گل قره‌قل در مراحل مختلف جنین بره و گوسفند بالغ در ۱۴۵ صفحه به زبان فرانسه‌یی که به زبان روسی هم برگردان و منتشر شده است؛

۶ - رساله دوم دکترای در خصوص هتروزیس، که هر دو رساله از سوی مؤسسه پژوهش‌های کشاورزی پاریس منتشر شده اند؛

۷ - رساله‌یی در خصوص دام‌داری قره‌قل؛

۸ - رساله‌یی درباره کشاورزی در افغانستان در چهل سال؛

۹ - رساله‌یی درباره نقش قره‌قل در اقتصاد افغانستان؛

۱۰ - رساله قره‌قل به زبان انگلیسی؛

۱۱ - کتابی مصور درباره کشاورزی و دام‌داری در افغانستان؛

۱۲ - رساله‌یی مصور درباره رمه‌های قره‌قل. (۱۵۶، ص ۱؛ ۱۷۶، صص ۲۱۳ - ۲۱۵)

محمدنادر عمر و عبدالله عمر برادران دکتر محمدناصر عمر کشاورز می‌باشند. محمدنادر عمر در سال ۱۳۰۳ / ۱۹۲۴ در کابل زاده شد، دوره دانش‌آموزی را در دبیرستان عالی استقلال در

کابل و آموزش‌های عالی را در دانش‌کده پزشکی کابل به فرجام رسانید و تا سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸ رئیس دانش‌کده پزشکی کابل و از سال ۱۹۷۸ تا ۱۳۵۷/۱۹۸۰ تا ۱۳۵۹ استاد در آن دانش‌کده بود و سپس در زندان پل چرخ زندان شد. او مدیریت‌مسئولی نشریه «وحدت ملی» را هم به دوش داشت. (۲۹، ص ۱۴۲) برادر دیگرش عبدالله عمر در سال ۱۳۰۸/۱۹۲۹ در کابل زاده شد. دوره دانش‌آموزی را در سال ۱۳۲۶/۱۹۴۷ در دبیرستان عالی استقلال و آموزش‌های عالی را در سال ۱۳۳۳/۱۹۵۴ تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته پزشکی در دانشگاه کابل و در رشته سیرولوژی^۱ در سال ۱۳۳۷/۱۹۵۸ تا ۱۹۵۹ در دانشگاه پاریس به فرجام رسانید و فعالیت‌های فوق علمی را از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۵/۱۹۶۲ تا ۱۹۶۶ در دانشگاه لیونس^۲ سپری کرد. از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۶/۱۹۶۶ تا ۱۹۶۷ استاد دانش‌کده پزشکی دانشگاه کابل، در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷/۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ رئیس دانش‌سرای صحت عامه وزارت صحت عامه، از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰/۱۳۴۹ تا ۱۹۶۹ معین وزارت صحت عامه، در سال ۱۳۵۱/۱۹۷۲ هم‌کار سازمان صحتی جهان در کشور سوریه، از ۱۳۵۳ تا دی ۱۳۵۵/۱۹۷۴ تا ژانویه ۱۹۷۶ رئیس پروژه سازمان صحتی جهان در شهر اسکندریه مصر و در یمن و تا ۱۳۵۷/۱۹۷۸ وزیر صحت عامه بود و سپس یک‌جا با وزیران دوره جمهوری محمد داؤدخان در زندان پل چرخ کابل زندانی شد. عبدالله عمر ازدواج کرده و پنج فرزند دارد که به زبان‌های فارسی دری، فرانسه‌یی و انگلیسی مسلط استند. (۲۹، ص ۱۴۲)

در زمانی که دکتر کشاورز والی بلخ بود، در مرداد ۱۳۴۶/۱۹۶۷ شبکه آب‌رسانی شهر مزار شریف گشایش یافت (۹۵، ص ۱) و همچنین در شهریور/سپتامبر همان سال ورزش‌گاه سینا در پارک نوبهار شهر مزار شریف در مدت دو ماه ساخته شد و گشایش یافت و به حیث منطقه برگزاری جشن تعیین شد، (۱۱۱، ص ۱) در اسفند ۱۳۴۶/مارس ۱۹۶۸ پل نو امام بکری بر فراز رود بلخ در شهرستان ده‌دادی ولایت بلخ به درازای ۲۵ متر، پهنای ۷ متر و بلندای سه و نیم متر از سطح آب آن رودخانه ساخته شد، (۹۱، ص ۱) در آبان ۱۳۴۶/نوامبر ۱۹۶۷ در زمان همین والی پل جدید امام بکری بر فراز رود بلخ در شهرستان ده‌دادی ولایت بلخ به مصرف دو میلیون

^۱ - Serology.

^۲ - Lyons.

افغانی گشایش یافت (۹۳، ص ۱) و در سال ۱۳۴۵ / کارخانه کود شیمیایی و در ۲۱ فروردین ۱۳۴۶ / کارخانه برق حرارتی در شهرستان ده‌دادی ولایت بلخ سنگ‌مانی شدند. (۱۹۷)

مهندس محمد بشیر لودین

مهندس محمد بشیر لودین در دوره پادشاهی محمد ظاهر شاه در زمان نخست‌وزیری نوراحمد اعتمادی از اردیبهشت ۱۳۴۷ تا خرداد ۱۳۴۸ / مه ۱۹۶۸ تا ژوئن ۱۹۶۹ والی بلخ بود.

مهندس محمد بشیر لودین برادر کبیر لودین است. بشیر لودین آموزش‌های عالی را در رشته



مهندسی در ایالات متحده آمریکا به فرجام رسانید. (۲۹، ص ۹۵) از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ / ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷ والی فراه بود. (۲۰۷) سپس از اردیبهشت ۱۳۴۷ تا خرداد ۱۳۴۸ / مه ۱۹۶۸ تا ژوئن ۱۹۶۹ به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد و به دنبال آن در ادامه سال ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ / ۱۹۶۹ و ۱۹۷۱ وزیر امور داخله کشور (۲۹، ص ۹۵؛ ۵۷ ص ۱؛ ۱۷۸، ص بعد از ۱۰۰) و در سال ۱۳۵۰ / ۱۹۷۱ رئیس جمعیت هلال احمر و در سال ۱۳۵۶ / ۱۹۷۷ سفیر افغانستان در بن آلمان بود. او با ماری شمیم عباسی، خواهر محمد ابراهیم عباسی،

ازدواج کرده است. (۲۹، ص ۹۵) محمد بشیر لودین شاعر هم بود و سروده‌یی از او در ستایش گل نارنج در سال ۱۳۵۰ / ۱۹۷۱ در یک گزینه به چاپ رسیده است. (۱۹۵) مهندس محمد بشیر لودین در سال‌های پنجاه / هفتاد در کابل چشم از جهان پوشید. (۲۹، ص ۹۵)

در زمانی که او والی بلخ بود، کار ساختن کارخانه نساجی بلخ در اردیبهشت ۱۳۴۷ / مه ۱۹۶۸ آغاز یافت (۱۶۷، ص ۱) و در آذر ۱۳۴۷ / اکتبر ۱۹۶۸ کار مرمت ساختمان خوابگاه مدرسه اسدیۀ بلخ به فرجام رسید. این مدرسه در سال ۱۳۱۵ / ۱۹۳۶ در شهر مزار شریف بنیادگذاری شده بود. (۱۴۲، ص ۱) در سال ۱۳۴۷ / ۱۹۶۸ پنجاه قطعه یک جریبی زمین نمایشی پنبه که هر کدام به گونه میان‌گین هفت سیر پنبه دانه‌دار محصول داشتند در مرکز و شهرستان‌های ولایت بلخ در زمین‌های کشاورزان از سوی مدیریت کل کشاورزی و آبیاری ولایت بلخ احداث شدند، (۷۰، ص ۱) در ۱۶ بهمن ۱۳۴۷ / ۵ فوریه ۱۹۶۹ کارخانه کشمش پاکی مزار شریف که در یک ساعت دو و نیم تن کشمش را با نرم جهانی پاک کرده آمادۀ صدور به بیرون از کشور می‌ساخت به

فعالیت آغاز کرد، (۱۳۴، ص ۱) در زمستان ۱۳۴۷ / ۱۹۶۹ از سوی هیأت احداث جنگل‌های مصنوعی و افراد نیروهای سبز وزارت کشاورزی و آبیاری کشور در ساحه ۷۷۵ جریب زمین ریگزار منطقه تاش‌گذر ولایت بلخ بوته‌های سکساول و چرگس کشت و قلمه‌نشانی شد (۶۵ صص ۱ و ۴) و از ۹ اردیبهشت ۱۳۴۸ / ۲۹ آوریل ۱۹۶۹ برق شهر مزار شریف روزانه نیز جریان یافت. (۶۶، ص ۱)

عبدالوهاب ملک‌یار

عبدالوهاب ملک‌یار در دوره پادشاهی محمدظاهرشاه در زمان نخست‌وزیری نوراحمد اعتمادی و دکتر عبدالظاهر از خرداد ۱۳۴۸ تا ۱۲ فروردین ۱۳۵۰ / ژوئن ۱۹۶۹ تا ۱ آوریل ۱۹۷۱ والی بلخ بود. (۲۴۸)

عبدالوهاب ملک‌یار فرزند ژنرال عبدالاحمد در سال ۱۳۰۶ / ۱۹۲۷ زاده شد. دوره دانش‌آموزی را در دبیرستان نجات در کابل و آموزش‌های عالی را در رشته اقتصاد در سوئیس و آلمان به پایان برد و سپس از اواخر سال‌های ۱۳۳۰ / ۱۹۵۹ تا اوایل سال‌های ۱۳۴۰ / ۱۹۶۰ رئیس توسعه روستاها، در سال ۱۳۴۴ / ۱۹۶۵ معین وزارت امور داخله، از خرداد ۱۳۴۸ تا فروردین ۱۳۵۰ / ژوئن ۱۹۶۹ تا آوریل ۱۹۷۱ والی بلخ، در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ / ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ والی فاریاب و از ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ / ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ والی کندز بود. (۲۹، ص ۱۰۲) عبدالوهاب ملک‌یار در پنج‌شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۵۰ / ۱ آوریل ۱۹۷۱ پس از پدرود با کارمندان و مردم ولایت بلخ در حالی که سرلشکر/ تورن ژنرال سید انورشاه، فرمان‌ده نیروهای شماره ۱۸ ارتش، محمدشریف مستوفی و مولوی عدلی رئیس دادگاه و رؤسای اداره‌های دولتی حضور داشتند مزار شریف را به آهنگ کابل ترک گفت. (۱۲۴، صص ۱ و ۴) و تا آمدن والی نو محمدشریف، مستوفی بلخ، امور ولایت بلخ را سرپرستی می‌کرد.



در زمانی که عبدالوهاب ملک‌یار والی بلخ بود، در سال ۱۳۴۸ / ۱۹۶۹ خیابان‌های پیرامون روضه مبارک حضرت علی «ک» در شهر مزار شریف به درازای ۱۱ کیلومتر و پهنای ۷ متر در دو

لایه به ضخامت ۷ سانتی متر قیرریزی شدند، (۱۱۸، ص ۱؛ ۱۴۷، ص ۱) در ۶ آذر ۱۳۴۸ / ۲۷ نوامبر ۱۹۶۹ دارالمعلمین عالی بلخ در شهر مزار شریف توسط محمدعارف غوثی، معین دوم وزارت معارف کشور، رسماً گشایش یافت، (۱۷۳، ص ۱) در دی ۱۳۴۸ / ژانویه ۱۹۷۰ مسجدی با گنجایش ۳۰۰ نفر در روستای قزل آباد شهرستان نهر شاهی ولایت بلخ ساخته شد، (۴۸، ص ۱) در زمستان ۱۳۴۸ / ۱۹۷۰ راه مزار شریف - روستای غندک به درازای ۳۵ کیلومتر و پهنای ۶ متر ساخته شد، (۱۱۵، ص ۱) در بهمن ۱۳۴۸ / فوریه ۱۹۷۰ کارخانه کشمش پاکی یووالی مزار شریف که از سوی شرکت یووالی به سرمایه ۱۱ میلیون افغانی در ساحه جنوبی شهر مزار شریف در ۲۰ جریب زمین با هزینه چهار میلیون و پنج صد هزار افغانی احداث شده بود و در یک ساعت سه و نیم تن کشمش را با معیار جهانی شسته آماده صدور به بیرون از کشور می ساخت گشایش یافت (۱۱۹، ص ۱) و نیز در سال ۱۳۴۸ / ۱۹۷۰ دبستان ها و دبیرستان های زیر نام گذاری شدند: مکتب متوسطه پسرانه بخش داری / علاقه داری ده دادی به نام شهید بلخی، دبستان دخترانه ده دادی به نام «رخشانه»، دبیرستان پسرانه روستای شیرآباد به نام «ابوزید»، دبیرستان پسرانه روستای تندورک به نام «ابوبکر»، دبیرستان پسرانه روستای سیاکرد به نام «حیرت بلخی»، دبیرستان پسرانه روستای مارمل به نام «ابوعصمت»، دبیرستان پسرانه روستای نزان، به نام «انوری»، دبیرستان پسرانه روستای قره غجله به نام «واعظی»، دبیرستان دخترانه دولت آباد به نام «رابعه»، دبیرستان پسرانه روستای جوی وکیل شهرستان شورته به نام «ابوجعفر» و دبیرستان پسرانه روستای آق تپه شهرستان چهاربولک به نام «پارسای بلخی». (۱۷۲، صص ۱ و ۴) در سال ۱۳۴۹ / ۱۹۷۰ بخش بزرگی از کار ساختن ساختمان دانش سرای نفت و گاز مزار شریف پیش برده شد. (۱۷۸، ص ۶۹۸) و محمدظاهرشاه، پادشاه افغانستان، در فروردین ۱۳۴۹ / آوریل ۱۹۷۰ سفری به شهر مزار شریف داشت. (۱۷۸، ص ۹) در زمان او نخستین توربین کارخانه برق در ۲ فروردین ۱۳۵۰ به فعالیت تولیدی خویش آغاز کرد. (۱۹۷)

عبدالعزیز

عبدالعزیز در زمان پادشاهی محمدظاهرشاه در زمان نخست وزیری دکتر عبدالظاهر و موسی شفیق و قسماً در دوره ریاست جمهوری محمدداؤود از ۱۲ فروردین ۱۳۵۰ تا ۲۰ مرداد ۱۳۵۲ / ۱ آوریل ۱۹۷۱ تا ۱۱ اوت ۱۹۷۳ والی بلخ بود.

عبدالعزیزخان پیش تر در سال ۱۳۴۲ حاکم اعلا و سپس والی فراه بود. (۲۰۷)

خبر تقرر عبدالعزيز به حیث والی بلخ در شماره ۹ مؤرخ ۱۰ فروردین ۱۳۵۰ / ۲۹ مارس ۱۹۷۱ روزنامه بیدار چاپ مزار شریف به نشر رسید. عبدالعزيز پیش از این که والی بلخ شود والی غزنه بود. (۷۷، ص ۱) اما ملک یار، والی پیشین بلخ، تا ۱۲ فروردین ۱۳۵۰ / ۱ آوریل ۱۹۷۱ هنوز به



وظیفه اش ادامه داد و پس از او برای چند روزی مستوفی ولایت از امور مربوط به ولایت سرپرستی می کرد و عبدالعزيز در ۱۶ فروردین ۱۳۵۰ / ۵ آوریل ۱۹۷۱ وارد مزار شریف شده کار خود را به عنوان والی بلخ آغاز کرد. (۱۱۷، ص ۱) در زمان او محمد ظاهر شاه، پادشاه افغانستان، با همسرش به سلسله سفرهای خود به ولایت های ارزگان، جوزجان، کندهار و بغلان به روز شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۵۰ / ۱۰ آوریل ۱۹۷۱ به مزار شریف آمد (۴۷، صص ۱ و ۴) و شب هنگام به زیارت آرامگاه حضرت علی «ک» در این

شهر رفت (۴۶، ص ۱) و فردای آن روز برای دیدن چاه های گاز شیرغان رهسپار ولایت جوزجان شد. (۴۵، ص ۱)

در زمان او در ۳۰ فروردین ۱۳۵۰ / ۱۹ آوریل ۱۹۷۱ یک آش خانه عصری از سوی انستیتوت توسعه قره قل برای دباغت فنی پوست قره قل در شهر مزار شریف سنگمانی شد، (۱۷۰، ص ۱) در مرداد ۱۳۵۰ / ژوئیه ۱۹۷۱ سنگ تهداب ساختمان درمانگاه شهرستان شور تپه در مرکز آن شهرستان در ساحه ۳ جریب زمین با ۶ اتاق از بودجه وزارت تن درستی / صحیه گذاشته شد، (۱۰۶، ص ۴) در همان ماه کار ساختن مخزن اساسی پروژه آب رسانی شهر مزار شریف توسط دستگاه ساختمانی بخدی به درازای ۳۲ متر و پهنای ۱۶ متر با گنجایش ده هزار مترمکعب آب آغاز یافت، (۱۴۶، ص ۱) در شهریور ۱۳۵۰ / سینما - تیاتر بلخ به هزینه ۱۲ میلیون افغانی از سوی مؤسسه شرکت صنعتی سخی در شهر مزار شریف با گنجایش ۷۲۰ نفر ساخته شد، (۱۱۲، ص ۱) در ۸ اردیبهشت ۱۳۵۱ کار پروژه توسعه ای آب آشامیدنی گشایش یافت که این پروژه به هزینه ۴۲ میلیون افغانی از وام درازمدت دولت ژاپن و بودجه توسعه ای دولت افغانستان به فرجام رسید. (۹۷، ص ۱) در سال ۱۳۵۱ / ۱۹۷۲ کار ساخت گذرگاه هوایی لوله بزرگ گاز بر فراز رود آمو به درازای ۶۶۰ متر در ناحیه کلفت صورت گرفت، (۱۴۵، ص ۱) در ۲۹ مرداد ۱۳۵۱ / ۲۰ اوت

۱۹۷۲ آزمایش‌گاه تشخیص بیماری‌های حیوانی که به کمک اتحاد شوروی در شهر مزار شریف ساخته شده بود گشایش یافت، (۱۵۳، ص ۱) در سال ۱۳۵۱ / ۱۹۷۲ در کنار روزنامهٔ بیدار هفته‌نامه‌یی به نام «جهان‌نما» نیز در ولایت بلخ به امتیاز شهرداری خُلم پدید آمد که زنده‌گی نشراتی آن مانند مجلهٔ بلخ کوتاه بود و یک‌جا با نشریه‌های ملی و آزاد کشور به فرمان دولت جمهوری محمدداؤودخان در سال ۱۳۵۴ / ۱۹۷۵ از نشر بازماند. (۱۴، ص ۲۹)

والیان بلخ در دوره ریاست جمهوری محمد داؤد خان

(۲۶ تیر ۱۳۵۲ - ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ / ۱۷ ژوئن ۱۹۷۳ - ۲۷ آوریل ۱۹۷۸)

محمد داؤد خان پسر عم محمد ظاهر شاه، که باری در دوره پیش از مشروطیت به حیث نخست‌وزیر کشور ایفای وظیفه کرده بود، به ساعت یک شب سه‌شنبه ۲۶ تیر ۱۳۵۲ / ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳ هنگامی که محمد ظاهر شاه، پادشاه افغانستان، در بیرون از کشور بود، به همکاری گروهی از افسران بلند پایه ارتش کشور برای سرنگونی نظام شاهی دست به کودتا زد و حدود ساعت دو و نیم شب مخابرات مرکز در دست کودتاگران افتاد. در همان شب فرمان دهان نیروهای مرکزی کشور و نیز فرمان دهان نیروهای هوایی در فرودگاه‌های کشور از جمله فرمان‌ده نیروهای هوایی فرودگاه مزار شریف دست‌گیر شدند.

صبح ۲۶ تیر / ۱۷ ژوئیه از رادیوی کابل تنها آهنگ‌های حماسی و موزیک نظامی پخش می‌شدند و به ساعت ده صبح محمد داؤد از طریق آن رادیو در سخن‌رانی خود از برپایی نظام جمهوری در کشور، خبر داد و به دنبال این روی‌داد در ۲۱ مرداد ۱۳۵۲ / ۱۲ اوت ۱۹۷۳ محمد ظاهر شاه رسماً از سمت خود به عنوان پادشاه افغانستان کناره گرفت. در ولایت بلخ رئیسان و کارمندان اداره‌های دولتی و افسران ژاندارم و پلیس از برپایی نظام جمهوری در کشور به گرمی استقبال کردند و در شهر مزار شریف بر بنیاد فرمان محمد داؤد، رئیس دولت جمهوری افغانستان، در ۸ مرداد ۱۳۵۲ / ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۳ کارمندان دولت، قاضیان و افسران ژاندارم و پلیس در سالن ولایت بلخ به ریاست عبدالعزیز، واپسین والی بلخ در دوره پادشاهی محمد ظاهر شاه، مراسم سوگند را به نظام جمهوری به جا آوردند (۹۹، ص ۱) و به همین گونه در ۹ مرداد ۱۳۵۲ / ۳۱ ژوئیه ۱۹۷۳ افسران لشکر / فرقه ۱۸ مربوط به ولایت‌های بلخ، جوزجان، فاریاب و سمنگان و مستقر در

پادگان شهرستان ده‌دادی ولایت بلخ مراسم سوگند را به نظام جمهوری در سالن فرمان‌دهی پادگان خود اجرا کردند. (۱۲۷، ص ۱)

در ۸ شهریور ۱۳۵۲ / ۳۰ اوت ۱۹۷۳ در شهر مزار شریف راه‌پیمایی بزرگی در بزرگداشت و پستی‌بانی از نظام جمهوری با شرکت بیش از پنجاه هزار نفر از مردم مرکز و شهرستان‌های ولایت بلخ، از جمله: کارمندان، افسران، دانش‌آموزان و منسوبان آموزش و پرورش و کارگران پروژه‌ها و مؤسسه‌های صنعتی در حالی که محمدعالم نوابی، والی بلخ، سرلشکر/ تورن‌ژنرال گل محمد، فرمان‌ده نیروهای شماره ۱۸ ارتش، مولوی عبدالودود، رئیس دادگاه، و رئیس اداره‌های دولتی نیز با آنان بودند راه‌اندازی شد. این راه‌پیمایی که از باغ حضور آغاز شد در خیابان‌های پیرامون روضه مبارک حضرت علی «ک» ادامه یافته در چهارراه غربی روضه مبارک به فرجام رسید. (۶۸، صص ۱ و ۴)

در دوره جمهوری محمدداؤودخان به ترتیب محمدعالم نوابی و محمدهاشم صافی والی بلخ بودند. در این دوره بلخ روزگار آرامی را سپری کرد. به‌ویژه در هنگامی که محمدعالم نوابی والی بلخ بود، ولایت بلخ از نظم و انضباط بسیار خوبی برخوردار بود و نیز در شهر مزار شریف فرهنگ شهرنشینی در حال گسترش بود. در خیابان‌های پیرامون روضه مبارک عبور و مرور گاری‌های نفربر و باربر ممنوع قرار داده شد، به روی خیابان‌ها به استثنای ماشین‌ها به افراد پیاده اجازه گشت و گذار داده نمی‌شد، دکان‌ها و فروش‌گاه با ویتترین مجهز شدند و مالکان آن‌ها مکلف بودند تا شبانه چراغ‌های رنگی را بر درهای دکان‌های خود روشن نگاه دارند، هیچ دکانی حق استفاده از پیاده‌رو را نداشت، به پاکیزه‌گی شهر توجه جدی می‌شد، والی خودش شب و روز وضعیت شهر و ولایت را زیر نظر داشت و به همه امور رسیده‌گی می‌کرد.

محمدداؤودخان در سال ۱۳۵۴ / ۱۹۷۵ در سیاست خود تغییراتی را وارد کرد و حزبی را به نام «غورزنگ ملی/ خیزش ملی» پدید آورد که در ولایت بلخ نیز این حزب با عضویت شماری از کارمندان دولت به فعالیت پرداخت، اما چندان مطرح نشد. در ولایت بلخ در دوره نظام جمهوری محمدداؤودخان روز ۲۶ تیر/ ۱۷ ژوئیه به عنوان جشن انقلاب به گونه بسیار باشکوهی در منطقه جشن در ورزش‌گاه سینای شهر مزار شریف بزرگداشت می‌شد. خیابان شرقی پیوست با روضه مبارک را به نام خیابان «جمهوری» مسما کرده و در انجام شرقی آن رواقی کاشی‌شده زیبایی را به نام «دروازه جمهوری» ساخته بودند و همچنین خیابان غربی شهر را که از دروازه نظرگاه

روضه شریف به سوی شهرستان ده‌دادی امتداد دارد به نام خیابان ۲۶ سرطان / تیر، نام گذاشته بودند.

در زمان نوابی در نوروز سال ۱۳۵۶ / ۲۱ مارس ۱۹۷۷ محمد داؤود خان، رئیس جمهور کشور، سفری به ولایت بلخ داشت و در جشن نوروز شرکت و سخن رانی کرد. محمد داؤود خان در ۲۶ بهمن ۱۳۵۶ / ۱۵ فوریه ۱۹۷۸ از سوی جرگه بزرگ به عنوان رئیس جمهوری افغانستان برگزیده شد و سرانجام با کودتای خونین هفتم اردیبهشت ۱۳۵۷ / بیست و هفتم آوریل ۱۹۷۸ که توسط رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان و افسران عضو آن حزب به راه انداخته شد یک‌جا با خانواده‌اش به دست کودتاگران، کشته شد. در شهر مزار شریف یک روز پیش از کودتا در ۶ اردیبهشت ۱۳۵۷ / ۲۶ آوریل ۱۹۷۸ محمد هاشم صافی، والی بلخ، از کارخانه نساجی بلخ دیدن کرد و در روز کودتا روزنامه پگاهی بیدار در شهر مزار شریف با مطالب و خبرهایی مربوط به نظام جمهوری محمد داؤود خان منتشر شد و محمد هاشم صافی، واپسین والی دوره جمهوری محمد داؤود خان در بلخ، تا سه روز بعد از کودتا به وظیفه‌اش ادامه داد و سپس از ۱۰ تا ۲۳ اردیبهشت / ۳۰ آوریل تا ۱۳ مه که وضعیت دوباره به حالت عادی برگشت، سرلشکر / تورن ژنرال حاج محمد نواز فرمان‌ده نیروهای ۱۸ ارتش مستقر در پادگان شهرستان ده‌دادی ولایت بلخ امور مربوط به ولایت بلخ را در دست داشت.

محمد عالم نوابی

محمد عالم نوابی در دوره ریاست جمهوری محمد داؤود خان از ۲۸ مرداد ۱۳۵۲ تا ۱۷ خرداد ۱۳۵۶ / ۱۹ اوت ۱۹۷۳ تا ۷ ژوئن ۱۹۷۷ والی بلخ بود.

محمد عالم نوابی پسر سردار محمد هاشم نوابی در ۲۴ مرداد ۱۳۰۸ / ۱۵ اوت ۱۹۲۹ در مرکز ولایت سمنگان زاده شد و از دودمان محمدزایی است. (۲۹، ص ۱۳۵؛ ۲۴۰) پدرش از افسران نظامی دوره پادشاهی شاه امان‌الله خان بود که در شهر ایبک، مرکز ولایت سمنگان، وظیفه اجرا می‌کرد و اما در جنگ با نیروهای امیر حبیب‌الله کلکانی یک‌جا با برادران خود کشته شد و پس از این روی داد، خانواده‌اش دوباره به موطن اصلی خود، کابل، کوچید. (۲۴۰)

محمد عالم نوابی دوره دانش‌آموزی را از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۶ / ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۷ در دبیرستان عالی امانی (نجات بعدی) پی گرفت و پس از آن آموزش‌های عالی را در دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی در رشته حقوق اسلامی در سال ۱۳۳۰ / ۱۹۵۱ به پایان برد و به حیث مدعی‌العموم به کار

آغاز کرد. سپس به حیث رئیس اداری دفتر نخست‌وزیری/ صدارت گماشته شد و به دنبال آن در سال ۱۳۴۳/۱۹۶۴ به حیث مدیر قلم مخصوص آن دفتر در زمان نخست‌وزیری محمدیوسف‌خان (از اسفند ۱۳۴۱ - ۷ آبان ۱۳۴۴/ مارس ۱۹۶۳ - ۲۹ اکتبر ۱۹۶۵) کارکرد (۲۴۰) و بدین گونه تا زمان نخست‌وزیری محمدهاشم میوندوال یعنی سال ۱۳۴۴/۱۹۶۷ برای مدت حدود یک و نیم دهه در دفتر نخست‌وزیری/ صدارت ایفای وظیفه کرد. (۲۹، ص ۱۳۵)



بعداً از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸/۱۹۶۷ تا ۱۹۶۹ باز هم آموزش‌های عالی را در رشته حقوق در دانشگاه برلین و در شهرهای بن و گوتنجن^۱ و نیز در اتحاد شوروی پی گرفت و به دنبال آن به ترتیب در سال ۱۳۴۵/۱۹۶۶ والی بادغیس، (۲۹، ص ۱۳۵؛ ۲۴۰) از فروردین ۱۳۵۰/ مارس ۱۹۷۱ به حیث والی پروان، (۷۷، ص ۱) در سال ۱۳۵۱/۱۹۷۲ والی فراه (۲۹، ص ۱۳۵؛ ۲۰۷) و از ۲۸ مرداد ۱۳۵۲ تا ۱۷ خرداد ۱۳۵۶/۱۹۷۳ تا ۷ ژوئن ۱۹۷۷ والی بلخ بود. (۲۹، ص ۱۳۵) محمدعالم نوابی پس از کودتای ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷/۲۷ آوریل ۱۹۷۸ به پاکستان و از آن جا به آلمان رفت و در همان جا می‌زیست تا سرانجام در ۲۲ مهر ۱۳۸۲/۱۴ اکتبر ۲۰۰۳ در شهر بن چشم از جهان فروبست (۲۴۰) و در همان جا به خاک سپرده شد. محمدعالم نوابی ازدواج کرده است و سه دختر و یک پسر دارد. (۲۹، ص ۱۳۵)

او در ۲۸ مرداد ۱۳۵۲/۱۹ اوت ۱۹۷۳ به عنوان والی بلخ وارد مزار شریف شد و در میان مسؤولان امور و مردم ولایت بلخ در صحن «باغ حضور» در حالی که سرلشکر/ تورن ژنرال گل محمد، فرمان‌ده نیروهای شماره ۱۸ ارتش، مولوی عبدالودود، رئیس دادگاه، و رئیس اداره‌های کشوری و افسران حضور داشتند سخن‌رانی کرد. پس از سخن‌رانی او عبدالصمد منصوری مستوفی، دگروال اصحاب‌الدین رئیس ارکان نیروهای شماره ۱۸ ارتش، رضوان‌قل تمنا، مدیر کل اطلاعات و فرهنگ، حاج محمدعمر، سرپرست شهرداری مزار شریف، غلام‌حیدر امینی، خلیل‌الله امین، محمدظاهر یونس، عبدالحفیظ شکیبا باختری، غلام‌نبی و عبدالقیوم از سرشناسان

^۱ Goettingen.

ولایت بلخ به نماینده‌گی از کارمندان و مردم پشتی‌بانی خود را از نظام جمهوری اعلام داشتند. (۱۲۵، ص ۱)

نوبی شخصی جدی و قاطع بود و گروه‌های نیرومند کاری و استخباراتی در همه ناحیه‌های شهر و شهرستان‌ها داشت که روی‌داده‌ها را به آگاهی‌اش می‌رساندند و نیز کشیده‌گی‌ها را بررسی می‌کردند. بررسی روی‌دادهای جنایی را خودش انجام می‌داد و پرونده‌های جزایی را در نشست‌های اداری مقام ولایت به بحث می‌گرفت. در بررسی نرخ‌ها و نیز رعایت فرهنگ شهرنشینی و پاکیزه‌گی شهر توجه فراوانی داشت. در آستانه نوروز سال ۱۳۵۳/۱۹۷۴، هنگامی که زمین‌لرزه شدیدی باعث فروریزی تنگی خلم و ویرانی شهر خلم شد، یاری‌رسانی به آسیب‌دیده‌گان این روی‌داد را زیر نگاه خود انجام می‌داد که جریان آن را بنگی‌چه، یک تن از هنرمندان نوازنده و آوازخوان محلی آن شهر تصنیف ساخته با آواز خود خوانده است. (۲۴۲)

در زمان نوبی در نوروز سال ۱۳۵۶/۲۱ مارس ۱۹۷۷ محمدداؤود، رئیس جمهور کشور، به ولایت بلخ آمد و در جشن نوروز شرکت کرد. (۱۶۱، ص ۱ و ۴)

در زمانی که او والی بلخ بود، نخستین ابرپلان شهر مزار شریف در سال ۱۳۵۲/۱۹۷۳ در معرض تطبیق قرار گرفت که بربنیاد آن تا امروز ۹۰ درصد راه‌های شهر کشیده شده است، در ۷ شهریور ۱۳۵۲/۲۹ اوت ۱۹۷۳ کار قیرریزی لایه دوم خیابان‌های درون‌شهری مزار شریف آغاز شد، (۱۴۵، ص ۱) در ۱۷ مهر ۱۳۵۳/۹ اکتبر ۱۹۷۴ کارخانه کود شیمیایی در حومه غربی شهرستان ده‌دادی به تولید آغاز کرد، (۴، ص ۱۲۹؛ ۱۹۷) به همین گونه در مهر ۱۳۵۳/ سپتامبر ۱۹۷۴ آسایش‌گاه زندانیان خورده‌سال در محوطه زندان عمومی فرمان‌دهی امنیه ولایت بلخ که دارای مسجد، درس‌خانه، کتاب‌خانه و اتاق‌های نشیمن بود گشایش یافت، (۹۸، ص؟) در سال ۱۳۵۴/ ۱۹۷۶ نخستین دور دانش‌آموخته‌گان دانش‌سرای نفت و گاز مزار شریف با کمیت ۸۵ نفر به جامعه تقدیم شد، در سال ۱۳۵۵/۱۹۷۶ کار مرمت اساسی مسجد جامع تاریخی خواجه ابونصر

^۱ - محمدعالم نوبی، دوست‌دار دانش، فرهنگ و ادب نیز بود. در دیداری که در دوره دانش‌جویی‌ام در دانش‌سرای نفت و گاز مزار شریف با او در مرداد ۱۳۵۴ در دفتر کارش در حضور مولوی محمدحنیف حنیف بلخی، مدیر اوقاف ولایت بلخ، برای این‌جانب (صالح‌محمد خلیق) دست داد، او از روی میزش دفترچه‌یی را برابم گشود که شعرهای شاعران پیشین و معاصر را از دیوان‌ها و نشریه‌ها برگزیده و یادداشت کرده بود. در میان آن یادداشت‌ها یک سوگ‌سروده من به نام «مادر» که در روزنامه «بیدار» به چاپ رسیده بود نیز دیده می‌شد که به گفته خودش او را بسیار متأثر ساخته بود.

پارسا در شهرستان بلخ توسط کارشناسان مؤسسه سروی و باستان‌شناسی / آرکیولوژی کشور هندوستان در مدت ۱۸ ماه به فرجام رسید و در آذر ۱۳۵۵ / دسامبر ۱۹۷۶ دکتر نوین، وزیر اطلاعات و فرهنگ کشور، یک‌جا با محمدعالم نوابی از آن دیدن کردند، در همین سال کار گذاشتن چتر یا پوشش فلزی بر فراز ویرانه‌های مسجد تاریخی نه‌گنبد با هزینه بیش از پنج میلیون افغانی از بودجه توسعه‌ی وزارت اطلاعات و فرهنگ توسط ریاست کارخانه‌های کود و برق بلخ زیر نظر کارشناسان اداره باستان‌شناسی و آبدیه‌های تاریخی و فواید عامه انجام داده شد (۱۶۱، ص ۱) و در ۷ آذر ۱۳۵۵ / ۲۸ نوامبر ۱۹۷۶ قرارداد مطالعات تکنیکی و اقتصادی احداث بند آب‌گردان و نیروگاه آبی چشمه شفا به ارزش بیش از سه میلیون و شش صد و بیست هزار روبل میان مقام‌های مربوط افغانستان و شوروی در کابل عقد شد، (۱۳۸، ص ۱)

محمدعلی اسلامی ندوشن، دانش‌مند معاصر ایران، در دوره جمهوری محمدداؤودخان در زمانی که محمدعالم نوابی والی بلخ بود، باری به ولایت بلخ سفری انجام داده و یادداشت‌های خود را از این سفر در سفرنامه‌ی زیر عنوان «صفیر سیمرغ» به نشر رسانده است. (۳، صص ۳۷ - ۴۶)

محمد‌هاشم صافی

محمد‌هاشم صافی در دوره جمهوری محمدداؤودخان از ۱۷ خرداد ۱۳۵۶ تا ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۷ / ۷ ژوئن ۱۹۷۷ تا ۳۰ آوریل ۱۹۷۸ والی بلخ بود.

محمد‌هاشم صافی فرزند محمدیوسف در سال ۱۳۰۰ / ۱۹۲۱ زاده شد. دوره دانش‌آموزی را در دبیرستان عالی غازی در کابل و آموزش‌های عالی را تا درجه لیسانس در دانش‌کده ساینس دانش‌گاه کابل پی گرفت و برای ادامه آموزش‌های عالی به بیرون از کشور رفت و از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ / ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۴ در دانش‌گاه الینویس^۱ درس خواند و دانش‌نامه کارشناسی ارشد را در رشته باکتریولوژی به دست آورد. به همین‌گونه او در دانش‌گاه تکزاس ایالات متحده آمریکا نیز دانش آموخته است. پس از بازگشت به میهن، در سال ۱۳۳۳ / ۱۹۵۴ سرآموزگار دبیرستان عالی کندهار و سپس سرآموزگار دبیرستان عالی غازی در کابل شد. به دنبال آن به حیث رئیس اداره

^۱ Illinois.



توسعه روستاهای وادی هیرمند به کار پرداخت. در سال ۱۳۴۲ / ۱۹۶۳ رئیس پلان وزارت امور داخله، در سال ۱۳۴۳ / ۱۹۶۵ والی بغلان، در سال ۱۳۴۵ / ۱۹۶۶ رئیس HAVA، در سال ۱۳۴۸ / ۱۹۶۹ والی هیرمند، از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۵ / ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶ والی کندز، از سال ۱۳۵۵ تا دی ۱۳۵۶ / ۱۹۷۶ تا ژانویه ۱۹۷۸ والی سرپرست کابل، از ۱۷ خرداد ۱۳۵۶ تا ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۷ / ۷ ژوئن ۱۹۷۷ تا ۳۰ آوریل ۱۹۷۸ یعنی تا سه روز پس از کودتای ۷ اردیبهشت / ۲۷ آوریل والی بلخ بود. (۲۹، ص ۱۶۲؛ ۱۲۱، ص ۱) در زمان او محسن طاهری

شهردار شهر مزار شریف بود. در روز پیش از کودتا در ۶ اردیبهشت ۱۳۵۷ / ۲۶ آوریل ۱۹۷۸ محمدهاشم صافی از کارخانه نساجی بلخ دیدن کرد و در روز کودتا روزنامه بیدار در شهر مزار شریف به سود محمد داؤد خان منتشر شد.

محمدهاشم صافی به گفته آدامیک در سال ۱۳۶۶ / ۱۹۸۷ به عمر ۶۶ ساله گی هنوز در ایالات متحده آمریکا می زیست. (۲۹، ص ۱۶۲)

در زمان محمدهاشم صافی از مهر ۱۳۵۶ تا فروردین ۱۳۵۷ / اکتبر ۱۹۷۷ تا مارس ۱۹۷۸ راه بین مرکز بخش داری / علاقه داری چهارکنت شهرستان نهر شاهی ولایت بلخ و روستای تندورک آن بخش داری به درازای ۳۶ کیلومتر و پهنای ۶ متر ساخته شد که چهار روستای چهارکنت را به مرکز بخش داری پیوند می دهد، (۵۶، ص ۱) در فروردین ۱۳۵۷ / مارس ۱۹۷۸ بانک خون با ظرفیت صد پوند خون در بیمارستان مزار شریف گشایش یافت (۶۴، ص ۱) و نیز راه میان شاهراه مزار شریف - شبرغان و روستای بزتپه شهرستان چهاربولک ولایت بلخ به درازای ۳ و نیم کیلومتر و پهنای ۶ متر ساخته شد (۶۱، ص ۱) و به همین گونه مجله بلخ دور دوم نشراتی خود را با چاپی به تر از جمله کاغذ سفید و پستی رنگی آغاز کرد. (۱۳، ص ۲۹)

والیان بلخ در دورهٔ حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان / حزب وطن

(۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ - ۸ اردیبهشت ۱۳۷۱ / ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ - ۲۸ آوریل ۱۹۹۲)

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، با کودتای نظامی هواداران خود در ارتش، در ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ / ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ دولت جمهوری افغانستان به رهبری محمد داؤود خان را سرنگون کرد و قدرت را به دست گرفت و نور محمد تره کی را دبیر حزب و رئیس شورای انقلاب و دولت معرفی کرد. مردم ولایت بلخ از طریق رادیوی افغانستان به خبرهای این روی داد گوش می دادند، در حالی که در همان روز نخست کودتا روزنامهٔ محلی بیدار در شهر مزار شریف با خبرها و مطالب مربوط به نظام جمهوری محمد داؤود خان نشر و پخش شد و محمد هاشم صافی، واپسین والی بلخ در نظام جمهوری محمد داؤود خان، تا سه روز پس از کودتا نیز بر سر وظیفهٔ خویش بود. مقارن همین احوال در ولایت بلخ وضعیّت نظامی اعلان شد و سرلشکر / تورن ژنرال حاج محمد نواز فرمان ده لشکر شمارهٔ ۱۸ مستقر در پادگان شهرستان ده دادی از ۱۰ تا ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۷ / ۳۰ آوریل تا ۱۳ مه ۱۹۷۸ به عنوان والی سرپرست بلخ ادارهٔ این ولایت را در دست داشت.

به زودی با آمدن فدا محمد دهنشین در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۷ / ۱۳ مه ۱۹۷۸ به عنوان والی بلخ در میان موجی از اعضای حزب دموکراتیک خلق و شهریان که به پذیرایی او به خیابان های شهر مزار شریف ریخته بودند وضعیّت به حالت عادی برگشت. اما آهسته آهسته پی گرد و بازداشت مردم به اتهام اخوانی بودن و ضد انقلاب بودن آغاز شد و بیش ترینه سرمایه داران، زمین داران و روحانیون آماج سربه نیست شدن ها قرار گرفتند. هنوز دیری از حاکمیت حزب نگذشته بود که میان دو جناح خلق و پرچم در حزب جدایی افتاد و در ۱۲ خرداد ۱۳۵۷ / ۲ ژوئن ۱۹۷۸ مقام های گروه پرچم از کار کنار زده شدند و در این میان فدا محمد دهنشین که از جناح پرچم به

رهبری ببرک کارمل بود نیز به فرمان شماره یکم شورای انقلابی و بر بنیاد فیصله پلینوم مؤرخ ۶ آذر ۱۳۵۷ / ۲۷ نوامبر ۱۹۷۸ کمیته مرکزی حزب از عضویت کمیته مرکزی حزب تنزیل مقام یافت و از سمت ولایت بلخ برکنار شد و به جای وی مهندس محمدصدیق عالم‌یار که از جناح خلق به رهبری نورمحمد تره‌کی بود به حیث والی بلخ به کار آغاز کرد. پس از آن تاریخ، گروه بر سر قدرت خلق به پی‌گردد، بازداشت، شکنجه‌کردن و کشتن و زنده‌به‌گورکردن اعضای گروه پرچم نیز پرداختند و در این میان در بلخ والی نو و نورخان منگل، فرمان‌دار شهرستان نهر شاهی ولایت بلخ، برای مخالفان سیاسی و دگراندیشان فضای خفقان‌آوری را پدید آورده بودند. از مهم‌ترین روی‌دادهای بلخ در همان سال نخست کودتا، قیام مردم شهرستان چهارکنت در برابر نظام و بیرون ساختن آن شهرستان از تسلط دولت در ۳ اسفند ۱۳۵۷ / ۲۲ فوریه ۱۹۷۹ بود. پس از آن دولت چندین بار خواست تا به آن جا دست بیابد، اما موفق نشد. پیش از آن در ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ / ۱۶ فوریه ۱۹۷۹ مردم شهرستان دره صوف ولایت سمنگان نیز دست به قیام زده بودند.

به دنبال آن، اختلاف‌ها میان سران گروه حاکم خلق نیز آغاز شد که به کشته‌شدن تره‌کی و به قدرت‌رسیدن حفیظ‌الله امین در ۲۵ شهریور ۱۳۵۸ / ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۹ در کابل انجامید و در اثر همین اختلاف‌ها عبدالاحد ولسی که پس از محمدصدیق عالم‌یار والی بلخ بود نیز به اتهام هم‌سویی با تره‌کی برکنار و به جایش مهندس عبدالهادی که از هواخواهان حفیظ‌الله امین بود و به دنبال وی محمدبشیر بشریار به حیث والی بلخ گماشته شدند.

هم‌زمان، خیزش‌های مسلحانه شهروندان در برابر برنامه‌های نظام به‌وسیله حزب‌های اسلامی پیشین و سازمان‌های جهادی نوپا در گوشه و کنار کشور و از جمله در ولایت بلخ و موج‌هایی از کوچیدن‌های میلیونی مردم به بیرون از مرزها به ویژه به کشورهای ایران و پاکستان اوج گرفتند.

در ۶ دی ۱۳۵۸ / ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ در پی یورش واحدهایی از ارتش سرخ اتحاد شوروی به افغانستان، به حاکمیت حفیظ‌الله امین پایان داده شد و ببرک کارمل، رهبر گروه پرچم حزب دموکراتیک خلق، به قدرت رسید.

در این دوره که از سوی دست‌گاه حاکم به نام مرحله نوین و تکاملی انقلاب یاد می‌شد کارهایی برای جلب خوش‌بینی شهروندان به نظام، انجام داده شدند، از جمله زندانیان سیاسی از بند رها شدند و برای حرمت‌گزاری به قربانیان، روز ۲۳ دی ۱۳۵۸ / ۱۳ ژانویه ۱۹۸۰ روز ماتم

ملی اعلان شد. ببرک کارمل هم‌چنین اصلاح‌هایی را در نظام پدید آورد، از جمله در ۲۵ فروردین ۱۳۵۹/۱۴ آوریل ۱۹۸۰ پنجمین قانون اساسی کشور را به نام «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» تصویب کرد و برای پی‌ریزی حکومتی فراگیر در خرداد ۱۳۵۹/ژوئن ۱۹۸۰ «جبهه ملی پدر وطن» را با مشارکت برخی از سازمان‌ها و کسان غیر حزبی بنیاد نهاد. در ولایت بلخ هم‌زمان با روی‌داد ۶ دی ۱۳۵۸/۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ و روی کارآمدن ببرک کارمل، اعضای پیشین کمیته رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پنهان شدند و ولایت بلخ برای چند روزی والی و دبیر حزب نداشت و امور ولایت را سرگرد/ جگرن محمدسعیدخان، فرمان‌ده لشکر شماره ۱۸ مستقر در پادگان شهرستان ده‌دادی ولایت بلخ، به پیش می‌برد. پس از یک هفته نشستی برای گزینش مقام‌های رهبری ولایت بلخ برگزار شد و در آن معلّم عبدالقیوم به حیث رئیس کمیته حزبی و محمدیاسین صادقی به حیث معاون او برگزیده شدند و به دنبال آن دکتر خلیل احمد ابوی از سوی جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان به حیث والی بلخ به کار آغاز کرد. (۲۲۶)

در دوره ببرک کارمل به ترتیب شش تن: دکتر خلیل احمد ابوی، عبدالقیوم بشریار، سخی طاهر، غلام حیدر جمالی، محمدکاتب تگین و مولوی عبدالجمیل ظریفی والی بلخ بودند، تا این که تحوّل‌های سیاسی در اتحاد شوروی، به تعویض قدرت در اردیبهشت ۱۳۶۵/ مه ۱۹۸۶ از ببرک کارمل به دکتر نجیب‌الله انجامید.

از مهم‌ترین کارکردهای حکومت دکتر نجیب‌الله، اعلام سیاست آشتی ملی در آذر ۱۳۶۵/ دسامبر ۱۹۸۶ و آتش‌بس یک‌جانبه با مجاهدان از ۲۵ دی ۱۳۶۵ تا ۲۴ تیر ۱۳۶۶/ ۱۵ ژانویه تا ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۷ بود. هم‌چنین تصویب ششمین قانون اساسی کشور در ۹ آذر ۱۳۶۶/ ۳۰ نوامبر ۱۹۸۷، ازسرگیری فعالیت رسانه‌های چاپی آزاد، امضای معاهده ژنیو میان کابل و اسلام‌آباد و آغاز برنامه بیرون‌شدن نیروهای اتحاد شوروی از افغانستان در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۷/ ۱۵ مه ۱۹۸۸ که با بیرون‌شدن ژنرال گروموف، فرمان‌ده کل آن نیروها، در ۲۶ بهمن ۱۳۶۷/ ۱۵ فوریه ۱۹۸۹ از شهر مرزی حیرتان ولایت بلخ به پایان رسید و دکتر نجیب‌الله آن روز را «روز نجات ملی» نامید، تلاش دکتر نجیب‌الله برای پی‌ریزی یک حکومت ائتلافی در افغانستان و سرانجام فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۳۷۰/ ۱۹۹۱ از روی‌دادهای مهم ملی و بین‌المللی این دوره می‌باشند. (۱۴، ص ۶۱ - ۶۳) در دوره دکتر نجیب‌الله به ترتیب، شش تن: محمدسمیع عدیل،

مهندس محمد شریف، دکتر نجیب الله مسیر، میر عبدالرحمان انصاری، مهندس محمد عزیز و عبدالشیر پیوستون؛ در بلخ والی بودند.

در زمان ببرک کارمل در سال ۱۳۶۰ / ۱۹۸۱ تمام ولایت‌های کشور در هشت زون بخش‌بندی شدند که از آن جمله زون شمال کشور متشکل از چهار ولایت بلخ، جوزجان، فاریاب و سمنگان و پس از پدید آمدن ولایت سر پل از پیکر ولایت جوزجان در سال ۱۳۶۸ / ۱۹۸۹، متشکل از پنج ولایت با مرکزیت شهر مزار شریف بود. شمار ولایت‌های کشور در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان / حزب وطن پس از پدید آمدن ولایت سر پل به ۳۱ ولایت رسید. (۱۹، صص ۲ - ۳)

در دوره ببرک کارمل و دکتر نجیب الله، در طی شش سال از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ / ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷ به ترتیب ۶ تن: فدامحمد دهنشین، سید اکرام پی‌گیر، سید نسیم میهن‌پرست، دکتر رحمت الله هم‌درد، فیض الله البرز و مهندس محمد شریف، آمر زون شمال بودند که از آن جمله در برهه‌های زمانی جداگانه فدامحمد دهنشین در زمان رهبری نورمحمد تره‌کی و مهندس محمد شریف در زمان رهبری دکتر نجیب الله به حیث والی بلخ نیز ایفای وظیفه کرده اند. پس از آن فرمان‌دهی گروه اوپراتیفی شمال جای آمریت زون را گرفت و به ترتیب ژنرال جمعه‌خان اچک و برای چند روز معدودی ژنرال محمد نبی عظیمی به حیث فرمان‌ده کل گروه اوپراتیفی شمال در شهر مزار شریف ایفای وظیفه کردند. (۲۴۳)

در این دوره، بلخ نیز مانند سراسر کشور پهنه نبردها و فعالیت‌های گسترده حزب‌ها و سازمان‌های جهادی بود. در ولایت بلخ استاد عبدالقادر ذبیح‌الله از جمعیت اسلامی به رهبری استاد برهان‌الدین ربانی، مولوی عبدالسلام از حزب اسلامی به رهبری مهندس حکمت‌یار، مولوی محمد عثمان سالک‌زاده از حرکت انقلاب اسلامی به رهبری مولوی محمد نبی محمدی، استاد عبدالعلی مزاری از سازمان نصر - سپس رهبر حزب وحدت اسلامی - و سید حسین شاه مسرور از حرکت اسلامی به رهبری شیخ آصف محسنی نیروهای جهادی را رهبری می‌کردند و استاد عطامحمد نور، علم‌خان آزادی، حاجی محمد محقق، محمد رسول، صوفی امیرگل، جمعه‌خان هم‌درد و سید اسدالله مسرور از نام‌دارترین فرمان‌دهان جهادی ولایت بلخ بودند. دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان - بعداً دولت جمهوری افغانستان - در تبلیغات خود، مجاهدان را «اخوان الشیاطین»، «اشرار»، «عناصر ضد انقلاب»، «عناصر مرتجع» و «مزدوران آمریکا، چین

و پاکستان» و در روزهای پس از اعلام آشتی ملی «مخالفان دولت» و «برادران آزرده‌خاطر» می‌نامید.

در پی نبردهای پی‌همی که میان نیروهای دولت جمهوری افغانستان و مجاهدان در سراسر افغانستان و از جمله در ولایت بلخ ادامه داشتند، در اوایل آبان ۱۳۷۰ / اواخر اکتبر ۱۹۹۱ شهرستان دولت‌آباد ولایت بلخ به دست نیروهای جهادی افتاد. دکتر نجیب‌الله رئیس ستاد ارتش / لوی درستیز محمدآصف دلاور را با منوکی منگل، رئیس کلّ امور سیاسی ارتش، به شهر مزار شریف فرستاد تا عملیات جنگی را برای بازپس‌گیری دولت‌آباد سازمان‌دهی کند. (۲۰، ص ۴۹۰) نبرد برای به‌دست‌آوردن دوباره دولت‌آباد ماه‌ها به درازا کشید و سرانجام ژنرال محمدآصف دلاور به شبرغان رفت و دوستم آماده شد تا در این نبرد شرکت کند و همان بود که با نیروهای خود از طریق بندر کلفت به زودی خود را به دولت‌آباد رسانید و آن را بازپس گرفت. دوستم برای نگهداری همیشه‌گی دولت‌آباد خواستار منظورشدن یک قطعه نظامی برای خود شد که مورد تأیید آصف دلاور نیز قرار گرفت، اما منوکی منگل و جمعه‌اچک با این نظر مخالفت کردند. (۲۰، ص ۴۹۴) دکتر نجیب از ترس نیرومندشدن بیش‌تر فرمان‌دهان بومی شمال جابه‌جایی کادرهای نظامی در شمال را آغاز کرد و ژنرال رسول، فرمان‌ده گردیز، را به حیث فرمان‌ده لشکر ده‌دادی بلخ به جای جمعه‌نظیمی و دگروال ستار بشرمل را به حیث فرمان‌ده گارنیزیون حیرتان به جای ژنرال عبدالؤمن اندرابی گماشت و ژنرال مؤمن، ژنرال جمعه‌نظیمی، ژنرال هلال‌الدین هلال، فرمان‌ده نیروهای هوایی بلخ، و ژنرال احمدیار، فرمان‌ده پلیس ولایت بلخ، را از وظایف شان برکنار کرده به کابل فرا خواند. ژنرال جمعه‌خان اچک، فرمان‌ده گروه عملیاتی / اوپراتیفی شمال، این فرمان‌دهان نو را به وظایف شان فرستاد که در نتیجه ژنرال رسول به وظیفه نو به عنوان فرمان‌ده لشکر ۱۸ ده‌دادی به کار آغاز کرد و جمعه‌نظیمی و احمدیار به کابل رفتند و هلال‌الدین هلال به حیرتان رفت، اما ژنرال مؤمن، با سرپیچی از دستور پای‌تخت، ستار بشرمل را به زندان افکند و با هم‌دستی ژنرال حسام‌الدین حق‌بین، معاون لشکر ۸۰، از ژنرال دوستم خواستار پستی‌بانی شد. (۲۰، ص ۴۹۵) پس از مدّت کوتاهی ژنرال مؤمن شهر حیرتان را سنگربندی کرد و روابط خود را مستقیماً با برخی از اعضای بیروی سیاسی مانند فرید مزدک و کاویانی، معاونان حزب وطن، برقرار کرد. (۲۰، ص ۴۹۶)

به دنبال آن ژنرال رفیع، معاون رئیس جمهور در امور امنیتی، در رأس هیأتی بزرگ به شمال آمد (۲۰، ص ۵۰۰) و در حدود بیست روز در مزار شریف و شبرغان به سر برد و گاهگاهی برای دادن گزارش و گرفتن دستور به پای تخت در رفت و آمد بود. (۲۰، ص ۵۰۳)

نیروهای شمال خواست خود را مبنی به برکناری ژنرال جمعه خان اچک، فرمانده گروه عملیاتی / اوپراتیفی شمال، ژنرال رسول، فرمانده لشکر ۱۸ بلخ، و تاج محمد، رئیس اداره امنیت دولتی بلخ، از ولایت های شمال کشور به دولت مرکزی اعلام داشتند و دکتر نجیب الله ناگزیر شد تا انعطاف نشان دهد و جمعه اچک و ژنرال رسول را از وظیفه برکنار کند و به کابل فرابخواند و در مقابل از دوستم خواستار بازداشت ژنرال مؤمن و فرستادن وی به کابل شد. (۲۰، ص ۵۰۳) اما این کار تحقق نیافت و دکتر نجیب الله دوباره ژنرال جمعه خان اچک و ژنرال رسول را همراه با منوکی منگل به وظایف پیشین شان به مزار شریف فرستاد و با رسیدن آنان به مزار شریف به نیروها دستور آماده باش داده شد و در ۱۵ اسفند ۱۳۷۰ / ۵ مارس ۱۹۹۲ نیروهای هوایی کشور مناطقی را در حیرتان و شبرغان بمباران کردند. (۲۰، ص ۵۰۴) هنگامی که شهرستان دولت آباد سقوط کرده بود در ۲۱ اسفند ۱۳۷۰ / ۱۱ مارس ۱۹۹۲ به دستور دکتر نجیب الله ژنرال محمدنبی عظیمی، فرمانده گارنیزون شهر کابل، یکجا با سید اکرام پی گیر توسط هواپیما به مزار شریف آمدند. (۲۰، ص ۵۱۰) در فرودگاه مزار شریف از ایشان منوکی منگل، جمعه اچک، سید طاهر شاه پیکارگر، دبیر حزبی کمیته ولایتی بلخ، و شماری از افسران و ژنرالان نیروهای مسلح پذیرایی کردند. (۲۰، ص ۵۱۲) ایشان در ۲۲ اسفند ۱۳۷۰ / ۱۲ مارس ۱۹۹۲ از مزار شریف به شهر پل خمری ولایت بغلان رفتند و در ۲۳ اسفند ۱۳۷۰ / ۱۳ مارس ۱۹۹۲ هنگامی که سمنگان سقوط کرده بود دکتر نجیب الله در یک تماس تلفنی با ژنرال محمدنبی عظیمی او را به سرپرستی فرماندهی گروه اوپراتیفی شمال گماشت و به او دستور داد تا به مزار شریف رفته منوکی منگل، جمعه اچک، ژنرال رسول و تاج محمد را به کابل بفرستد. همان بود که ژنرال عظیمی توسط هواپیما به مزار شریف آمد و شب هنگام این دستور را عملی کرد و آنان را توسط هواپیمایی که نیروهای کمکی را با خود به مزار شریف آورده بودند به کابل فرستاد. (۲۰، ص ۵۱۷)

به ساعت ده روز ۲۴ اسفند / ۱۴ مارس سید اکرام پی گیر با هواپیما از شبرغان به مزار شریف آمد و از رسیدن قریب الوقوع نیروهای دوستم به مزار شریف خبر داد. (۲۰، ص ۵۱۸) در همان روز ژنرال نبی عظیمی یکجا با والی بلخ و دبیر کمیته ولایتی حزب و شماری از کارمندان دولتی

ولایت بلخ به زیارت حضرت علی «ک» رفت و سپس همراه با پی‌گیر توسط چرخ‌بال به حیرتان رفت و با ژنرال مؤمن ملاقات کرد و او را به اطاعت‌پذیری از دولت مرکزی فرا خواند، اما بدون نتیجه به مزار شریف باز گشت. (۲۰، ص ۵۱۹) پس از این گفت‌وگوی نافرجام وضعیت به سرعت تغییر یافت و به زودی شهر مزار شریف در معرض سقوط قرار گرفت. کوشش‌های ژنرال عظیمی برای به کنترل درآوردن اوضاع جایی را نگرفت و سرانجام نیروهای قیام‌کننده در شب ۲۷ اسفند وارد شهر مزار شریف شدند و در ۲۸ اسفند تمام شهر زیر ادارهٔ نیروهای مشترک قیام‌کننده و جهادی درآمد. (۲۰، ص ۵۲۵) ژنرال عبدالمجید روزی، معاون لشکر ۵۳ دوستم، از سوی دوستم به حیث فرمان‌ده لشکر ۱۸ ده‌دادی ولایت بلخ گماشته شد.

در ۳۰ اسفند ۱۳۷۰ / ۲۰ مارس ۱۹۹۲ در نشست که با شرکت نبی عظیمی، نمایندهٔ دولت مرکزی دکتر نجیب‌الله، در شهر مزار شریف برگزار شد دوستم به حیث رئیس شورای عالی نظامی صفحات شمال تعیین شد (۲۴۳) در جشن نوروز ۱۳۷۱ / ۲۱ مارس ۱۹۹۲ درفش نوروزی در صحن روضهٔ مبارک حضرت علی «ک» در شهر مزار شریف با فرمان ژنرال محمدنبی عظیمی برافراشته شد، در حالی که چندین روز از فتح مزار شریف توسط نیروهای مشترک قیام‌کننده و جهادی می‌گذشت.^۱

با پیش‌روی نیروهای شمال به فرمان‌دهی احمدشاه مسعود به کابل، سرانجام در ۸ اردیبهشت ۱۳۷۱ / ۲۸ آوریل ۱۹۹۲ دولت رسماً از حزب وطن به مجاهدان گذرانده شد و حضرت صبغت‌الله مجددی، رئیس شورای جهادی، ره‌بری دولت اسلامی افغانستان را در دست گرفت.

۱ - بعداً کمیسیون فرهنگی شمال به وجود آمد که در آن عبدالله رویین به عنوان رئیس، قلاچ به صفت معاون و این‌جانب، صالح‌محمد خلیق، به عنوان دبیر و محمدعمر فرزاد، محمدیوسف روان‌یار، عبدالرب جاهد، زبیدالله، اسدالله حارس، مولوی نظر محمد، محمدعارف رضایی، جواد حسینی، مولوی عبدالرحیم و نمایندگان برخی از احزاب و سازمان‌های سیاسی به حیث اعضای آن کمیسیون معرفی و تعیین شدند و سپس ساختار نوی به نام شورای فرهنگی جنبش جای کمیسیون را گرفت و در انتخاباتی که میان نمایندگان فرهنگی حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی و برخی از نهادهای فرهنگی راه‌اندازی شد، مولوی حفیظ‌الله سیرت تالقانی با به‌دست‌آوردن یک رای بیش‌تر از من به عنوان رئیس شورای فرهنگی جنبش برگزیده شد.

ژنرال حاج محمدنواز

سرلشکر/ تورن ژنرال حاج محمدنواز در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری نورمحمد تره‌کی از ۱۰ تا ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۷ / ۳۰ آوریل تا ۱۳ مه ۱۹۷۸ والی سرپرست بلخ بود. (۲۴۸)
او هم‌زمان فرمان‌ده لشکر/ فرقه ۱۸ مستقر در پادگان شهرستان دهادی ولایت بلخ نیز بود.

فدامحمد دهنشین

فدامحمد دهنشین در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری نورمحمد تره‌کی از ۲۳ اردیبهشت تا مرداد ۱۳۵۷ / ۱۳ مه تا اوت ۱۹۷۸ والی بلخ بود.^۱
فدامحمد دهنشین یک تن از اعضای بایستینه حزب دموکراتیک خلق افغانستان از ۱۳۴۳/



۱۹۶۵ و از کادرهای جناح پرچم آن حزب و از کسانی بود که در جوجان حزب را بنیاد گذاشته و رهبری می‌کرد و شخصیت‌های نام‌داری چون محمدعالم افتخار و سید اکرام پی‌گیر از شاگردان او بودند. (۲۴۷) دهنشین یک نویسنده و کارمند اداره اطلاعات و فرهنگ ولایت جوجان بود. (۲۴۷) او نخستین والی بلخ در زمان حکومت حزب دموکراتیک خلق افغانستان است که در زمان رهبری نورمحمد تره‌کی از ۲۳ اردیبهشت تا مرداد ۱۳۵۷ / ۱۳ مه تا اوت ۱۹۷۸ در این سمت ایفای وظیفه کرد. دهنشین هنگامی که به حیث والی

بلخ به مزار شریف آمد از سوی اعضای حزب و شهریان با راهپیمایی گسترده‌یی پذیرایی شد و به گفته محمداسماعیل اکبر، این نخستین باری بود که مردم به خاطر آمدن والی نو کاروبار خود را ترک و در شهر راهپیمایی می‌کردند. به گفته محمداسماعیل اکبر، «این از اولین ویژه‌گی‌های حکومت جدید بود که بیش‌تر اوقات مأموران دولت، اهل معارف و شهریان به مناسبت‌های

^۱ - تا تیر ۱۳۵۷ / ژوئیه ۱۹۷۸. (۲۹، ص ۴۳)

گوناگون با مارش‌ها و متینگ‌ها سپری شود. خود این تقرر نیز معنی‌دار بود. پرچمی‌ها در شبرغان سازمان گسترده داشتند و خلقی‌ها در آن‌جا ضعیف بودند. اما ده‌نشین را از شبرغان بیرون کشیده و به مزار آورده بودند تا در جوزجان یک تن از هواخواهان جناح خلق که سابقه حزبی روشن هم نداشت و در معارف جوزجان و فاریاب به حیث معلّم و مفتّش عمر گذرانده بود، به عنوان والی معرفی شود.^۱ خواسته بودند از نام نیک او در میان مردم استفاده کنند و دبیر کمیته ولایتی جوزجان شخصی با تخلص بشرمل همه صلاحیت‌ها را به خود تخصیص داده بود. آن‌ها خواسته بودند که سازمان وسیع جناح پرچم را در جوزجان و شهر شبرغان ضعیف کنند که به‌زودی با زندانی کردن و برکناری از وظیفه، چنین نتیجه‌ی دامن‌گیر آنان شد.» (۱۹۱)

فدامحمد ده‌نشین در زمان ولایت خود در بلخ نمازهای آدینه را به نوبت در مسجدهای گوناگون شهر مزار شریف ادا می‌کرد و پیش از نماز با سخن‌رانی سیاست‌های دولت را برای مردم شرح می‌داد.^۲

فدامحمد ده‌نشین به اساس فرمان شماره یکم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان نظر به فیصله پلینوم کمیته مرکزی حزب که در ۶ آذر ۱۳۵۷ / ۲۷ نوامبر ۱۹۷۸ برگزار شد از عضویت کمیته مرکزی به عضویت آزمایشی تنزیل مقام داده شد (۱۷۹، ص ۱) و بعداً یک‌جا با پرچمی‌های دیگر در زندان پل چرخی در کابل زندانی شد. (۲۴۷)

اما با روی کار آمدن ببرک کارمل، فدامحمد ده‌نشین باز هم به سطح بالایی رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان جا گرفت و در سال ۱۳۶۰ / ۱۹۸۱ آمر زون شمال کشور با مرکزیت بلخ (۲۴۷) و پس از آن در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ / ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ مسؤول شعبه تبلیغ، ترویج و آموزش کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق بود. (۲۴۳) در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ / ۲۰ مه ۱۹۸۱، هنگامی که عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، مسؤول شعبه تبلیغ، ترویج و آموزش آن کمیته و عضو شورای انقلابی بود، در رأس هیأتی برای شرکت در ششمین کنگره حزب کمونیست جمهوری فیدرال آلمان به آن کشور سفری رسمی انجام داد. (۱۳۵، ص ۱)

فدامحمد ده‌نشین در سال‌های پس از ۱۳۶۱ / ۱۹۸۲، رئیس انجمن دوستی افغانستان - کوبا بود. این انجمن در تحکیم دوستی میان مردمان افغانستان و کوبا، معرفی فرهنگ کوبا و تقویت

^۱ - این شخص که در جوزجان به حیث والی معرفی شد، گیلدی‌خان نام داشت. (۲۳۸)

^۲ - به همین سلسله او نماز آدینه ۲۶ خرداد ۱۳۵۷ / ۱۶ ژوئن ۱۹۷۸ را در مسجد جامع گذر استالفی‌ها و نماز آدینه ۹ تیر / ۳۰ ژوئن همان سال را در خانقاه شیخ مرغینانی ادا کرده است.

هم‌کاری‌های دوجانبه با سازمان هم‌بسته‌گی کوبا با خلق‌های افریقا، آسیا و آمریکای لاتین در هاوانا تلاش می‌کرد. (۲۱۴)

بر اساس مصوبه شماره ۸۱۷ مؤرخ ۲۶ فروردین ۱۳۶۴/ ۱۵ آوریل ۱۹۸۵ شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره کمیسیون‌های دائمی آن شورا، فدامحمد دهنشین عضو کمیسیون تقنین انتخاب شد که رئیس آن عبدالرشید آرین بود. (۸۲، ص بعد از ۳۸) او در سال ۱۳۶۶/ ۱۹۸۷ معاون شورای مرکزی جبهه ملی پدروطن بود. (۲۴۳) دهنشین در حدود سال ۱۳۸۹/ ۲۰۱۰ چشم از جهان پوشید. (۲۴۷)

در زمانی که دهنشین والی بلخ بود، کار ساختن پل بنگاله در راه میان شهرستان‌های بلخ و چمتال بر فراز بلخاب به درازای ۶۰ متر، پهنای ۵ متر و بلندای ۶ متر و بیست سانتی در شهرستان چمتال و پل تاجیک‌ایتلن در راه میان مزار شریف و شهرستان شولگره بر فراز بلخاب به درازای ۶۰ متر و پهنای ۵ متر و بلندای ۷ متر و ۸۰ سانتی در شهرستان شولگره از سر گرفته شد، (۱۵۱، ص ۱) در ۹ خرداد ۱۳۵۷/ ۳۰ مه ۱۹۷۸ دستگاه ریلی رادیوی بلخ در شهر مزار شریف با فریکانس ۹ اعشاریه ۹ کیلوسیکل مطابق ۳۰۳ متر از نو به نشرات آغاز کرد، (۹۰، ص ۱) یک تحویل‌خانه منطقوی در سطح زون شمال برای نگه‌داری کتاب و مواد درسی با هزینه سه صد هزار افغانی از کمک دولت کانادا در مزار شریف در احاطه دبیرستان سلطان رضیه ساخته شد، (۷۳، ص ۱) در ۱ تیر ۱۳۵۷/ ۲۲ ژوئن ۱۹۷۸ پروتوکول توريد پرزه‌های مورد نیاز ماشین‌های کارخانه نساجی بلخ به ارزش ۷۹۴۵۵ دلار میان مهندس اسد حبیب رهنورد، رئیس آن کارخانه، و مالچکوف، رئیس کمپانی تخماش اکسپورت اتحاد شوروی، در شهر مزار شریف به امضا رسید، در ۷ تیر ۱۳۵۷/ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ ساختمان نو خواب‌گاه دارالعلوم اسدیّه در شهر مزار شریف در ساحه ۱۲۱۴ مترمربع با هزینه بیش از هفت میلیون افغانی در دو طبقه با گنجایش ۳۰۰ دانش‌جو با ۳۰ اتاق سنگ‌مانی شد (۱۶۵، ص ۱) و ساختمان آمریت ترویج کشاورزی در شهرستان دولت آباد در ساحه یک هزار و دو صد مترمربع زمین در مرکز آن شهرستان در یک طبقه و پنج اتاق توسط فدامحمد دهنشین گشایش یافت. (۱۳۲، ص ۱)

مهندس محمد صدیق عالم یار

مهندس محمد صدیق عالم یار در دوره حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری نور محمد تره کی از مرداد ۱۳۵۷ تا ۲۴ فروردین ۱۳۵۸ / اوت ۱۹۷۸ تا آوریل ۱۹۷۹ والی بلخ بود. مهندس محمد صدیق عالم یار فرزند محمد شعیب عالم یار در سال ۱۳۲۳ / ۱۹۴۴ در روستای



سید خیل شهرستان جبل السراج ولایت پروان زاده شد و از قوم صافی است. دوره دانش آموزی را در دبستان زادگاه خود و سپس در دبیرستان عالی نعمان در شهر چاریکار، مرکز ولایت پروان، و به دنبال آن در دبیرستان مسلکی بازرگانی در کابل پی گرفت و در سال ۱۳۴۱ / ۱۹۶۲ به فرجام رسانید و بعداً برای سه سال در دبیرستان تکنیکی درس خواند و در سال ۱۳۴۴ / ۱۹۶۵ از گروه میکانیک آن دبیرستان گواهی نامه دانش آموخته گی به دست آورد. پس از آن به کار در شرکت ساختمانی هیرمند پرداخت و پس از

سپری کردن آزمون پیش دانش گاهی آموزش های عالی را در سال ۱۳۴۵ / ۱۹۶۶ در رشته زمین شناسی در دانش گاه پولی تکنیک کابل آغاز کرد و پس از گرفتن دانش نامه لیسانس از آن دانش گاه به حیث زمین شناس در وزارت معادن و صنایع کشور به کار پرداخت. پس از سه سال خدمت در آن وزارت خانه برای ادامه آموزش های عالی به اتحاد جماهیر شوروی فرستاده شد و پس از ۸ ماه دانش نامه کارشناسی ارشد را به دست آورد. سپس به عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان درآمد و به حیث رئیس بخش سروی معادن در وزارت معادن و صنایع گماشته شد. محمد صدیق عالم یار عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان و از جناح خلق آن حزب بود و در زمان تره کی از مرداد ۱۳۵۷ تا اردیبهشت ۱۳۵۸ / اوت ۱۹۷۸ تا آوریل ۱۹۷۹ به حیث والی بلخ و دبیر کمیته ولایتی حزب در بلخ و سپس به حیث وزیر امور پلان گذاری کشور و سرانجام دبیر کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایفای وظیفه کرد. (۲۹، ص ۱۷)

می گویند، محمد صدیق عالم یار، والی بلخ، در پی گرد، بازداشت و از بین بردن مخالفان دولت در بلخ بسیار جدی بود و برادرش محمد عارف عالم یار که رئیس ترانسپورت در کابل بود (۱۹۲) و

به همین گونه نورخان منگل، فرمان دار شهرستان نهر شاهی و دبیر کمیته شهری مزار شریف در زمان ولایت او در بلخ، نیز رفتاری مانند او داشتند.

محمد صدیق عالم یار، وزیر امور پلان گذاری و برادرش، محمد عارف عالم یار، با به قدرت رسیدن ببرک کارمل در ۶ دی ۱۳۵۸ / ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹، در ۲۴ خرداد ۱۳۵۹ / ۱۴ ژوئن ۱۹۸۰ از سوی دستگاه حاکم اعدام گردیدند. (۲۹، ص ۱۷)

در زمانی که او والی بلخ بود، در ۸ آذر ۱۳۵۷ / ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸ پل ۶۰ متره بنگاله بین شهرستان های چمتال و بلخ گشایش یافت، در ۱۳ آذر ۱۳۵۷ / ۴ دسامبر ۱۹۷۸ هیأت سازمان کمسومول اتحاد شوروی به ریاست ولایمیر گریکوروف، دبیر کمیته مرکزی آن سازمان، که به کابل آمده بود همراه با عباس خروشان، معاون سازمان خلقی جوانان افغانستان، به مزار شریف آمد، (۱۶۹، ص ۱) موزیم محلّی بلخ که در سال ۱۳۱۲ / ۱۹۳۳ و کتابخانه عامه بلخ که در ۲۶ مهر ۱۳۴۵ / ۱۸ اکتبر ۱۹۶۶ در شهر مزار شریف تأسیس شده بودند، پس از ترتیب و تنظیم دوباره، در ۲۷ دی ۱۳۵۷ / ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ به نام «موزیم و کتابخانه خلق» بازگشایی شدند (۱۶۰، صص ۱ و ۴) و در ۱ بهمن ۱۳۵۷ / ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹ ساختمان نو دبستان دیره گی در ۱۶ هزار مترمربع زمین در یک طبقه و دو ساختمان مسکونی آموزگاران هرکدام با ۴ اتاق در آن محوطه در شهرستان بلخ سنگمانی شدند. (۷۸، ص ۱)

عبدالاحد ولسی



عبدالاحد ولسی در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری نورمحمد تره کی از ۲۴ فروردین تا ۲۶ شهریور ۱۳۵۸ / ۱۳ آوریل تا ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹ والی بلخ بود.

عبدالاحد ولسی از ولایت غزنه و از قوم پشتون بود. (۲۴۷) او عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود و در مسایل سیاسی و حزبی سمّت استادی بر شماری از هم اندیشه گان خود داشت. (۲۲۶) عبدالاحد ولسی در دوره حاکمیت آن حزب در زمان رهبری نورمحمد تره کی در یک

همایش بزرگ در ۲۴ فروردین ۱۳۵۸/۱۳ آوریل ۱۹۷۹ توسط مهندس محمدصدیق عالمیار، وزیر امور پلان‌گذاری، به حیث والی بلخ معرفی شد (۱۲۹، صص ۱ و ۴) و تا زمانی که در ۲۶ شهریور ۱۳۵۸/۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹ نورمحمد تره‌کی کشته شد و حفیظ‌الله امین به قدرت رسید به عنوان والی بلخ و دبیر کمیته ولایتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در بلخ ایفای وظیفه کرد. با روی کار آمدن حفیظ‌الله امین، عبدالاحد ولسی نیز از ولایت بلخ به وظیفه‌ی دیگر گماشته شد و به جای او مهندس عبدالهادی والی بلخ شد. (۲۲۶) عبدالاحد ولسی شخصی معتدل بود برای مدتی در یکی از کشورها به حیث سفیر افغانستان نیز کار کرده است. (۲۴۷) او در دوره حاکمیت دولت اسلامی در چهارراه ملک اصغر شهر کابل از سوی افرادی ناشناس کشته شد. (۲۳۸)

در زمانی که او والی بلخ بود، در ۲۶ فروردین ۱۳۵۸/۱۵ آوریل ۱۹۷۹ شبکه مخابراتی مزار شریف - حیرتان گشایش یافت، (۱۱۰، ص ۱) از ۱۳ فروردین تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۸/۲ آوریل تا ۲۱ مه ۱۹۷۹ دور دوم مرمت بنای تاریخی آرام‌گاه حاتم در شهرستان چمتال ولایت بلخ توسط کارشناسان فرانسوی و افغانستانی انجام داده شد (۱۴۴، ص ۱) و به همین‌گونه ساختمان الحاقی مهمان‌خانه/ هتل مزار سنگ‌مانی شد. (۱۰۴، ص ۱)

مهندس عبدالهادی

مهندس عبدالهادی در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری حفیظ‌الله امین از ۲۶ شهریور تا آبان ۱۳۵۸/۱۷ سپتامبر تا نوامبر ۱۹۷۹ والی بلخ بود. (۲۴۸)

مهندس عبدالهادی از مردم ولایت هیرمند بود. او در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۸-۱۹۷۹ رئیس مؤسسه ملی نفت حوزه شمال در بلخ بود (۹۶، ص ۱) و پس از آن که در ۲۶ شهریور ۱۳۵۸/۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹ نورمحمد تره‌کی کشته شد و حفیظ‌الله امین به قدرت رسید به عنوان والی سرپرست بلخ و هم‌زمان دبیر کمیته ولایتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در بلخ گماشته شد، اما به زودی در آبان ۱۳۵۸/ نوامبر ۱۹۷۹ از این سمت به وظیفه



دیگری تبدیل شد و به جایش محمد بشیر بشریار به حیث والی بلخ به کار آغاز کرد. (۲۲۶) مهندس عبدالهادی از افراد خاص و قابل اعتماد حفیظ الله امین بود و در همان زمان حاکمیت خلقی‌ها در جریان سفر در شاهراه کابل - مزار شریف از سوی افرادی ناشناس کشته شد. (۲۴۷)

محمد بشیر بشریار

محمد بشیر بشریار در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری حفیظ الله امین از آذر تا ۶ دی ۱۳۵۸ / نوامبر تا ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ والی بلخ بود. (۲۴۸) محمد بشیر بشریار در دشت ارچی ولایت کندز دیده به جهان گشود. (۲۳۸) او عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود و در دوره حاکمیت آن حزب در در زمان رهبری حفیظ الله امین در پاییز سال ۱۳۵۸ / ۱۹۷۸ در آغاز والی جوزجان بود (۲۹، ص ۳۸) و سپس از اوایل آذر ۱۳۵۸ / اواخر نوامبر ۱۹۷۹ به سمت والی بلخ و دبیر کمیته ولایتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در بلخ گماشته شد. او واپسین والی دوره حفیظ الله امین در بلخ بود و تا ۶ دی ۱۳۵۸ / ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ که حفیظ الله سرنگون شد و ببرک کارمل زمام امور کشور را در دست گرفت در همین سمت باقی بود. (۲۲۶)

سرگرد / جگرن محمد سعید

سرگرد / جگرن محمد سعید در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری ببرک کارمل، از ۶ تا ۲۵ دی ۱۳۵۸ / ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ تا ۱۵ ژانویه ۱۹۸۰ والی سرپرست بلخ بود.

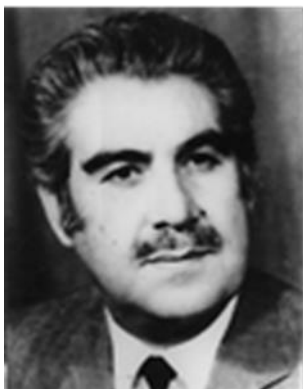
هم‌زمان با روی کار آمدن ببرک کارمل در ۶ دی ۱۳۵۸ / ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ اعضای پیشین کمیته رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در بلخ پنهان شدند و ولایت بلخ برای چند روزی والی و دبیر حزب نداشت و امور ولایت را تا ۲۵ دی ۱۳۵۸ / ۱۵ ژانویه ۱۹۸۰ سرگرد محمد سعید خان، فرمانده لشکر ۱۸ مستقر در پادگان شهرستان دهادی ولایت بلخ، هم‌زمان با وظیفه اصلی خود به پیش می‌برد. پس از یک هفته نشستی برای گزینش مقام‌های رهبری ولایت بلخ برگزار شد و در آن عبدالقیوم به حیث رئیس کمیته ولایتی حزب و محمد یاسین صادقی به

حيث معاون او برگزيده شدند و به دنبال آن دكتور خليل احمد ابوي از سوي جناح پرچم حزب دموکراتيک خلق افغانستان در ۲۵ دى ۱۳۵۸ / ۱۵ ژانويه ۱۹۸۰ به حيث والي بلخ به کار آغاز کرد. (۲۲۶)

دکتر خليل احمد ابوي

دکتر خليل احمد ابوي در دوره حاکميت حزب دموکراتيک خلق افغانستان در زمان رهبري ببرک کارمل، از ۲۵ دى ۱۳۵۸ تا ۲۸ فروردين ۱۳۵۹ / ۱۵ ژانويه ۱۹۸۰ تا ۱۷ آوريل ۱۹۸۰ والي بلخ بود. (۲۴۸)

دکتر خليل احمد ابوي فرزند سرهنگ / دگروال نثار احمد ابوي يوسفزي در سال ۱۳۱۰ / ۱۹۳۱ در يک خانواده روشن فکر در شهر کابل به جهان آمد. دوره دانش آموزي را در دبیرستان عالي نجات وقت (اماني کنوني) و آموزش های عالي را در دانش کده حقوق و علوم سياسي دانش گاه کابل در رشته حقوق عامه و ديپلوماسي به درجه عالي به پايان برد. در سال ۱۳۳۷ / ۱۹۵۸ از سوي دانش گاه کابل براي آموزش های بيش تر به جمهوري فيدرال آلمان فرستاده شد و در آن جا در رشته حقوق و علوم سياسي از دانش گاه فرايبرگ دانش نامه دکترا گرفت و به ميهن برگشت و در دانش کده حقوق و علوم سياسي دانش گاه کابل به حيث استاد سرگرم تدريس شد و همزمان مديريت کل روابط فرهنگي و ارتباط خارجه دانش گاه کابل را نيز به دوش گرفت.



دکتر خليل احمد ابوي عضو سمينار بين المللي حقوق بشر بود که از ۲۲ ارديبهشت تا ۵ خرداد ۱۳۴۳ / ۱۲ مه تا ۵ ژوئن ۱۹۶۴ در شهر کابل برگزار شد سپس عضويت جرگه بزرگ سال ۱۳۴۴ / ۱۹۶۵ را به دست آورد و پس از به پايان رسيدن جرگه بزرگ در همان سال به حيث والي تخار و به دنبال آن به ترتيب در سال ۱۳۴۵ / ۱۹۶۶ به حيث والي لوگر، در ۱۳۴۶ / ۱۹۶۷ به حيث والي پروان، در فروردين ۱۳۵۰ / مارس ۱۹۷۱ به حيث والي لغمان و از سال ۱۳۵۲ / ۱۹۷۳ تا ۱۳۵۸ / ۱۹۷۹ به حيث والي جوزجان ايفاي وظيفه کرد. در زمان رهبري حفيظ الله امين مدتي را در زندان گذرانيده و پس از روي داد ۶ دى ۱۳۵۸ / ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ و روي کار آمدن ببرک کارمل، از ۲۵

دی ۱۳۵۸ تا ۲۸ فروردین ۱۳۵۹ / ۱۵ ژانویه تا ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ به حیث والی بلخ، در سال ۱۳۶۰ / ۱۹۸۱ به حیث والی هرات و سپس به حیث رئیس کلّ اداره مرکزی ارگان‌های محلی که به تازه‌گی در اواخر سال ۱۳۶۰ / اوایل ۱۹۸۲ به وجود آمده بود در بست خارج رتبه به رتبه وزیر و عضو شورای وزیران گماشته شد.

دکتر خلیل احمد ابوی در سال ۱۳۶۱ / ۱۹۸۲ به حیث معاون شورای وزیران و رئیس کمیته دولتی پلان‌گذاری مقرر شد و به این‌گونه او در زمان رهبری ببرک کارمل بعد از سلطان‌علی کشت‌مند دومین وزیر پلان کشور بود که در آن روزگار نام آن وزارت به کمیته دولتی پلان‌گذاری تعدیل یافته بود و رئیس این کمیته در عین زمان معاون نخست‌وزیر و معاون اول این کمیته برابر با رتبه وزیر بود. در همین سال از سوی دانش‌سرای بین‌المللی حقوقی و سیاسی ایالات متحده آمریکا به حیث یک رهبر جهانی تعیین شد. سپس به حیث رئیس شورای شهر کابل جبهه ملی پروطن و به دنبال آن به حیث رئیس مصالحه ملی ولایت کابل برگزیده شد. او همچنین عضویت جرگه‌های بزرگ سال ۱۳۶۶ / ۱۹۸۷ و سال ۱۳۶۹ / ۱۹۹۰ را داشت و در انتخابات شورای ملی کشور که بعد از حدود ۱۵ سال در سال ۱۳۶۷ / ۱۹۸۸ برگزار شد از حوزه ۲۱ شهر کابل نام‌زد شد و به حیث نماینده مردم شهر کابل برگزیده شد و در انتخاباتی که برای ریاست مجلس نماینده‌گان برگزار شد خود را نام‌زد کرد و به حیث رئیس مجلس نماینده‌گان در شورای ملی جمهوری افغانستان انتخاب گردید و تا ۸ اردیبهشت ۱۳۷۱ / ۲۸ آوریل ۱۹۹۲ به وظیفه‌اش به حیث رئیس مجلس نماینده‌گان شورای ملی کشور ادامه داد.

دکتر خلیل احمد ابوی در ۱۱ دی ۱۳۷۷ / ۱ ژانویه ۱۹۹۹ دیده از جهان فرو بست. هم‌سر دکتر ابوی در دبیرستان ملالی در کابل آموزگار بود و یک پسرش در وزارت هوانوردی کشور کار می‌کند (۲۹، ص ۳؛ ۷۷، ص ۱؛ ۸۳، ص ۳؛ ۲۳۵)

در زمانی که او والی بلخ بود، یک هیأت سه‌نفری با ترکیب سید طاهرشاه پیکارگر، سید احمدشاه دولتی و محمدظاهر موفق به خاطر تعیین ساختار نو رهبری حزب از کابل به بلخ آمد و در نشستی که با حضور این هیأت برگزار شد محمدیاسین صادقی به حیث دبیر و عبدالقیوم به حیث معاون کمیته حزب در بلخ گزیده شدند. (۲۲۶)

در زمان ولایت او کار ساختن سیلوی مزار شریف ادامه داشت.^۱

^۱ - کار ساختن این سیلو از آبان ۱۳۵۸ / ۱۹۷۹ آغاز یافت و در سال ۱۳۶۱ / ۱۹۸۲ به پایان رسید.

عبدالقیوم بشریار

عبدالقیوم بشریار در دورهٔ حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری ببرک کارمل از ۵ خرداد ۱۳۵۹ تا مرداد ۱۳۶۰ / ۲۶ می ۱۹۸۰ تا اوت ۱۹۸۱ والی بلخ بود. (۲۴۸)

عبدالقیوم بشریار در سال ۱۳۱۲ / ۱۹۳۳ در شهرستان بهسود ولایت ننگرهار زاده شد. آموزش‌های عالی را در رشتهٔ هوانوردی در کابل و نیز در بیرون از کشور، در ایالات متحدهٔ آمریکا

و انگلستان، به پایان برد و پس از آن در وزارت هوانوردی به کار پرداخت. (۲۳۵) اصلاً از ولایت لغمان بود و در کابل

می‌زیست. (۲۴۷) او عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان و از جناح پرچم آن حزب بود و در دورهٔ حاکمیت حزب

دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری ببرک کارمل از ۵ خرداد ۱۳۵۹ تا مرداد ۱۳۶۰ / ۲۶ می ۱۹۸۰ تا اوت ۱۹۸۱

به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد. (۲۴۸) عبدالقیوم بشریار به زبان انگلیسی تسلط کامل داشت (۲۴۷) و به عنوان

کارمند مخابره و ترافیک هوایی در فرودگاه‌های کابل، هرات و کندهار نیز کار کرده است (۲۴۹) و زمانی رئیس



احصائیهٔ وزارت امور داخلهٔ کشور، سفیر افغانستان در تهران، فرمان دار شهرستان چهاردهی ولایت کابل (۲۳۵: ۲۴۹) و رئیس شرکت هواپیمایی آریانا افغان (۲۹، ص ۳۸) و در پایان دورهٔ

مأموریت رسمی خویش رئیس عملیات هوانوردی و سپس مشاور وزارت هوانوردی کشور بوده و سرانجام در سال ۱۳۹۷ / ۲۹۱۸ به نسبت بیماری از کار دولتی کناره گرفته است و اکنون در کابل

به سر می‌برد. (۲۳۵)

در زمانی که او والی بلخ بود، رازق فانی، یک تن از شاعران شناخته‌شدهٔ کشور، به حیث آمر اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ به کار آغاز کرد و نیز سلسلهٔ گردهمایی‌ها به خاطر پستی‌بانی از

جبههٔ وسیع ملی پدروطن جریان داشت.

سخی طاهر

سخی طاهر در دورهٔ حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری ببرک کارمل از مرداد ۱۳۶۰ تا مرداد ۱۳۶۱ / اوت ۱۹۸۱ تا اوت ۱۹۸۹ / والی بلخ بود. (۲۴۸)

سخی طاهر از مردم هزارستان (۲۴۲) و دانش‌آموختهٔ رشتهٔ نظامی (۲۴۷) و کابل‌نشین بود و به صفت افسر در هنگ / غند تعلیمی مستقر در منطقهٔ افشار کابل با رتبهٔ سروان / تورن کار می‌کرد. مدتی سمت ریاست اداری وزارت فواید عامهٔ کشور را به دوش داشت. (۲۴۲) او عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان و از جناح پرچم آن حزب بود و در زمان رهبری ببرک کارمل از مرداد ۱۳۶۰ تا مرداد ۱۳۶۱ / اوت ۱۹۸۱ تا اوت ۱۹۸۹ به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد. (۲۴۸)

در زمان نخست‌وزیری سلطان‌علی کشت‌مند، دست‌یار / رئیس دفترش بود. در زمان او در سال ۱۳۶۱ / ۱۹۸۱ ببرک کارمل از ولایت بلخ بازدید کرد.

در زمانی که او والی بلخ بود، در سال ۱۳۶۰ / ۱۹۸۱ شصتمین سال نشرات روزنامهٔ بیدار در در سالن سینما - تیاتر بلخ جشن گرفته شد، (۱۴، ص ۶۷) در ۲۷ تیر ۱۳۶۰ / ۱۸ ژوئیهٔ ۱۹۸۱ ساختمان الحاقی مدیریت ترافیک ولایت بلخ در ساحهٔ ۶۰۰ مترمربع زمین سنگ‌مانی شد که بعداً با هزینهٔ ۵۰۰ هزار افغانی در یک طبقه با ۴ اتاق، ۴ گاراژ و یک انبار توسط دستگاه ساختمانی اکبر ره‌جو ساخته شد، (۱۰۳، صص ۱ و ۴) در شهریور ۱۳۶۰ / سپتامبر ۱۹۸۱ مخابرهٔ تلفنی بین مزار شریف و شهرستان کلداز آغاز شد، (۱۵۵، ص ۱) در ۱۵ بهمن ۱۳۶۰ / ۴ فوریهٔ ۱۹۸۲ یک جشن‌وارهٔ هنر از سوی انجمن نویسندگان بلخ و اتحادیهٔ هنرمندان بلخ در تالار همایش‌های دانش‌سرای نفت و گاز مزار شریف برگزار شد، (۶۷، ص ۱) در ۲ فروردین ۱۳۶۱ / ۲۲ مارس ۱۹۸۲ یک نمایش‌گاه فراورده‌های هنری هنرمندان بلخ در شهر مزار شریف از سوی اتحادیهٔ هنرمندان بلخ در شهرداری شهر مزار شریف راه‌اندازی شد (۵۴، ص ۱) و در همان ماه ساختمان پسته‌خانهٔ شهری مزار شریف سنگ‌مانی شد که بعداً در ساحهٔ ۵۲۸ مترمربع به هزینهٔ ۲۷۸۱۳۱۵ افغانی از بودجهٔ توسعه‌یی وزارت مخابرات با ۱۱ اتاق شامل غرفه‌های گوناگون ساخته شد، (۱۰۵، ص ۱)

غلام حیدر جمالی

غلام حیدر جمالی در دورهٔ حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری ببرک کارمل از ۱۷ شهریور ۱۳۶۱ تا آخر اسفند ۱۳۶۲ / ۸ سپتامبر ۱۹۸۲ تا مارس ۱۹۸۴ والی بلخ بود. (۲۴۸)

غلام حیدر جمالی از ولایت ارزگان و از قوم هزاره است. (۲۴۷) او یکی از فعالان حرکت اسلامی بود (۲۴۷) و در زمان رهبری ببرک کارمل به دولت پیوست (۲۳۸) و در همان زمان از ۱۷ شهریور ۱۳۶۱ تا آخر اسفند ۱۳۶۲ / ۸ سپتامبر ۱۹۸۲ تا مارس ۱۹۸۴ به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد. (۲۴۸)

غلام حیدر جمالی در سال ۱۳۶۲ / ۱۹۸۲ والی بلخ و سپس معین وزارت شئون اسلامی و اوقاف کشور بود. (۲۲۳)

غلام حیدر جمالی از قرار معلوم نویسنده و پژوهش‌گر مسایل تاریخی نیز است و کتاب‌هایی زیر عنوان‌های «نصب عبدالرحمان خان بر اریکهٔ قدرت و قیام هزاره‌ها» (زمستان ۱۳۷۸ / ۲۰۰۰) و «سهم هزاره‌ها در حیات ملی افغانستان» (۱۳۸۱ / ۲۰۰۲) به نام او به نظر رسیده‌اند.

در زمانی که او والی بلخ بود، در سال ۱۳۶۱ / ۱۹۸۲ پل دوستی بر فراز رود آمو ساخته شد، در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ / ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ بنیاد شهر حیرتان برای چهل هزار نفر گذاشته شد، (۲۰۲) از سال ۱۳۶۲ / ۱۹۸۳ جریدهٔ یولدوز، نشریهٔ وزارت اقوام و قبایل، در شهر مزار شریف به نشرات آغاز کرد، (۱۴، ص ۷۴) در ۱۸ خرداد ۱۳۶۲ / ۸ ژوئن ۱۹۸۳ کار اساسی پروژهٔ برق ۲۲۰ کیلوولت مرز شوروی - کابل با نصب نخستین پایهٔ برق در حیرتان توسط رازمحمد پکتین، وزیر انرژی کشور، آغاز شد، (۱۴۰، ص ۱) در ۱۹ مرداد ۱۳۶۲ / ۱۰ اوت ۱۹۸۳ نخستین اتحادیهٔ گزارش‌گران در بلخ پی‌ریزی شد، (۱۴، ص ۶۶) در همان سال ببرک کارمل از ولایت بلخ بازدید کرد، (۱۶۳، ص ۱) و در ۲ اسفند ۱۳۶۲ / ۲۱ فوریهٔ ۱۹۸۴ رادیوی محلی بلخ به نشرات آغاز کرد. (۱۴، ص ۶۶)

محمد کاتب تگین

محمد کاتب تگین در دورهٔ حاکمیت حزب دموکراتیک افغانستان در زمان رهبری ببرک کارمل از فروردین ۱۳۶۳ تا ۲۲ خرداد ۱۳۶۴ / مارس ۱۹۸۴ تا ۱۲ ژوئن ۱۹۸۵ والی بلخ بود. (۲۴۸)

محمد کاتب تگین از اوزبیکان ولایت تخار و عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان و از جناح پرچم آن حزب (۲۳۸) و دانش‌آموختهٔ اتحاد شوروی است (۲۴۷) و در زمان رهبری ببرک کارمل از فروردین ۱۳۶۳ تا ۲۲ خرداد ۱۳۶۴ / مارس ۱۹۸۴ تا ۱۲ ژوئن ۱۹۸۵ به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد. (۲۴۸) محمد کاتب تگین در برهه‌های زمانی جداگانه به عنوان معین وزارت بازرگانی کشور، (۲۴۷) رئیس کلّ ارزاق در وزارت بازرگانی کشور و رئیس هواشناسی کابل نیز ایفای وظیفه کرده است. (۲۴۹) او اکنون در در بیرون از کشور زنده‌گی می‌کند. (۲۴۷)

در زمانی که محمد کاتب تگین والی بلخ بود، در درازای سال ۱۳۶۳ / ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ سربند نهر شاهی با هزینهٔ ده میلیون افغانی برای آبیاری ۳۰ هزار هکتار زمین، سربند نهر سیاگرد با هزینهٔ ۱۳ میلیون افغانی برای آبیاری ۶ هزار هکتار زمین و سربند نهر بلخ با هزینهٔ ۲ میلیون افغانی برای آبیاری پنج هزار هکتار زمین از بودجهٔ توسعه‌یی دولت ساخته شدند، (۶۳، صص ۱ و ۴) در اردیبهشت ۱۳۶۴ / مه ۱۹۸۵ نماینده‌گان مردم بلخ برای جرگهٔ بزرگ برگزیده شدند و نیز در همین ماه کتابخانهٔ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در دبیرستان مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در شهر مزار شریف (۱۵۰، ص ۱) و ساختمان نو دبیرستان شهر حیرتان در آن شهر گشایش یافتند (۵۰، ص ۱) و به همین گونه در همان ماه ساختمان نماینده‌گی کتابفروشی انتشارات کتب بیهقی توسط سید نسیم میهن‌پرست، آمر زون شمال، در شهر مزار شریف در ساحهٔ ۶۰۰ مترمربع با هزینهٔ دو میلیون و سه صد هزار افغانی از بودجهٔ توسعه‌یی دولت در یک طبقه توسط نماینده‌گی دستگاه ساختمانی افغانی سنگ‌مانی شد که کار ساختن آن تا شش ماه دیگر به پایان رسید. (۷۹، صص ۱ و ۴)

مولوی عبدالجمیل ظریفی

مولوی عبدالجمیل ظریفی در دورهٔ حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری ببرک کارمل و دکتر نجیب‌الله از ۲۲ خرداد ۱۳۶۴ تا مهر ۱۳۶۵ / ۱۲ ژوئن ۱۹۸۵ تا سپتامبر ۱۹۸۶ والی بلخ بود.

مولوی عبدالجمیل ظریفی فرزند مولوی محمدظریف در اردیبهشت ۱۳۱۸ / مه ۱۹۳۹ در مرکز



شهرستان دولت آباد ولایت بلخ در یک خانوادهٔ روحانی تاجیک دیده به جهان گشود، آموزش‌های نخستین را در دبستان مهمان‌قریه (دبیرستان ابونصر فارابی کنونی) به فرجام رسانید و سپس فراگیری دانش را از سال ۱۳۳۰ / ۱۹۵۱ در مدرسهٔ عالی اسدیّهٔ بلخ و از سال ۱۳۳۸ / ۱۹۵۹ در دارالعلوم عربی تخارستان کندز پی گرفت و در دی ۱۳۴۴ / ژانویهٔ ۱۹۶۶ به پایان برد و گواهی‌نامه به دست آورد. پس از دانش‌آموخته‌گی تا بهمن ۱۳۶۰ / فوریهٔ ۱۹۸۲ به سمت آموزگار و سرآموزگار در دبستان‌ها و دبیرستان‌های

گونگون بلخ و سپس به حیث آمر شئون اسلامی بلخ و از ۲۲ خرداد ۱۳۶۴ تا مهر سال ۱۳۶۵ / ۱۲ ژوئن ۱۹۸۵ تا سپتامبر ۱۹۸۶ به حیث والی بلخ، از مهر ۱۳۶۵ / سپتامبر ۱۹۸۶ به حیث وزیر شئون اسلامی و اوقاف، به دنبال آن تا سال ۱۳۷۱ / ۱۹۹۲ به حیث عضو مجلس بزرگان در شورای ملی کشور و هم‌زمان به حیث والی سمندگان کار کرد و عضو شورای انقلاب بود و پس از روی کارآمدن دولت اسلامی در سال ۱۳۷۱ / ۱۹۹۲ از وظایف دولتی کناره گرفت.

ظریفی شاعر و عضو کانون فرهنگی حکیم ناصر خسرو بلخی و انجمن نویسنده‌گان بلخ است. از او دفتر شعری به نام «آوای دوستی» (بلخ، ۱۳۶۴ / ۱۹۸۵) از سوی انجمن نویسنده‌گان بلخ به چاپ رسیده است. (۱۵، ۲۳؛ ۲۴۶) در زمان او واژهٔ والی به عبارت رئیس کمیتهٔ اجرائیهٔ شورای نماینده‌گان ولایت تعدیل یافت.^۱

^۱ آقای عبدالجمیل ظریفی، شاعر، ادیب و فرهنگی و آگاه سرزمین بلخ، شخصی صمیمی و خوش‌برخورد و از دوستان من (صالح‌محمدخلیق) است و در زمانی که والی بلخ بود هم با کمال فروتنی و بسیار خودمانی در محفل‌های ادبی و شعرخوانی انجمن نویسنده‌گان بلخ، شرکت می‌کرد و شعرهای خود را می‌خواند. پس از فروپاشی حاکمیت ۹۹ ○○○

در زمانی که او والی بلخ بود، در دی ۱۳۶۴ / ژانویه ۱۹۸۶ کارخانه جن و پرس شهرستان بلخ با ظرفیت پروسس و عدل‌بندی ۱۲۰ تن پنبه دانه‌دار در یک ساعت بازگشایی شد. (۵۳، صص ۱ و ۴)

محمدسمیع عدیل

محمدسمیع عدیل در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان / حزب وطن در زمان رهبری دکتر نجیب‌الله از مهر ۱۳۶۵ تا ۲۱ خرداد ۱۳۶۷ / سپتامبر ۱۹۸۶ تا ۱۱ ژوئن ۱۹۸۸ والی بلخ بود.

محمدسمیع عدیل فرزند عبدالرحیم فرزند حاج طره‌بیگ در سال ۱۳۳۴ / ۱۹۵۶ در گذر



لک‌خانه شهر مزار شریف زاده شد. زادگاه پدر و پدر بزرگش روستای آدینه مسجد شهرستان چهاربولک ولایت بلخ است. دوره دانش‌آموزی را در دبستان نادرشاهی وقت / دبیرستان استقلال کنونی، دبیرستان تجربوی و دبیرستان باختر شهر مزار شریف پی گرفت و در سال ۱۳۵۵ / ۱۹۷۶ از دبیرستان باختر گواهی‌نامه فراغت به دست آورد و آموزش‌های عالی را به وقفه‌ها در دو رشته زبان و ادبیات و حقوق و علوم سیاسی در دانش‌سرای آموزگاری کابل تا درجه کارشناسی به پایان برد. در سال ۱۳۵۴ / ۱۹۷۵ عضو

جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان شد و به فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی روی آورد. از دی ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲ ژانویه ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳ مسؤولیت فرهنگی حزب را در ولایت بلخ به دوش گرفت و هم‌زمان سازمان‌دهی، بررسی و جابه‌جایی کادرها و امور دیگر سیاسی، اداری و فرهنگی

حزب وطن یک‌جا با هم در بسیاری از محفل‌های ادبی و همایش‌های فرهنگی که از سوی کانون حکیم ناصر خسرو بلخی در شهرهای مزار شریف، پل خمری و کابل و دره کیان برگزار شده اند شرکت کرده ایم و از همراهی و هم‌نشینی او بهره‌ور شده‌ام. او هنوز هم شعر می‌سراید و سروده‌های خود را به دفتر اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ برای چاپ و نشر در روزنامه بیدار به من می‌فرستد.

را به پیش می‌برد. از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵/۱۹۸۳ تا ۱۹۸۶ به حیث دبیر کمیته حزب در شهر مزار شریف و از مهر ۱۳۶۵ تا ۲۱ خرداد ۱۳۶۷/ سپتامبر ۱۹۸۶ تا ۱۱ ژوئن ۱۹۸۸ به صفت والی بلخ ایفای وظیفه کرد. بعداً به خدمت زیر پرچم رفت و تا سال ۱۳۶۹/ ۱۹۹۰ به نوبت سرباز شعبه سیاسی امنیت دولتی، فرمانده سرپرست هنگ/ غند رزمی بلخ، سرباز در ولایت فراه و معاون سیاسی گردان/ کندک رزمی امنیت دولتی جوزجان بود. در جریان خدمت سربازی در مهر ۱۳۶۸/ اکتبر ۱۹۸۹ شهردار مزار شریف شد و تا خرداد ۱۳۷۰/ ژوئن ۱۹۹۱ به حیث شهردار مزار شریف باقی ماند. محمدسمیع عدیل پس از پایان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان/ حزب وطن مدتی در بیرون از کشور می‌زیست و از سال ۱۳۸۴/ ۲۰۰۵ بدین سو در داخل کشور در شهر مزار شریف می‌زید و سرگرم کارهای سیاسی و اجتماعی است. (۲۴۷)

محمدسمیع عدیل ازدواج کرده و دارای یک پسر و یک دختر است که پس از آموزش‌های عالی در کشور فرانسه به سر می‌برند.

عدیل به زبان‌های فارسی، پشتو، اوزبیک، ترکمنی، انگلیسی، روسی و فرانسه‌یی مسلط است و در زبان‌های فارسی و فرانسه‌یی دانش‌نامه دارد. (۲۴۷)

در زمانی که او والی بلخ بود دکتر نجیب‌الله، دبیر کل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، و سلطان‌علی کشت‌مند، رئیس شورای وزیران کشور، در جشن نوروز سال ۱۳۶۶/ ۱۹۸۷ شرکت کردند. (۱۸۰، ص ۷۶۵)

در پایان دوره ولایت او به جای عبارت رئیس کمیته اجرائیه شورای نمایندگان مردم ولایت، دوباره واژه «والی» کاربرد یافت.

محمدسمیع عدیل از والیان دانش‌مند و فرهنگ‌پرور بلخ بود و به کارها و برنامه‌های فرهنگی و فرهنگیان، نویسندگان و شاعران ارجی فراوان می‌گزارد. در زمان او انجمن نویسندگان بلخ یکی از نهادهای بسیار معتبر فرهنگی و ادبی شمرده می‌شد که بیش‌ترین اعضای آن را شاعران و نویسندگان غیر حزبی تشکیل می‌دادند. در آن زمان محمداسحاق دل‌گیر رئیس این انجمن ادبی و فرهنگی بود.^۱ (۲۴۷)

^۱ - محمدسمیع عدیل، یک شخصیت فرهنگی و فرهنگ‌دوست ولایت بلخ است. در زمانی که به حیث والی بلخ و شهردار شهر مزار شریف ایفای وظیفه می‌کرد با فرهنگیان، نویسندگان و شاعران رفتاری بسیار دوستانه و صمیمی داشت و نشست‌های ادبی انجمن نویسندگان را به میزبانی خود در دفتر مقام ولایت و شهرداری در حضورداشت

۱۰۱ ————— ○○○

در زمانی که او والی بلخ بود، در ۱۴ اسفند ۱۳۶۵ / ۵ مارس ۱۹۸۷ ساختمان نو دبستان روستای قلعه قل محمد شهرستان نهر شاهی ولایت بلخ که به هزینه یک میلیون و پنج صد هزار افغانی در ساحه ۳ جریب زمین در یک طبقه با ۶ اتاق درسی و ۳ دفتر با گنجایش ۴۰۰ دانش آموز ساخته شده بود گشایش یافت، (۵۱، صص ۱ و ۴) در آذر ۱۳۶۶ / دسامبر ۱۹۸۷ کار قیرریزی جاده پارک های صنعتی شهر مزار شریف به درازای سه و نیم کیلومتر و پهنای هفت متر و جاده مارمل شهر مزار شریف به درازای ۱ اعشاریه ۸ کیلومتر و پهنای ۷ متر توسط پروژه نایب آباد - حیرتان آغاز شد و در آخر اسفند / مارس همان سال به پایان رسید (۶۰، ص ۱) و نیز قیرریزی جاده منتهی به کارخانه نساجی بلخ در شهر مزار شریف توسط پروژه نایب آباد - حیرتان به انجام رسید، (۷۴، ص ۱) در همان سال ساختمان فرمان دهی پلیس شهرستان ده دادی ولایت بلخ در ۴ اتاق در دو طبقه ساخته شد، (۴۹، ص ۱) از ۱۸ تا ۲۰ بهمن ۱۳۶۶ / ۷ تا ۸ فوریه ۱۹۸۸ جرگه بزرگ و سرتاسری کشاورزان پنبه کار با حضور دکتر نجیب الله، رئیس جمهور کشور، در تالار دانش سرای نفت و گاز مزار شریف برگزار شد، (۸۱، صص ۱ و ۴) در ۲۱ آبان ۱۳۶۶ / ۱۲ نوامبر ۱۹۸۷ ساختمان پسته خانه مربوط به اداره مخابرات در فرودگاه ملکی شهر مزار شریف در ساحه ۲۲۰ مترمربع سنگمانی و سه ماه بعد با هزینه دو میلیون و هشت صد و نود و نه هزار و شش صد افغانی از بودجه وزارت مخابرات کشور در یک طبقه با ۳ اتاق شامل یک سالن، دفتر کار، اتاق مراسلات پستی و محلات دیگر توسط شرکت سهامی ارغندوال ساخته شد (۸۰، ص ۱) و در نوروز ۱ فروردین ۱۳۶۶ / ۲۱ مارس ۱۹۸۷ تلویزیون ملی بلخ به نشرات آغاز کرد. (۱۴، ص ۶۸) به همین گونه پی ریزی دانش گاه دولتی بلخ در سال ۱۳۶۶ / ۱۹۸۷، ایجاد دانش سرای دولتی پزشکی در بلخ، مکتب متوسطه طبی، ایجاد ۱۸ دبیرستان و ۱۱۲ دبستان از کارهای مهم دیگر دوره ولایتش در بلخ می باشند. (۲۴۷)

خود برگزار می کرد. من (صالح محمد خلیق) نیز به عنوان دبیر بخش شعر آن انجمن ادبی در این محافل شعرخوانی شرکت می کردم و افتخار هم نشینی و هم صحبتی اش را داشتم.

مهندس محمدشريف

مهندس محمدشريف در دوره حاکميت حزب دموکراتيک افغانستان / حزب وطن در زمان رهبری دکتر نجيب الله از ۲۱ خرداد تا ۸ آذر ۱۳۶۷ / ۱۱ ژوئن تا ۲۹ نوامبر ۱۹۸۸ والی بلخ بود. مهندس محمدشريف در شهرستان اندخوی ولایت فاریاب زاده شد (۲۳۸) و اصلاً تاجیک و از کمری کابل و پسر کاکای محمدیاسین صادقی است. او پس از به دست آوردن دانش نامه لیسانس



در رشته مهندسی از دانشگاه پولی تکنیک کابل به کار دولتی پرداخت. در زمان رهبری حفیظ الله امین زندانی شد و با روی کار آمدن ببرک کارمل پس از ۶ دی ۱۳۵۸ / ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ دبیر کمیته شهرستان پغمان ولایت کابل شد، سپس مسؤول یکی از شعبه ها و به دنبال آن معاون کمیته ولایتی حزب در کابل و بعد از آن برای چندین سال دبیر کمیته ولایتی حزب در بلخ بود. (۲۴۷) از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ / ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ به حیث آمر زون شمال در بلخ (۲۴۳) و هم زمان دبیر کمیته مرکزی و نیز کمیته ولایتی

حزب در بلخ و در سال ۱۳۶۶ / ۱۹۸۷ نماینده برگزیده مردم ولایت بلخ در جرگه بزرگ صلح و از ۲۱ خرداد تا ۸ آذر ۱۳۶۷ / ۱۱ ژوئن تا ۲۹ نوامبر ۱۹۸۸ به حیث والی بلخ و سپس به عنوان نماینده مردم بلخ در شورای ملی در کابل ایفای وظیفه کرد. مهندس محمدشريف تا پایان دوره حاکميت حزب دموکراتيک خلق افغانستان / حزب وطن در کابل بود و پس از آن به تاجیکستان و پس از مدتی به هالند رفت و تا کنون با خانواده اش در هالند زنده گی می کند. (۲۴۷) در زمان او میر عبدالرحمان انصاری معاون اول مقام ولایت بلخ بود.

دکتر نجيب الله مسير

دکتر نجيب الله مسير در دوره حاکميت حزب دموکراتيک خلق افغانستان / حزب وطن در زمان رهبری دکتر نجيب الله از ۸ آذر ۱۳۶۷ تا ۱۵ شهریور ۱۳۶۸ / ۲۹ نوامبر ۱۹۸۸ تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۹ والی بلخ بود. (۱۸۰، ص ۴۵۶)

دکتر نجیب‌الله مسیر از ولایت کندز و از قوم تاجیک است و در رشته معدن دکترا دارد. پدر بزرگش محب‌الله کسی است که به نام وی پلی بر فراز رود کندز مسمّاست. او در دوره ریاست جمهوری محمد داؤد خان استاد دانش‌گاه پلی‌تکنیک کابل بود و در دوره حاکمیت حزب



دموکراتیک خلق افغانستان به نوبت به حیث رئیس دفتر نخست‌وزیر کشور، سلطان‌علی کشت‌مند، رئیس اداره امور (۲۴۷) و از ۱۳ خرداد ۱۳۶۴ تا ۳/۱۳۶۶ ژوئن ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ به حیث وزیر معادن کشور کار کرد (۲۹، ص ۱۵۶) و از ۱ اسفند ۱۳۶۶ تا ۸ آذر ۱۳۶۷/۲۰ فوریه تا ۲۹ نوامبر ۱۹۸۸ (۱۸۰، ص ۴۵۶) هنگامی که عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود به فرمان دکتر نجیب‌الله، رئیس جمهور کشور، به حیث معاون نخست‌وزیر کشور در نه ولایت شمالی: بلخ، بدخشان، تخار، بغلان،

جوزجان، سر پل، فاریاب و سمنگان ایفای وظیفه کرد. این اداره از سوی سلطان‌علی کشت‌مند، رئیس شورای وزیران کشور، به نام «نماینده‌گی شورای وزیران در شمال» زیر نگاه و ریاست دکتر نجیب‌الله مسیر، معاون شورای وزیران، پی‌ریزی شده بود که در ساختار آن پُست‌هایی به سطح معینان وزارت‌خانه‌ها وجود داشتند. این نماینده‌گی وظیفه داشت تا امور حمل و نقل و بهره‌برداری از ذخایر نفت و گاز، کود شیمیایی و زغال سنگ را سامان‌دهی کند. (۲۱۵) مسیر پس از آن وزیر صنایع خفیفه و مواد غذایی کشور در کابل (۲۴۷) و به دنبال آن از ۸ آذر ۱۳۶۷ تا ۱۵ شهریور ۱۳۶۸/۲۹ نوامبر ۱۹۸۸ تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۹ والی بلخ بود. (۱۸۰، ص ۴۵۶) دکتر نجیب‌الله مسیر پس از پایان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان/ حزب وطن به بیرون از کشور رفت و تاکنون در کشور هالند به سر می‌برد (۲۴۷) و نوشته‌های سیاسی او در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به نشر می‌رسند. او در اردیبهشت ۱۳۹۷/ مه ۲۰۰۰ در همایش بزرگ تاجیکان در اروپا شرکت کرد و سخن‌رانی‌ی پیرامون «جای‌گاه تاجیکان در واقعیت اجتماعی - سیاسی افغانستان؛ نگرانی‌ها و راه کارها» انجام داد.

میر عبدالرحمان انصاری

میر عبدالرحمان انصاری در دو نوبت: بار یکم در دورهٔ حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان / حزب وطن در زمان رهبری دکتر نجیب‌الله از ۱۵ شهریور ۱۳۶۸ تا مهر ۱۳۷۰ / ۶ سپتامبر ۱۹۸۹ تا اکتبر ۱۹۹۱ و بار دوم در دورهٔ حاکمیت دولت اسلامی در زمان رهبری حضرت صبغت‌الله مجددی و استاد برهان‌الدین ربّانی از فروردین تا پاییز ۱۳۷۱ / مارس تا سپتامبر ۱۹۹۲ والی بلخ بود.

میر عبدالرحمان انصاری فرزند میر عبدالرؤف انصاری در سال ۱۳۱۹ / ۱۹۴۰ در شهر مزار شریف زاده شد. دورهٔ دانش‌آموزی را در دبستان نادرشاهی وقت و دبیرستان باختر شهر مزار شریف و آموزش‌های عالی را در دارالمعلمین ولایت بلخ به فرجام رسانید. در سال ۱۳۴۱ / ۱۹۶۲ به حیث آموزگار در دبستان سلطان غیاث‌الدین غوری گماشته شد و سپس برای مدت ۷ سال در دبیرستان دخترانهٔ سلطان رضیه آموزگار و سرآموزگار بود و تا سال ۱۳۵۷ / ۱۹۷۸ در دبستان‌ها و دبیرستان‌های گوناگون شهر مزار شریف به حیث آمر ایفای وظیفه کرد. در خرداد ۱۳۵۷ / ژوئن ۱۹۷۸ به حیث مدیر کلّ در ریاست آموزش و پرورش ولایت بلخ به کار پرداخت، از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ / ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸



والی جوزجان بود، در سال ۱۳۶۷ / ۱۹۸۸ به حیث معاون امور فرهنگی مقام ولایت بلخ گماشته شد و به دنبال آن از سال ۱۵ شهریور ۱۳۶۸ تا مهر ۱۳۷۰ / ۶ سپتامبر ۱۹۸۹ تا اکتبر ۱۹۹۱ والی بلخ بود و سپس تا سال ۱۳۷۱ / ۱۹۹۱ به حیث شهردار شهر مزار شریف کار کرد. میر عبدالرحمان انصاری برای بار دوم در دورهٔ حاکمیت دولت اسلامی در زمان رهبری حضرت صبغت‌الله مجددی و استاد برهان‌الدین ربّانی از فروردین تا پاییز ۱۳۷۱ / مارس تا سپتامبر ۱۹۹۲ به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد (۲۳۷)

و در همین دور دوم ولایت خود از ۱۸ تا ۲۸ شهریور ۱۳۷۱ / ۹ تا ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۲ برای اشتراک در نخستین کنگرهٔ بین‌المللی تاجیکان و فارسی‌زبانان سفری رسمی به تاجیکستان

داشت، (۱۰، ص ۱۴؛ ۱۱، ص ۱۹) به دنبال آن از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۳/۱۹۹۶ تا ۲۰۱۴ آموزگار دبیرستان استقلال در شهر مزار شریف بود و در سال ۱۳۹۳/۲۹۱۴ بازنشسته شد. (۲۳۷)

در دور نخست ولایت او، در ۲۶ شهریور ۱۳۶۸/۱۷ سپتامبر ۱۹۸۹ از هزار و پانزدهمین سال زاد حکیم ناصر خسرو بلخی به اشتراک محبوب الله کوشانی، معاون نخست وزیر کشور، در تالار دانش سرای نفت و گاز شهر مزار شریف (۷۱، ص ۱) و در مهر/ سپتامبر همان سال از هشت صد و ششمین سال زاد مولانا جلال الدین محمد بلخی با سنگ مانی کتیبه خیابان مولانا در غرب روضه مبارک حضرت علی «ک» و برگزاری همایشی در دبیرستان مولانا به اشتراک سید طاهر شاه پیکارگر، دبیر کمیته ولایتی حزب و رئیس شورای دفاع، بزرگداشت شد (۷۲، صص ۱ و ۴) و نیز در ۲ مهر ۱۳۶۹/۲۴ سپتامبر ۱۹۹۰ عرس مولانا در پیوند با هشت صد و هفتمین سال زاد مولانا از سوی کانون فرهنگی مولانا با سخن رانی و شعر و موسیقی عرفانی در خانقاه شیخ شهاب شهر مزار شریف برگزار شد. (۱۳۰، صص ۱ و ۴)

در دور دوم ولایت او در سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱ از هفتاد و دومین سال نشرات روزنامه بیدار در تالار همایش های دانش گاه بلخ بزرگداشت شد (۱۴، ص ۶۷) و به همین گونه در سال ۱۳۷۱/۱۹۹۲ نشریه های «پیام زن مسلمان»، «پیام توحید»، «کوثر»، «مظهر وحدت» و «ندای اسلام» به نشرات آغاز کردند. (۱۴، صص ۹۲ - ۹۵)

مهندس محمد عزیز

مهندس محمد عزیز در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان/ حزب وطن در زمان رهبری دکتر نجیب الله از مهر تا ۱۴ اسفند ۱۳۷۰/ اکتبر ۱۹۹۱ تا ۴ مارس ۱۹۹۲ والی بلخ بود.

^۱ - با جناب میر عبدالرحمان انصاری از دوره دانش جویی در دانش سرای نفت و گاز مزار شریف شناخت نزدیک داشتم و باری در زمستان سال ۱۳۵۵/۱۹۷۷ در سفری به کابل با او در آن شهر هم اتاق بودم. در دور نخست ولایت او، زمانی که به حیث رئیس انجمن نویسندگان بلخ کار می کردم یکجا با آقای عبدالقیاس مهرآیین نام گذاری یک چهارراه را در شهر مزار شریف به نام «فردوسی» مطرح کردیم که مورد پذیرش او قرار گرفت. در دور دوم ولایتش باری از ۱۸ تا ۲۶ شهریور ۱۳۷۱/۹ تا ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۲ در سفری رسمی به شهر دوشنبه، مرکز تاجیکستان، برای اشتراک در نخستین کنگره بین المللی تاجیکان و فارسی زبانان با هم هم سفر بودیم.

مهندس محمدعزیز، از شخصیت‌های برجسته سیاسی، علمی و اجتماعی کشور و از قوم تاجیک، در سال ۱۳۱۳/۱۹۳۴ زاده شد. آموزش‌های عالی را در رشته کشاورزی در اتحاد شوروی به پایان برد و در سمت‌های معاون نخست‌وزیر، وزیر پلان، وزیر صنایع خفیفه کشور و از مهر تا اسفند ۱۳۷۰/اکتبر ۱۹۹۱ تا مارس ۱۹۹۲ به حیث والی بلخ



ایفای وظیفه کرد. پس از فروپاشی حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان/ حزب وطن به اروپا رفت و سرانجام به ساعت ۵:۴۸ عصر روز آدینه ۲ شهریور ۱۳۹۷/ ۲۴ اوت ۲۰۱۸ به عمر ۸۴ ساله‌گی در شهر ویمربی^۱ ولایت کلمار^۲ کشور سوئد چشم از جهان فرو بست. از وی دو پسر به نام‌های فیاض عزیز، فرهاد عزیز و دکتر فریده عرفان به جا مانده اند. (۲۰۶)

مهندس محمدعزیز شخصی میهن‌دوست، دانش‌مند و

فرهنگ‌پرور و بسیار خوش‌برخورد، صمیمی و مهربان بود و بیش‌تر به سرنوشت میهن و آرامش هم‌میهنان می‌اندیشید. در شرایطی که نیروهای نظامی مستقر در شمال و از جمله در شهر حیرتان ولایت بلخ دست به نافرمانی در برابر حکومت دکتر نجیب‌الله زده بودند، جانب مصلحت مردم را در نظر داشت و با درایت و سنجیده کار می‌کرد. باری هنگامی که نیروهای حیرتان هیأت اعزامی کابل را برای گفت‌وگو اجازه ورود به شهر حیرتان نمی‌دادند، با جسارتی تمام، این هیأت را تا آن شهر همراهی کرد و زمینه گفت‌وگوی آن را با ژنرال عبدالؤمن اندرابی فراهم

^۱ - Vimmerby.

^۲ - Kalmar.

^۳ - مهندس محمدعزیز در زمانی که والی بلخ بود، با این‌جانب (صالح‌محمد خلیق) روابطی بسیار دوستانه داشت و همیشه در آماده‌ساختن متن سخن‌رانی‌هایش در همایش‌ها، از من مشوره و همکاری می‌خواست و مرا که در آن سال‌ها به عنوان رئیس انجمن نویسندگان بلخ کار می‌کردم هرازگاهی به دفترش فرا می‌خواند و در برخی از همایش‌های فرهنگی همراه با خودش می‌برد و برای شرکت در برخی از نشست‌های رسمی با رئیس‌ان اداره‌های دولتی نیز مرا دعوت می‌کرد. هنگامی که جشن آریایی سده را در ۱۰ بهمن ۱۳۷۰/ ۳۰ ژانویه ۱۹۹۲ برپا کرده بودیم و من متنی از تاریخ بیهقی را درباره چه‌گونه‌گی برگزاری جشن سده در زمان غزنویان برخواندم، برایم گفت اگر در سال آینده والی بلخ بودم این جشن را مانند دوره غزنویان به گونه‌یی باشکوه تجلیل خواهم کرد، ولی در سال دیگر روزگار، دیگر شد.

ساخت. به کارهای فرهنگی ارج می‌گذازد و با وجود مصروفیت‌های رسمی و دفتری در همایش‌های ادبی و فرهنگی‌یی که از سوی انجمن نویسندگان بلخ و بخش کانون نویسندگان جوان آن انجمن برگزار می‌شد با علاقه‌مندی شرکت می‌کرد. در همین دوره نورا کبر پایش، شهردار مزار شریف و از شخصیت‌های فرهنگی و شاعر و نویسنده ولایت بلخ، نیز با همکاری انجمن نویسندگان بلخ، در راه‌اندازی برنامه‌های فرهنگی و ادبی و از جمله شب یلدا و شب‌های شعر و داستان و موسیقی نقشی برجسته داشت.

در زمانی که او والی بلخ بود، از سال‌زاد مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در دانش‌سرای آموزگاری رودکی و در خانقاه کلان ده‌دادی بزرگ‌داشت شد و به همین گونه جشن مهرگان در مهر ۱۳۷۰ / اکتبر ۱۹۹۲ و شب یلدا در شب ۱۰ بهمن ۱۳۷۰ / ۳۰ ژانویه ۱۹۹۲ با حضور خودش از سوی انجمن نویسندگان بلخ برگزار شد.

عبدالرشید پیوستون

عبدالرشید پیوستون در آخرین روزهای حاکمیت حزب وطن در زمان رهبری دکتر نجیب‌الله از ۱۴ تا ۲۷ اسفند ۱۳۷۱ / ۴ تا ۱۷ مارس ۱۹۹۲ والی بلخ بود.

عبدالرشید پیوستون فرزند عبدالرشیدخان در خرداد ۱۳۳۵ / ژوئن ۱۹۵۶ در شهر شیرغان، مرکز ولایت جوزجان، به جهان آمد و از قوم احمدزی است. او دوره دانش‌آموزی را در دبستان‌های شهرستان‌های آقچه، سرپل و سانچارک ولایت جوزجان و دبیرستان ابن‌یمین شهر شیرغان پی گرفت و در سال ۱۳۵۵ / ۱۹۷۶ از آن دبیرستان گواهی‌نامه فراغت را به دست آورد و سپس در سال ۱۳۵۸ / ۱۹۷۹ موفق به گرفتن گواهی‌نامه فراغت از مؤسسه عالی تربیه معلّم ولایت بلخ شد و آموزش‌های عالی را در زمان مهاجرت برای یک سال در سال ۱۳۸۰ / ۲۰۰۱ در یکی از آکادمی‌های اقتصادی شهر کیل جمهوری



فیدرال آلمان^۱ دنبال کرد. پیوستون از آوان جوانی به کار در گستره‌های روشن‌گری و سیاسی دل‌بسته‌گی فراوان داشت و بیش‌ترین بخش زنده‌گی خود را وقف کار در این گستره‌ها کرد. او در دورهٔ دانش‌آموزی، هنگامی که هنوز در صنف هشتم درس می‌خواند، عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به دست آورد و در رهبری تظاهرات در برابر حاکمیت دولتی وقت نقشی فعال داشت. پس از کودتای ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ / ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ تا تشدید اختلاف‌های درون‌حزبی به حیث کارمند بخش خبری روزنامهٔ بیدار در ادارهٔ اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ کار کرد و پس از روی‌داد ۶ دی ۱۳۵۸ / ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ به نوبت دبیر کمیتهٔ ناحیهٔ دوم شهر مزار شریف، دبیر کمیتهٔ حزبی شهر مزار شریف، کارمند شعبهٔ تبلیغ و فرهنگ شورای مرکزی حزب وطن در کابل، از سال ۱۳۶۵ تا نیمهٔ ۱۳۶۶ / ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۷ کارمند شعبهٔ دوم سیاسی وزارت امور خارجهٔ جمهوری افغانستان، از نیمهٔ سال ۱۳۶۶ تا آخر ۱۳۶۷ / ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ دبیر نخست سفارت افغانستان در تهران، در سال ۱۳۶۸ / ۱۹۸۹ کاردار موقت سفارت جمهوری افغانستان در تهران، از اواخر سال ۱۳۶۸ تا اواخر ۱۳۶۹ / اوایل ۱۹۹۰ تا اوایل ۱۹۹۱ دبیر نخست و سپس سرکنسول جمهوری افغانستان در مشهد بود.

عبدالبشیر پیوستون در شرایط بحرانی کشور که قیام نیروهای مستقر در شمال در برابر دکتر نجیب‌الله به اوج خود رسیده بود از ۱۴ تا ۲۷ اسفند ۱۳۷۱ / ۴ تا ۱۷ مارس ۱۹۹۲ به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد. هنگامی که شهر مزار شریف به تصرف آن نیروها درآمد عبدالبشیر پیوستون، والی بلخ، یک‌جا با نوراکبر پایش، شهردار شهر مزار شریف، از سوی سربازان عبدالغفار پهلوان دست‌گیر و به روستای سوزمه‌قلعهٔ شهرستان سانچارک منتقل شدند و پس از سپری کردن سه ماه در زندان با پادرمیانی بزرگان مردم ولایت‌های بلخ، جوزجان و سرپل رهایی یافتند. پیوستون پس از رهایی از زندان، یک‌جا با هم‌سر و چهار فرزندش کشور را ترک کرد و به اروپا رفت و تا کنون در یکی از شهرهای جمهوری فیدرال آلمان زیست دارد.

او در آوان مهاجرت نیز به کارهای سیاسی‌اش ادامه داد و در این راستا، کار انسجام مجدد آن عدهٔ از اعضای حزب وطن را که به «هواداران تفکر مصالحهٔ ملی دکتر نجیب‌الله» معروف بودند آغاز و رهبری کرد. این جنبش در اجلاس گسترده‌یی که در سال ۱۳۸۳ / ۲۰۰۴ با اشتراک حدود ۳۸۰ تن از فعالان حزب وطن از سراسر کشورهای اروپایی در شهر بریمن جمهوری فیدرال آلمان برگزار شده بود در ساختار واحدی زیر عنوان «تشکیلات موقت انسجام اعضای حزب وطن»

^۱ Fortbildungsakademie der Wirtschaft – Kiel.

بنیادگذاری شد و شاخه‌های آن هم در کشورهای اروپایی و هم در داخل افغانستان به فعالیت پرداختند.

او در طی بیش‌تر از بیست سال گذشته در کار سازمان‌دهی مجدد حزب وطن کوشش‌های فراوانی انجام داد و به عنوان رئیس ساختار موقت انسجام اعضای حزب وطن در بیرون از کشور نقش برجسته‌یی در برگزاری مجمع عالی آن حزب در ۵ مهر ۱۳۹۱ / ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲ داشته است.

در این مجمع که شورای مرکزی حزب وطن در کابل اعلام موجودیت کرد پیوستن به حیث عضو هیأت اجرایی و مسؤول سازمان‌های برون‌مرزی حزب وطن برگزیده شد و در هفتمین اجلاس شورای سراسری آن حزب که در ۳۱ خرداد ۱۳۹۸ / ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۹ در مهمان‌خانه «سپین زر» شهر کابل به ریاست میرافغان باوری، رئیس آن شورا، برگزار شد، به حیث رئیس شورای سراسری حزب وطن برگزیده شد.

عبدالشیر پیوستون مقاله‌های سیاسی می‌نویسد که بیش‌ترین در جریده «راه ما»، نشریه آن حزب، منتشر می‌شوند. او به زبان‌های فارسی دری، پشتو، اوزبیک، روسی و آلمانی تسلط دارد. (۲۳۹)

آمران زون شمال

فدامحمد دهنشین

فدامحمد دهنشین در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری ببرک کارمل در سال ۱۳۶۰ / ۱۹۸۱ آمر زون شمال کشور با مرکزیت بلخ بود. (۲۴۷)

فدامحمد دهنشین پیش‌تر در زمان رهبری نورمحمد تره‌کی از ۲۳ اردیبهشت تا مرداد ۱۳۷۵ / ۱۳ مه تا اوت ۱۹۷۸ والی بلخ بود. درباره زندگی و کارکردهایش پیش‌تر در همین کتاب معلومات داده شده است.

سید اکرام پی گیر

سید اکرام پی گیر در دورهٔ حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری ببرک کارمل در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱/۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ آمر روزن شمال کشور با مرکزیت بلخ بود. سید اکرام پی گیر در شهر شبرغان، مرکز ولایت جوزجان، زاده شد، در دارالمعلمین دانش



آموخت و سپس در دبستان‌ها و دبیرستان‌های شهر شبرغان، مرکز ولایت جوزجان، و در شهرستان‌های خماب، قرقرین و سر پل ولایت جوزجان آموزگار بود. او پیش از کوتادی ۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ / ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ به حیث معاون کمیتهٔ حزبی در ولایت جوزجان کار می‌کرد و پس از کودتا شهردار شهر شبرغان، مرکز ولایت جوزجان، شد. بعد از آن مدتی در شبرغان زندانی سیاسی بود و پس از رهایی به کابل رفت و عضو علی‌البدل کمیتهٔ مرکزی و رئیس شعبهٔ اسناد و ارتباط آن کمیته (۲۴۷) و رئیس افتخاری

ترکمن‌ها (۲۹، ص ۱۴۴) شد. او یک تن از کسان درخور اعتماد در حزب بود. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ / ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ هم‌زمان با پیش‌برد وظیفهٔ ریاست شعبهٔ اسناد و ارتباط کمیتهٔ مرکزی حزب به حیث آمر زون شمال کشور با مرکزیت بلخ کار کرد و پس از آن باز هم به وظیفهٔ خود به حیث رئیس اسناد و ارتباط ادامه داد. پس از آن مدتی از وظیفه برکنار شد و سپس به ترتیب معاون جبههٔ ملی پدروطن، وزیر کمک‌های مستقیم و در واپسین روزهای حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان / حزب وطن عضو علی‌البدل بیروی سیاسی بود. در زمان رهبری دکتر نجیب‌الله برای حل تنش‌های شمال در رأس هیأتی از سوی نجیب به بلخ آمد و اما در این‌جا حاکمیت دکتر نجیب‌الله سقوط کرد و سید اکرام پی گیر در بلخ ماندگار شد. در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ / ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ مدت دو سال را در شبرغان گذرانید، سپس به تاشکند و پس از چند سال به هالند رفت و چند سال بعد به تاشکند برگشت و پس از چند سال رهسپار لندن شد و اکنون با هم‌سر دوم و فرزندان خود در آن شهر می‌زید. (۲۴۷)

سید نسیم میهن پرست

سید نسیم میهن پرست در دوره حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری ببرک کارمل از ۱۳ مرداد ۱۳۶۱ تا ۷ آذر ۱۳۶۴ / ۴ اوت ۱۹۸۲ تا ۲۸ نوامبر ۱۹۸۵ آمر زون شمال کشور با مرکزیت بلخ بود. (۲۴۳)

سید نسیم میهن پرست در شهرستان سر پل ولایت جوزجان / ولایت کنونی سر پل زاده شد و اصلاً از سادات کندهاری است. پدرش پیشه آزاد داشت.



میهن پرست فراگیری دانش را تا درجه فوق بکلوریا در دارالمعلمین عالی بلخ به پایان برد و سپس به حیث آموزگار در دبستان‌ها و دبیرستان‌های شهرستان شور تپه ولایت بلخ، شهر شبرغان و شهرستان سانچارک کار کرد. پس از کودتای ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ / ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ فرمان دار سانچارک شد، در زمان رهبری حفیظ الله امین پنهان شد و یکجا با پرچمی‌های دیگر فعالیت‌های زیرزمینی در شهرهای مزار شریف و شبرغان در برابر امین انجام می‌داد و در آن زمان به گونه پنهانی محمد یاسین صادقی دبیر کمیته ولایتی حزب در بلخ و سید نسیم میهن پرست معاونش بود و یکجا با هم کاران دیگرش کارهای حزبی جناح پرچم را در هماهنگی با کابل در شمال به پیش می‌برد. (۲۴۷) پس از ۶ دی ۱۳۵۸ / ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ و روی کار آمدن ببرک کارمل عضو علی‌البدل کمیته مرکزی حزب شد (۲۹، ص ۹۸) و تا سال ۱۳۶۲ / ۱۹۸۳ به نوبت مسؤول تشکیلات کمیته حزبی ولایت بلخ و ولایت جوزجان و از ۱۳ مرداد ۱۳۶۱ تا ۷ آذر ۱۳۶۴ / ۴ اوت ۱۹۸۲ تا ۲۸ نوامبر ۱۹۸۵ آمر زون شمال کشور با مرکزیت بلخ بود. (۲۴۳) به دنبال آن از ۷ آذر ۱۳۶۴ تا ۳ خرداد ۱۳۶۷ / ۲۸ نوامبر ۱۹۸۵ تا ۲۴ مه ۱۹۸۸ معاون نخست‌وزیر کشور (۲۹، ص ۹۸؛ ۲۴۳) و از ۳ خرداد ۱۳۶۷ / ۲۴ مه ۱۹۸۸ تا پایان حاکمیت دکتر نجیب الله دوباره دبیر کمیته ولایتی حزب و والی جوزجان بود. (۲۴۷؛ ۲۴۳) پس از فروپاشی حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان / حزب وطن مدت دو سه سال را در کابل گذرانید و سپس به تاشکند و از آنجا به قزاقستان و به دنبال آن به روسیه و آلمان و چند سال بعد به سوئد رفت و تا اکنون با خانواده خود در سوئد به سر می‌برد. (۲۴۷) ولایت سر پل در شمال افغانستان

در سال ۱۳۶۸ / ۱۹۸۹ با حمایت سید نسیم میهن پرست تأسیس شده است. (۱۹، صص ۲ - ۳؛ ۲۲۹)

دکتر رحمت‌الله هم‌درد

دکتر رحمت‌الله هم‌درد در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری ببرک کارمل از ۷ آذر تا زمستان ۱۳۶۴ / ۲۸ نوامبر ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۶ آمر زون شمال کشور با مرکزیت بلخ بود.



دکتر رحمت‌الله هم‌درد از لغمانی‌های شبرغان و از کادرهای سال‌های نخستین فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان است. او آموزش‌های عالی را در رشته پزشکی در کشور فرانسه به پایان برد و مدتی به سمت رئیس امور صحتی وزارت دفاع کشور و سپس از ۷ آذر تا زمستان ۱۳۶۴ / ۲۸ نوامبر ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۶ به حیث آمر زون شمال کشور با مرکزیت بلخ کار کرد. به دنبال آن والی جوزجان و سپس والی سر پل شد و پس از پایان حاکمیت حزب

دموکراتیک خلق افغانستان / حزب وطن به تاشکند رفت و در آن‌جا سرگرم کارهای شخصی بود و سپس خانواده‌اش را به آلمان فرستاد و خودش به روسیه رفت و در شهر مسکو ماندگار شد (۲۴۷) و سرانجام در اسفند ۱۳۹۶ / فوریه ۲۰۱۸ چشم از جهان پوشید و در ۷ اسفند ۱۳۹۶ / ۲۶ فوریه ۲۰۱۸ در افغانستان به خاک سپرده شد. دکتر رحمت‌الله هم‌درد با گوهر هم‌درد ازدواج کرده است و از او دو پسر به نام‌های اسپارت و یلداش و چهار دختر به نام‌های زویا، میترا، والتینا و فروغ به جا مانده است که در شهر مونشن جمهوری فیدرال آلمان به سر می‌برند. (۱۹۰)

فیض‌الله البرز

فیض‌الله البرز در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان / حزب وطن در زمان رهبری ببرک کارمل و دکتر نجیب‌الله در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ / ۱۹۸۶ آمر زون شمال کشور با مرکزیت بلخ بود. (۲۴۳)

فیض‌الله البرز در شهرستان اندخوی ولایت فاریاب زاده شد و از عرب‌های اوزبیک‌زبان آن



شهرستان است. او آموزش‌های عالی را در دانش‌گاه کابل به پایان برد. او عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان و از جناح پرچم و سپس گروه کار آن حزب بود. پس از سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹ به حیث دبیر کمیته ولایتی حزب در فاریاب و در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳/۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ به حیث والی فاریاب و سپس تا سال ۱۳۶۵/۱۹۸۶ دوباره به حیث دبیر کمیته ولایتی فاریاب، به دنبال آن در بخش کوپراتیف‌ها در کابل و در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵/۱۹۸۶ به حیث آمر زون شمال کشور در بلخ ایفای وظیفه کرد (۲۴۳) و پس از پایان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان/ حزب وطن به اوزبیکستان رفت و سپس نماینده جنبش ملی - اسلامی افغانستان در مسکو بود و سرانجام به دانمارک رفت و تا کنون در آن کشور به سر می‌برد. (۲۴۷)

مهندس محمدشریف

مهندس محمدشریف در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان/ حزب وطن در زمان رهبری ببرک کارمل و دکتر نجیب‌الله از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۶/۱۹۸۶ تا ۱۹۸۷ آمر زون شمال کشور با مرکزیت بلخ بود. (۲۴۳)

مهندس محمدشریف هم‌زمان به حیث دبیر کمیته مرکزی و نیز کمیته ولایتی حزب در بلخ و در سال ۱۳۶۶/۱۹۸۷ نماینده برگزیده مردم ولایت بلخ در جرگه بزرگ صلح و از ۲۱ خرداد تا آذر ۱۳۶۷/۱۱ ژوئن تا دسامبر ۱۹۸۸ به حیث والی بلخ و سپس به عنوان نماینده مردم بلخ در شورای ملی در کابل ایفای وظیفه کرد. درباره زنده‌گی او به حیث والی بلخ در همین کتاب معلومات داده شده است.

ژنرال جمعه خان اچک

ژنرال جمعه خان اچک از سال ۱۳۶۶ تا ۲۳ اسفند ۱۳۷۰ / ۱۹۸۷ تا ۱۳ مارس ۱۹۹۲ به حیث فرمان ده کل گروه عملیاتی / اوپراتیفی شمال که جاگزین امریت زون شمال شده بود، ایفای وظیفه کرد. (۲۴۳)

جمعه خان اچک در سال ۱۳۲۳ / ۱۹۴۴ در شهرستان شین دند / سبزواری کهن ولایت هرات زاده



شد و از قوم پشتون است. او دوره دانش آموزی را در دبیرستان حربی در کابل و آموزش های عالی را در دانش گاه حربی کابل و نیز در رشته فرمان دهی اوپراتیفی در شهر مسکو، پای تخت اتحاد شوروی پیشین، به پایان برد و سپس به نوبت به صفت فرمان ده در قوای چهارم زره دار در شیرپور کابل، در پل چرخ، در قوای ۷ زره دار ولایت کندهار، در خوست و در گردیز و به همین گونه به ترتیب به حیث فرمان ده کندک / گردان در لشکر / فرقه ۸ قرغه کابل، فرمان ده هنگ / غند در لشکر / فرقه ۹ منطقه بریکوت کابل،

فرمان ده لشکر / فرقه ۲۵ خوست، در سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ / ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ فرمان ده لشکر / فرقه ۱۸ شهرستان ده دادی ولایت بلخ و فرمان ده لشکر / فرقه ۱۷ هرات ایفای وظیفه کرد. سپس در یکی از نبردها زخم برداشت و برای مدت هفت ماه در بیمارستانی بستری بود. به دنبال آن در سال ۱۳۶۵ / ۱۹۸۶ در سمت معاون دوم رئیس ستاد ارتش / لوی درستیز افغانستان و سپس به حیث آمر زون غرب و بعداً فرمان ده سپاه / قول اردوی کندهار و از سال ۱۳۶۶ تا ۲۳ اسفند ۱۳۷۰ / ۱۹۸۷ تا ۱۳ مارس ۱۹۹۲ فرمان ده کل گروه عملیاتی / اوپراتیفی شمال بود. او پس از فروپاشی حاکمیت حزب وطن از کارهای دولتی کناره گرفت و تا کنون با خانواده خود در کابل زیست دارد. (۲۴۴)

ژنرال محمدنبی عظیمی

ژنرال محمدنبی عظیمی از ۲۳ تا ۲۷ اسفند ۱۳۷۰ / ۱۳ تا ۱۷ مارس ۱۹۹۲ به عنوان سرپرست فرمان دهی کل گروه عملیاتی شمال با مرکزیت بلخ ایفای وظیفه کرد.

ژنرال محمدنبی عظیمی از کابل و از قوم تاجیک است. او پیش‌تر به حیث فرمان‌ده گارنیزون شهر کابل کار می‌کرد و در هنگام قیام نیروهای شمال در برابر حکومت دکتر



نجیب‌الله، از سوی دکتر نجیب‌الله برای واداشتن آن نیروها به اطاعت‌پذیری از دولت مرکزی، در ۲۱ اسفند ۱۳۷۰ / ۱۱ مارس ۱۹۹۲ به مزار شریف فرستاده شد و در ۲۳ اسفند ۱۳۷۰ / ۱۳ مارس ۱۹۹۲ به اساس دستور تلفنی دکتر نجیب‌الله به حیث سرپرست فرمان‌دهی کل گروه عملیاتی شمال گماشته شد. او برای پیش‌گیری از وضعیت پیش‌آمده در شمال کشور، کوشش‌های زیادی به خرج داد، اما این کوشش‌ها به جایی نرسیدند و سرانجام ولایت بلخ و ولایت‌های شمالی دیگر کشور در ۲۷ اسفند ۱۳۷۰ / ۱۷

مارس ۱۹۹۲ از اداره دولت مرکزی بیرون و به دست نیروهای مشترک قیام‌کننده و جهادی افتادند. ژنرال عظیمی تا ۳ فروردین ۱۳۷۱ / ۲۳ مارس ۱۹۹۲ در ولایت بلخ باقی ماند و سپس در ۴ فروردین / ۲۴ مارس توسط هواپیما از شبرغان به کابل رفت و وظیفه پیشین خود را به عنوان فرمان‌ده گارنیزون شهر کابل از سر گرفت. (۲۰، صص ۵۳۱ - ۵۳۲) نبی عظیمی در ۲۶ خرداد ۱۳۷۱ / ۱۶ ژوئن ۱۹۹۲ کابل را ترک گفت و به بیرون از کشور رفت و پس از چهار ماه دوباره به میهن برگشت و در کابل ماندگار شد. (۲۰ ص ۶۲۰) عظیمی نویسنده نیز است و مقاله‌ها و آثار فراوانی از او به چاپ رسیده‌اند. کتاب‌های «فرار و دیدگاه‌ها»، «سایه‌های هول» و «اردو و سیاست» از آثار چاپ‌شده‌اش هستند.

والیان بلخ در دورهٔ حاکمیت دولت اسلامی

(۸ اردیبهشت ۱۳۷۱ - ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ / ۲۸ آوریل ۱۹۹۲ - ۸ اوت ۱۹۹۸)

در پی روگرداندن نیروهای ژنرال عبدالؤمن اندرابی، ژنرال عبدالرشید دوستم و ژنرال حسام‌الدین حق‌بین در برابر حکومت دکتر نجیب‌الله و همکاری نیروهای جهادی شمال با ایشان سرانجام این نیروها در شب ۲۷ اسفند ۱۳۷۰ / ۱۷ مارس ۱۹۹۲ وارد شهر مزار شریف شدند و در ۲۸ اسفند / ۱۸ مارس تمام شهر زیر ادارهٔ این نیروها قرار گرفت و به حاکمیت حزب وطن در ولایت‌های شمالی افغانستان پایان داده شد. در نشست که در ۳۰ اسفند ۱۳۷۰ / ۲۰ مارس ۱۹۹۲ در شهر مزار شریف برگزار شد دوستم به حیث رئیس شورای عالی نظامی شمال برگزیده شد و اما بنا بر مصالحی درفش نوروزی در صحن روضهٔ مبارک حضرت علی «ک» در نوروز ۱۳۷۱ / ۲۱ مارس ۱۹۹۲ به فرمان ژنرال محمدنبی عظیمی، نمایندهٔ دولت مرکزی، که برای حل و فصل کشیده‌گی‌های شمال هنوز در مزار شریف به سر می‌برد برافراشته شد.

پس از آن پیش‌روی‌های نیروهای شمال به سوی کابل برای براندازی نظام جمهوری افغانستان و برپایی دولت اسلامی، ادامه داشت تا کابل هم به دست این نیروها افتاد و سرانجام در ۸ اردیبهشت ۱۳۷۱ / ۲۸ آوریل ۱۹۹۲ قدرت به گونهٔ رسمی به مجاهدان انتقال یافت و دولت اسلامی افغانستان پدید آمد و پروفیسور حضرت صبغت‌الله مجددی به عنوان ممثل ریاست دولت اسلامی افغانستان برای مدت دو ماه قدرت را به دست گرفت.

پروفیسور حضرت صبغت‌الله مجددی در یکم خرداد ۱۳۷۱ / ۲۲ مه ۱۹۹۲ سفری به ولایت بلخ داشت که با پذیرایی گرم ژنرال دوستم روبه‌رو شد و در این سفر همهٔ فرمان‌دهانی را که در سرنگونی حکومت دکتر نجیب‌الله نقش داشتند رتبه‌های بلندتر داد. (۲۰، ص ۶۲۰) پس از سفر مجددی، در ۱۰ و ۱۱ خرداد ۱۳۷۱ / ۳۱ مه و ۱ ژوئن ۱۹۹۲ مجمع مؤسسان جنبش ملی - اسلامی افغانستان در شهر مزار شریف برگزار شد که در آن ژنرال دوستم به عنوان رئیس شورای

مرکزی جنبش و استاد عطا محمد نور به نماینده‌گی از جمعیت اسلامی، ژنرال سید حسام‌الدین حق‌بین به نماینده‌گی فرقه مذهبی اسماعیلی، مهندس محمد نسیم مهدی به نماینده‌گی از حزب اسلامی، و حاجی محمد محقق به نماینده‌گی از حزب وحدت اسلامی به حیث معاونان شورای مرکزی جنبش برگزیده شدند. (۲۴۳)

حضرت مجددی پس از سپری شدن میعاد دو ماهه ماموریتش، در ۷ تیر ۱۳۷۱ / ۲۸ ژوئن ۱۹۹۲ قدرت را به شورای رهبری سپرد و استاد برهان‌الدین ربانی برای مدت چهار ماه در رأس دولت اسلامی آمد. (۷ ص ۵۷۶)

در دوره حکومت استاد ربانی، دولت اسلامی با چالش‌های امنی فراوانی روبه‌رو بود. در این دوره، جنگ‌های حزب‌ها و سازمان‌های جهادی با هم‌دیگر، در کابل و ولایت‌های دیگر کشور، تلف‌های جانی و زیان‌های مالی و ویرانی‌های فراوانی را به بار آوردند. در اثر این درگیری‌ها که با خشونت‌های شدیدی همراه بودند، دور تازه‌یی از کوچیدن‌ها به بیرون و جابه‌جایی‌ها در درون کشور آغاز یافت. در این میان، ولایت بلخ که از آرامش به‌تری برخوردار بود بیش‌ترین بی‌جاشده‌گان کابل را در خود جا داد. برخی از این بی‌جاشده‌گان از این ولایت از راه شهر مرزی حیرتان رهسپار کشورهای دیگر می‌شدند.

در همین حال و هوا، در ۹ دی ۱۳۷۱ / ۳۰ دسامبر ۱۹۹۲ شورای اهل حل و عقد در کابل دوره ریاست جمهوری استاد ربانی را تمدید کرد، اما دامنه جنگ‌های داخلی گسترده‌تر شد. (۷ ص ۵۹۳ - ۵۹۴)

کوشش‌های پی‌هم سیاسی سازمان ملل و کشورهای ذی‌دخل برای بازآوردن آرامش و ثبات در کشور به برآیندی نرسیدند. در ادامه بالاگرفتن این درگیری‌ها، جنبش ملی - اسلامی، حزب اسلامی، جبهه نجات ملی و حزب وحدت اسلامی در زمستان سال ۱۳۷۲ / پایان ۱۹۹۳ ائتلافی را به نام «شورای هماهنگی» در برابر حکومت استاد ربانی پی‌ریختند (۷ ص ۶۰۰) و با یورش‌بردن هم‌زمان در ۱۱ دی ۱۳۷۲ / ۱ ژانویه ۱۹۹۴ به پای‌گاه‌های جمعیت اسلامی در بلخ و کابل و جاهای دیگر کشور دست به کودتای خونینی زدند. این کودتا اگر چه در پای‌تخت کشور ناکام شد، اما در بلخ و ولایت‌های دیگر شمال به بیرون‌راندن نیروهای جمعیت اسلامی از این ولایت‌ها و به تاراج‌رفتن جاهای تاجیک‌نشین از سوی نیروهای جنبش عمدتاً آمده از ولایت‌های غربی

بلخ، انجامید. در همین نبردها ژنرال عبدالؤمن اندرابی در شهر حیرتان ولایت بلخ که به جانب‌داری از احمدشاه مسعود پرداخته بود ظاهراً در اثر سقوط چرخ‌بال حامل وی کشته شد.

در ۲۲ اسفند ۱۳۷۳/۱۳ مارس ۱۹۷۵ استاد عبدالعلی مزاری، رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان با هشت تن از یارانش در کابل توسط طالبان به شهادت رسید (۱۰۰، صص ۲ و ۶) و مردم پیکرش را با پای پیاده تا یکاولنگ و از آن‌جا با چرخ‌بال‌های نیروهای ژنرال دوستم به مزار شریف انتقال دادند و در آن‌جا با مراسمی ویژه به خاک سپردند.

بلخ پس از ۱۱ دی ۱۳۷۲/۱ ژانویه ۱۹۹۴ تا افتادن کابل در ۵ مهر ۱۳۷۵/۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ به دست طالبان، هم‌چون مرکز ولایت‌های شمالی کشور ادارهٔ سیاسی مستقلی داشت.

پس از افتادن کابل به دست طالبان، مقام‌های بلندپایهٔ دولت اسلامی به شمول استاد ربّانی و مهندس حکمت‌یار به شمال افغانستان آمدند و با مشارکت جنبش، در آغاز شهر تالقان، مرکز ولایت تخار، را به عنوان پای‌تخت موقت کشور برگزیدند. نیروهای شمال در ۱۹ مهر ۱۳۷۵/۱۰ اکتبر ۱۹۹۶ در نشستی در خنجان، به ریاست احمدشاه مسعود رهبر پایداری، شورایی را به نام «دفاع از وطن» با مرکزیت بلخ ساختند. (۲۲، صص ۲۳۶ - ۲۳۹) در نشست خنجان ژنرال عبدالرشید دوستم، رهبر جنبش، و محمدکریم خلیلی، دبیر کلّ حزب وحدت اسلامی شرکت کرده بودند و این شورا با ترکیب احمدشاه مسعود، خلیلی، دوستم و سید حامد گیلانی ساخته شد و نیز کمیسیونی موظف شد تا به زودی اعضای شورا را از فرمان‌دهان و شخصیت‌های برجستهٔ سیاسی و اجتماعی کشور تعیین کنند. (۷۵، ص ۱)

در ۳ خرداد ۱۳۷۶/۲۴ مه ۱۹۹۷ ولایت بلخ به دنبال ولایت‌های غربی آن با هم‌کاری ژنرال عبدالملک از فرمان‌دهان جنبش، که از دوستم کناره گرفته بود به دست گروه طالبان افتاد. پیش از این روی‌داد، در ۲ خرداد/۲۳ مه کارکنان کنسول‌گری پاکستان از مزار شریف توسط یک پرواز به دفتر سازمان ملل در اسلام‌آباد منتقل شدند و روز بعد با آغاز جنگ در شهر مزار شریف، دوستم با افراد خود از طریق حیرتان به اوزبیکستان و سپس به ترکیه رفت. با ورود طالبان به فرمان‌دهی ملا عبدالرزاق به مزار شریف، ملا عبدالرزاق که پیش از این والی هرات بود به عنوان رئیس تنظیمیّهٔ شمال و والی بلخ شناخته شد. چون طالبان از سهم‌شدن ژنرال ملک در قدرت سر باز زدند در طی جنگ شدید پانزده‌ساعته پس از ظهر ۶ خرداد ۱۳۷۶/۲۷ مه ۱۹۹۷ شهر مزار شریف از حضور طالبان پاک‌سازی شد. (۲۲، صص ۲۳۶ - ۲۳۹) هم‌زمان با این روی‌داد، نیروهای ملک در سه ولایت جوزجان، سر پل و فاریاب نیز با طالبان درگیر شدند. در این جنگ که هزاران

نفر کشته شدند، ملا غوث، وزیر امور خارجه طالبان، ملا عبدالرزاق فرمانده نظامی و والی طالبان در بلخ، ملا عبیدالله، وزیر دفاع، و احسان الله احسان، رئیس بانک مرکزی طالبان، به اسارت درآمدند. (۲۲، ص ۲۴۱)

در همین ماه اتحاد مخالفان طالبان به نام «جبهه متحد اسلامی برای نجات افغانستان» در نبود دوستم در شمال به وجود آمد (۲۲، ص ۲۴۲) تا همین ماه دوستم به عنوان رهبر جنبش ملی - اسلامی افغانستان شناخته می شد.

بعد از بیرون رفتن ژنرال دوستم از کشور و پاک سازی طالبان از شمال، در ۸ خرداد ۱۳۷۶ / ژنرال ملک در یک همایش بزرگ مردمی در تالار دانش گاه بلخ در شهر مزار شریف نام جنبش ملی - اسلامی را به «جنبش اسلامی» تعدیل و خودش را به جای ژنرال دوستم رهبر آن جنبش و رئیس شورای عالی نظامی صفحات شمال خواند و سبک دوشی دوستم را از وظایف پیشینش اعلام کرد. در این همایش مولوی سالک زاده، والی بلخ، مولوی محمد جان مرادی، رئیس شورای علمای جهادی جوزجان، سید احمد مبارز، عضو شورای مرکزی حرکت اسلامی، حاجی محمد محقق، معاون جنبش و مسؤول کل صفحات شمال حزب وحدت اسلامی سخن رانی کردند و کمر عبدالملک توسط مولوی شهاب الدین، مفتی اعظم صفحات شمال، بسته و پرچم نو سبزرنگ جنبش به وی داده شد. ژنرال عبدالملک در فرمان شماره ۱۰ مؤرخ ۱۳ خرداد ۱۳۷۶ / خویش سپهبد / دگر ژنرال گل محمد پهلوان، فرمانده لشکر ۵۱۱ را به صفت فرمانده سپاه شماره ۷ ارتش تعیین کرد و نیز در فرمان شماره ۱۱ مؤرخ ۱۳ خرداد ۱۳۷۶ خویش ساختارهای معینیت های صنایع خفیه، ترانسپورت و بازرگانی و کمیسیون مالی، شورای اقتصادی، کمیسیون فوق العاده خریداری، کمیسیون فوق العاده بازرگانی و بانک مرکزی صفحات شمال را ملغا قرار داد و امور بانک مرکزی صفحات شمال را به بانک افغانستان واگذار کرد. (۸۵، ص ۱)

هنگامی که دوستم به میهن برگشت، ملک که در شیرغان بود با ورود دوستم به شهر مزار شریف مخالفت می کرد و در همین هنگام جنگ میان جبهه متحد و طالبان در اطراف مزار شریف جریان داشت و سرانجام دوستم توانست به مزار شریف بیاید. (۲۲، ص ۲۴۷) دوستم در شرایطی وارد حیرتان شد که شهر مزار شریف از هر طرف آماج حمله های طالبان قرار داشت و ژنرال ملک هم در مخالفت با ورود دوستم به مزار شریف، بلخ را تخلیه کرده به شیرغان رفته بود. (۲۳)

دوستم به هم کاری نیروهای جهادی و مردم وارد شهر مزار شریف شد و با پادرمیانی فرماندهان

جهادی به‌ویژه حاجی محمد محقق، با ژنرال ملک به خاطر مبارزهٔ مشترک در برابر طالبان آشتی کرد. (۲۴۳)

طالبان در شهریور ۱۳۷۶ / سپتامبر ۱۹۹۷ برای مدتی خلم را نیز به تصرف خویش درآوردند و پس از این که به شهر مزار شریف دست نیافتند دست به حمله‌های هوایی و توپخانه‌یی به این شهر زدند و به این گونه در ۸ مهر ۱۳۷۶ / ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۷ پانزده بار و در ۹ مهر / ۱ اکتبر هشت بار شهر مزار شریف را بمباران هوایی کردند. طالبان بعد از آن حیرتان را تصرف کردند و با سیاگرد، بلخ و چمتال وصل شدند و شهر مزار شریف را از چندین سو در محاصره گرفته مورد حمله قرار دادند. در ۷ مهر / ۲۹ سپتامبر حوالی کارخانهٔ کود و برق، پادگان دهادی و قلعهٔ جنگی را گرفتند، اما یک روز پس در اثر ضد حملهٔ نیروهای جبههٔ متحد دوباره آن جاها از دست دادند و در ۸ مهر / ۳۰ سپتامبر برای گرفتن فرودگاه مزار شریف کوشیدند که به این کار موفق نشدند. (۲۲، ص ۲۵۱) جبههٔ متحد در ۱۲ مهر ۱۳۷۶ / ۴ اکتبر ۱۹۹۷ شهرستان‌های چهاربولک، بلخ، چمتال و دولت‌آباد را از دست طالبان آزاد کردند و فرودگاه هم از محاصرهٔ طالبان بیرون شد و طالبان به دو راهی حیرتان عقب‌نشینی کردند. به دنبال این نبردها در ۱۵ مهر ۱۳۷۶ / ۷ اکتبر ۱۹۹۷ شهر حیرتان که دو هفته پیش به دست طالبان افتاده بود دوباره آزاد شد و در ۱۹ مهر / ۱۱ اکتبر دوراهی حیرتان نیز به تصرف جبههٔ متحد درآمد. نیروهای طالبان از تنگی خلم به شهر خلم حمله‌ور شده آن را به دست آوردند و سرانجام نیروهای جبههٔ متحد آنان را از خلم و نقاط دیگر ولایت بلخ به ایرگنک واقع در ۴۵ کیلومتری شرق خلم و سپس به کندز عقب راندند. (۲۲، ص ۲۵۲)

پس از شکست طالبان در مزار شریف، شهر مزار شریف به عنوان پای‌تخت موقت افغانستان گزیده شد و استاد برهان‌الدین ربانی به عنوان رئیس دولت اسلامی افغانستان در آن شهر به کار پرداخت. (۲۲، ص ۲۵۵) در همین احوال بخشی از نیروهای جنبش به‌ویژه گروه کار به رهبری مهندس احمد به هواخواهی ژنرال دوستم در برابر ژنرال ملک دست به شورش زدند و ولایت‌های جوزجان، سر پل و فاریاب را از تصرف ژنرال عبدالملک بیرون کشیدند و وفاداری شان را به دوستم اعلام داشتند. (۲۴۳) در پی آن ژنرال دوستم در ۱۵ آذر ۱۳۷۶ / ۶ دسامبر ۱۹۹۷ به میمنه سفر کرد و در آن جا دوباره به حیث رهبر جنبش برگزیده شد و به این‌گونه به حاکمیت عبدالملک که از ۱ خرداد تا ۱ آذر ۱۳۷۶ / ۲۲ مه تا ۲۲ نوامبر ۱۹۹۷ رهبری جنبش را به دوش داشت پایان

داده شد. (۲۲، ص ۲۵۶) در جریان تصرف بامیان به وسیله دوستم، ملا عبدالرزاق با چهار تن دیگر از سران طالبان که در اسارت نیروهای شمال بودند موفق به فرار شدند. (۲۲، ص ۲۵۷)

در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۶/۹ مه ۱۹۹۷ به ریاست استاد برهان الدین ربانی، رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان، و اشتراک ژنرال عبدالرشید دوستم، رهبر جنبش و رئیس شورای عالی دفاع از افغانستان، سید منصور نادری، رئیس شورای سیاسی جنبش، استاد حاجی محمد محقق، معاون جنبش و مسؤول حزب وحدت اسلامی در شمال، سید محمدعلی جاوید، رئیس شورای مرکزی حرکت اسلامی افغانستان، نشست در مقر شورای عالی جنبش برگزار شد و در آن توافقنامه‌یی دربارهٔ تعدیل کابینه دولت اسلامی افغانستان به امضا رسید. بر بنیاد این توافقنامه دو کرسی معاونیت ریاست جمهوری و یک کرسی وزارت دفاع ملی به جنبش، یک کرسی معاونیت نخست‌وزیری و کرسی وزارت مالیّه کابینه نو دولت اسلامی به حزب وحدت اسلامی محوّل گردید. (۵۵، صص ۱ - ۲ و ۴) بر بنیاد این توافقنامه در مرداد ۱۳۷۶/ اوت ۱۹۹۷ کابینه نو افغانستان به نخست‌وزیری عبدالرحیم غفورزی در بلخ ساخته شد. (۲۲، ص ۲۵۵) در ساختار نو رهبری دولت اسلامی افغانستان، عبدالغفار پهلوان به حیث معاون رئیس جمهور، احمدشاه مسعود به حیث معاون رئیس جمهور و وزیر دفاع ملی، آیت‌الله صادقی پروانی به حیث معاون رئیس جمهور، عبدالرحیم غفورزی به حیث نخست‌وزیر، عبدالملک به حیث وزیر امور خارجه و استاد حاجی محمد محقق به حیث وزیر امور داخله برگزیده شدند.

در شام ۲۶ مرداد ۱۳۷۶/ ۱۷ اوت ۱۹۹۷ سخنرانی عبدالرحیم غفورزی، نخست‌وزیر نو، دربارهٔ برنامه‌های آینده حکومت از طریق رادیو - تلویزیون محلی بلخ نشر شد.

در ۲۸ مرداد ۱۳۷۶/ ۱۹ اوت ۱۹۹۷ آقای ابراهیمی و دکتر ناربرت هول، نماینده‌گان سازمان ملل برای افغانستان که برای گفت‌وگو با رهبری دولت اسلامی و جبهه متحد اسلامی و ملی نجات افغانستان وارد شهر مزار شریف شده بودند با عبدالرحیم غفورزی، نخست‌وزیر کشور، عبدالملک، رهبر جنبش و وزیر امور خارجه، و سایر مسؤولان دیدار و گفت‌وگو کردند. (۶۹، ص ۱)

و در ۳۰ مرداد/ ۲۱ اوت غفورزی یک‌جا با شماری از اعضای کابینه نو در جریان سفری که توسط هواپیما به بامیان داشتند در اثر یک سانحه هوایی جان باختند و کشور هم‌چنان در بحران باقی ماند.

در ماه اسفند ۱۳۷۶ / مارس ۱۹۹۸ جنگی میان نیروهای دوستم و حزب وحدت اسلامی در حیرتان روی داد که در آن نصیر، فرمان‌ده حزب وحدت اسلامی، با ۲۸۰ تن از نیروهای آن حزب کشته و به رود آمو انداخته شدند. حزب وحدت در واکنش به این کار، جنگ دیگری را در شهر مزار شریف و اطراف آن به راه انداخت که در اثر آن شماری از مردم کشته و بسیاری از مناطق شهر غارت شدند. (۲۲، ص ۲۶۰)

به این گونه حاکمیت دولت اسلامی به رهبری استاد برهان‌الدین ربّانی در شهر مزار شریف ادامه داشت که طالبان در ماه مرداد / ژوئیه از هرات به سوی شمال دست به پیش‌روی زدند و پس از گرفتن ولایت‌های غربی بلخ به ساعت ۱۰ پیش از ظهر روز ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ / ۸ اوت ۱۹۹۸ وارد شهر مزار شریف شدند و این شهر را به تصرف خود در آوردند. (۲۲، ص ۲۶۰)

در دوره حاکمیت دولت اسلامی، از آغاز پیروزی تا کودتای شورای هماهنگی، به ترتیب، میر عبدالرحمان انصاری و مولوی محمدعلم؛ از کودتای شورای هماهنگی تا افتادن کابل به دست طالبان، مولوی محمدعثمان سالک‌زاده و سپس تا افتادن بلخ به دست طالبان، برای بار دوم مولوی محمدعلم والی بلخ بودند.^۱ حزبهایی که در آن سال‌ها در ولایت بلخ فعالیت داشتند، عبارت بودند از: جمعیت اسلامی، جنبش ملی - اسلامی، حزب وحدت اسلامی، حرکت اسلامی، حرکت انقلاب اسلامی، حزب اسلامی، جبهه نجات ملی و محاذ ملی.

میر عبدالرحمان انصاری

در دوره حاکمیت دولت اسلامی در زمان رهبری حضرت صبغت‌الله مجددی و استاد برهان‌الدین ربّانی از فروردین تا پاییز ۱۳۷۱ / مارس تا سپتامبر ۱۹۹۲ والی بلخ بود.

^۱ - در ماه دی ۱۳۷۶ / ژانویه ۱۹۹۸ در روزهایی که جناب پروفیسور استاد برهان‌الدین ربّانی، رئیس دولت اسلامی افغانستان، به هندوستان رفته بود این‌جانب (صالح محمد خلیق) برنیاد موافقت سران بلخ شماری از احزاب سیاسی از جمله جناب استاد عطامحمد نور از جمعیت اسلامی، جناب جمعه‌خان هم‌درد از حزب اسلامی و جناب استاد حاجی محمد محقق از حزب وحدت اسلامی که در آن زمان سمت وزیر امور داخله کشور را داشت، از سوی وزارت امور داخله کشور عنوانی مقام ریاست دولت اسلامی افغانستان به حیث والی بلخ پیش‌نهاد شدم. اما این تقرر تحقق نیافت و در جریان سفری فرهنگی که از ۲۵ دی تا ۱۷ اسفند ۱۳۷۶ / ۱۵ ژانویه تا ۸ مارس ۱۹۹۸ در ایران داشتم، از تقرر مجدد جناب مولوی محمدعلم به عوض جناب مولوی محمدعثمان سالک‌زاده در آن سمت آگاهی یافتم.

میر عبدالرحمان انصاری فرزند میر عبدالرؤف زاده شده در سال ۱۳۱۹ / ۱۹۴۰ در شهر مزار شریف، پیش تر برای بار نخست در دوره حاکمیت حزب وطن در زمان رهبری دکتر نجیب الله از ۱۵ شهریور ۱۳۶۸ تا مهر ۱۳۷۰ / ۶ سپتامبر ۱۹۸۹ تا اکتبر ۱۹۹۱ به حیث والی بلخ کار کرده بود. درباره زنده گی و کارنامه های او در هر دو دوره ولایتش پیش تر در همین کتاب معلومات داده شده است.

مولوی محمد علم

مولوی محمد علم در دوره حاکمیت دولت اسلامی در زمان رهبری استاد برهان الدین ربانی در دو نوبت: از پاییز ۱۳۷۱ تا ۱۱ دی ۱۳۷۲ / سپتامبر تا ژانویه ۱۹۹۴ و از بهمن ۱۳۷۶ تا ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ / فوریه تا اوت ۱۹۹۸ والی بلخ بود.

مولوی محمد علم فرزند محمد حیدر فرزند فیض محمد در سال ۱۳۱۹ / ۱۹۴۰ در روستای



تاریخی شادیان شهرستان نهر شاهی (اکنون مربوط شهرستان چهارکنت) ولایت بلخ زاده شد و از قوم تاجیک است. آموزش های نخستین را در دبستان زادگاه خویش و آموزش های دینی را در مدرسه اسدیّه بلخ در شهر مزار شریف سپری کرد و آموزش های عالی را در سال ۱۳۴۴ / ۱۹۶۵ در دانش کده شرعیات دانشگاه کابل تا درجه لیسانس به فرجام رسانید. در زمان دانشجویی در سال ۱۳۴۲ / ۱۹۶۳ به نهضت اسلامی پیوست. پس از دانش آموزی به خدمت زیر پرچم رفت و سپس به حیث

دادستان در دادستانی استیناف ولایت بلخ به کار رسمی آغاز کرد و به دنبال آن در دادستانی شهرستان بلخ و در تیر ۱۳۵۷ / ژوئیه ۱۹۷۸ در دادستانی شهرستان چهارکنت به کار ادامه داد و سپس در همان سال به سنگرهای جهاد شتافت و به حیث معاون استاد ذبیح الله، امیر جمعیت اسلامی ولایت بلخ، خدمت کرد و پس از شهادت استاد ذبیح الله، خودش به صفت امیر جمعیت اسلامی ولایت بلخ گماشته شد. (۲۴۵)

مولوی محمدعلم پس از فتح شهر مزار شریف به دست نیروهای جهادی از فروردین ۱۳۷۱/ مارس ۱۹۹۲ به حیث والی بلخ تعیین شد. در دی ۱۳۷۲/ ژانویه ۱۹۹۴ هنگامی که در اثر جنگی میان نیروهای جمعیت اسلامی و جنبش ملی - اسلامی نیروهای جمعیت اسلامی از مزار شریف عقب‌نشینی کردند، او به کابل رفت و در آن‌جا به عنوان والی بلخ به وظیفه خود ادامه داد. (۲۴۵)

مولوی محمدعلم در سال ۱۳۷۱/ ۱۹۹۲ همراه با استاد برهان‌الدین ربانی، رئیس جمهور کشور، سفری رسمی به روسیه داشت و نیز در سال ۱۳۷۲/ ۱۹۹۳ سفری رسمی به عربستان سعودی، (۲۴۵) از ۱۶ تا ۲۲ شهریور ۱۳۷۲/ ۷ تا ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ برای اشتراک در دومین کنگره انجمن بین‌المللی فارسی‌زبانان و تاجیکان و جشن سال‌گرد استقلال تاجیکستان به شهرهای دوشنبه، کولاب، خجند و اوراتپه تاجیکستان (۱۰، ص ۱۴؛ ۱۱، ص ۱۹) و در سال ۱۳۷۴/ ۱۹۹۵ به هندوستان داشت. او پس از سقوط کابل به دست طالبان در سال ۱۳۷۵/ ۱۹۹۶ به صفت نماینده دولت برای گفت‌وگو با ژنرال دوستم به بلخ آمد که در نتیجه اتحاد شمال به وجود آمد و پای تخت از کابل به مزار شریف منتقل شد. در این وقت مولوی محمدعثمان سالک‌زاده از سوی جنبش ملی - اسلامی به حیث والی بلخ ایفای وظیفه می‌کرد و در پی روی‌داد ۶ خرداد سال ۱۳۷۶/ ۲۷ مه ۱۹۹۷ که در اثر قیام مجاهدان به تصرف بار نخست طالبان در مزار شریف پایان داده شد، مولوی محمدعلم برای بار دوم در بهمن ۱۳۷۶/ فوریه ۱۹۹۸ به حیث والی بلخ گماشته شد و تا سقوط دوباره ولایت بلخ به دست طالبان و برپایی نظام طالبان در بلخ در ۱۷ مرداد ۱۳۷۷/ ۸ اوت ۱۹۹۸ در همین سمت باقی ماند. با عقب‌نشینی نیروهای دولت اسلامی، مولوی محمدعلم به زادگاه خود، روستای شادیان، رفت و سرانجام در آن‌جا در ۲۰ آذر ۱۳۷۷/ ۱۱ دسامبر ۱۹۹۸ به عمر ۵۸ سالگی توسط طالبان به شهادت رسید.^۱ (۲۴۵) در دوره نخست ولایت او در سال ۱۳۷۱/ ۱۹۹۲ مجله «جنبش» و جریده‌های «فلاح» و «ارمغان»، «پیام جهاد»، «بیان»، از سال ۱۳۷۲/ ۱۹۹۳ «حرم»، «شوخی»، «خواهر، برادر، سلام!»، «اندیشه»، «توغری یول»، «تبلیغ اسلام»، «قبت‌الاسلام»، «وحدت» و «آینده» (۱۴، صص ۹۸ - ۱۰۷) در شهر مزار

^۱ - با جناب مولوی محمدعلم آشنایی و دوستی داشتم. وی انسانی بسیار خوش‌برخورد و مهربان بود و با فرهنگیان روابطی خوب داشت. در دور نخست وظیفه‌اش به عنوان والی بلخ از ۱۶ تا ۲۲ شهریور ۱۳۷۲/ در سفری رسمی به تاجیکستان برای اشتراک در دومین کنگره انجمن پیوند تاجیکان باهم سفر بودیم و یک‌جا با هم از شهرهای دوشنبه، کولاب، خجند و اوراتپه دیدن کردیم.

شریف به نشرات پرداختند و در مهر ۱۳۷۲ / اکتوبر ۱۹۹۳ به همکاری مالی او عرس مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در مسجد جامع خواجه ابونصر پارسا در مرکز شهرستان بلخ برگزار شد و در دور دوم ولایت او از اسفند ۱۳۷۶ / فوریه - مارس ۱۹۹۸ ماهنامه «ام‌البلاد»، نشریه شورای فرهنگی جمعیت اسلامی، در شهر مزار شریف به نشرات آغاز کرد.

مولوی محمد عثمان سالک‌زاده

مولوی محمد عثمان سالک‌زاده در دوره حاکمیت دولت اسلامی در زمان ریاست استاد برهان‌الدین ربانی از سوی ارتشبد / سترژنرال عبدالرشید دوستم، رهبر جنبش ملی - اسلامی افغانستان از دی ۱۳۷۲ تا بهمن ۱۳۷۶ / ژانویه ۱۹۹۴ تا فوریه ۱۹۹۸ والی بلخ بود.

مولوی محمد عثمان سالک‌زاده فرزند مولوی عبدالحی سالک فرزند محمد مراد بای در سال ۱۳۲۸ / ۱۹۴۹ در شهرستان چهارکنت ولایت بلخ زاده شد. (۲۶، ص ۴۳۵) آموزش‌های نخستین دینی را در مدارس خصوصی ولایت بلخ تا سال ۱۳۴۴ / ۱۹۶۵ و آموزش‌های عالی دینی را از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ / ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۹ سپری کرد و از سال ۱۳۴۹ / ۱۹۷۰ به تدریس در مدارس خصوصی ولایت بلخ به‌ویژه در مدرسه محمودیه پرداخت. در سال ۱۳۵۷ / ۱۹۷۸ به جهاد مسلحانه در برابر نظام جمهوری دموکراتیک افغانستان آغاز کرد و به حیث فرمان‌ده کل جبهات حرکت انقلاب اسلامی افغانستان در ولایت‌های شمالی کشور به رهبری مولانا محمد نبی محمدی، ایفای وظیفه کرد. نیروهای زیر فرمان‌دهی او در دوره جهاد در ۱۷ آذر ۱۳۶۱ / ۸ دسامبر



۱۹۸۲ در یک عملیات ویژه ۱۶ تن از کارشناسان اتحاد شوروی را در شهر مزار شریف دستگیر کردند. نیروهای شوروی برای رهایی این اسیران تهاجم گسترده‌ای را از زمین و هوا به سنگرهای مجاهدان در کوه‌های جنوب شهر مزار شریف انجام دادند که در اثر آن شماری از افراد ربوده‌شده کشته شدند و متباقی رهایی یافتند.

پس از پیروزی مجاهدان و پی‌ریزی دولت اسلامی در کشور، در سال ۱۳۷۱/۱۹۹۲ در زمان حکومت پروفیسور حضرت صبغت‌الله مجددی در یک گردهمایی بزرگ در رأس شورای علمای جهادی افغانستان برگزیده شد. مولوی محمدعثمان سالک‌زاده پس از درگیری‌یی که میان نیروهای جنبش ملی - اسلامی به رهبری ژنرال عبدالرشید دوستم و نیروهای جمعیت اسلامی به رهبری استاد عطا محمد نور در ۱۱ دی ۱۳۷۲/ ۱ ژانویه ۱۹۹۴ به وقوع پیوست، از دی ۱۳۷۲ تا بهمن ۱۳۷۶/ ژانویه ۱۹۹۴ تا فوریه ۱۹۹۸ برای مدت چهار سال به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد. (۲۴۴)

مولوی سالک‌زاده در سال ۱۳۸۳/ ۲۰۰۴ حزب سعادت ملی افغانستان را تأسیس کرد و به عنوان رئیس آن حزب به فعالیت پرداخت، سپس نام آن حزب را به حزب حرکت انقلاب اسلامی مردم افغانستان تعدیل کرد و خود در سمت معاونیت آن حزب قرار گرفت، بعداً از سمت معاونیت خویش در آن حزب کناره‌گیری کرد و در ۲۶ فروردین ۱۳۹۶/ ۱۵ آوریل ۲۰۱۷ حزب حرکت انقلاب اسلامی سعادت افغانستان را بنیاد گذاشت و به سمت رئیس آن حزب برگزیده شد. (۲۴۴) او در ۲۳ مرداد ۱۳۸۷/ ۱۳ اوت ۲۰۰۸ بر بنیاد حکم حامد کرزی، رئیس جمهور کشور، به حیث مشاور رئیس جمهور در امور مدارس دینی گماشته شد و نیز از سوی رئیس جمهور در ۱۵ مهر ۱۳۸۷/ ۱۶ اکتبر ۲۰۰۸ به حیث عضو شورای عالی صلح کشور برگزیده شد و به اساس فیصله رهبری آن شورا به حیث رئیس کمیته حلّ معضلات و سپس به حیث عضو کمیسیون دهنشین‌ها و کوچی‌ها در آن شورا به کار پرداخت. وی تا کنون مشاور رئیس جمهور در امور مدارس دینی، عضو شورای عالی صلح و رئیس حزب انقلاب اسلامی سعادت افغانستان است. (۲۴۴)

در زمانی که او والی بلخ بود، در سال ۱۳۷۳/ ۱۹۹۴ برای نخستین بار چاپ‌خانه‌های خصوصی در بلخ، اجازه فعالیت یافتند (۱۴، ص ۸۷) و به دنبال آن در همان سال نشریه‌های «راه»، «دانش و جامعه»، «یاغدو»، از سال ۱۳۷۴/ ۱۹۹۵ «پاس‌داران میهن»، «گوهر»، از سال ۱۳۷۵/ ۱۹۹۶ «صراط‌المستقیم» و «چشمه» و از سال ۱۳۷۶/ ۱۹۹۷ «صدای اطفال»، «میثاق ایثار»، «پیام جهاد»، «سلام»، «پیام بلخ»، «دانش‌جو»، «جوانان نهضت» و «نور» در شهر مزار شریف به نشرات پرداختند. (۱۴، صص ۱۰۸ - ۱۱۶) مهم‌ترین کارهای دوره او مرمت اساسی ساختمان آرام‌گاه حضرت علی «ک» و چهارباغ آن و اعمار تشناب‌ها و وضوخانه‌ها در چهارباغ روضه مبارک در سال ۱۳۷۴/ ۱۹۹۵، ساختن ساختمان نو دبیرستان استقلال کنونی و لوله‌کشی گاز از شیرخان به خانه‌های شهریان مزار شریف می‌باشند. به همین گونه در زمانی که او والی بلخ بود در

خرداد ۱۳۷۵ / ژوئن ۱۹۹۶ شرکت هواپیمایی بلخ رسماً به فعالیت آغاز کرد و شامل پروازهای بین‌المللی شد (۱۲۶، ص ۱) و در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۷۶ / ۳۰ آوریل ۱۹۹۷ ساختمان نو کتابخانهٔ عامهٔ مولانا خسته در محوطهٔ ادارهٔ اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ دربرگیرندهٔ یک تالار مطالعه، اتاق بایگانی و دفترهای اداری که به کمک مالی ادارهٔ کمیساری عالی سازمان ملل در شهر مزار شریف و توسط شرکت بازسازی ذبیح‌الله با پهنای ۲۹۰ مترمربع ساخته شده بود با برش نوار توسط خود والی بلخ گشایش یافت. (۵۲، ص ۶)

رهبران صفحات شمال

ارتشبد عبدالرشید دوستم

ارتشبد عبدالرشید دوستم از ۳۰ اسفند ۱۳۷۰ / ۲۰ مارس ۱۹۹۲ تا ۱ خرداد ۱۳۷۶ / ۲۲ مه ۱۹۹۷ و سپس از ۱ آذر ۱۳۷۶ / ۲۲ نوامبر ۱۹۹۷ تا ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ / ۸ اوت ۱۹۹۸ رهبری ولایت‌های شمالی کشور را به عنوان رئیس شورای عالی نظامی صفحات شمال، رهبر جنبش ملی - اسلامی افغانستان و فرمان‌ده کل نظامی صفحات شمال با مرکزیت بلخ در دست داشت. ارتشبد/ سترژنرال عبدالرشید دوستم فرزند محمد رحیم بای در سال ۱۳۳۴ / ۱۹۵۵ در روستای



خواجه‌دوکوه در نزدیکی شیرغان در یک خانوادهٔ کشاورزپیشه از قوم اوزبیک زاده شد. دورهٔ دانش‌آموزی را تا صنف ششم در زادگاهش پی گرفت و به دلیل مشکل اقتصادی ناتمام گذاشت و در جوانی به کار کشاورزی سرگرم شد. سپس به خدمت زیر پرچم رفت و به حیث سرباز کومان‌دو ایفای وظیفه کرد. پس از سپری کردن دورهٔ خدمت سربازی به حیث کارگر در ادارهٔ تفحص نفت و گاز شیرغان مقرر شد و پس از یک دورهٔ آموزش به عنوان برمه‌کار چاه‌های نفت و گاز در آن اداره به کار پرداخت. پس از مدتی، کار در ادارهٔ ملکی را کنار گذاشت و تصمیم به آن گرفت تا یک نظامی باشد و با همین

آرزومندی با شماری از هم‌زمانش ره‌سپار اتحاد شوروی شد و در یکی از نهادهای آموزشی آن کشور دانش آموخت و دوباره به میهن باز گشت. پس از بازگشت به میهن به خدمت ارتش افغانستان درآمد و دیری نگذشت که به حیث فرمان‌ده یک واحد پنجاه‌نفری گماشته شد. این واحد نظامی بعداً به قطعۀ چهارصدنفری ارتقا یافت و دوستم پسان‌تر به حیث فرمان‌ده گردان/کندک ۱۲۰۰ نفری برگزیده شد و در فرجام با هم‌یاری هم‌زمان خود در سال ۱۳۶۷/۱۹۸۸ لشکر/فرقه شماره ۵۳ جوزجان را بنیاد گذاشت و به حیث فرمان‌ده این لشکر منصوب شد. او به زودی تأمین امنیت ولایت‌های فاریاب، جوزجان و سرپل را به دوش گرفت. (۱۸۱، صص ۳ - ۵) پس از بیرون‌رفتن نیروهای شوروی در سال ۱۳۶۸/۱۹۸۹ از افغانستان، نیروهای او در کنار دولت در برابر نیروهای مجاهدان در گوشه و کنار کشور می‌رزمیدند، امّا در سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱ دوستم از دکتر نجیب‌رو گرداند و در هماهنگی با احمدشاه مسعود و فرمان‌دهان احزاب و سازمان‌های جهادی شمال اداره بلخ و ولایت‌های دیگر شمال را به دست گرفت و در ۳۰ اسفند ۱۳۷۰/۲۰ مارس ۱۹۹۲ به عنوان رئیس شورای عالی نظامی صفحات شمال برگزیده شد. در ۱۰ و ۱۱ خرداد ۱۳۷۱/۳۰ مه و ۱ ژوئن ۱۹۹۲ «جنبش ملی - اسلامی افغانستان» را در شهر مزار شریف بنیاد گذاشت. در ۱۹ فروردین ۱۳۷۱/۸ آوریل ۱۹۹۲ در جبل‌السراج با احمدشاه مسعود ائتلاف کرد و نیروهایش را برای کمک به دولت نوپای اسلامی و بیرون‌راندن نیروهای حزب اسلامی به کابل فرستاد. در دوره حکومت دوماهه حضرت صبغت‌الله مجددی به رتبه ارتشبدی/سترژنالی رسید و در دوره حکومت استاد ربّانی با حزب اسلامی و حزب وحدت اسلامی ائتلاف کرده «شورای هماهنگی» را پدید آورد و در ۱۱ دی ۱۳۷۳/۱ ژانویه ۱۹۹۴ در برابر حکومت استاد ربّانی کودتا کرد. این کودتا در کابل به فرجام نرسید، (۲۲، ص ۲۳۵) امّا در مزار شریف منتج به بیرون‌راندن نیروهای جمعیت اسلامی از آن شهر شد و به این‌گونه اداره ولایت‌های شمالی را به دست آورد. در زمان او بلخ و شمال از آرامش نسبی برخوردار بود و میزبان بی‌جاشده‌گان کابل و جاهای جنگ‌زده دیگر کشور شده بود. در زمان او اسکناس‌هایی که به نام «پول جنبشی» شهرت داشتند چاپ و نشر می‌شدند. (۲۲، ص ۲۳۶)

ارتشبد عبدالرشید دوستم پس از افتادن مزار شریف به دست طالبان در ۱۷ مرداد ۱۳۷۷/۸ اوت ۱۹۹۸ به ترکیه پناهنده شد و امّا پیش از فروپاشی طالبان برای نبرد با طالبان به میهن برگشت و در هم‌کاری با نیروهای دیگر جبهه مقاومت سرانجام با هم‌یاری نیروهای ائتلاف جهانی در براندازی حاکمیت امارت اسلامی طالبان نقشی برجسته ایفا کرد. (۱۸۱، ص ۵)

دوستم پس از روی کار آمدن حکومت موقت، به عنوان رئیس شورای عالی نظامی و نماینده حامد کرزی در شمال افغانستان به کار پرداخت و سپس به معاونت وزارت دفاع کشور ارتقا یافت. (۲۶، ص ۲۲۷) دوستم صدها هزار جنگ افزار سبک و سنگین را از مناطق شمالی کشور فراهم آورده به روند ملکی سازی دولت سپرد و هزاران نفر از طالبان را که به اسارت نیروهای جبهه مقاومت درآمده بودند رها کرد. (۱۸۱، ص ۵)

او یکی از نامزدان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۳/۲۰۰۴ بود (۲۶، ص ۲۲۷) و نیز در انتخابات سوم ریاست جمهوری کشور در کنار دکتر محمد اشرف غنی، نامزد ریاست جمهوری، به حیث معاون نخست او قرار گرفت و پس از پیروزی در انتخابات در حکومت وحدت ملی به عنوان معاون نخست رئیس جمهور به کار پرداخت. (۱۸۱، ص ۵)

ژنرال عبدالملک

ژنرال عبدالملک از ۱ خرداد تا ۱ آذر ۱۳۷۶/۲۲ مه تا ۲۲ نوامبر ۱۹۹۷ رهبر جنبش ملی - اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صفحات شمال با مرکزیت بلخ بود. (۲۲، ص ۲۵۶)

ژنرال عبدالملک فرزند شمس الدین در سال ۱۳۴۲/۱۹۶۳ در روستای فیض آباد ولایت فاریاب زاده شد. پدرش اوزبیک و مادرش پشتون است. ژنرال عبدالملک پس از دوره دانش آموزی آموزش های عالی را در رشته ادبیات به پایان برد. در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمان رهبری حفیظ الله امین توسط کارگزاران استخبارات به زندان افکنده شد و پس از رهایی از زندان در کنار برادرش، محمد رسول پهلوان، به سنگرهای جهاد شتافت و پدر، دو برادر و یک خواهرش را در سال های نبرد در برابر حاکمیت حزب دموکراتیک خلق و ارتش سرخ شوروی از دست داد. پس از بیرون رفتن نیروهای شوروی از افغانستان به صفت افسر ارتش کشور به کار پرداخت و پس از سقوط حاکمیت حزب وطن یک جا با ژنرال عبدالرشید دوستم و شخصیت های دیگر نظامی و جهادی شمال، جنبش ملی - اسلامی افغانستان را بنیاد گذاشت و مدت شش سال به حیث رئیس امور خارجة



شمال در بلخ و هم‌زمان مدتی به حیث والی سرپرست فاریاب ایفای وظیفه کرد. (۲۱۰) ژنرال عبدالملک به دنبال تنش‌هایی که پس از کشته‌شدن برادرش، محمد رسول پهلوان، میان او و ژنرال عبدالرشید دوستم پدید آمدند، در ۸ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۹ مه ۱۹۹۷ در نشست گسترده شورای عالی جنبش ملی - اسلامی افغانستان در دانش‌گاه بلخ به عنوان رهبر جنبش و رئیس شورای عالی صفحات شمال برگزیده شد. (۸۵، ص ۱) از ۳۰ تیر تا ۴ مرداد ۱۳۹۶ / ۲۱ تا ۲۶ ژوئیه ۱۹۹۷ یک‌جا با عبدالرحیم غفورزی، وزیر امور خارجه کشور، سفری رسمی به کشور ایران انجام داد و در این سفر با دکتر علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور ایران، سفیران کشورهای روسیه و هندوستان در تهران و حکمت‌یار، رهبر حزب اسلامی افغانستان، دیدار و گفت‌وگو کرد. (۱۰۲، ص ۶) به همین‌گونه سفر دیگر رسمی به ترکمنستان داشت. در زمان نخست‌وزیری عبدالرحیم غفورزی در مرداد ۱۳۷۶ / اوت ۱۹۹۷ به حیث وزیر امور خارجه کشور گماشته شد.

ژنرال عبدالملک پس از برپایی نظام مردم‌سالاری در افغانستان، حزبی را به نام حزب آزادی افغانستان پی‌ریزی کرد و تا کنون به صفت رهبر آن حزب به فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی سرگرم است. وی در سال ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰ دانش‌گاه خصوصی تاج را در شهر مزار شریف بنیاد گذاشت. در جریان کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ / ۲۰۱۴ که در پشتی‌بانی دکتر عبدالله عبدالله انجام می‌داد از یک سوء قصد هراس‌افگانه در مسیر شاه‌راه اندخوی - دولت‌آباد فاریاب جان به سلامت برد. (۲۱۰) در دوره حکومت وحدت ملی به صفت مشاور ارشد ریاست اجرائیه مقرر شد و در کارزار انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۸ / ۲۰۱۹ در پشتی‌بانی از نام‌زدی دکتر محمد اشرف غنی قرار گرفت. (۲۴۳)

ژنرال عبدالملک ازدواج کرده است و چهار پسر و سه دختر دارد و با هم‌سر و فرزندان در شهر مزار شریف به سر می‌برد. (۲۱۰)

والیان بلخ در دورهٔ امارت اسلامی طالبان

(۱۷ مرداد ۱۳۷۷ تا ۱۹ آبان ۱۳۸۰ / ۸ اوت ۱۹۹۸ تا ۱۰ نوامبر ۲۰۰۱)

طالبان حمله‌های نظامی خود را از پاییز ۱۳۷۳ / ۱۹۹۴ از مرزهای جنوبی کشور در کندهار آغاز کردند و پس از این که به ترتیب، کندهار، غزنه، زابل، وردک و لوگر را به تصرف درآوردند در ۱۴ فروردین ۱۳۷۴ / ۳ آوریل ۱۹۹۵ در کندهار ملا محمد عمر آخوند را به عنوان امیرالمؤمنین برگزیدند. (۷، صص ۶۲۰ - ۶۲۲)

آنان به ادامهٔ پیش‌روی خود، پس از تسخیر ولایت‌های ننگرهار، لغمان و کنرها حمله‌های خود را به شهر کابل تمرکز دادند که سرانجام در ۵ مهر ۱۳۷۵ / ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ به دنبال عقب‌نشینی ادارهٔ استاد برهان‌الدین ربّانی به شمال کشور، کابل و پس از آن ولایت‌های باختری کشور را تا هرات به تصرف درآوردند.

نخستین اقدام طالبان پس از درآمدن به کابل اعدام دکتر نجیب‌الله، واپسین رئیس جمهور دورهٔ حاکمیت حزب وطن، در چهارراه آریانا بود. (۱۷، ص ۱۹۹)

طالبان، دولت خود را امارت اسلامی نامیدند و در کابل شورای سرپرست امارت اسلامی را به رهبری ملا ربّانی آخوند پی‌ریزی کرده وزیران خویش را به عنوان سرپرست وزارتخانه‌ها گماشتند. اما پیش‌روی طالبان در پنج‌شیر و سالنگ در شمال کابل و همچنین در بلخ و ولایت‌های دیگر شمالی کشور با مقاومت شدید روبه‌رو شد. (۷، صص ۶۲۲ - ۶۲۳)

طالبان باری در ۳ خرداد ۱۳۷۶ / ۲۴ مه ۱۹۹۷ در هم‌دستی با ژنرال ملک، از فرمان‌دهان جنبش، توانستند از سوی هرات بلخ را پس از ولایت‌های غربی آن به تصرف خود درآورده ملا عبدالرزاق را به عنوان والی بلخ به کار بگمارند، اما به زودی در پی یک قیام گستردهٔ نیروهای

شمال مستقر در بلخ در ۶ خرداد ۱۳۷۶ / ۲۷ مه ۱۹۹۷ شهر مزار شریف و سایر جاهای به دست آورده را با دادن تلفاتی بی شمار از دست دادند. (۲۲، صص ۲۳۶ - ۲۳۹)

به همین گونه طالبان از خیال تصرف مزار شریف چشم نهپوشیدند و به حمله های پی هم خویش به ولایت بلخ و شهر مزار شریف ادامه دادند و در شهریور - مهر ۱۳۷۶ / سپتامبر - اکتبر ۱۹۹۷ برای مدتی شهر خلم را به دست آوردند و نیز شهر مزار شریف را آماج حمله های سنگین خود از هوا و زمین قرار دادند و شهر حیرتان، شهرستان های چمتال، بلخ، چهاربولک و دولت آباد، پادگان ده دادی و قلعه جنگی را تا حومه های کارخانه کود شیمیایی و برق حرارتی به دست آوردند و شهر مزار شریف را در محاصره افگندند که باز هم در اثر مقاومت نیروهای جبهه متحد شمال در مهر / اکتبر آن جاها را یکی پی دیگری از دست دادند و تا کنذ عقب نشینی کردند. (۲۲، ص ۲۵۲) تا این که برای دوم در مرداد ۱۳۷۷ / ژوئیه ۱۹۹۸ از هرات به سوی شمال به حمله های گسترده خود آغاز کردند و پس از گرفتن ولایت های غربی بلخ سرانجام در ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ / ۸ اوت ۱۹۹۸ شهر مزار شریف را به تصرف خود در آوردند. (۲۲، ص ۲۶۰)

در نخستین روز دستیابی طالبان بر بلخ، نه تن دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی در سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شهر مزار شریف کشته شدند. طالبان هم چنین در واکنش به شکست خونین جنگ جویان خویش در بلخ که در ۶ خرداد ۱۳۹۶ / ۲۷ مه ۱۹۹۷ اتفاق افتاده بود، در آغازین روزهای دستیابی خود به شهر مزار شریف، دست به کشتار گروهی هزاران تن از مردم هزاره که بیشترین برای نبرد از بامیان آمده بودند زدند.

در تابستان سال ۱۳۷۷ / ۱۹۹۸، هنگامی که تازه بلخ به دست طالبان افتاده بود، ایالات متحده آمریکا در مخالفت با اسامه بن لادن، رهبر گروه القاعده که در میان طالبان می زیست به اتهام بم گذاری در چند سفارت خانه آمریکا در جهان پناهگاه های احتمالی آن گروه را در درون مرزهای جنوبی افغانستان موشک باران کرد و به دنبال آن شورای امنیت سازمان ملل به خاطر دست برداشتن طالبان از پستی بانی اسامه، در ۲۳ آبان ۱۳۷۸ / ۱۴ نوامبر ۱۹۹۹ تحریرهای اقتصادی را در برابر افغانستان به تصویب رسانید. (۱۷، صص ۲۰۱ - ۲۰۲) طالبان در واکنش به موشک باران آمریکا به خاک افغانستان و نیز در مخالفت با سیاست جمهوری اسلامی ایران، در همان روزهای نخستین دستیابی خود به شهر مزار شریف، با راه اندازی راهپیمایی بزرگی در

جاده‌های غرب روضه مبارک حضرت علی «ک» و سردادن شعارهای مرگ بر آمریکا، اسرائیل و ایران، پرچم‌های آن کشورها را به آتش کشیدند.

جمع‌آوری جنگ‌افزارها از مردم، تأمین امنیت، استقرار نرخ و نوا، بستن درهای دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانش‌گاه‌ها به روی دختران، ممانعت بانوان از کار در بیرون خانه و مخالفت با مظاهر زنده‌گی معاصر و آزادی‌های مدنی از مهم‌ترین کارنامه‌های امارت اسلامی در بلخ بودند. یکی از نهادهای مهم طالبان، اداره امر به معروف و نهی از منکر بود که شریعت اسلامی را به قرائت آن گروه در میان مردم تطبیق می‌کرد. (۱۳ ص ۳۹۰)

در سه سال و سه ماه حاکمیت طالبان بر بلخ، نیروهای جمعیت اسلامی به فرمان‌دهی ژنرال عظامحمد نور، از مجاهدان تاجیک آن سرزمین، به پایداری در برابر آنان در جاهای کوهستانی ادامه دادند. ژنرال عظامحمد شهرستان دره صوف را به سنگر تسخیرناپذیر نیروهای خود در برابر طالبان مبدل کرده بود. طالبان در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۸/۱۷ مه ۱۹۹۹ پس از دو روز حمله‌های ناکام خود به این دره باز هم دست به حمله‌های گسترده‌یی زدند که با وجود تلفات زیاد هیچ‌گونه پیش‌رفتی نداشتند. طالبان در این نبردها ده‌ها کشته و زخمی و ۲۰ تن اسیر داشتند و نیز وسایل فراوان نظامی خود را در میدان‌های جنگ به جا گذاشتند. (۲۲، ص ۳۸۰)

طالبان برنامه حمله گسترده دیگری را در ۱۲ خرداد ۱۳۷۸/۲ ژوئن ۱۹۹۹ از سوی جنوب بلخ و غرب دره صوف به آماج گرفتن سنگرهای نیروهای مخالف به اجرا درآوردند که باز هم با کشته شدن ۲۰ تن و اسیر شدن ۱۳ تن از طالبان به شکست انجامید. در برآیند همین نبردها، در اثر ضد حمله نیروهای جبهه متحد، روستاهای «هشت‌لِیز»، «بند زاغ»، «بند میرکه» و بخشی از «چکانه» از دست طالبان بیرون شدند. (۲۲، ص ۳۸۰)

در ۲۵ خرداد ۱۳۷۸/۱۵ ژوئن ۱۹۹۹ نبرد دیگری به فرمان‌دهی ژنرال عظامحمد نور در برخی از مناطق بر موضع‌های طالبان صورت گرفت که در اثر آن فرمان‌ده طالبان همراه با چند تن از جنگ‌جویان شان کشته و شماری هم اسیر شدند و نیروهای جبهه متحد تا حومه‌های شهر سمنگان پیش آمدند. (۲۲، ص ۳۸۰)

پسان‌تر به فراخوان احمدشاه مسعود و به رهبری او، ژنرال عبدالرشید دوستم و فرمان‌دهان دیگر جهادی نیز از بیرون کشور آمده به جبهه پایداری در شمال پیوستند.

نیروهای زیر فرمان‌دهی ژنرال عظامحمد نور در ۳۰ مهر ۱۳۷۸/۲۲ اکتبر ۱۹۹۹ در استقامت شمال غرب ولایت سمنگان تا «پیروز نخچیر» را از طالبان گرفتند و در جریان این نبردها ۵۰ تن

از طالبان به نیروهای او تسلیم شدند. به دنبال آن در ۵ آبان ۱۳۷۸ / ۲۷ اکتبر ۱۹۹۹ نیروهای او تا شهرستان کَشَن ده ولایت بلخ را به دست آوردند و شهرستان شولگره ولایت بلخ صحنه نبرد میان هر دو طرف گردید. (۲۲، ص ۳۸۷)

به سلسله همین نبردها، پس از پیش‌روی‌های نیروهای جبهه متحد در فاریاب و سر پل، نیروهای ژنرال عطا محمد نور در ۲۳ آبان ۱۳۷۸ / ۱۴ نوامبر ۱۹۹۹ شهر ایبک، مرکز ولایت سمنگان، را به دست آورده و سپس برای پیش‌گیری از خون‌ریزی دوباره تخلیه کردند. (۲۲، ص ۳۹۵) در ۱۴ آذر ۱۳۷۸ / ۵ دسامبر ۱۹۹۹ نیروهای جبهه متحد در دره صوف عملیات شبانه را در برابر طالبان از جنوب بلخ آغاز کرده شهرستان کَشَن ده و مرکز آن را به دست آوردند و در جریان این نبردها هفت تن از فرمان‌دهان مشهور طالبان با ۴۰۰ تن از سربازان شان به نیروهای جبهه متحد پیوستند و یک تن از فرمان‌دهان طالبان به نام ملا عبدالرؤف با هشتاد تن از سربازانش به اسارت نیروهای جبهه متحد درآمدند. طالبان برای درهم شکستن مواضع نیروهای جبهه متحد در ۱۹ آذر ۱۳۷۸ / ۱۰ دسامبر ۱۹۹۹ به «گوردره» و «المترک» در ولایت سمنگان و در ۲۰ آذر / ۱۱ دسامبر به شهرستان لولاش ولایت سمنگان حمله کردند که با دادن تلفاتی سنگین ناگزیر به عقب‌نشینی شدند. (۲۲، ص ۳۹۸)

نیروهای ژنرال عطا محمد نور در برابر فشارهای روزافزون طالبان، به مقاومت در دره صوف هم‌چنان ادامه دادند و در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۹ / ۷ مه ۲۰۰۰ تهاجم طالبان را دفع کردند. طالبان در تلافی این شکست خویش در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۹ / ۱۱ مه ۲۰۰۰ نود تن از جوانان را به سمنگان برده در منطقه رباطک به قتل رساندند. (۲۲، ص ۴۲۹) و در ۵ تیر ۱۳۷۹ / ۲۵ ژوئن ۲۰۰۰ باز هم طالبان شب‌هنگام با حمایت آتش‌بارهای سنگین و بم‌باران هوایی بر مناطق شمالی دره صوف و جنوب ولایت بلخ حمله کردند که در اثر مقاومت نیروهای دولت اسلامی عقب نشستند. (۲۲، ص ۴۳۷)

شهادت قهرمان ملی کشور، احمدشاه مسعود، به دست چند هراس‌افکن عرب در ۱۸ شهریور ۱۳۸۰ / ۹ سپتامبر ۲۰۰۱ اگر چه برای جبهه پایداری ضایعه جبران‌ناپذیر و روی‌داد تکان‌دهنده‌ی بود، اما از ایستاده‌گی آنان نکاست. (۱۷، ص ۲۰۵) به دنبال این روی‌داده‌ها، حمله خودکشانۀ القاعده بر مرکز بازرگانی جهان و پنتاگون در آمریکا در ۲۵ شهریور ۱۳۸۰ / ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ خشم آمریکا بر طالبان را بیش‌تر برانگیخت. در ۱ مهر ۱۳۸۰ / ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۱ نیروهای ضد

طالبان در ولایت بلخ تا چهل کیلومتری شهر مزار شریف پیش‌روی کردند و در طی این نبردها شش تن از طالبان کشته و دویست تن اسیر شدند. (۲۲، ص ۵۶۳) در شب ۱۵ مهر ۱۳۸۰/۷ اکتبر ۲۰۰۱ حمله‌های هوایی نیروهای آمریکایی بر مواضع طالبان آغاز یافت. در همین احوال نیروهای جبههٔ متحد پیش‌روی خود را در اطراف شهر ایبک و شهرستان چهارکنت ولایت بلخ آغاز و آن مناطق را آزاد کردند. در این درگیری‌ها به طالبان تلفاتی سنگین وارد آمد. نیروهای ژنرال دوستم و ژنرال عطا محمد نور به پیش‌روی همراه با کوماندوهای آمریکایی به سوی شهر مزار شریف پرداختند. (۲۲، ص ۶۱۱) در ۲۳ مهر ۱۳۸۰/۱۵ اکتبر ۲۰۰۱ هواپیماهای آمریکایی فرودگاه مزار شریف و قلعهٔ جنگی را در ولایت بلخ آماج بمباران خود قرار دادند. (۲۲، ص ۶۱۸) در ۲۹ مهر/۲۱ اکتبر نیروهای جبههٔ متحد به پیش‌روی به سوی شهرستان کشن‌ده ادامه دادند و در ۱ آبان/۲۳ اکتبر شهرستان کشن‌ده را گرفتند (۲۲، صص ۶۲۰ - ۶۲۱) و سرانجام در ۱۹ آبان ۱۳۸۱/۱۰ نوامبر ۲۰۰۱ به حاکمیت طالبان در بلخ و سپس در ۲۴ آبان ۱۳۸۰/۱۵ نوامبر ۲۰۰۱ هم‌زمان با گشایش شهر کابل، به حاکمیت امارت اسلامی طالبان در سراسر کشور پایان داده شد. (۱۳، ص ۳۹۰) طالبان با شتاب شهر مزار شریف را ترک گفتند و شماری از آنان که پاکستانی بودند در اردوگاه خود در دبیرستان سلطان رضیه گیر ماندند و به اسارت درآمدند و آنانی که مقاومت کردند توسط بمباران نیروهای آمریکایی از بین برده شدند. (۲۲، ص ۶۳۳) به همین گونه، شش صد تن از طالبانی که بیش‌ترین چچنی، عرب و پاکستانی بودند و از کندز دست‌گیر و به قلعهٔ جنگی واقع در شهرستان ده‌دادی ولایت بلخ منتقل شده بودند در پی یک درگیری و دست‌یافتن به انبار جنگ‌افزار در ۴ آذر ۱۳۸۰/۲۵ نوامبر ۲۰۰۱ دست به شورش زدند که در نتیجه با حملهٔ هوایی نیروهای آمریکایی از بین برده شدند. (۲۲، ص ۶۳۳) در این شورش ژنرال سید اسدالله مسرور و ژنرال نادرعلی از فرمان‌دهان جبههٔ متحد که در حال دیدار از زندانیان بودند به شهادت رسیدند و مایک سپن، یک تن از ماموران سازمان اطلاعاتی آمریکا، جان باخت.

در دورهٔ حاکمیت امارت اسلامی طالبان در مجموع شش تن از آنان به عنوان رئیس تنظیمیهٔ شمال و والی بلخ ایفای وظیفه کردند. مولوی عبدالرزاق پس از سقوط بار نخست بلخ به دست طالبان از ۳ تا ۶ خرداد ۱۳۷۶/۲۴ تا ۲۷ مه ۱۹۹۷ و در زمان حاکمیت سه سال و سه ماههٔ طالبان در بلخ و شمال از ۱۷ مرداد ۱۳۷۷ تا ۱۹ آبان ۱۳۸۱/۷ اوت ۱۹۹۸ تا نوامبر ۲۰۰۱ به ترتیب، پنج نفر دیگر: ملا عبدالمنان نیازی، مولوی اختر محمد عثمانی (بار یکم)، مولوی خیرالله

خیرخواه، مولوی اختر محمد عثمانی (بار دوم)، مولوی احمد الله مطبع و مولوی نور الله نوری رئیس تنظیمیه شمال و والی بلخ بودند.

ملا عبدالرزاق

ملا عبدالرزاق در زمان افتادن بار نخست ولایت بلخ به دست طالبان از ۳ تا ۶ خرداد ۱۳۷۶ / ۲۴ تا ۲۷ مه ۱۹۹۷ برای چهار روز والی بلخ بود.

مولوی / ملا / آخوند لالا عبدالرزاق در کندهار زاده شد و از قوم هوتک است. او در مدرسه کویته پاکستان درس خواند. در دوره امارت اسلامی طالبان وزیر امور داخله کشور و فرمانده امنیه کابل بود. نامش در فهرست سپاه سازمان ملل جا دارد. (۲۶، ص ۲۴۴) به گفته وحید مژده، ملا عبدالرزاق اصلاً از چمن پاکستان است که در زمان طالبان وزیر امور داخله کشور بود و همان کسی بود که تاکستان‌های شمالی را برید و آتش زد. (۲۲۴)



او پس از افتادن کابل به دست طالبان در ۵ مهر ۱۳۷۵ / ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶، عضو شورای شش نفری تعیین شد که از سوی ملا محمد عمر، رهبر طالبان، برای اداره امور به گونه موقت به وجود آمد و این شورا به گونه مستقیم زیر نظر رهبر طالبان کار می کرد. پنج نفر دیگر این شورا، ملا محمد ربانی، ملا محمد حسن، ملا محمد غوث، ملا محمد فاضل و مولوی سید غیاث الدین بودند. ملا عبدالرزاق هم زمان با افتادن کابل به دست طالبان سرپرست وزارت دفاع کشور نیز تعیین شد و نیروهای طالبان را در جنگ‌های شهر کابل و سوروبی و ولایت‌های شمالی کشور فرمان دهی می کرد و در این جنگ‌ها زخم برداشت و برای درمان به یکی از بیمارستان‌های نظامی پاکستان منتقل گردید. (۸۶، صص ۱۴ - ۱۵)

ملا عبدالرزاق در خرداد ۱۳۷۶ / مه ۱۹۹۷ هنگامی که فرمانده کل نیروهای طالبان در حوزه جنوب غرب بود با ژنرال عبدالملک وارد گفت و گو شد و از طریق هرات در هم دستی با نیروهای ژنرال ملک به شهر مزار شریف رسید و از ۳ تا ۶ خرداد ۱۳۷۶ / ۲۴ تا ۲۷ مه ۱۹۹۷ برای مدت

چهار روز به عنوان رئیس تنظیمی شمال و والی بلخ شناخته شد و اما به زودی در قیام بلخ در ۶ خرداد همان سال / ۲۷ مه ۱۹۹۷ به اسارت نیروهای ژنرال عبدالملک درآمد. (۲۱۲)

او در تغییراتی که در طالبان در ۵ آبان ۱۳۷۸ / ۲۷ اکتبر ۱۹۹۹ در کابینه خود آوردند، به عنوان وزیر امور داخله کشور گماشته شد. (۲۲، ص ۳۹۴)

او هنوز هم در هم‌سویی با طالبان به فعالیت‌های سیاسی و نظامی سرگرم است و در دسته حافظ مجید، عضو شورای کویت، قرار دارد که در ترکیب آن ملا بازمحمد، والی طالبان در فراه، هم شامل است. (۲۳۴)

ملا عبدالمنان نیازی

ملا عبدالمنان نیازی در دوره حاکمیت امارت اسلامی طالبان، از ۱۷ مرداد تا ۱۴ آذر ۱۳۷۷ / ۷ ژوئن تا ۵ دسامبر ۱۹۹۸ والی بلخ بود.

ملا عبدالمنان نیازی در شهرستان پشتون زرغون ولایت هرات زاده شد و در مدرسه‌های دینی هرات درس خواند. در دوره جهاد با مجاهدان پیوست و در دوره امارت اسلامی طالبان به ترتیب والی بلخ، هرات و کابل شد. (۲۶، ص ۲۶۳) او از ۱۷ مرداد تا ۱۴ آذر ۱۳۷۷ / ۷ ژوئن تا ۵ دسامبر ۱۹۹۸ والی بلخ بود و در ۱۴ آذر ۱۳۷۷ / ۵ دسامبر ۱۹۹۸ از سوی ملا عمر، رهبر طالبان، ممنوع‌الکلام و از کارش برکنار شد. به گفته رسانه‌های جهانی، او در یکی از مساجد مزار شریف در مورد کشتار گروهی هزاره‌ها در حضور هزاران نفر از مردم شهر مزار شریف گفته بود که برای شیعیان در افغانستان جایی وجود ندارد، یا باید به مذهب تسنن بپیوندند و یا کشته خواهند شد. از همین‌رو، رهبر طالبان او را از مقامش برکنار و از مصاحبه کردن و سخن‌رانی ممنوع ساخت. (۲۲، ص ۴۰۶)



ملا عبدالمنان نیازی اکنون عضو شورای کویت است. پس از روشن‌شدن مرگ ملا محمدعمر، رهبر طالبان، و اعلان جانشینی ملا اخترمحمد منصور و بروز اختلاف در موضوع رهبری میان طالبان، او به عضویت گروه زیر رهبری ملا محمدرسول درآمد. ملا محمدرسول پیش از مرگ ملا محمدعمر در سال ۱۳۹۲ یا ۱۳۹۴ / ۲۰۱۳ یا ۲۰۱۵، با ملا محمدعمر پیوندی نزدیک ۱۳۹ ————— ○○○

داشت، اما در آن سال از گروه اصلی طالبان جدا شد و سازمان خودش را به نام «شورای عالی امارت اسلامی افغانستان» پی‌ریزی کرد. پیروان ملا محمد رسول هم رهبری ملا اختر محمد منصور را که در سال ۱۳۹۵/۲۰۱۶ در پاکستان کشته شد و هم رهبری ملا هیبت‌الله را نپذیرفتند. ملا عبدالمنان نیازی به رهبری ملا رسول از سال ۱۳۹۴/۲۰۱۵ تا اکنون در ولایت‌های هرات، هلمند، زابل، فراه، غور و بادغیس با آن دو گروه در نبرد است. ملا نیازی در سال ۱۳۹۶/۲۰۱۷ در ولایت هلمند آماج یک دسیسهٔ بم‌گذاری قرار گرفت که به گفتهٔ خودش از سوی ملا هیبت‌الله، رهبر طالبان، برای نابودی او سازمان‌دهی شده بود. (۲۱۳) او به حیث معاون سیاسی ملا محمد رسول کار می‌کند. (۲۱۹)

مولوی اختر محمد عثمانی

مولوی اختر محمد عثمانی در دورهٔ حاکمیت امارت اسلامی طالبان، دو بار: بار یکم از آذر ۱۳۷۷ تا اوایل سال ۱۳۷۸/ دسامبر ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ و با ردوم از اواخر مهر تا آذر ۱۳۷۸/ اکتبر تا دسامبر ۱۹۹۹ رئیس تنظیمی شمال و والی بلخ بود.

مولوی اختر محمد عثمانی پسر مولوی نور محمد پسر مولوی عبدالله در سال ۱۳۴۴/۱۹۶۵ در روستای جوشالی شهرستان سنگین ولایت هیرمند زاده شد. آموزش‌های نخستین را در نزد پدرش و در مسجد روستایش و سپس در مدرسهٔ مشهور مرکزی سنگین سپری کرد و سپس به سنگرهای جهاد شتافت و هم‌زمان چندین سال به ادامهٔ آموزش و مسؤولیت آن مدرسه نیز سرگرم بود. پس از بیرون‌رفتن نیروهای شوروی از افغانستان برای ادامهٔ فراگیری دانش به پاکستان رفت و در سال ۱۳۷۳/۱۹۹۴ از مدرسهٔ مشهور دارالعلوم حقانیّه در ایالت مرزی پشتونخوا گواهی‌نامهٔ فراغت را به دست آورد. پس از دانش‌آموخته‌گی



او، در کندهار تحریک اسلامی طالبان پی‌ریزی شده بود و هنگامی که به خانهٔ خود در شهرستان سنگین ولایت هیرمند باز می‌گشت تازه نیروهای تحریک نوپای طالبان مناطق مرزی سپین‌بولدک و ویش کندهار را به تصرف خود درآورده بودند و او از همان جا با طالبان پیوست.

مولوی عثمانی در آغاز معاون فرمان‌دهی پلیس و سپس فرمان‌ده پلیس کندهار شد. به دنبال آن برای مدت چهار سال فرمان‌ده کل لشکر شماره دوم کندهار بود. به همین گونه در جنگ در برابر نیروهای استاد برهان‌الدین ربّانی در چهارآسیاب کابل و در برابر اسماعیل‌خان برای دفاع از هیرمند و تصرف نیم‌روز، فراه و هرات نقش داشت. افزون بر آن در چندین نقطه شمال نیز وظیفه اجرا کرده است. عثمانی در سال ۱۳۷۸ / ۱۹۹۹ دو بار: بار یکم از آذر ۱۳۷۷ تا اوایل سال ۱۳۷۸ / دسامبر ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ و بار دوم از اواخر مهر تا آذر ۱۳۷۸ / اکتبر تا دسامبر ۱۹۹۹ رئیس تنظیمی زون شمال و والی بلخ بود و هم مسؤولیت جبهات دره صوف و سانچارک را داشت. او پس از این که شهر مزار شریف به تصرف طالبان درآمد در هنگامی که رزمایش «ذوالفقار» ایران در مناطق هم‌مرز با افغانستان اجرا می‌شد و امارت اسلامی در واکنش به آن نیروهای زیادی را که با پدافند هوایی و جنگ‌افزارهای سنگین مجهز بودند به آن مناطق فرستاد، رهبری آن نیروهای احتیاطی را نیز به دوش داشت.

عثمانی دو سال پیش از حمله نیروهای آمریکایی در رأس هیأتی ویژه از سوی رهبر طالبان به ولایت‌های شمالی کشور رفت و در مدت یک ماه تقریباً از همه آن ولایت‌ها دیدن و با تمام مردم و بزرگان قومی از نزدیک دید و وادید کرد.

پس از حمله آمریکا عضویت شورای عالی چندنفری بی را که از سوی رهبر طالبان برای سامان‌دهی جنگ با نیروهای آمریکایی ساخته شد به دست آورد و هم‌زمان فرمان‌دهی کل جنگ‌جویان را در ولایت هیرمند به دوش داشت و سپس رئیس کمیسیون اقتصادی امارت اسلامی شد و سرانجام در ۲۷ آذر ۱۳۸۵ / ۱۸ دسامبر ۲۰۰۶ در منطقه گولیکل شهرستان برامچه ولایت هیرمند آماج بم‌افکن‌های نیروهای آمریکایی قرار گرفت و جان باخت. از عثمانی سه پسر و دو دختر به جا مانده اند. (۲۰۱)

مولوی خیرالله خیرخواه

مولوی خیرالله خیرخواه در دوره حاکمیت امارت اسلامی طالبان، از فروردین تا ۲۰ شهریور ۱۳۷۸ / آوریل تا ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۹ رئیس تنظیمی زون شمال و والی بلخ بود.

ملا خیرالله خیرخواه، در سال ۱۳۴۶ / ۱۹۶۷ در کندهار زاده شد. او از قبیله پوپل‌زی ولایت کندهار است و در زمان حاکمیت طالبان در سمت‌های وزیر امور داخله، والی هرات و فرمان‌ده نظامی طالبان و نیز از فروردین تا ۲۰ شهریور ۱۳۷۸ / آوریل تا ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۹ در حالی که

وزیر امور خارجه کشور بود به حیث رئیس تنظیمی ولایت‌های شمالی کشور و والی بلخ کار کرده است. او با ملا محمد عمر، رهبر گروه طالبان، و اسامه بن لادن، رهبر گروه القاعده، ارتباط مستقیم داشته است و به خاطر دست داشتن در جنگ‌های مناطق شمالی افغانستان در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰/۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ نامش در فهرست سیاه سازمان ملل ثبت شده بود.

در اسناد «ویکی لیکس» از او به عنوان یکی از دوستان شخصی حامد کرزی، رئیس جمهور وقت افغانستان، نام برده شده است. خیرخواه در تلاش پیوستن به دولت بود که در ۲۷ بهمن ۱۳۸۰/۱۶ فوریه ۲۰۰۲ در مرز میان افغانستان و پاکستان از سوی ماموران پاکستانی دستگیر و به آمریکایی‌ها تحویل داده شد و در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۱/۲ مه ۲۰۰۲ به زندان گوانتانامو منتقل شد.



در اسناد وزارت دفاع آمریکا که از سوی ویکی لیکس منتشر شده، از او به عنوان فردی دارای اطلاعات گسترده درباره ساختار درونی گروه طالبان و روابط رهبران این گروه نام برده شده و فرد خطرناکی برای منافع آمریکا دانسته شده است. ملا خیرالله خیرخواه همراه با چهار نفر دیگر در خرداد ۱۳۹۳/ژوئن ۲۰۱۴ در بدل رهایی یک آمریکایی پس از ۱۲ سال از زندان رهایی یافت. (۲۰۰؛ ۲۰۸)

ملا خیرالله خیرخواه، اکنون عضویت هیأت طالبان را در نشست صلح دوحه با ایالات متحده آمریکا دارد (۲۳۰) و نیز با همین هیأت برای گفت‌وگوی صلح سفری در ۷ خرداد ۱۳۹۸/۲۸ مه ۲۰۱۹ در مسکو داشته است. (۲۳۲)

در زمانی که ملا خیرالله خیرخواه رئیس تنظیمی زون شمال و والی بلخ بود بازار نو روستای چهارمغزسای شهرستان مارمل ولایت بلخ با گنجایش یک صد دکان، (۶۲، ص ۱) و نیز مسجد جامعی در شهرستان مارمل سنگ‌مانی شدند، (۱۰۸، ص ۱) به همین گونه مسجد تاریخی خواجه ابونصر پارسا در شهرستان بلخ مرمت شد (۱۴۳، ص ۱) و درمان‌گاه حمایه کودک و مادر در روستای شیرآباد شهرستان ده‌دادی ولایت بلخ گشایش یافت، (۱۷۱، ص ۱)

مولوی احمدالله مطیع

مولوی احمدالله مطیع در دورهٔ حاکمیت امارت اسلامی طالبان از ۲۰ شهریور تا ۵ آبان ۱۳۷۸ / ۱۱ سپتامبر تا ۲۷ اکتبر ۱۹۹۹ رئیس تنظیمی زون شمال و والی بلخ بود.

مولوی احمدالله مطیع در شهرستان میوند ولایت کندهار زاده شد و از قبیلهٔ هوتک است. آموزش‌های دینی را در مدرسه‌های کندهار فرا گرفت و در زمان امارت اسلامی طالبان وزیر کار و امور اجتماعی و سپس وزیر مخابرات کشور بود. (۲۶، ص ۳۷۹)

مولوی احمدالله مطیع هم‌زمان با پیش‌برد سمت وزارت مخابرات، از ۲۰ شهریور تا ۵ آبان ۱۳۷۸ / ۱۱ سپتامبر تا ۲۷ اکتبر ۱۹۹۹ رئیس تنظیمی زون شمال و والی بلخ نیز بود.

او که به ملا نانی شهرت دارد، در زمان پساطالبان هم یکی از اعضای شورای رهبری طالبان باقی ماند و از سوی ملا هیبت‌الله، رهبر آن گروه، به عنوان مسؤول دادگستری و سپس مسؤول کمیسیون جلب و جذب آن گروه گماشته شده بود و در مهر ۱۳۹۵ / سپتامبر ۲۰۱۶ یک‌جا با چهار تن دیگر از اعضای شورای رهبری طالبان از سوی سازمان اطلاعات ارتش پاکستان / آی اس آی در منطقهٔ «ستلایت تاون» شهر کوئته بازداشت و پس از سپری کردن یک سال در زندان شهر کراچی پاکستان رها شد. (۱۹۳؛ ۲۰۵) مولوی احمدالله مطیع اکنون هم یکی از فعالان گستره‌های سیاسی و نظامی طالبان است.

در زمانی که او در بلخ والی بود، دبیرستان عالی ستاره در شهر مزار شریف سنگ‌مانی شد (۱۰۷، ص ۱) و یک مسجد در روستای بوله‌کوی شهرستان چمتال ساخته شد.

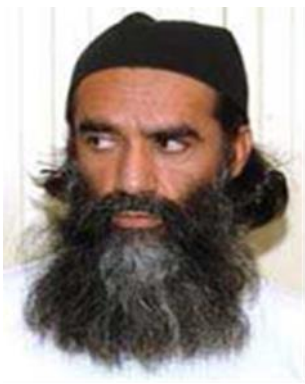
ملا نورالله نوری

ملا نورالله نوری از ۵ آبان ۱۳۷۸ / ۲۷ اکتبر ۱۹۹۹ تا سقوط طالبان در ۱۹ آبان ۱۳۸۰ / ۱۰ نوامبر ۲۰۰۱ رئیس تنظیمی شمال و والی بلخ بود.

ملا نورالله نوری در سال ۱۳۴۶ / ۱۹۶۷ در شهرستان شاه‌جوی ولایت زابل زاده شد و باشندهٔ اصلی آن ولایت است. (۲۰۸) در دورهٔ حاکمیت طالبان به حیث والی لغمان و نیز والی بغلان کار کرده است. (۲۰۰؛ ۲۰۸) در ۵ آبان ۱۳۷۸ / ۲۷ اکتبر ۱۹۹۹، به اساس فرمانی که از سوی ملا محمدعمر، رهبر طالبان، از طریق رادیوی صدای شریعت پخش شد، تغییراتی در کابینه، مسؤولان امور ولایت‌ها و فرمان‌دهان نظامی به وجود آمدند و در همین ردیف، ملا نورالله نوری به حیث

۱۴۳ ————— ○○○

والی بلخ معرفی گردید. (۲۲، ص ۳۹۴) او تا ۱۹ آبان ۱۳۸۰ / ۱۰ نوامبر ۲۰۰۱ که بساط طالبان در بلخ درنوردیده شد، به عنوان رئیس تنظیمیهٔ زون شمال و والی بلخ ایفای وظیفه کرد.



براساس اسناد منتشرشده در صفحهٔ اینترنتی ویکی لیکس، ملا نورالله نوری از کسانی است که با ملا محمدعمر و رهبران ارشد دیگر طالبان روابط نزدیکی داشته است. نام ملا نوری به اتهام دست داشتن در کشتار گروهی هزاره‌ها در شهر مزار شریف در سال ۱۳۷۷ / ۱۹۹۸، در فهرست سیاه سازمان ملل ثبت گردیده است.

او در آبان ۱۳۸۰ / نوامبر ۲۰۰۱ همراه با ملا فاضل مظلوم به ژنرال عبدالرشید دوستم تسلیم شد و آقای دوستم آنان را به آمریکایی‌ها تحویل داد. ملا نورالله نوری در ۲۱

دی ۱۳۸۰ / ۱۱ ژانویهٔ ۲۰۰۲ به زندان گوانتانامو فرستاده شد و در خرداد ۱۳۹۳ / ژوئن ۲۰۱۴ با چهار نفر دیگر در بدل رهایی یک آمریکایی پس از ۱۲ سال از زندان رهایی یافت. (۲۰۰: ۲۰۸)

والیان بلخ در دورهٔ حاکمیت نظام مردم‌سالاری

(از ۱۹ آبان ۱۳۸۰ / ۱۰ نوامبر ۲۰۰۱ تا اکنون)

پس از این که حمله‌های هوایی و موشکی آمریکا و انگلستان در شام‌گاه ۱۶ مهر ۱۳۸۰ / ۸ اکتبر ۲۰۰۱ بر ستادهای فرمان‌دهی طالبان در کابل، بلخ، کندهار، هرات و ننگرهار زیر نام «عملیات آزادی پایدار» بر پایهٔ قطع‌نامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ / ۱۹۸۹ و ۱۹۹۴ شورای امنیت آغاز شد، (۱۷، ص ۲۰۶) نیروهای جبههٔ متحد شمال افغانستان در همکاری با نیروهای ائتلاف جهانی در ۱۹ آبان ۱۳۸۰ / ۱۰ نوامبر ۲۰۰۱ ولایت بلخ را از دست طالبان آزاد ساختند و این پیروزی آنان سرآغاز فروپاشی نظام طالبان در سراسر کشور بود و در ۲۴ آبان ۱۳۸۰ / ۱۵ نوامبر ۲۰۰۱ هم‌زمان با گشایش شهر کابل، بساط حاکمیت طالبان از کشور برچیده شد.

پس از شکست طالبان و افتادن شهر مزار شریف به دست نیروهای جبههٔ متحد، شماری از طالبان پاکستانی که از آغاز حمله‌های هوایی آمریکا و انگلستان برای نبرد به شهر مزار شریف آمده بودند در اردوگاه خود در دبیرستان سلطان رضیه گیر ماندند و به اسارت درآمدند و شماری از آنان که مقاومت کردند توسط بم‌باران نیروهای آمریکایی از بین برده شدند. (۲۲، ۶۳۳) به همین گونه، شش‌صد تن از طالبانی که بیش‌ترین چینی، عرب و پاکستانی بودند و از کندز دست‌گیر و به قلعهٔ جنگی واقع در شهرستان ده‌دادی ولایت بلخ منتقل شده بودند در پی یک درگیری و دست‌یافتن به انبار جنگ‌افزار در ۴ آذر ۱۳۸۰ / ۲۵ نوامبر ۲۰۰۱ دست به شورش زدند که در نتیجه با حملهٔ هوایی نیروهای آمریکا از بین برده شدند. (۲۲، ص ۶۳۳) در این شورش ژنرال سید اسدالله مسرور و ژنرال نادرعلی از فرمان‌دهان جبههٔ متحد که در حال دیدار از زندانیان بودند به شهادت رسیدند و مایک اسپن، یک تن از ماموران سازمان اطلاعاتی آمریکا، جان باخت.

پس از فروپاشی طالبان، به کوشش جامعه جهانی برای تعیین ساختار دولت آینده افغانستان در ۶ آذر ۱۳۸۰/۲۷ نوامبر ۲۰۰۱ همایشی با حضور نمایندگان گروه‌های گوناگون افغانستان، هیأت سازمان ملل، نمایندگان جبهه متحد شمال افغانستان و شماری از کشورهای دیگر به ریاست اخضر ابراهیمی در شهر بن آلمان برگزار شد که در آن سازش‌هایی در باره ساختار سیاسی، قضایی و قانونی افغانستان به دست آمدند. (۱۷، ص ۲۰۷)

بربنیاد سازش‌نامه همایش بن در ۱ دی ۱۳۸۰/۲۲ دسامبر ۲۰۰۱ دولت موقت شش‌ماهه به ریاست حامدکرزی آیین سوگند را به جا آورد، (۱۷، ص ۲۰۸) در ۲۱ خرداد ۱۳۸۱/۱۱ ژوئن ۲۰۰۲ جرگه بزرگ اضطراری در کابل برگزار و در آن ساختار دولت انتقالی دوساله به ریاست حامد کرزی تعیین شد. (۱۷، ص ۲۱۰) دولت انتقالی، قانون اساسی نو را از سوی جرگه بزرگ دیگری در ۱۴ دی ۱۳۸۲/۴ ژانویه ۲۰۰۴ به تصویب رساند و زمینه برگزاری انتخابات سراسری برای گزینش رئیس جمهور را فراهم آورد و نخستین انتخابات ریاست جمهوری در ۲۰ مهر ۱۳۸۳/۱۲ اکتبر ۲۰۰۴ برگزار و حامد کرزی با به‌دست آوردن بیش‌ترین رای به مدت پنج سال به سمت رئیس جمهوری اسلامی افغانستان گزیده شد. در همه‌پرسی‌یی که پیش از برگزاری جرگه بزرگ قانون اساسی انجام داده شد اکثریت مردم در ولایت‌های شمالی، شمال‌خاوری و شمال‌باختری خواستار نظام جمهوری پارلمانی و تغییر نام کشور به «آریانا» شده بودند. یک سال پس، در ۲۷ شهریور ۱۳۸۴/۱۸ سپتامبر ۲۰۰۵ هم‌زمان انتخابات دوره پانزدهم شورای ملی و نخستین انتخابات شوراهای ولایتی نیز برگزار شدند.

دومین انتخابات ریاست جمهوری و دومین انتخابات شوراهای ولایتی هم‌زمان با هم در ۲۹ مرداد ۱۳۸۸/۲۰ اوت ۲۰۰۹ برگزار شدند، اما این انتخابات ریاست جمهوری به دلیل کم‌بود رای‌های نام‌زدان از حد اقل تعیین شده قرار بود به دور دوم میان حامد کرزی و دکتر عبدالله عبدالله، دو نام‌زدی که بیش‌ترین رای را داشتند کشانده شود که با کنار رفتن دکتر عبدالله، حامد کرزی باز هم به سمت رئیس جمهور کشور باقی ماند. انتخابات دوره شانزدهم شورای ملی در ۲۷ شهریور ۱۳۸۹/۱۸ سپتامبر ۲۰۱۰ برگزار شد.

سومین انتخابات ریاست جمهوری و سومین انتخابات شوراهای ولایتی هم‌زمان با هم در ۱۶ فروردین ۱۳۹۳/۵ آوریل ۲۰۱۴ برگزار شدند. در این انتخابات ریاست جمهوری دکتر محمد اشرف غنی و دکتر عبدالله عبدالله بیش‌ترین رای را داشتند و چون نتیجه شمارش آرا مورد پذیرش قرار

نگرفت، با پادرمیانی جان کیری از ایالات متحده آمریکا حکومت وحدت ملی روی کار آمد که در آن دکتر محمدآشرف غنی به عنوان رئیس جمهور و دکتر عبدالله عبدالله به عنوان رئیس اجرایی حکومت به کشورداری پرداختند. در همین حال، انتخابات دوره هفدهم شورای ملی کشور با تأخیر چندساله در ۲۸ مهر ۱۳۹۷/ ۲۰ اکتبر ۲۰۱۸ در زمان حکومت وحدت ملی برگزار شد. در درازای سه دوره شورای ولایتی در بلخ محمدفرهاد عظیمی، محمدابراهیم خیراندیش و دکتر محمدافضل حدید رئیس آن شورا بوده اند.

آمدن نیروهای جهانی ننگه‌بان صلح به افغانستان برای پستی‌بانی از نظام نو در این کشور و سرازیرشدن کمک‌های کشورهای گوناگون برای امنیت و بازسازی و نوسازی افغانستان نیز از برایندهای درخور یادکرد سازش‌نامه بن می‌باشند. برقراری امنیت نسبی، بازسازی راه‌ها و شاهراه‌ها، توسعه آموزش و پرورش برای دختران و پسران، آزادی زنان، آزادی بیان و مطبوعات و گسترش شبکه‌های رسانه‌یی و ارتباطات از مهم‌ترین دست‌آوردهای نظام نو در افغانستان به شمار می‌روند.

در ولایت بلخ پس از فروپاشی حاکمیت امارت اسلامی طالبان در ۱۹ آبان ۱۳۸۰/ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۱، شورای رهبری شمال به ریاست ژنرال عبدالرشید دوستم قدرت را در دست گرفت، سپاه شماره ۷ به فرمان‌دهی ژنرال عظامحمد نور و سپاه شماره ۸ به فرمان‌دهی ژنرال عبدالرشید دوستم ساخته شدند و محمداسحاق ره‌گذر، یک تن از سران جمعیت اسلامی در بلخ، به حیث والی بلخ به کار پرداخت.

درسال ۱۳۸۲/ ۲۰۰۳ دولت مرکزی، در پی منحل‌ساختن ساختار رهبری شمال، مهندس حبیب‌الله حبیب، رئیس دانش‌گاه بلخ، را به عنوان والی سرپرست بلخ گماشت و در سال ۱۳۸۳/ ۲۰۰۴ بر بنیاد فرمان حامد کرزی رئیس اداره انتقالی کشور، عظامحمد نور، یک تن از فرمان‌دهان بزرگ دوره‌های جهاد و پایداری، که در آزادسازی کشور نقشی برجسته داشت، والی بلخ شد.

جاگزینی سپاه ۲۰۹ شاهین به جای سپاه شماره ۷ و سپاه شماره ۸ و سپرده‌شدن جنگ-افزارهای نیروهای پیشین به دولت، ملی‌شدن درآمدها و گسترش فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و رسانه‌یی از روی‌دادهای مهم بلخ در این دوره می‌باشند. در این دوره این ولایت از نگاه آرامش، بازسازی و نوسازی در وضعیت به‌تری قرار گرفت. در این دوره بلخ از نگاه جایگاه بلند تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود همواره در محراق توجه بوده و هیأت‌های بلندپایه متعدد داخلی و خارجی را میزبان شده است. از جمله در سال ۱۳۸۸/ ۲۰۰۹ از

۵۶۸۸ مین سال پایه‌گذاری جشن ملی نوروز و شهر بلخ با مشارکت وزیران خارجه کشورهای فارسی‌زبان افغانستان، ایران و تاجیکستان و وزیران فرهنگ و نمایندگان کشورهای عضو سازمان همکاری‌های منطقه‌یی/ایکو با راه‌اندازی برنامه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و هنری به گونه بسیار باشکوهی در این ولایت بزرگ‌داشت شد و این کار، زمینه به رسمیت‌شناختن جشن ملی آریایی نوروز را که خاست‌گاه اصلی آن بلخ است به حیث یک جشن جهانی از سوی سازمان فرهنگی یونسکو در سال ۱۳۸۹/۲۰۱۰ فراهم آورد.

نام‌گذاری خیابان‌ها و چهارراه‌های شهر مزار شریف، از کارهای تاریخی دیگر این دوره است. بر بنیاد قطع‌نامه همایش بین‌المللی «بلخ در گذرگاه تاریخ» در که اردیبهشت ۱۳۸۴/مه ۲۰۰۵ در شهر مزار شریف برگزار شد بسیاری از خیابان‌ها و چهارراه‌های این شهر به نام‌های بزرگان، دانش‌مندان، شاعران و فرهنگیان دوره‌های گوناگون پیش از اسلام و دوره‌های اسلامی بلخ، کشور و منطقه نام‌گذاری شدند و به همین‌گونه در سال‌های بعد شماری از چهارراه‌های شهر مزار شریف به نام اعمارکننده‌گان آن‌ها مسمّا شدند و نیز پس از سال ۱۳۹۰/۲۰۱۱ شماری از خیابان‌ها، چهارراه‌ها و جاهای این شهر مانند خیابان امیر اسماعیل سامانی، خیابان استاد برهان‌الدین ربّانی، چهارراه استاد خلیل‌الله خلیلی، فرودگاه مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، پارک صنعتی امیر علی شیر نوایی و بیمارستان ابن سینای بلخی به گونه انفرادی نام‌گذاری شدند.

در این دوره به‌ویژه از زمان ولایت استاد عظامحمدنور کار بازسازی و نوسازی در تمام گستره‌های زنده‌گی در ولایت بلخ به شدت جریان دارد و شهر مزار شریف، مرکز ولایت بلخ، از نگاه ساخت‌وساز شهرک‌ها، خیابان‌ها، چهارراه‌ها و ساختمان‌های عصری و همچنین پیش‌رفت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به کلی چهره نئی را به خود گرفته است. اعمار دیوار فرهیخته‌گان بلخ در سال ۱۳۸۶/۲۰۰۷، یکی از کارهای بی‌مانندی است که برای معرفی مشاهیر بلخ به هزینه بیش از یک‌صد هزار دلار آمریکایی به ابتکار عظامحمد نور، والی بلخ، در شهر مزار شریف انجام داده شده است و آن دیواری است به دارازی ۱۱۶ متر و بلندای ۸۰،۲ متر که در آن به روی ۵۴ پارچه بزرگ سنگ مرمر و گرانیث زنده‌گی‌نامه و نمونه آثار و تصویر ۲۶ تن از فرهیخته‌گان این مرزوبوم از دوره‌های پیش از اسلام و دوره‌های اسلامی نقر شده‌اند.

در زمینه‌های حفاظت و مرمت بناهای تاریخی و پژوهش‌های باستانی بلخ نیز کارهای ارزش‌مندی انجام داده شده‌اند. در بخش حفظ و مرمت بناهای تاریخی آن‌چه چشم‌گیر است

مرمت و تزئین روضه حضرت علی «ک» در شهر مزار شریف است که در گام نخست با هزینه بیش‌تر از ۴۰۰ هزار دلار آمریکایی در حدود ۴۰۰۰ متر مربع از میدان‌ها، خیابان‌ها و گل‌راه‌های صحن و چهارباغ روضه مبارک با موزائیک و گرانیت فرش شد و به‌همین‌گونه به مصرف یک‌صد هزار دلار آمریکایی از بودجه توسعه‌یی دولت در سال ۱۳۸۶ / ۲۰۰۷ کار تحکیم و عایق‌کاری تهداب‌های ساختمان اصلی آرام‌گاه حضرت علی «ک» انجام داده شد و همچنین مسجد جامع بزرگی با گنجایش بیش از ۲۷۰۰ نمازگزار در یک هنگام، در جوار آرام‌گاه حضرت علی «ک» ساخته شد و در سال ۱۳۹۶ / ۲۰۱۷ گشایش یافت. در همین راستا در مرکز و شهرستان‌های بلخ بناهای تاریخی مسجد قلعه تخته‌پل، رواق مدرسه سید سبحان‌قلی‌خان، آرام‌گاه خواجه اکاشا، برج عیاران، کاخ و باغ تاریخی جهان‌نما، مسجد نه‌گنبد، مسجد خواجه ابونصر پارسا، مسجد قلعه تخته‌پل، کوشک مابین، آرام‌گاه میر روزهدار، آرام‌گاه پیر خواجه نظام‌الدین، خانقاه کلان ده‌دای، آرام‌گاه رابعه بلخی، آرام‌گاه فاطمه بلخی، آرام‌گاه ابن خضویه بلخی، آرام‌گاه امام ابوحنیفه (مزار بلند)، مسجد و اتاق آب‌تنی چشمه شفا، آرام‌گاه امیر شیرعلی‌خان، آرام‌گاه وزیر محمداکبرخان، آرام‌گاه خواجه باج‌گاهی، آرام‌گاه چهارگنبد، دروازه‌خانه بالاحصار خلم، دیوارهای تاریخی شهر بلخ و بناهای تاریخی دیگر مرمت حفاظتی و آرام‌گاه ملا محمدجان نوسازی شدند. (۱۴، صص ۱۳۵ - ۱۳۷؛ ۱۶، صص ۱۹۱ - ۱۹۲)

در زمستان سال ۱۳۹۶ / ۲۰۱۸ تنش‌هایی میان حکومت وحدت ملی به رهبری دکتر محمدآشرف غنی، رئیس‌جمهور کشور، و استاد عظامحمد نور، والی بلخ، بر سر مسایل سیاسی و حکومت‌داری پدید آمد و دولت مرکزی، مهندس محمدداؤود یک تن از فرمان‌دهان جهادی پیشین جمعیت اسلامی در بلخ را به عنوان والی بلخ معرفی کرد، اما با مخالفت استاد عظامحمد نور روبه‌رو شد و سرانجام با پذیرفتن خواسته‌های والی بلخ از سوی حکومت وحدت ملی، در ۲ فروردین ۱۳۹۷ / ۲۲ مارس ۲۰۱۸ استاد عظامحمد نور از سمت ولایت بلخ کناره گرفت و برپایه موافقت وی محمداسحاق ره‌گذر برای بار دوم به حیث والی بلخ به کار آغاز کرد. جشن نوروز سال ۱۳۹۸ / ۲۰۱۹ در بلخ با حضور دکتر محمدآشرف غنی، رئیس‌جمهور کشور، برپا شد.

و در ۶ مهر ۱۳۹۸ / ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۹ مردم ولایت بلخ در چهارمین دور انتخابات ریاست‌جمهوری کشور به پای صندوق‌های رای رفتند.

محمد اسحاق ره‌گذر

محمد اسحاق ره‌گذر در دورهٔ حاکمیت نظام مردم‌سالاری در افغانستان بار یکم در زمان رهبری حامد کرزی از ۱۹ آبان ۱۳۸۰ تا آبان ۱۳۸۲ / ۱۰ نوامبر ۲۰۰۱ تا نوامبر ۲۰۰۳ والی بلخ بود و بار دوم در زمان رهبری دکتر محمد اشرف غنی از ۲ فروردین ۱۳۹۷ / ۲۲ مارس ۲۰۱۸ تا اکنون والی بلخ است.

دربارهٔ زنده‌گی و کارنامه‌های محمد اسحاق ره‌گذر، در هر دو دورهٔ کار وی به حیث والی بلخ، در صفحه‌های بعدی همین کتاب معلومات داده شده است.

دکتر حبیب‌الله حبیب

دکتر حبیب‌الله حبیب در دورهٔ حاکمیت نظام مردم‌سالاری در افغانستان در زمان رهبری حامد کرزی از آبان ۱۳۸۲ تا مرداد ۱۳۸۳ / نوامبر ۲۰۰۳ تا اوت ۲۰۰۴ والی سرپرست بلخ بود.

دکتر حبیب‌الله حبیب فرزند محمد حسن در ۱۰ خرداد ۱۳۳۴ / ۱ ژوئن ۱۹۵۵ در شهرستان ده‌دادی ولایت بلخ دیده به جهان گشود. دورهٔ دانش‌آموزی را در دبیرستان شهید بلخی در شهرستان ده‌دادی در سال ۱۳۵۲ / ۱۹۷۳، آموزش‌های عالی را در دانشگاه پولی‌تکنیک کابل در رشتهٔ فناوری شیمیایی در سال ۱۳۵۸ / ۱۹۷۹ و برنامهٔ کارشناسی ارشد را در رشتهٔ مدل‌سازی کنتیک تعاملات شیمیایی در آن دانشگاه در سال ۱۳۶۱ / ۱۹۸۲ به پایان برد.



سپس آموزش‌های عالی را از آبان ۱۳۶۵ تا اردیبهشت ۱۳۶۶ / نوامبر ۱۹۸۶ تا مه ۱۹۸۷ در رشتهٔ مدل‌سازی

پتروشیمی در دانش‌سرای فناوری شیمیایی شهر مسکو، پای‌تخت اتحاد جماهیر شوروی وقت، ادامه داد و به دنبال آن از شهر یور تا آبان ۱۳۷۰ / سپتامبر تا نوامبر ۱۹۹۱ آموزش رهبری منسوبان و کارمندان مؤسسه‌های آموزش‌های عالی را در دانشگاه سرتاسری اکمال تخصص و توسعهٔ معلومات شهر سانکت‌پترزبورگ روسیه سپری کرد و آموزش‌های دورهٔ دکترای خویش را از دی

۱۳۸۷ تا اردیبهشت ۱۳۹۱ / ژانویه ۲۰۰۹ تا مه ۲۰۱۲ در دانش‌سرای فناوری آسیایی / آسیا - پاسیفیک در کشور تایلند در رشته مهندسی و مدیریت محیط زیست به پایان رسانید.
او در کنار ایفای وظیفه تدریس در دانشگاه، ماموریت‌های اداری زیر را به دوش داشته است:
- آمر گروه مضامین عمومی تکنیکی در انستیتوت اتومیکانیک کابل از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۸ / ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹؛

- معاون تدریسی انستیتوت اتومیکانیک کابل از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ / ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲؛
- آمر گروه و استاد فناوری شیمیایی دانش‌کده مهندسی دانش‌گاه بلخ از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸ / ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹؛

- رئیس دانش‌کده مهندسی دانش‌گاه بلخ از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ / ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲؛
- رئیس انتخابی دانش‌گاه بلخ از ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ / ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲؛
- والی سرپرست بلخ از آبان ۱۳۸۲ تا مرداد ۱۳۸۳ / نوامبر ۲۰۰۳ تا اوت ۲۰۰۴؛
- رئیس دانش‌گاه کابل و استاد دانش‌کده ساینس آن دانش‌گاه از شهریور ۱۳۹۱ تا مرداد ۱۳۹۵ / سپتامبر ۲۰۱۲ تا اوت ۲۰۱۶؛

- استاد دانش‌کده محیط زیست دانش‌گاه کابل از شهریور ۱۳۹۵ / سپتامبر ۲۰۱۶ تا اکنون.
هم‌زمان با وظایف یادشده وظایف زیرین را نیز داشته است:
- عضویت شورای رهبری مقام ولایت بلخ از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ / ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲؛
- عضویت شورای رهبری وزارت آموزش‌های عالی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ / ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶؛
- عضویت هیأت رهبری جمعیت هلال احمر افغانستان از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ / ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶؛

- عضویت هیأت اجرایی دانش‌گاه جنوب آسیا به نمایندگی دانش‌گاه کابل در دهلی نو از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ / ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶؛

- هماهنگی پروژه پژوهشی «PEER, NAC» حوزه‌های آبی آمو و کابل در بخش افغانستان (پروژه مشترک میان افغانستان - تاجیکستان - قرغیزستان) از سال ۱۳۹۶ / ۲۰۱۷ تا اکنون؛
- عضویت کمیته رهبری برنامه «SWaRMA» در سازمان «ICIMOD» در کشور نیپال به نمایندگی دانش‌گاه کابل از سال ۱۳۹۷ / ۲۰۱۸ تا اکنون.

دکتر حبیب‌الله حبیب از سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ تا اکنون در ده‌ها همایش علمی و عقد قراردادهای آکادمیک در بیش‌تر از ۲۰ کشور جهان شرکت کرده و بیش‌تر از ۳ گواهی‌نامه و ستایش‌نامه را از نهادهای معتبر درونی و بیرونی به دست آورده است.

از او تا اکنون ۳۷ اثر علمی در درون و بیرون کشور به چاپ رسیده‌اند. آثاری از او که به گونه کتاب به نشر رسیده‌اند از این قرار‌اند: «آلبم نقشه‌ها برای طرح‌ریزی ریدوکتور یک‌مرحله‌یی اتوموبیل» (کابل، ۱۳۶۴/۱۹۸۵)، «تکنالوژی تصفیه نفت و گاز» (برگردان از زبان روسی) (کابل، ۱۳۸۴/۲۰۰۵)، «گازهای هیدروکربنی» (کابل، ۱۳۸۶/۲۰۰۷)، «عملیات کتلیستی مهم در تصفیه‌خانه‌های نفت و گاز» (۱۳۸۶/۲۰۰۷)، «صنایع شیمیایی نفت (پتروشیمی)» (کابل، ۱۳۹۵/۲۰۱۶)، «شیمیای محیط زیست آب» (کابل، ۱۳۹۷/۲۰۱۸) و «تغییر اقلیم» (کابل، ۱۳۹۷/۲۰۱۸). (۲۴۱)

در زمانی که او والی سرپرست بلخ بود، از ۱۲ اسفند ۱۳۸۲/۲ مارس ۲۰۰۴ رادیوی خصوصی نوبهار بلخ به صاحب‌امتیازی فهیم صادق در شهرستان بلخ ولایت بلخ به نشرات آغاز کرد، (۱۴، ص ۱۵۸) و به همین‌گونه از بهمن ۱۳۸۲/ژانویه - فوریه ۲۰۰۴ نشریه‌های «پیام صلح»، «فردوس» و از فروردین ۱۳۸۳/مارس - آوریل ۲۰۰۴ «کار و صنعت»، «نما»، «پیام هم‌بسته‌گی»، «ره‌نوردان»، «بازار هفته»، «آهنگ»، «جرقه»، «چشم‌انداز» و «وصل» در ولایت بلخ به نشرات پرداختند. (۱۴، صص ۲۰۳ - ۲۱۰)

ارتشبد / سترژنرال عطا محمد نور

ارتشبد / سترژنرال استاد عطا محمد نور از مرداد ۱۳۸۳ تا ۲ فروردین ۱۳۹۷/اوت ۲۰۰۴ تا ۲۲ مارس ۲۰۱۸ والی بلخ بود.

ارتشبد / سترژنرال عطا محمد نور فرزند حاج نور محمد در سال ۱۳۴۳/۱۹۶۴ در شهر مزار شریف، مرکز ولایت بلخ، دیده به جهان گشود. دوره دانش‌آموزی را در دبستان قاضی حمیدالدین بلخی و دبیرستان عالی باختر در سال ۱۳۶۲/۱۹۸۳ در زادگاه خود به فرجام رسانید و در بهار همان سال ره‌سپار سنگرهای جهاد شد. پس از پیروزی جهاد و مقاومت آموزش‌های عالی را در یکی از دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا در رشته علوم سیاسی تا مقطع کارشناسی / لیسانس و سپس دوره کارشناسی ارشد / ماستری را در رشته حقوق بازرگانی بین‌المللی در دانشگاه دولتی

تاجیکستان به پایان برد و به دنبال آن مقطع دکترا را در رشته علوم سیاسی در همان دانشگاه پی گرفت.

او در جریان مبارزات خود، در آموزشگاه‌های زیادی به مجاهدان درباره مسایل عقیدتی، سیاسی و فنون نظامی درس داد و در اندک زمانی توانست به حیث فرمانده واحدهای متحرک مرکزی و سپس به حیث فرمانده واحدهای مجاهدان در غرب شهر مزار شریف و سرانجام به سمت معاونیت جبهات استاد ذبیح‌الله شهید برگزیده شود. او در آن دوره حساس تاریخی کشور در بسیج نیروهای مجاهدان جمعیت اسلامی افغانستان در جبهات استاد ذبیح‌الله شهید و آزادسازی بخش‌هایی از شمال کشور از تسلط دولت وقت نقشی برجسته داشت و در شرایطی که نیروهای جمعیت اسلامی در شمال کشور با از



دست‌دادن شخصیت محوری خود، استاد ذبیح‌الله، در اثر انفجار مایینی از سوی کارگزاران دولت، به خطر بی‌سرنوشتی و ازهم‌فروپاشی قرار گرفته بودند، به رای‌زنی هم‌سنگران خود زمام رهبری جبهات را در شمال به دست گرفت و با وجودی که هنوز بسیار جوان بود توانست از عهده این رهبری به خوبی و پیروزمندانه به‌درآید. از اثر فعالیت‌های او و هم‌سنگران، کوه‌های مارمل، البرز و دره گز باستانی و مناطق شادیان، چهارکنت و خلم در ولایت بلخ در آن روزگار، به سنگرهای تسخیرناپذیر مجاهدان مبدل گردیده بودند و در این دوره سفرهایی به بیرون و هم به گوشه و کنار کشور داشته و یکی از شرکت‌کنندگان شورای فرمان‌دهان جهادی افغانستان در شاه‌سلیم نیز بوده است. او و هم‌زمانش درهم‌کاری و هماهنگی با احزاب و سازمان‌های دیگر جهادی و بخش‌هایی از ارتش دولت دکتر نجیب‌الله مستقر در شمال افغانستان که دست به قیام در برابر نظام زده بودند سرانجام در ۲۷ اسفند ۱۳۷۰/ ۱۷ مارس ۱۹۹۲ شهر مزار شریف را به تصرف خود درآوردند.

عظامحمد نور، پس از پیروزی جهاد در سال ۱۳۷۱/ ۱۹۹۲ به عنوان رئیس سیاسی - نظامی زون شمال جمعیت اسلامی افغانستان ایفای وظیفه کرد و از سوی دولت اسلامی افغانستان رتبه سپهبدی/ دگرژنالی را به دست آورد و در سال ۱۳۷۲/ ۱۹۹۳ به حیث فرمانده لشکر شماره ۷ ارتش کار کرد. او در این دوره بحرانی، هنگامی که در دی ۱۳۷۲/ ژانویه ۱۹۹۴ دولت اسلامی در

پای تخت آماج کودتای نیروهای شورای هماهنگی قرار گرفت به دفاع از دولت اسلامی با حامیان محلی این کودتا در یک رویارویی نابرابر رزمید و در اوایل تیر ۱۳۷۳/ ژوئن ۱۹۹۴ سنگرهای رزم خود را از کوه‌های مارمل و شادیان بلخ به کندز انتقال داد و در تخارستان باستانی و خطوط اول نبرد در کندز، به پیکار در دفاع از حاکمیت دولت اسلامی ادامه داد.

پس از افتادن کابل به دست گروه طالبان در ۵ مهر ۱۳۷۵/ ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶، استاد عطا محمد نور باز هم فعالیت‌های سیاسی و نظامی خود را در بلخ از سر گرفت. هنگامی که در خرداد ۱۳۷۶/ مه ۱۹۹۷ شهر مزار شریف به گونه موقت به تصرف طالبان درآمد و نیز در هنگام محاصره ۲۸ روزه این شهر در شهریور/ سپتامبر همان سال، نیروهای زیر فرمان‌دهی استاد عطا محمد نور هم‌گام با سایر نیروهای جبهه متحد اسلامی و ملی نجات افغانستان در پس‌راندن طالبان نقش فعال و محوری را انجام دادند و در حالی که هرگونه مجرای نفوذ طالبان را از استقامت جنوب به شهر مزار شریف بسته بودند، از قسمت راست خط جبهه شرق مزار شریف ضربات خردکننده‌یی را بر دشمن وارد کردند و همچنین در استقامت‌های فرودگاه و روستای شهرک و در شهرستان دهادی، پادگان شماره ۱۸، قلعه جنگی، شهرستان بلخ و شهرستان خلم طالبان را سرکوب و پاک‌سازی کردند و به این گونه آن‌ها را تا کندز به عقب راندند.

استاد عطا محمد نور، در سال ۱۳۷۷/ ۱۹۹۸ عضویت شورای عالی رهبری دولت اسلامی افغانستان را به دست آورد و تا هنگام افتادن بلخ در ۱۷ مرداد ۱۳۷۷/ ۶ اوت ۱۹۹۸ به دست طالبان و به ادامه آن تا پیروزی مقاومت و انتقال قدرت، در همین سمت قرار داشت.

استاد عطا محمد نور همان گونه که در دوره جهاد در پیروزی مجاهدان در شمال کشور نقشی برجسته داشت، هنگامی که کشور آماج تهاجم گروه طالبان و هراس‌افکنان جهانی قرار گرفت نیز یکی از محورهای اساسی مقاومت در شمال کشور بود. او که سامان بخشی سراسری مقاومت را در حوزه شمال به رهبری پروفسور استاد برهان الدین ربانی و فرمان‌دهی قهرمان ملی، احمدشاه مسعود، به دوش داشت توانست جبهات شمال را پس از هسته مرکزی مقاومت در شمال کابل به دژ تسخیرناپذیری در برابر گروه طالبان و هراس‌افکنان بین‌المللی مبدل سازد؛ تا جایی که او پس از احمدشاه مسعود، دومین محور اساسی مقاومت شمرده می‌شد.

استاد عطا محمد نور هنگامی که دیگر مقاومت مردم افغانستان در برابر طالبان به بن‌بست رسیده بود، در همان اوج قدرت طالبان که بیش‌تر از ۹۲ درصد خاک افغانستان در اشغال شان

بود، در بازکردن نخستین جبهه مقاومت در برابر این گروه با شانزده نفر از هم‌سنگران خود در دره صوف ولایت سمنگان نقش کلیدی گرفت. او در روستای شیخه شهرستان دره صوف ولایت سمنگان به خانه دوستش، محمدظاهر وحدت، اقامت گزید و به زودی پای‌گاه نظامی و سیاسی خود را با بسیج مردم سامان بخشید و روزتاروز نیرومند ساخت. نور در سامان‌بخشی تمام جبهه‌های شمال کشور نقشی بزرگ و تعیین‌کننده داشت و با جبهه‌های دیگر هم‌کار بود. هم‌کاری‌های احمدشاه مسعود، این نقش او را گسترده‌تر می‌ساخت.

در سال ۱۳۷۹/۲۰۰۰ هنگامی که گروه طالبان به شهر مهم راه‌بردی تالقان دست یافته بودند، استاد عظامحمد نور به ابتکار خود تغییر مهمی را در شمال کشور در عمق جبهه طالبان به وجود آورد و به هم‌کاری مردم دره خرم ولایت سمنگان، آن منطقه را به پای‌گاه اصلی مقاومت در شمال مبدل کرد. این ابتکار استاد عظامحمد نور و ایستاده‌گی مردم دره خرم در آن برهه زمانی توانست اهمیت تبلیغاتی طالبان را در تخار خنثا و پیش‌روی آن‌ها را به سوی بدخشان متوقف سازد؛ زیرا آن‌ها را ناگزیر به تمرکز مجدد نیروهای شان برای حفاظت از شهر سمنگان و شاه‌راه کابل - بلخ به این منطقه کرد.

استاد عظامحمد نور، پس از شهادت احمدشاه مسعود در ۱۸ شهریور ۱۳۸۰/۹ سپتامبر ۲۰۰۱، نیز سنگر مقاومت در برابر طالبان را در شمال کشور هم‌چنان گرم نگاه داشت و به خاطر بلندنگاه‌داشتن روحیه نیروهای جهادی، طالبان را پی‌هم آماج حملات خویش قرار می‌داد و پیش‌روی داشت و هنگامی که پس از روی‌داد ۲۰ شهریور ۱۳۸۰/۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، عملیات نظامی آمریکا در افغانستان به خاطر برچیدن نظام طالبان آغاز یافت، بیش‌ترین ضربات را بر پای‌گاه‌های هراس‌افگنی جهانی و نیروهای طالبان و القاعده فرود آورد. او شماری از مجاهدان را به مارمل فرستاد و آنان با هم‌کاری مردم محل، آن خطه را از وجود طالبان پاک‌سازی کردند و تا حدود فرودگاه مزار شریف پیش آمدند که این حرکت موجب ایجاد ترس و وحشت در میان طالبان گردید و زمینه ازهم‌گسیخته‌گی نیروهای آن‌ها را فراهم آورد و بدین گونه روستاها و شهرستان‌های بلخ یکی پی دیگری به تصرف نیروهای مقاومت درآمدند و سرانجام در ۱۹ آبان ۱۳۸۰/۱۰ نوامبر ۲۰۰۱، شهر مزار شریف پس از سه سال و اندی به دست نیروهای جبهه متحد شمال افتاد.

پس از پیروزی مقاومت و ایجاد اداره موقت و سپس انتقالی در کشور، استاد عظامحمد نور باز هم به سمت فرمان‌ده لشکر شماره ۷ ارتش و معاون عملیاتی / اوپراتیفی شمال کشور به کار خود

ادامه داد و در سال ۱۳۸۱/۲۰۰۲ به اساس فرمان حامد کرزی، رئیس اداره موقت دولت اسلامی افغانستان، به رتبه ارتشیدی/ سترژنالی نایل آمد.

ملی ساختن درآمدهای ولایت بلخ، فراهم آوری و تحویل دهی جنگ افزارها به جانب دولت، کوشش در راستای تقویت کشورداری خوب، تحکیم قانونیت و مبارزه جدی با مواد مخدر و گسترش مردم سالاری به ویژه آزادی بیان و آزادی رسانه ها از مهم ترین کارکردهای او در آغاز این دوره اند. در این میان، برپایی نشست های نوبتی استماعیه او برای شنیدن شکایت ها و انتقادهای مردم از مسؤولان امور و ارائه دشواری ها، دیدگاه ها و پیشنهادهای از سوی مردم به مقام های دولتی و رسیدگی و ارائه پاسخ از سوی مسؤولان به مردم، ابتکار اثرگذاری برای نهادهای سازی مردم سالاری و آزادی بیان بود.

استاد عطا محمد نور، از مرداد ۱۳۸۳ تا ۲ فروردین ۱۳۹۷/ اوت ۲۰۰۴ تا ۲۲ مارس ۲۰۱۸ به حیث والی بلخ کار کرد و هم زمان از سال ۱۳۹۲/۲۰۱۳ به سمت رئیس کل شورای اجرائیه جمعیت اسلامی افغانستان ایفای وظیفه می کند. (۲، صص ۳۸ - ۱۱۴؛ ۱۸، صص ۱۶۶ - ۱۸۱؛ ۲۵، صص ۱۰ - ۱۹؛ ۳۰، صص ۳۸ - ۱۱۴؛ ۱۶۴، صص ۵ - ۷)

عطا محمد نور، در درازای سال های خدمتش، لقب های زیر را از سوی مقام های دولتی و یا نهادهای و مجامع ملی و جهانی به دست آورده است:

- «افتخار افغانستان» از سوی حامد کرزی، رئیس جمهوری اسلامی افغانستان؛
- «ستاره معارف» از سوی اهل معارف؛
- «حامی جوانان» از سوی گروه های جوانان افغانستان؛
- «سفیر صلح» از سوی فیدراسیون جهانی صلح ایالات متحده آمریکا؛
- «پروفیسور» افتخاری از سوی شورای علمی مرکز تحقیقات ریاضی - فلسفی جهان در سال ۲۰۱۲/۱۳۹۱.

او به پاس مبارزات پی گیرانه در برابر مواد مخدر و صفر کردن کشت خشخاش در ولایت بلخ از سوی حامد کرزی، رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، نشان عالی دولتی وزیر محمداکبرخان را به دست آورده و هم چنین به خاطر حمایت از بخش معارف، به گرفتن نشان عالی معارف از رئیس جمهور و وزیر معارف، و به خاطر حمایت از کارکنان، به گرفتن نشان اتحادیه ملی کارکنان افغانستان از سوی رهبری این اتحادیه، نایل آمده است. در سال ۱۳۹۰/۲۰۱۱ جایزه «تاجیک

برون مرزی» را از سوی انجمن بین‌المللی روزنامه‌نگاران فارسی‌زبان/ افروز در شهر دوشنبه تاجیکستان، و به پاس خدمات خود در راستای رشد فرهنگ و معارف، بازسازی و نوسازی و حفظ وحدت ملی تقدیرنامهٔ آکادمی بین‌المللی افغان‌ها در اروپا را از شهر لندن، و به همین‌گونه ده‌ها نشان، لوح سپاس و تقدیرنامه را از مراجع ملی و بین‌المللی به پاس کارکردهای خویش در گستره‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دست آورده است.

استاد عظامحمد نور آثار و تألیفاتی هم دارد که عبارت‌اند از: «راه سبز» که مجموعهٔ برخی از سخن‌رانی‌های اوست، «پنج راه‌کار برای بیرون‌رفت از بحران»، «طرح راه‌برد و راه‌کارهای مبارزه با کشت خشک‌خاش در ولایت بلخ»، «راه‌کارهایی برای تحکیم حاکمیت دولتی و تسریع فرایند بازسازی و انکشاف در ولایات»، «تنظیم حقوق اطلاعات تجارتي» که پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشدش است و در سال ۱۳۹۲/۲۰۱۳ در بلخ به چاپ رسیده است.

دربارهٔ استاد عظامحمد نور، شماری از نویسندگان داخلی و خارجی کتاب‌ها و مقاله‌هایی نگاشته‌اند و همچنین برخی از مستندسازان فیلم‌هایی از زنده‌گی و کارکردهای او تهیه کرده‌اند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

- «نور شهر آفتاب»، کتابی است نوشتهٔ دکتر قاسم‌شاه اسکندروف، نویسنده و پژوهش‌گر معروف تاجیکستان و رئیس مرکز مطالعات افغانستان و منطقه در آن کشور، که از سوی انتشارات عرفان در سال ۱۳۸۸/۲۰۰۹ در شهر دوشنبه، پای‌تخت تاجیکستان، به چاپ رسیده است. این کتاب دربرگیرندهٔ معلوماتی دربارهٔ تاریخ بلخ و کارنامه‌های استاد عظامحمد نور در گستره‌های بازسازی، تأمین امنیت، رشد فرهنگ و معارف و همچنین مبارزه با مواد مخدر و سایر کارکردهای اوست. کتاب یادشده در سال ۱۳۹۰/۲۰۱۱ توسط دکتر عبدالحی آرام، یک تن از فرهنگیان کشور، از خط سربلیک به خط فارسی دری برگردان شده و با ویراستاری نویسندهٔ این سطور در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱/۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ در روزنامهٔ بیدار به نشر رسیده است؛

- «مردان تاریخ‌ساز»، کتابی است نوشتهٔ رحمت کریم دولت، طالب‌شاه سعیدزاده و ضمیمهٔ سلیمانی، نویسندگان تاجیکستان، که از سوی انجمن روزنامه‌نگاران فارسی‌زبان (افروز) و ادارهٔ نشریهٔ ملت در سال ۱۳۹۱/۲۰۱۲ در شهر دوشنبه، پای‌تخت تاجیکستان در دو خط فارسی دری و سربلیک به چاپ رسیده و دربرگیرندهٔ مطالبی دربارهٔ پروفسور استاد برهان‌الدین ربانی، احمدشاه مسعود و استاد عظامحمد نور می‌باشد؛

- «عقابى بر ستیغ البرز»، فیلم مستندى است دربارهٔ استاد عظامحمد نور که از سوى کانون ثبت اسناد و تصاویر تاریخی، در دو بخش آماده و منتشر شده است؛

- «سرزمین خورشید» فیلم مستندى است در دو بخش دربارهٔ او که توسط صادق سرمستزاده، یک تن از سینماگران معروف کشور، تهیه و منتشر شده است؛

- فیلم مستندى که به کارگردانى بانو زهره یوسفی دربارهٔ کارکردهای او تهیه و منتشر شده است.

و به همین گونه کتابهای «کارنامه‌های بلخ» و «بلخ در راستای بازسازی»، نوشتهٔ دکتر ذبیح‌الله فطرت که دربرگیرندهٔ گوشه‌هایی از کارکردهای استاد عظامحمد نور در دوران نوسازی و بازسازی اند و ده‌ها کتاب، مقاله و فیلم مستند دیگر.

استاد عظامحمد نور، در پهلوی فعالیت‌های نظامی و سیاسى خود، کارنامه‌های فرهنگی نیز دارد. در دورهٔ جهاد، انتشار نشریه‌ها و ابلاغیه‌ها و پی‌ریزی دبستان‌ها، انجمن‌های جوانان، مدرسه‌های دینی و آموزش‌گاه‌های عقیدتی، سیاسى و نظامی و نیز آموزگاری در بخش‌های یادشده در این آموزش‌گاه‌ها از کارکردهای فرهنگی او در دورهٔ جهاد اند. در همین سال‌ها او مجلهٔ «ام‌البلاد»، نشریهٔ بخش فرهنگی جبهات استاد ذبیح‌الله شهید، را بنیاد گذاشت، پیام بلخ، نشریهٔ جبهات شهید استاد ذبیح‌الله جمعیت اسلامی افغانستان، یکی دیگر از رسانه‌های نوشتاری بود که در دوره‌های جهاد و پس از پیروزی در سه دور نشراتی به ابتکار او نشر می‌شد. به همین گونه پس از پیروزی مجاهدان، نشریه‌های «پیام زن مسلمان»، «مظهر وحدت»، «پیام جهاد»، «جوانان نهضت»، «فریاد قلم» و «الف تا یا»، نشریهٔ استاد اسدالله عقیف باختری و سهراب سیرت، به همت و پشتی‌بانی مالی استاد عظامحمد نور به نشر می‌رسیدند و سرانجام کار مهم دیگرش در این گستره، پی‌ریزی و فعال ساختن رادیو - تلویزیون «میترا» در نوروز سال ۱۳۹۳/۲۱ مارس ۲۰۱۴ به صاحب‌امتیازی خودش در ولایت بلخ است.

در زمان وظیفهٔ او به سمت والی بلخ، جشن‌واره‌ها و همایش‌های فرهنگی و ادبی زیر در سطح ولایت و کشور در پیوند با روزهای ملی، تاریخی و فرهنگی و یا بزرگداشت از مفاخر تاریخی، علمی، فرهنگی و ادبی در ولایت بلخ برگزار شده اند:

- همایش علمی بین‌المللی «بلخ در گذرگاه تاریخ» با اشتراک دکتر سید مخدوم رهین، وزیر اطلاعات و فرهنگ کشور، به حمایت مالی او از سوی اداره اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ در شهر مزار شریف در اردیبهشت ۱۳۸۴/ مه ۲۰۰۵؛
- روز دوم همایش بین‌المللی بزرگداشت از هشت صدمین سال‌زاد مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در تالار مقام ولایت بلخ در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶/ ۱۵ مه ۲۰۰۷؛
- شب شعری با اشتراک عبدالکریم خرم، وزیر اطلاعات و فرهنگ کشور، در باغ کفایت شهر مزار شریف در ۲۸ خرداد ۱۳۸۶/ ۱۸ ژوئن ۲۰۰۷؛
- همایش بزرگ ملی «بازگشت قفل زندان شکن» در پیوند با سال جهانی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در تالار دانش‌گاه بلخ و به همین مناسبت، چاپ و توزیع ده عنوان کتاب از شاعران و نویسندگان معاصر بلخ در ۷ دی ۱۳۸۶/ ۲۸ دسامبر ۲۰۰۷؛
- شب شعری در پیوند با پیروزی شاعران بلخی در جشن‌واره شعر گل سوری و توزیع تحایف نقدی به سه شاعر بلخی: ابراهیم امینی، عبدالوهاب مجیر و حکیم علی‌پور که در ستایش احمدشاه مسعود، قهرمان ملی کشور، شعر گفته بودند در دفتر سیاسی در ۲۳ شهریور ۱۳۸۷/ ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۸؛
- همایش بزرگداشت از سخن‌سالار معاصر زبان فارسی دری، روان‌شاد استاد خلیل‌الله خلیلی، در پیوند با ۲۴مین سال‌روز رحلت آن زنده‌یاد، در کاخ الماس شهر مزار شریف در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰/ ۴ مه ۲۰۱۱؛
- همایش بین‌المللی بزرگداشت از بیدل در پیوند با سه‌صدمین سال وفات او در دانش‌گاه بلخ در ۶ و ۷ مهر ۱۳۹۲/ ۲۷ و ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۳؛
- شب شعر و موسیقی در تالار دفتر سیاسی در ۱۴ فروردین ۱۳۹۳/ ۳ آوریل ۲۰۱۴؛
- همایش بزرگداشت از ۱۱۰مین سال‌زاد استاد خلیل‌الله خلیلی در باغ ربیع شهر مزار شریف در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۳/ ۷ مه ۲۰۱۴.
- سومین دور همایش بین‌المللی گفت‌وگوی افغانستان و آسیای میانه از سوی مرکز مطالعات راهبردی افغانستان در کاخ امپراتوری باران شهر مزار شریف در ۲۶ و ۲۷ آذر ۱۳۹۴/ ۱۷ و ۱۸ دسامبر ۲۰۱۵؛

- روز سوم همایش بین‌المللی پنج‌روزهٔ امیر علی‌شیر نوایی در پیوند با ۵۷۵مین سال‌زاد او از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور در شهر مزار شریف در ۲۵ فروردین ۱۳۹۵ / ۱۳ آوریل ۲۰۱۶.

- روزهای یکم و دوم همایش بین‌المللی سه‌روزهٔ خداوندگار بلخ از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ، مؤسسهٔ فرهنگی ایکو و مقام ولایت بلخ در شهر مزار شریف در ۱ و ۲ شهریور ۱۳۹۵ / ۲۲ و ۲۳ اوت ۲۰۱۶.

ساختن «آبدهٔ فرهیخته‌گان»، در معرفی ۲۶ تن از مشاهیر بلخ، پی‌ریزی نهاد فرهنگی «خانهٔ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی» در شهر مزار شریف و اهدای چهار جریب زمین برای ساختمان خانهٔ فرهنگ باختریان از کارهای ماندگار فرهنگی دیگری اند که به ابتکار او در ولایت بلخ صورت گرفته‌اند.^۱

به همین‌گونه در زمانی که او والی بلخ بود، در گسترهٔ کارهای رسانه‌یی کارهای زیر در بلخ انجام داده شده‌اند: در آذر ۱۳۸۳ / دسامبر ۲۰۰۴ کانون گزارش‌گران جوان به ریاست محمدسهراب سامانیان در بلخ به فعالیت آغاز کرد، (۱۴، ص ۱۵۰) در سال ۱۳۸۴ / ۲۰۰۵ برای نخستین بار امکان دسترسی به اینترنت در ولایت بلخ فراهم آمد، (۱۴، ص ۱۳۹) در ۱۰ دی ۱۳۸۴ / ۳۱ دسامبر ۲۰۰۵ شورای ولایتی اتحادیهٔ ملی خبرنگاران در بلخ بنیادگذاری شد، (۱۴، ص ۱۵۱) در ۴ تیر ۱۳۸۵ / ۲۵ ژوئن ۲۰۰۶ رادیوی خصوصی ستارهٔ سحر به صاحب‌امتیازی شفیع عزیزی، (۱۴، ص ۱۵۹) از نوروز ۱۳۸۵ / ۲۱ مارس ۲۰۰۷ تلویزیون خصوصی آرزو و از نوروز ۱۳۷۸ / ۲۱ مارس ۲۰۰۸ رادیوی آرزو به صاحب‌امتیازی کمال نبی‌زاده، (۱۴، صص ۱۶۰ و ۱۶۳) از ۴ شهریور ۱۳۸۷ / ۲۵ اوت ۲۰۰۸ رادیوی خصوصی لحظه به صاحب‌امتیازی محمدابراهیم غضنفر، (۱۴، ص ۱۶۴) از شهریور ۱۳۸۹ / سپتامبر ۲۰۱۰ رادیو - تلویزیون خصوصی مهر به صاحب‌امتیازی عباس ابراهیم‌زاده (۱۴، ص ۱۶۶) و به همین‌گونه نشریه‌های «نجات»،

^۱ - استاد عطاءمحمد نور والی فرهنگ‌دوست و مبتکر بلخ بود. دو شماره از مجلهٔ «ام‌آلبلاد» که بنیادگذارش او بود در سال ۱۳۷۶ به مدیریت‌مسئولی من چاپ و نشر شده‌اند. او به سلسلهٔ هم‌کاری‌های فرهنگ‌دوستانهٔ خود هزینهٔ چاپ چندین کتاب پژوهشی‌ام را پرداخته‌است. در همراهی او به دعوت استان‌داری خراسان رضوی جمهوری اسلامی ایران از ۱۲ تا ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۱ سفری رسمی به جمهوری اسلامی ایران و نیز برای شرکت در مراسم دفاع از پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشدش از ۷ تا ۱۰ تیر ۱۳۹۱ سفری به شهر دوشنبه، پای‌تخت جمهوری تاجیکستان، داشتیم.

«خورشید»، «پر پرواز»، «پدیدار»، «بازتاب»، «آتش»، «بیداری»، «کیهان»، «سحر»، «پیوند میهنی»، «انتخاب»، «چندک»، «خلم باستان»، «روشن گر»، «تراوش»، «روشنایی»، «پرتو»، «صدای شاگردان»، «آبشار»، «دریچه زنده گی»، «سلام، هم شهری!»، «گذار»، «بیان نو»، «عصر ما»، «صدای آزادی شمال»، «سواد، چراغ زنده گی»، «یادگار»، «مولانا»، «سلام»، «ارتقای نوین»، «سیمای جوان»، «ترنم»، «ارمغان جوانان»، «فانوس ملت»، «نوی جوان»، «ظهور»، «امید هم زیستی»، «آریاویج»، «جوانان بلخ»، «ده کده»، «معرفت»، «دیار مولانا»، «آیینۀ جوان»، «فجر»، «پدیده»، «پیوند افغان»، «نوایی»، «بلخ امروز»، «دانش نو»، «دیدگاه»، «خیا»، «جلوه»، «پگاه»، «آریا»، «خط سبز»، «ساره»، «سادات»، «عیاران بلخ»، «رستگار»، «الف تا یا»، «صدای بانو» و ... به فعالیت آغاز کردند. (۱۴، صص ۲۱۰ - ۲۳۶)

در پایان سال ۱۳۸۷/ آغاز ۲۰۰۹ سیستم فایبر نوری شهر مزار شریف را با کابل و سپس در ۳۰ خرداد ۱۳۸۸/ ۲۰ ژوئن ۲۰۰۹ از راه شهر مرزی حیرتان به از بکستان پیوست (۱۴، ص ۱۴۰) و در ۲۹ اسفند ۱۳۹۶/ ۲۰ مارس ۲۰۱۸ به پذیرۀ جشن آریایی نوروز تلویزیون شهرآرا، رسانه شهرداری شهر مزار شریف، به نشرات آغاز کرد.

محمداسحاق ره گذر

محمداسحاق ره گذر در دورۀ حاکمیت نظام مردم سالاری در افغانستان بار یکم در زمان رهبری حامد کرزی از ۱۹ آبان ۱۳۸۰ تا آبان ۱۳۸۲/ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۱ تا نوامبر ۲۰۰۳ والی بلخ بود



و بار دوم در زمان رهبری دکتر محمدشرف غنی از ۲ فروردین ۱۳۹۷/ ۲۲ مارس ۲۰۱۸ تا اکنون والی بلخ است.

محمداسحاق ره گذر فرزند حاج محمد رسول در سال ۱۳۴۵/ ۱۹۶۶ در گذر چندک در ناحیه چهارم شهر مزار شریف، مرکز بلخ، دیده به جهان گشود. او از مردمان بومی و از چهره های جهادی بلخ است. ره گذر دورۀ دانش آموزی را در دبیرستان باختر شهر مزار شریف به فرجام رسانید و پیش از این که آموزش های عالی را آغاز کند به سنگرهای جهاد در برابر نیروهای اشغال گر شوروی شتافت و برای

مدت سی سال دوشادوش رزمندگان جمعیت اسلامی افغانستان در کنار استاد ذبیح الله شهید و

استاد عطاء محمد نور رزمید. پس از رهایی ولایت بلخ از تصرف طالبان از ۱۹ آبان ۱۳۸۰ تا آبان ۱۳۸۲ / ۱۰ نوامبر ۲۰۰۱ تا نوامبر ۲۰۰۳ به حیث والی بلخ ایفای وظیفه کرد.

پس از دوره نخست ولایت خویش، از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ / ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ آموزش‌های عالی را در دانش‌گاه دولتی تاجیکستان در رشته اداره و بازرگانی پی گرفت و دانش‌نامه لیسانس را به دست آورد. ره‌گذر در دو دوره نماینده مردم بلخ در مجلس نمایندگان شورای ملی کشور بود و از ۲ فروردین ۱۳۹۷ / ۲۲ مارس ۲۰۱۸ برای بار دوم به سمت والی بلخ گماشته شد و تا کنون به همین وظیفه ادامه می‌دهد. (۲۱۱) در این دوره، شجاع‌الدین شجاع معاون مالی و اداری و محمد بشیر توحیدی معاون امور اجتماعی مقام ولایت بلخ اند.

از کارهای برجسته دوره نخست ولایت محمد اسحاق ره‌گذر در بلخ، اختصاص شش صد جریب زمین برای اعمار ساختمان نو دانش‌گاه بلخ در شهر نو مزار شریف و اجرای قبالة آن و نیز نوسازی دیوار احاطه‌ی چهارباغ روضه مبارک و استرداد زمین‌های دولتی غصب‌شده در اطراف باغ حضور و سپردن به اداره‌های دولتی بلخ برای ساختن دفترهای کار آن اداره‌ها، می‌باشند. (۲۱۱) به همین‌گونه در دور نخست وظیفه او به عنوان والی بلخ در ۱۸ اسفند ۱۳۸۱ / ۹ مارس ۲۰۰۳ نخستین رایوی خصوصی به نام «رایوی رابعه بلخی» ویژه زنان به نشرات آغاز کرد (۱۴، ص ۱۵۶) و نیز در سال ۱۳۸۱ / ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳ نشریه‌های «جهان نو»، «عصر نو»، «مروه»، «ژورنالیست بلخ»، «آسمانه»، «بامداد»، «شهرک ما»، «به سوی آینده»، «هدیه فردا»، «شهرداری»، «پیام بلخ»، «الوس»، «راه ابریشم»، «رنا»، «امید»، «پرچم آزادی»، «رشاد» و در سال ۱۳۸۲ / ۲۰۰۳ «کلک راست‌گوی»، «صبح بلخ»، «صدای مردم» (ایل سسی)، «صدای معارف»، «پیک شفا»، «هدف»، «قافله»، «اندیشه نو»، «کودک افغان»، «تدبیر»، «طنین»، «برادری»، «دیالوگ»، «پرچه» و ... به فعالیت آغاز کردند. (۱۴، صص ۱۷۷ - ۲۰۱)

در دور دوم وظیفه او به عنوان والی بلخ، در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ / ۲ مه ۲۰۱۸ خیابانی که جاده برمکیان را با جاده یعقوب لیث صفاری در کوی آریانای شهر مزار شریف با هم متصل می‌سازد به نام «خیابان آزادی بیان» نام‌گذاری شد، (۲۵۰) در ۹ خرداد ۱۳۹۷ / ۳۰ مه ۲۰۱۸ پروژه برق ۲۲۰ کیلوولت شهرستان خلم و شبکه توزیع برق شهرستان مارمل ولایت بلخ با هزینه مجموعی ۷ اعشاریه ۶ میلیون دلار آمریکایی گشایش یافت، (۱۵۲، ص ۱) در ۳۰ خرداد ۱۳۹۷ / ۲۰ ژوئن ۲۰۱۸ کار ساخت ورزش‌گاه کرکت با فراخای ۲۰ جریب زمین و با گنجایش ۲۰۰۰ نفر

به هزینه یک میلیون دلار آمریکایی در شهرک متحد به کمک هندوستان آغاز یافت، در ۱۷ تیر ۱۳۹۷ / ۸ ژوئیه ۲۰۱۸ پیمان خواهرشهری میان شهر مزار شریف و شهر «اسن» جمهوری فیدرال آلمان به امضا رسید، در مرداد ۱۳۹۷ / ژوئیه ۲۰۱۸ کار قیرریزی نزدیک به چهار کیلومتر جاده در شهرک سجّادیّه شهر مزار شریف آغاز شد، در ۱۶ مرداد ۱۳۹۷ / ۷ اوت ۲۰۱۸ پیمان خواهرشهری میان شهرهای مزار شریف و جلال آباد در تالار همایش‌های مقام ولایت بلخ به امضا رسید، (۲۵۰) در ۱۳ مهر ۱۳۹۷ / ۵ اکتبر ۲۰۱۸ بیمارستان حوزه‌بی ولادی - نسایی و کودکان ابن سینای بلخی که با گنجایش ۳۶۰ بستر در پنج طبقه به هزینه ۱۵ میلیون یورو از کمک‌های دولت جمهوری فیدرال آلمان ساخته شده بود توسط دکتر محمدآشرف غنی، رئیس جمهور کشور، گشایش یافت، (۱۰۱، ص ۱) در ۱۳ آذر ۱۳۹۷ / ۴ دسامبر ۲۰۱۸ کار ساختن آرام‌گاه غازی محمدجان خان وردک در سه‌ونیم کیلومتری جنوب سهرای حیرتان آغاز یافت، در دی ۱۳۹۷ / ژانویه ۲۰۱۹ نخستین دهلیز هوایی میان بلخ و اروپا برای گسترش بازرگانی گشایش یافت و در نخستین پرواز از فرودگاه بین‌المللی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی ۵ تن خشک‌بار دربرگیرنده توت و کشمش به لندن فرستاده شد، در بهمن ۱۳۹۷ / فوریه ۲۰۱۹ ده فارم ماهی‌پروری هر کدام با فراخای یک جریب زمین و با ظرفیت پرورش هشت تا ده تن ماهی در شهرستان ده‌دادی ولایت بلخ گشایش یافتند، در بهمن ۱۳۹۷ / فوریه ۲۰۱۹ ادامه شمالی جاده ابن سینای بلخی به درازای دو کیلومتر به هزینه ۱۱ اعشاریه ۷ میلیون دلار آمریکایی از کمک‌های جمهوری فیدرال آلمان ساخته و قیرریزی شد، در ۲۷ اسفند ۱۳۹۷ / ۱۸ مارس ۲۰۱۹ چهارراهی به نام «خبرنگاران» در خیابان ابن سینای بلخی سنگ‌مانی شد، در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ / ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ کار مرمت حفاظتی دیوارهای حصار تاریخی بلخ از برج عیاران تا دروازه نوبهار و از آن‌جا تا انجام شرقی آن از کمک‌های کشور شاهی نویژ و کشور سوئیس و به همین‌گونه کار مرمت حفاظتی آبدۀ تاریخی آرام‌گاه خواجه اکاشای ولی در شهرستان بلخ از کمک‌های جمهوری فیدرال آلمان توسط بنیاد فرهنگی آقاخان انجام داده شدند، در ۱۹ خرداد ۱۳۹۸ / ۹ ژوئن ۲۰۱۹ راه شهرک «صفاشهر» به درازای ۲ اعشاریه ۹ کیلومتر به هزینه ۲۶ میلیون افغانی و نیز در همین ماه دو کارخانه تولید دانه مرغ با ظرفیت تولید ۲۴۰ تن دانه مرغ در یک روز و تولید روغن با ظرفیت ۲۵۰ تن روغن سویابین، جواری، زغر و کنجد با سرمایه‌گذاری مجموعی هشت میلیون دلار آمریکایی توسط شرکت صنعتی گروه مفید، و یک فارم تولید تخم بذری با فراخای ۹۷۳ جریب زمین در شهرستان ده‌دادی و یک ساختمان نگهداری فراورده‌های

گیاهی و حیوانی در شهر مرزی حیرتان به بهره‌برداری سپرده شدند، در ۱۰ تیر ۱۳۹۸ / ۱ ژوئیه ۲۰۱۹ نمایش‌گاه فراورده‌های کشاورزی اوزبیکستان در شهر مزار شریف راه‌اندازی شد، در ۷ مرداد ۱۳۹۸ / ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۹ ساختمان اداری اداره راه آهن بلخ و خیابان حلقه‌یی شهر مزار شریف به درازای ۱۷ اعشاریه ۴ کیلومتر و پهنای ۴۰ متر با هزینه ۱۳ میلیارد افغانی از بودجه دولت جمهوری اسلامی افغانستان به بهره‌برداری سپرده شدند، در ۷ شهریور ۱۳۹۸ / ۲۹ اوت ۲۰۱۹ رادیوی خصوصی «فجر» به صاحب‌امتیازی و مدیریت مسؤولی عبدالرؤف توانا در بلخ به نشرات آغاز کرد، در شهریور ۱۳۹۸ / سپتامبر ۲۰۱۹ نخستین محموله صادراتی افغانستان دربرگیرنده ۴۰ واگن سنگ مرمر، خشک‌بار و قالی از طریق راه آهن بلخ به چین فرستاده شد، در ۲۸ شهریور ۱۳۹۸ / ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۹ مرکز آزمون برقی برای استخدام رقابتی کارکنان اداره‌های دولتی در اداره اصلاحات اداری و خدمات ملکی ولایت بلخ گشایش یافت، از ۲۳ تا ۲۵ مهر ۱۳۹۸ / ۱۵ تا ۱۷ اکتبر ۲۰۱۹ نشست منطقه‌یی «بلخ نقطه وصل افغانستان با آسیای مرکزی» از سوی معاونیت تکنیکی ریاست عمومی اداره امور ریاست جمهوری و دانش‌کده اداره و پالیسی عامه دانش‌گاه بلخ در تالار همایش‌های دانش‌گاه بلخ برگزار شد. به همین‌گونه گشایش ساختمان نو مرکزی مقام ولایت بلخ، سنگ‌مانی تأسیسات تولید ۴۴ میگاوالت برق آفتابی با سرمایه‌گذاری توسط شرکت غضنفر، ساختن مسلخی با ظرفیت کشتار یک هزار رأس از مواشی در یک روز، ساختن سالن فاتحه‌خوانی در کنار خیابان امیر اسماعیل سامانی در شهر مزار شریف، به بهره‌برداری سپرده‌شدن شاه‌راه مزار شریف - شولگره، تجدید سیستم برق‌رسانی شهر مزار شریف، ایجاد کارگروه حل دشواری‌های مرزی میان ولایت سرخان‌دریای کشور اوزبیکستان و ولایت بلخ، آوردن اصلاحات در اداره‌های دولتی بلخ، تقویت رابطه حکومت محلی با مرکز و بلندبردن جای‌گاه تجارتی شهر مرزی حیرتان، آغاز کار اعمار چتر حفاظتی برای آبدۀ تاریخی مدرسه سلطان‌العلماء در شهرستان بلخ، کار انتقال زندان ولایت بلخ از داخل شهر مزار شریف به حومه جنوب شرقی آن، لوحه‌گذاری نام فرودگاه بین‌المللی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و اعمار ۱۱۸ باب مکتب در ولایت بلخ از کارهای برجسته دیگری اند که در دور دوم وظیفه محمداسحاق ره‌گذر به حیث والی بلخ در این ولایت انجام داده شده اند. (۲۵۰)

سرچشمه‌ها

کتاب‌ها

- ۱ - اخى كرخى هروى، محمدوزير، (۱۳۹۰)، هرات در عهد ملكيار، چاپ يكم، هرات: انتشارات احرارى.
- ۲ - اسكندروف، قاسم‌شاه، (۲۰۰۹)، نور شهر آفتاب، چاپ يكم، شهر دوشنبه: انتشارات عرفان.
- ۳ - اسلامى ندوشن، دكتر محمدعلى، (۱۳۸۱)، صفيير سيمرغ، چاپ ششم، تهران: انتشارات يزدان.
- ۴ - انصارى، سلطان محمد، (۱۳۸۷)، بلخ در گذر زمانه‌ها، چاپ يكم، كابل: كتاب و قرطاسيه‌فروشى حاج عبدالقيوم.
- ۵ - پوهنيار، سيد مسعود، (۱۳۷۶)، ظهور مشروطيت و قربانيان استبداد در افغانستان، جلد ۱ - ۲، پيشاور: كتاب‌خانه سبا.
- ۶ - تاشقرغانى، قاضى عبدالحى، (۱۳۸۷)، خلم (تاشقرغان) در درازناى تاريخ، چاپ يكم، كابل: چاپ‌خانه دانش.
- ۷ - تنوير، دكتر محمدحليم، (۱۳۷۸)، تاريخ و روزنامه‌نگارى افغانستان، چاپ يكم، پيشاور: بخش انتشارات علمى و فرهنگى انستيتوت تحقيقات و بازسازى افغانستان در هالند.
- ۸ - چرخى، خالد صديق، (۱۳۹۰)، برگى چند از نهفته‌هاى تاريخ در افغانستان، جلد دوم، به كوشش نصير مهرين، هالند: بنياد شاه‌مامه.
- ۹ - حبيبي، عبدالحى، (۱۳۷۷)، جنبش مشروطيت در افغانستان، [پيشاور]: سازمان مهاجرين مسلمان افغانستان.

- ۱۰ - خلیق، پیمانہ (۱۳۹۷)، پژوهش‌گر بلخ (مجموعه مقاله‌ها و سروده‌ها درباره آثار منشور صالح محمد خلیق)، چاپ یکم، کابل: انجمن نویسندگان بلخ.
- ۱۱ - خلیق، پیمانہ ، (۱۳۹۶)، سرایش‌گر مهر و آزادی (نوشته‌ها و سروده‌هایی درباره آثار منظوم صالح محمد خلیق)، چاپ یکم، کابل: انجمن نویسندگان بلخ.
- ۱۲ - خلیق، صالح محمد، (۱۳۸۰)، سرگذشت روزنامه بیدار، چاپ یکم، پیشاور: کانون فرهنگی مولانا جلال الدین محمد بلخی.
- ۱۳ - خلیق، صالح محمد، (۱۳۷۸)، تاریخ ادبیات بلخ از کهنترین روزگاران تا اوایل سده بیست و یکم، کابل: انجمن نویسندگان بلخ.
- ۱۴ - خلیق، صالح محمد، (۱۳۸۹)، تاریخ روزنامه نگاری بلخ، چاپ یکم، تهران: انجمن نویسندگان بلخ.
- ۱۵ - خلیق، صالح محمد، (۱۳۹۲)، آهنگ کیانی، چاپ یکم، کابل: کانون فرهنگی حکیم ناصر خسرو بلخی.
- ۱۶ - خلیق، صالح محمد، (۱۳۹۴)، ساحه‌های باستانی و بناهای تاریخی بلخ، چاپ یکم، تهران: انجمن نویسندگان بلخ.
- ۱۷ - دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، افغانستان، (۱۳۸۸)، چاپ یکم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۸ - دولت، رحمت کریم، سعیدزاده، طالب‌شاه و سلیمانی، ضمیره، (۲۰۱۲) مردان تاریخ‌ساز، چاپ یکم، شهر دوشنبه: انجمن روزنامه‌نگاران فارسی‌زبان / افروز و اداره نشریه ملت.
- ۱۹ - عظیمی، احمدناصر و احمدی، مجید، (۱۳۹۷)، شناس‌نامه مختصر ادارات محلی افغانستان، به کوشش وفا سمندر، چاپ یکم، کابل: اداره ارگان‌های محلی.
- ۲۰ - عظیمی، محمدنبی، (۱۳۷۸)، اردو و سیاست در سه دهه اخیر افغانستان، جلد یکم و دوم، پیشاور: مرکز نشراتی میوند - کتاب‌خانه سبا.
- ۲۱ - غبار، میر غلام محمد، (۱۳۸۷)، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد یکم و دوم، چاپ پنجم، کابل: بنگاه انتشارات و چاپ‌خانه میوند.

- ۲۲ - فرزانه، احمدشاه، (۱۳۸۹)، افغانستان از حکومت مجاهدین تا سقوط طالبان، چاپ یکم، انتشارات آهنگ قلم: مشهد.
- ۲۳ - فرهنگ، میر محمدصادق، (۱۳۷۱)، افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد دوم، قم: کمیسیون فرهنگی حزب وحدت اسلامی افغانستان.
- ۲۴ - کهکدای، حافظ نورمحمد، (۱۳۷۰) تاریخ مزار شریف واقع بلخ، چاپ دوم، به کوشش کریم آرزو، بلخ: بی نا.
- ۲۵ - مصطفی، (۱۳۹۳)، سردار صلح و سازنده‌گی (مجموعه مقالات)، چاپ یکم، بی جا: خبرگزاری جمهور.
- ۲۶ - موجانی، سید علی، صادقی، سولماز و دیگران، (۱۳۹۴)، فرهنگ شخصیت‌های معاصر افغانستان، چاپ یکم، تهران: انتشارات عازم و مؤسسه تیکا.
- ۲۷ - موسوی، دکتر سید علی، (۱۳۸۸)، تاریخ تحلیلی افغانستان از ظاهرشاه تا کرزی، چاپ یکم، بی جا: چاپخانه بلخ.
- ۲۸ - یوسف‌زی، سیدال، (۱۳۸۱)، نادر چه‌گونه به قدرت رسید؟، چاپ دوم، کابل: بنگاه انتشارات میوند - کتابخانه سبا.
- ۲۹ - ADAMEC, LUDWIG W., (1987), A Biographical Dictionary of Contemporary Afghanistan, Graz-Austria: Akademische Druck-u. Verlagsanstalt.
- ۳۰ - ИСКАНДАРОВА, КОСИМШО, (2009), Нури шаҳри офтоб, Душанбе: Эрфон.
- نشریه‌ها**
- ۳۱ - اتمان‌زی، غلام‌قادر، شاغلی محمدگل مومند، روزنامه بیدار، شماره ۷۹ (۱۷۵۸۵)، دوشنبه ۷ تیر ۱۳۴۴، ص ۲.
- ۳۲ - از عمرانات تازه ولایت مزار شریف، روزنامه بیدار، شماره ۵۲، سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۱، ص ۱.
- ۳۳ - اطلاعات مزار شریف، روزنامه بیدار، شماره ۵۰، دوشنبه ۷ مهر ۱۳۳۰، ص ۱.
- ۳۴ - اطلاعات مزار شریف، روزنامه بیدار، شماره ۱۵۶، سه‌شنبه ۱۳ مهر ۱۳۳۲، ص ۱.

- ۳۵ - اطلاعات مزار شریف، روزنامۀ بیدار، شماره ۱۸۱، چهارشنبه ۱۲ آبان ۱۳۳۲، ص ۱.
- ۳۶ - اطلاعات مزار شریف، روزنامۀ بیدار، شماره ۱۹، سال ۱۳۱۲، ص ۱.
- ۳۷ - اطلاعات مزار شریف، روزنامۀ بیدار، شماره ۲۴، سال ۱۳۱۲، ص ۱.
- ۳۸ - اطلاعات مزار شریف، روزنامۀ بیدار، شماره ۲۵۲، چهارشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۳۱، ص ۱.
- ۳۹ - اطلاعات مزار شریف، روزنامۀ بیدار، شماره ۲۹۴، شنبه ۳۰ اسفند ۱۳۳۲، ص ۱.
- ۴۰ - اطلاعات مزار شریف، روزنامۀ بیدار، شماره ۳۳، دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۳۱، ص ۱.
- ۴۱ - اطلاعات مزار شریف، روزنامۀ بیدار، شماره ۳۳، سال ۱۳۱۳، ص ۱.
- ۴۲ - اطلاعات مزار شریف، روزنامۀ بیدار، شماره ۵۲، سال ۱۳۱۲، ص ۱.
- ۴۳ - اطلاعات مزار شریف، روزنامۀ بیدار، شماره ۷۵، چهارشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۳۱، ص ۱.
- ۴۴ - اعظمی، غلام جیلانی، یک اقدام قابل قدر، مجلۀ کابل، نشریۀ انجمن ادبی کابل، سال سوم، شماره ۳۵، اوّل اردیبهشت ۱۳۱۳، صص ۸۱ - ۸۵.
- ۴۵ - اعلیٰ حضرت معظم همایونی امتحانات چاه اول ساحۀ جدید کشف گاز طبیعی را در سی کیلومتری جنوب غرب شهر شبرغان افتتاح فرمودند، روزنامۀ بیدار، شماره ۲۱، سه شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۵۰، ص ۱.
- ۴۶ - اعلیٰ حضرت معظم همایونی و علیا حضرت ملکه معظمه به آرامگاه حضرت علی کرم الله تشریف برده... دعای خیر کردند، روزنامۀ بیدار، شماره ۲۰، دوشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۵۰، ص ۱.
- ۴۷ - اعلیٰ حضرت معظم همایونی و علیا حضرت ملکه معظمه مع الخیر به مزار شریف مواصلت فرمودند، روزنامۀ بیدار، شماره ۱۹، یکشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۵۰، صص ۱ و ۴.
- ۴۸ - اعمار یک مسجد در قریۀ قزل آباد نهر تساهی، روزنامۀ بیدار، شماره ۳۴۶، چهارشنبه ۲۴ دی ۱۳۴۸، ص ۱.
- ۴۹ - افتتاح تعمیر، روزنامۀ بیدار، شماره ۲۵۹، سه شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۶۶، ص ۱.

- ۵۰ - افتتاح عمارت جدید لیسه حیرتان، روزنامه بیدار، شماره ۳۵، سه شنبه ۱۵ ثور ۱۳۶۴، ص ۱.
- ۵۱ - افتتاح عمارت جدید مکتب قریه قلعه قل محمد، روزنامه بیدار، شماره ۲۸۱، پنجشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۶۵، صص ۱ و ۴.
- ۵۲ - افتتاح کتابخانه مولانا خسته، ندای اسلام، سال پنجم، شماره پنجم، پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۶.
- ۵۳ - افتتاح مجدد فابریکه جن و پرس ولسوالی بلخ، روزنامه بیدار، شماره ۲۳۰، پنجشنبه ۱۲ دی ۱۳۶۴، صص ۱ و ۴.
- ۵۴ - افتتاح نمایشگاه آثار هنری در مزار شریف، روزنامه بیدار، شماره ۱، دوشنبه ۲ فروردین ۱۳۶۱، ص ۱.
- ۵۵ - اکثریت بست‌های کابینه دولت اسلامی افغانستان برای کادرها و شخصیت‌های ملی داخل و خارج کشور حفظ گردیده است، ندای اسلام، سال پنجم، شماره ۵، پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۶، صص ۱ - ۲ و ۴.
- ۵۶ - اکمال احداث سرک، روزنامه بیدار، شماره ۲، پنجشنبه ۳ فروردین ۱۳۷۵، ص ۱.
- ۵۷ - انجنیر محمد بشیر لودین، وزیر امور داخله،، روزنامه بیدار، شماره ۲۳۸، دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۴۸، ص ۱.
- ۵۸ - انجنیر مساجانب کابل مراجعت نمود، روزنامه بیدار، شماره ۴۶۰، پنجشنبه ۱۳ دلو/ بهمن ۱۳۴۶، ص ۱.
- ۵۹ - انجنیر مساجانب کابل عزیمت کرد، روزنامه بیدار، شماره ۲۰۸، چهارشنبه ۹ آذر ۱۳۴۵، ص ۱.
- ۶۰ - آغاز قیرویزی، روزنامه بیدار، شماره ۲۰۱، پنجشنبه ۵ آذر ۱۳۶۶، ص ۱.
- ۶۱ - آغاز کار احداث سرک، روزنامه بیدار، شماره ۲۱، شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۵۷، ص ۱.
- ۶۲ - بازار جدید قریه چهارمغزسای ولسوالی مارمل تهداب‌گذاری گردید، روزنامه بیدار، شماره ۳ و ۴، پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۷۸، ص ۱.
- ۶۳ - بازدید از سربندهای نهر شاهي، سیاگرد و بلخ، روزنامه بیدار، شماره ۵۵، چهارشنبه ۸ خرداد ۱۳۶۴، صص ۱ و ۴.

- ۶۴ - بانک خون در آمریت صحت عامه افتتاح گردید، روزنامه بیدار، شماره ۵، دوشنبه ۷ فروردین ۱۳۵۷ ص ۱.
- ۶۵ - بذر تخم سکساول، روزنامه بیدار، شماره ۲۸۰، شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۴۷، صص ۱ و ۴.
- ۶۶ - برق از ساعت ۸ صبح تا ۶ عصر جریان خواهد داشت، روزنامه بیدار، شماره ۳۶، پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۸، ص ۱.
- ۶۷ - برگزاری جشنواره هنر، روزنامه بیدار، شماره ۲۶، شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۶۰، ص ۱.
- ۶۸ - به مناسبت بزرگداشت جمهوریّت مارش عظیمی در مزار شریف صورت گرفت، روزنامه بیدار، شماره ۱۳۴، یکشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۵۲، صص ۱ و ۴.
- ۶۹ - بیست و هشتم اسد، مزار شریف، جریده ندای اسلام، سال پنجم، شماره ۹ - ۱۰، پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۶، ص ۱.
- ۷۰ - پنجاه قطعه نمایشی پخته، روزنامه بیدار، شماره ۲۴۲، یکشنبه ۲۹ دی ۱۳۴۷، ص ۱.
- ۷۱ - تجلیل باشکوه از هزار و پانزدهمین سال زاد حکیم ناصر خسرو بلخی، روزنامه بیدار، شماره ۱۳۸، دوشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۶۸، ص ۱.
- ۷۲ - تجلیل باشکوه از هشت صد و ششمین سال زاد مولانا جلال الدین محمد بلخی در زادگاهش، روزنامه بیدار، شماره ۱۵۴، شنبه ۱۵ مهر ۱۳۶۸، صص ۱ و ۴.
- ۷۳ - تحویل خانه منطوقی کتب و مواد درسی در مزار اعمار می شود، روزنامه بیدار، شماره ۷۳، یکشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۵۷، ص ۱.
- ۷۴ - تدویر محفل، روزنامه بیدار، شماره ۲۳۰، شنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۶، ص ۱.
- ۷۵ - تشکیل شورای عالی دفاع از وطن، جریده پیام توحید، سال پنجم، شماره ۵۱، مؤرخ ۳۰ مهر ۱۳۷۵، ص ۱.
- ۷۶ - تفصیل گزارشات سفر ذات شاهانه در مزار شریف، روزنامه بیدار، شماره ۴۵، شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۱، صص ۱ و ۴.
- ۷۷ - تقرر و تبدل والیان، روزنامه بیدار، شماره ۹، سهشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۵۰، ص ۱.

- ۷۸ - تهداب‌گذاری عمارت جدید مکتب دیره‌گی، روزنامه بیدار، شماره ۲۵۴، سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۳۵۷، ص ۱.
- ۷۹ - تهداب‌گذاری عمارت کتاب‌فروشی بیهقی، روزنامه بیدار، شماره ۴۷، یک‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۴، صص ۱ و ۴.
- ۸۰ - تهداب‌گذاری، روزنامه بیدار، شماره ۱۹۳، پنج‌شنبه ۲۲ آبان ۱۳۶۵، ص ۱.
- ۸۱ - جرگه وسیع دهقانان پخته‌کار دایر گردید، روزنامه بیدار، یک‌شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۶۶، صص ۱ و ۴.
- ۸۲ - جریده رسمی، شماره یازدهم (۶۱۵)، ۱۵ شهریور ۱۳۶۵، ص بعد از ۳۸.
- ۸۳ - جریده رسمی، شماره یازدهم (۷۵۰)، ۱۶ شهریور ۱۳۷۰، ص ۳.
- ۸۴ - جویا، سرور، مطبوعات و نشرات ما، مجله کابل، ۳۰ (۱۳۱۱)، کابل: انجمن ادبی، صص ۸۳ - ۸۴.
- ۸۵ - الحاج عبدالملک به حیث رهبر جنبش ملی - اسلامی افغانستان انتخاب گردیدند، جریده ندای اسلام، سال پنجم، شماره ۶، سه‌شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۷۶، ص ۱.
- ۸۶ - حقانی، مولوی حفیظ‌الله، جنبش طالبان: تشکیلات، دیدگاه‌ها و ویژه‌گی‌ها، ترجمه سرور دانش، مجله سراج، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۱۰ - ۴۰.
- ۸۷ - حوادث داخلیه، روزنامه اتحاد اسلام (بیدار)، شماره یکم، ۱ اسفند ۱۳۰۰، صص ۱ و ۲.
- ۸۸ - خلیق، صالح‌محمد، (۱۳۹۷)، شهرداران شهر مزار شریف، روزنامه بیدار، سال نود و هفتم، شماره ۱۴۲۴۹ (۱۰)، مؤرخ دوشنبه ۷ خرداد، ص ۲.
- ۸۹ - در مزار شریف روزانه یک مقدار زیاد گندم طبخ و به مستحقان توزیع می‌گردد، روزنامه بیدار، شماره ۴۴، شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۱، ص ۱.
- ۹۰ - دست‌گاه رادیو ریلی مجدداً فعال گردید، روزنامه بیدار، شماره ۵۹، پنج‌شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۵۷، ص ۱.
- ۹۱ - دکتر کشاورز از جریان کار ساخت‌مان پل جدید امام بکری دیدن نمود، روزنامه بیدار، شماره ۲۹۵، چهارشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۴۶، ص ۱.

- ۹۲ - دکتر کشاورز به مزار شریف مراجعت نمود، روزنامه بیدار، شماره ۱۰۹، سه‌شنبه ۱۰ میزان ۱۳۴۶، ص ۱.
- ۹۳ - دکتر کشاورز والی بلخ پل جدید امام بکری را افتتاح کرد، روزنامه بیدار، شماره ۱۸۶ یک‌شنبه ۱۳ آبان ۱۳۴۶، ص ۱.
- ۹۴ - دکتر کشاورز وزیر زراعت به کابل باز گشت، روزنامه بیدار شماره ۹۷ (۱۷۶۰۱)، دوشنبه ۲۸ تیر ۱۳۴۴، ص ۱.
- ۹۵ - دکتر کشاورز، والی بلخ، شبکه آب‌رسانی شهر مزار شریف را افتتاح نمود، روزنامه بیدار، شماره ۱۲۸، چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۴۶، ص ۱.
- ۹۶ - روزنامه بیدار، شماره ۲۴۱، دوشنبه ۱۷ دی ۱۳۵۷، ص ۱.
- ۹۷ - روزنامه بیدار، شماره ۴۹، پنج‌شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۱، ص ۱.
- ۹۸ - رهایش‌گاه محبوسان خورده‌سال افتتاح گردید، مجله ژوندون، شماره ۲۷ - ۲۸، شنبه ۶ مهر ۱۳۵۳، ص؟
- ۹۹ - رؤسای دواير، صاحب‌منصبان ژاندارم و پليس و مامورين ولايت بلخ از رژيم نوين جمهوريت در مملکت با حرارت استقبال کردند، روزنامه بیدار، شماره ۱۰۹، سه‌شنبه ۹ مرداد ۱۳۵۲، ص ۱.
- ۱۰۰ - س. پ.، نگاهی به تاریخچه و دستاوردهای حزب وحدت اسلامی افغانستان، پیام توحید، سال پنجم، شماره ۴۵، مؤرخ ۳۱ تیر ۱۳۷۵، صص ۲ و ۶.
- ۱۰۱ - سفر دوروزه رئیس جمهور کشور به ولایت بلخ، روزنامه بیدار، سال نود و هفتم، شماره پی‌هم ۱۴۲۶۷، شماره ۲۸، دوشنبه ۱۶ میزان ۱۳۹۷، ص ۱.
- ۱۰۲ - سفر رهبر جنبش م. ا. ا. به جمهوری اسلامی ایران، جریده ندای اسلام، سال پنجم، شماره ۹ - ۱۰، پنج‌شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۷۶، ص ۶.
- ۱۰۳ - سنگ تهداب الحاقیه مدیریت ترافیک ولایت بلخ طی مراسمی گذاشته شد، روزنامه بیدار، شماره ۱۰۲، یک‌شنبه ۲۸ تیر ۱۳۶۰، صص ۱ و ۴.
- ۱۰۴ - سنگ تهداب الحاقیه مزارهوتل گذاشته شد، روزنامه بیدار، ش. ۵۲، پنج‌شنبه ۳ جوزای ۱۳۵۸، ص ۱.

- ۱۰۵ - سنگ ته‌داب عمارت پیسته‌خانه شهری مزار شریف طی مراسمی گذاشته شد، روزنامه بیدار، شماره ۱۸، یکشنبه ۲۲ فرودین ۱۳۶۱، ص ۱.
- ۱۰۶ - سنگ ته‌داب عمارت مرکز صحی شور تپه گذاشته شد، روزنامه بیدار، شماره ۱۱۳، یکشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۵۰، ص ۴.
- ۱۰۷ - سنگ ته‌داب مدرسه عالی ستاره در مزار شریف گذاشته شد، روزنامه بیدار، شماره ۱۱، پنجشنبه ۱۵ مهر ۱۳۷۸، ص ۱.
- ۱۰۸ - سنگ ته‌داب یک محراب مسجد در مارمل گذاشته شد، روزنامه بیدار، شماره ۶، پنجشنبه ۴ شهریور ۱۳۷۸، ص ۱.
- ۱۰۹ - سی هزار افغانی امداد نقدی سره میاشت به مستحقان ولایت بلخ، روزنامه بیدار، شماره ۴۴، شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۱، ص ۱.
- ۱۱۰ - سیم چینل سیستم مخابراتی مزار شریف - حیرتان گشایش یافت، روزنامه بیدار، شماره ۲۱، دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۵۸، ص ۱.
- ۱۱۱ - سینا سندیوم در پارک نوبهار توسط دکتر کشاورز افتتاح گردید، روزنامه بیدار، شماره فوق العاده استقلال، پنجشنبه ۱ شهریور ۱۳۴۶، ص ۱.
- ۱۱۲ - سینما - تیاتر بلخ/ د بلخ سینما - تیاتر برای از بین بردن بازار سیاه تکت مجادله دارد، روزنامه بیدار، شماره ۸۱، شنبه ۹ تیر ۱۳۵۲، ص ۱.
- ۱۱۳ - شاغلی الکوزی به حیث مرستیال لوی سارنوالی مقرر شد، روزنامه بیدار، شماره ۲۷۳، شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۴۵، ص ۱.
- ۱۱۴ - شاغلی الکوزی، والی، موضع مرکز شهر جدید ولسوالی چهاربولک را تعیین نمود، روزنامه بیدار، شماره ۱۰۴ (۱۷۶۰۹)، چهارشنبه ۶ مرداد ۱۳۴۴، ص ۴.
- ۱۱۵ - شاغلی آموزگار سرک بین مزار و قریه غندک را افتتاح کرد، روزنامه بیدار، شماره ۲۴۹، یکشنبه ۲۸ دی ۱۳۴۸، ص ۱.
- ۱۱۶ - شاغلی پره‌ماچ جریان کار ترمینل میدان هوایی را معاینه نمود، روزنامه بیدار، شماره ۳۴، دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۱، ص ۱.
- ۱۱۷ - شاغلی عبدالعزیز، والی جدید ولایت بلخ، در اجتماع مردم گفت: از بارگاه خداوند مهربان نیاز می‌نمایم تا در راه خدمت مردم تحت شعار خدا، وطن

و شاه، ما را توفیق عنایت فرماید، روزنامه بیدار، شماره ۱۵، سه شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۵۰،

ص ۱.

۱۱۸ - شاغلی عبدالوهاب ملک یار، والی ولایت بلخ، از جریان قیبریزی

جاده‌های شهر مزار شریف دیدن کرد، روزنامه بیدار، شماره ۲۵۰، دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۴۸،

ص ۱.

۱۱۹ - شاغلی عبدالوهاب ملک یار، والی ولایت بلخ، فابریکه کشمش پاکی

یووالی مزار شریف را افتتاح کرد، روزنامه بیدار، شماره ۲۷۱، پنجشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۴۸،

ص ۱.

۱۲۰ - شاغلی عبدالوهاب، نایب الحکومه مزار شریف، موضع عمارت بلدیه

دولت آباد را تعیین کردند، روزنامه بیدار، شماره ۱۲۴، شنبه ۱۹ شهریور ۱۳۳۳، ص ۱.

۱۲۱ - شاغلی محمد هاشم صافی... سنگ تهداب یک کارته جدید را در بولان

گذاشت، روزنامه بیدار، شماره ۲۱۲، چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۴۸، ص ۱.

۱۲۲ - شاغلی مسا، والی بلخ، به حیث وزیر فواید عامه در کابینه شاغلی

میوندوال مقرر شدند، روزنامه بیدار، شماره ۴۵۴، پنجشنبه ۶ بهمن، ص ۱.

۱۲۳ - شاغلی مسا، والی جدید بلخ، شروع به کار کرد، روزنامه بیدار، شماره ۲۶۷

(۱۷۸۱۸۸)، ۷ اسفند ۱۳۴۴، ص ۱.

۱۲۴ - شاغلی ملک یار جانب کابل عزیمت کرد، روزنامه بیدار، شماره ۱۲، شنبه ۱۴

فروردین ۱۳۵۰، صص ۱ و ۴.

۱۲۵ - شاغلی نوابی، والی جدید بلخ، در موقع آغاز کار خود هم کاری مامورین

و اهالی را در راه تحقق آرمان‌های مقدس رژیم جمهوریت تقاضا کرد، روزنامه

بیدار، شماره ۱۲۶، دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۵۲، ص ۱.

۱۲۶ - شرکت هواپیمایی بلخ شامل پروازهای بین‌المللی گردید، جریده ندای

اسلام، سال پنجم، شماره ۱۴، شنبه ۱ دی ۱۳۷۵، ص ۱.

۱۲۷ - صاحب‌منصبان عسکری مراسم تحلیف را به جا آوردند، روزنامه بیدار،

شماره ۱۱۰، ۱۰ مرداد ۱۳۵۲، ص ۱.

۱۲۸ - طبخ و توزیع غذا در شهر مزار شریف نسبت وفور حاصلات و کاهش

مستحقان خاتمه یافت، روزنامه بیدار، شماره ۸۴، پنجشنبه ۸ تیر ۱۳۵۱، ص ۱.

۱۲۹ - عبدالاحد ولسی، والی جدید ولایت بلخ، وارد شهر مزار شریف گردید،

روزنامه بیدار، شماره ۱۹، شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۵۸، ص ۱ و ۴.

۱۳۰ - عرس باشکوه مولانای سخن، روزنامه بیدار، شماره ۱۴۸، شنبه ۳ مهر ۱۳۶۹،

صص ۱ و ۴.

۱۳۱ - عزیزمحمد الکوزی معین وزارت داخله مقرر گردید، روزنامه بیدار، شماره

۲۴۵، پنجشنبه ۲۴ دی ۱۳۴۸، ص ۱.

۱۳۲ - عمارت آمریت ترویج ولسوالی دولت آباد توسط والی بلخ افتتاح شد،

روزنامه بیدار، شماره ۹۴، چهارشنبه ۲۱ تیر ۱۳۵۷، ص ۱.

۱۳۳ - عودت ع. ج. وزیر امور خارجیه افغانستان از سفر اروپا و ورود به مزار

شریف، روزنامه بیدار، ش اول، چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۱۵، ص ۳.

۱۳۴ - فابریکه کشمش پاکی مزار شریف به فعالیت شروع کرد، روزنامه بیدار،

شماره ۲۵۷، چهارشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۴۷، ص ۱.

۱۳۵ - فدامحمد دهنشین در رأس هیأتی عازم ج. ف. آلمان شد، روزنامه بیدار،

شماره ۵۲، پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰، ص ۱.

۱۳۶ - فرمان پادشاهی نسبت به تقرر ثاغلی نایبالحکومه جدید ولایت مزار

شریف، روزنامه بیدار، شماره ۲۹۴، شنبه ۳۰ اسفند ۱۳۳۲، ص ۱.

۱۳۷ - قرارداد ساختمان فابریکه برق مزار شریف عقد شد، روزنامه بیدار، شماره

۱۳۱ (۱۷۶۰۳۶)، شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۴۴، ص ۱.

۱۳۸ - قرارداد مطالعات تخنیکی و اقتصادی احداث بند ذخیره و برق چشمه

سقا عقد شد، روزنامه بیدار، شماره ۲۰۵، دوشنبه ۸ آذر ۱۳۵۵، ص ۱.

۱۳۹ - قیریزی جاده مزار شریف - سبرغان شروع شد، روزنامه بیدار، شماره ۲۱۹،

چهارشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۴۵، ص ۱.

۱۴۰ - کار اساسی پروژه ۲۲۰ کیلومتر سرحد شوروی - کابل طی مراسمی

آغاز گردید، روزنامه بیدار، شماره ۶۶۰، پنجشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۶۲، ص ۱.

۱۴۱ - کار ترمیم اساسی مسجد جامع خواجه ابونصر یارسا خاتمه یافت،

روزنامه بیدار، شماره ۲۰۳، شنبه ۶ آذر ۱۳۵۵، ص ۱.

۱۴۲ - کار ترمیم عمارت لیلیه مدرسه اسدیّه تکمیل شد، روزنامه بیدار، شماره

۲۱۹، پنجشنبه ۲۱ آذر ۱۳۴۷، ص ۱.

۱۴۳ - کار ترمیم مسجد خواجه ابونصر یارسا (رح) آغاز یافت، روزنامه بیدار،

پنجشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۷۸، ص ۱.

۱۴۴ - کار ترمیم مقبره بابای حاتم خاتمه یافت، روزنامه بیدار، شماره ۵۱، چهارشنبه

۲ خرداد ۱۳۵۸، ص ۱.

۱۴۵ - کار ساخت مان معبر هوایی پایپ لاین گاز بالای دریای آمو جریان دارد،

روزنامه بیدار، شماره ۱۱۹، چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۵۱، ص ۱.

۱۴۶ - کار ساخت مانی مخزن اساسی پروژه آب رسانی آغاز شد، روزنامه بیدار،

شماره ۱۲۲، چهارشنبه ۲۰ اسد ۱۳۵۰، ص ۱.

۱۴۷ - کار قیرریزی جاده های داخل شهر مزار شریف به زودی شروع می شود،

روزنامه بیدار، شماره ۲۰۸، شنبه ۸ آذر ۱۳۴۸، ص ۱.

۱۴۸ - کار قیرریزی طبقه دوم جاده های داخل شهر مزار شریف آغاز گردید،

روزنامه بیدار، شماره ۱۳۲، چهارشنبه ۷ شهریور ۱۳۵۲، ص ۱.

۱۴۹ - کتاب خانه بلخ افتتاح شد، روزنامه بیدار، شماره ۱۷۲، چهارشنبه ۲۷ مهر ۱۳۴۵،

ص ۱.

۱۵۰ - کتاب خانه مولانا جلال الدین محمد بلخی در لیسه مولانا افتتاح شد،

روزنامه شماره ۳۰، پنجشنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۶۴، ص ۱.

۱۵۱ - گروپ ساخت مانی ریاست انکشاف دهات با والی بلخ ملاقات کرد،

روزنامه بیدار، شماره ۵۲، شنبه ۲ خرداد ۱۳۵۷، ص ۱.

۱۵۲ - گشایش دو پروژه برق رسانی در بلخ، روزنامه بیدار، سال نود و هفتم، شماره

۱۱، دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۹۷، ص ۱.

- ۱۵۳ - لابراتوار تشخیص امراض حیوانی توسط ثاغلی عبدالعزیز، والی ولایت بلخ، افتتاح شد، روزنامه بیدار، شماره ۱۲۹، دوشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۵۱، ص ۱.
- ۱۵۴ - محفل تهداب گذاری عمارت سفاخانه جدید در مزار شریف، روزنامه بیدار، شماره ۲۰ و ۲۱، چهارشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۵۱، ص ۱.
- ۱۵۵ - مخابره تلفنی بین مزار شریف و کلدار آغاز گردید، روزنامه بیدار، شماره ۱۲۸، دوشنبه ۲ شهریور ۱۳۶۰، ص ۱.
- ۱۵۶ - مختصر سوانح دکتر کشاورز، والی بلخ، روزنامه بیدار، شماره ۲۸۵، شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۴۵، ص ۱.
- ۱۵۷ - مدرسه اسدییه در مزار شریف، روزنامه بیدار، شماره ۱۵، چهارشنبه ۱۶ تیر ۱۳۱۵، ص ۲.
- ۱۵۸ - مراسم استقبال رئیس صاحب تنظیمیه در مزار شریف، روزنامه بیدار، شماره ۶ و ۷، چهارشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۱۲، ص ۲.
- ۱۵۹ - مقرری های جدید، روزنامه بیدار، شماره ۲۷۹، پنجشنبه ۷ اسفند ۱۳۴۸، ص ۱.
- ۱۶۰ - موزیم و کتابخانه خلق بلخ که جدیداً ترتیب و تنظیم شده افتتاح گردید، روزنامه بیدار، شماره ۲۵۱، شنبه ۳۰ دی ۱۳۵۷، صص ۱ و ۴.
- ۱۶۱ - مؤسس جمهوریت، ثاغلی محمد داود در مراسم برافراشتن علم مبارک روضه شاه ولایت مآب در شهر مزار شریف اشتراک فرمودند، روزنامه بیدار، شماره ۱، سهشنبه ۲ فروردین ۱۳۵۶، صص ۱ و ۴.
- ۱۶۲ - نام گذاری مکاتب ولایت مزار شریف، روزنامه بیدار، شماره ۱۴۲، دوشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۳۳، ص ۱.
- ۱۶۳ - نظر یک تن از علمای شهر مزار شریف درباره بازدید تاریخی ببرک کارمل از ولایت بلخ، روزنامه بیدار، شماره ۱۵۵، شنبه ۳ مهر ۱۳۶۱، ص ۱.
- ۱۶۴ - نقش نیروهای جمعیت اسلامی و سهم گیری شهریان در دفاع از شهر مزار شریف (گفت وگویی با استاد عطا محمد، رئیس سیاسی - نظامی زون شمال جمعیت اسلامی)، مجله ام‌البلاد، دور دوم، سال یکم، شماره ۲، فروردین ۱۳۷۷، صص ۵ - ۷.

- ۱۶۵ - والی بلخ سنگ ته‌داب عمارت جدید لیلیه دارالعلوم اسديه را طى
مراسمی گذاشت، روزنامه بیدار، شماره ۸۳، پنج‌شنبه ۸ تیر ۱۳۵۷، ص ۱.
- ۱۶۶ - ورود شاعلی نایب‌الحکومه جدید ولایت بلخ، روزنامه بیدار، شماره ۲۹۳، پنج‌شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۳۲، ص ۱.
- ۱۶۷ - وزیر فواید عامه به طرف ولایت کندز رفت، روزنامه بیدار، شماره ۲۸۴، چهارشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۴۷، ص ۱.
- ۱۶۸ - هزارمین سال‌گره یادبود رابعه بلخی در شهر بلخ تجلیل شد، روزنامه بیدار، شماره ۱۸۹، سه‌شنبه ۱۷ آبان ۱۳۴۵، ص ۱.
- ۱۶۹ - هیأت سازمان کمسمول اتحاد شوروی در مزار شریف به گرمی استقبال گردید، روزنامه بیدار، شماره ۲۱۵، چهارشنبه ۱۵ آذر ۱۳۵۷، ص ۱.
- ۱۷۰ - یک آتش‌خانه عصری در شهر مزار شریف از طرف انستیتوت انکشاف قهرقل اعمار می‌شود، روزنامه بیدار، شماره ۲۷، سه‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۵۰، ص ۱.
- ۱۷۱ - یک باب کلنیک صحی در قریه شیرآباد ولسوالی ده‌دادی افتتاح گردید، روزنامه بیدار، پنج‌شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۷۸، ص ۱.
- ۱۷۲ - یک تعداد مکاتب که تازه نام‌گذاری شده است، روزنامه بیدار، شماره ۲۶۲، دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۴۸، صص ۱ و ۴.
- ۱۷۳ - یک دارالمعلمین عالی در شهر مزار شریف... افتتاح شد، روزنامه بیدار، شماره ۲۰۹، یک‌شنبه ۹ آذر ۱۳۴۸، ص ۱.

سال‌نامه‌ها

- ۱۷۴ - سال‌نامه افغانستان، (۱۳۳۲)، کابل: ریاست مستقل مطبوعات.
- ۱۷۵ - سال‌نامه افغانستان، (۱۳۳۳)، کابل: ریاست مستقل مطبوعات.
- ۱۷۶ - سال‌نامه افغانستان، (۱۳۴۱ - ۱۳۴۲)، کابل: ریاست مستقل مطبوعات.
- ۱۷۷ - سال‌نامه افغانستان، (۱۳۴۲ - ۱۳۴۳)، کابل: ریاست مستقل مطبوعات.
- ۱۷۸ - سال‌نامه افغانستان، (۱۳۴۹)، کابل: وزارت اطلاعات و فرهنگ.

۱۷۹ - سال نامه افغانستان، (۱۳۵۷)، شماره ۴۴، هفتم اردیبهشت، کابل: ریاست نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ.

۱۸۰ - سال نامه افغانستان، (۱۳۶۶)، کابل: وزارت اطلاعات و فرهنگ.

۱۸۱ - سال نامه افغانستان، (۱۳۹۵)، دور دوم، شماره ۱۵، کابل: انتشارات کتب بیهقی وزارت اطلاعات و فرهنگ.

۱۸۲ - سال نامه کابل، (۱۳۱۵)، کابل: پشتو تولنه.

۱۸۳ - سال نامه کابل، (۱۳۱۸)، کابل: پشتو تولنه.

۱۸۴ - سال نامه کابل، (۱۳۲۲)، کابل: پشتو تولنه.

۱۸۵ - سال نامه کابل، (۱۳۲۵ - ۱۳۲۶)، کابل: پشتو تولنه.

۱۸۶ - سال نامه کابل، (۱۳۲۶ - ۱۳۲۷)، کابل: پشتو تولنه.

۱۸۷ - سال نامه کابل، (۱۳۲۸)، کابل: پشتو تولنه.

۱۸۸ - سال نامه کابل، (۱۳۲۹)، کابل: ریاست مطبوعات.

۱۸۹ - سال نامه کابل، (۱۳۳۰)، کابل: ریاست مطبوعات.

صفحه‌های اینترنتی

۱۹۰ - اعلان فاتحه، (۲۰۱۸)، «مشعل» (<http://mashal.org/blog>).

۱۹۱ - اکبر، محمد اسماعیل، (سه‌شنبه ۸ مرداد ۱۳۹۸)، با اسماعیل اکبر، «روزنامه جامعه باز»، سال چهارم، شماره ۷۳۵، (<http://jameabaz.co>).

۱۹۲ - انوری، حمید، (۲۸ آوریل ۲۰۱۸)، سه روز پی در پی، «آریانا افغانستان آنلاین» (<http://www.arianafghanistan.com>).

۱۹۳ - آزادی سرکرده طالبان در پاکستان، (۲۰ اسفند ۱۳۹۶)، «پارس تودی» (<http://parstoday.com>).

۱۹۴ - آژانس خبری پښواک، (۲۰ ژانویه ۲۰۱۴)، (<https://www.pajhwok.com>).

۱۹۵ - بختانی خدمت‌گار، استاد عبدالله، (۳۰ آوریل ۲۰۰۹)، دنارنج بهار (دویمه برخه): غونډ، ژبی، تریو، «روهی» (<https://rohi.af>).

- ۱۹۶ - پوپل، دکتر عمر، (۱۰ ژانویه ۲۰۱۱)، سیمای دکتر اکرم عثمان در آیینۀ تاریخ، «سپیده دم» (sapidadam.com).
- ۱۹۷ - تاریخ چه تصدی فابریکات کود و برق، (۱۳ آوریل ۲۰۱۳)، رخ نامه «تصدی فابریکات کود و برق» (https://www.facebook.com).
- ۱۹۸ - «توله افغان» (www.tolafghan.com).
- ۱۹۹ - جنگ داخلی افغانستان سال های ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹، (۸ فروردین ۱۳۸۹)، برگردان عبدالرحیم احمد پروانی از متن روسی، «نوی آزادی جاویدان» (https://jawedan.com).
- ۲۰۰ - حکمت، پاینده محمد، (۲ ژانویه ۲۰۱۴)، خلص سوانج پنج طالب آزاد شده از زندان گوانتانامو، «آژانس خبری پژواک» (https://www.pajhwok.com).
- ۲۰۱ - حکمت، عبدالرؤف، (۱۸ دسامبر ۲۰۱۱)، د شهید مولوی اختر محمد عثمانی (رح) پیژندنې او جهادی فعالیتونه ته یوه لنډه کتنه/ نگاهی کوتاه بر شناخت و فعالیت های جهادی شهید مولوی اختر محمد عثمانی (به زبان پشتو)، ناشر: احمد بریال، «نن تکی آسیا» (https://www.nunn.asia).
- ۲۰۲ - حیرتان، (۴ آوریل ۲۰۱۹)، دانش نامه آزاد «ویکی پدیا» (https://fa.wikipedia.org/wiki).
- ۲۰۳ - خانواده امیر حبیب الله خان / د امیر حبیب الله خان کورنۍ، دانش نامه آزاد «ویکی پدیا» (https://fa.wikipedia.org/wiki).
- ۲۰۴ - خلیلی، خلیل الله، داستانی از داستان ها، تلخیص شده توسط عبدالخالق بقایی پامیرزاد، «آریایی» (http://www.ariaye.com).
- ۲۰۵ - دولت پاکستان یک عضو شورای رهبری طالبان را آزاد کرد، (۲۰ اسفند ۱۳۹۶)، «خبرگزاری تسنیم» (https://www.tasnimnews.com).
- ۲۰۶ - دیپلوم انجنیر محمد عزیز در سویدن درگذشت، (۲۵ اوت ۲۰۱۸)، «انجمن افغان ها در سویدن» (http://www.afghanha.se).

۲۰۷ - راهب، مختار، فره دی روز، (۲۱ بهمن ۱۳۹۰). «فره دات کام»
(www.farah.loxblog.com).

۲۰۸ - آروین، آیوب، آمریکا در بدل آزادی سرباز خود چه کسانی را آزاد کرد؟،
(۱۱ خرداد ۱۳۹۳)، «بی بی سی» (http://www.bbc.com).

۲۰۹ - زنده‌گی نامه تورن جنرال غلام رسول پرمه‌ماچ، (۱۸ فوریه ۲۰۱۴)، مجتمع
نورستانیان، «نورستان افغانستان» (Nuristan Afghanistan)
(https://www.facebook.com/).

۲۱۰ - زنده‌گی نامه مختصر رهبر محبوب مان، (۲ مارس ۲۰۱۵)، رخ‌نامه «حزب
پرافتخار حزب آزادی افغانستان» (https://www.facebook.com).

۲۱۱ - زنده‌گی نامه والی بلخ، «صفحه رسمی مقام ولایت بلخ»
(http://balkh.PGO).

۲۱۲ - سجّادی، سیّد عبدالقیوم، ماهیت دینی - سیاسی گروه طالبان، (۲۹ آبان
۱۳۹۲)، «الوهابیت» (پای‌گاه تخصصی وهابیت‌پژوهی و جریان‌های سلفی)
(http://alwahabiyah.com).

۲۱۳ - سلیمان، تلاش برای ترور یک رهبر طالبان نشان‌دهنده اختلاف و
درگیری‌های داخلی آنها است، (۵ اکتبر ۲۰۱۷)، «سلام‌تایمز»
(http://afghanistan.asia-news.com).

۲۱۴ - سین‌دخت، سحر، گفت‌وگوی ویژه بامداد با دیپلوم انجنیر عمر
سخی‌زاده...، «حقیقت» (پای‌گاه رسانه‌یی غیر وابسته دادخواهان مردم افغانستان)،
(www.haqiqat.org).

۲۱۵ - شرق، محمدحسن، کودتای پنجم «در سقوط دولت جمهوری» سرخ یا
سیاه؟، «کابل ناتِه» (http://www.kabulnath.de).

۲۱۶ - صافی، عبدالکریم، با بزرگان وطن آشنا شوید، «کابل ناتِه»
(http://www.kabulnath.de).

۲۱۷ - فکرت، آصف، آن روزها، روزنوشت آصف فکرت در یادبود بزرگان،
یادداشت‌های استاد خلیلی، «فکرت کاتبان» (http://fekrat.kateban.com).

- ۲۱۸ - کاوه عزم، غلام‌نبی خان چرخي، الگوی مقاومت در برابر استبداد و ارتجاع، (دوشنبه ۱ شهریور ۱۳۹۵)، «حزب هم‌بسته‌گی افغانستان» (<http://www.hambastagi.org>).
- ۲۱۹ - گروه انشعابی طالبان، ره‌بر خود را برگزید، (۱۳ آبان ۱۳۹۴)، «بی بی سی» (www.bbc.com).
- ۲۲۰ - گویا اعتمادی، محمدسرور، «دیکشنری آنلاین آبادیس» (<https://dictionary.abadis.i>).
- ۲۲۱ - لمر، احسان، بیوگرافی سردار عبدالقدوس خان، (۲۹ مه ۱۹۱۷)، «قاموس کبیر افغانستان» (<http://www.afghan-dic.com>).
- ۲۲۲ - محمود، شاه‌محمود، شخصیت و کارکردهای نظامی سپهسالار غلام‌حیدرخان چرخي، (۱۹ آبان ۱۳۹۶)، «افغانستان فردا» (مرکز مطالعات و تحقیقات تاریخی - جغرافیایی و مردم‌شناسی شاه‌محمود محمود) (Afghaistanefarda.blogfa.com).
- ۲۲۳ - مروری بر تاریخ هزاره‌ها (پژوهش‌های تاریخی)، (۱۶ آبان ۱۳۹۲)، منبع: سروش صبا، نشر توسط محمد فروغی (258 Views foroughi.rzb.i/).
- ۲۲۴ - مژده، وحید، من گروه طالبان را یک گروه تروریستی نمی‌دانم، (دوشنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۴)، «خبرگزاری جمهور» (<http://www.jomhornews.com>).
- ۲۲۵ - مصباح‌زاده، سید محمدباقر، سید حسین حاکم، (یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۳)، پای‌گاه اطلاع‌رسانی «پیام آفتاب» (www.payam-aftab.com).
- ۲۲۶ - معرفی و نقد کتاب «استبداد» نوشته معلم عبدالقیوم، «مشعل» (<http://mashal.org>).
- ۲۲۷ - مومند، محمدداؤود، (۶ ژوئن ۲۰۱۷)، بیعت غازی امان‌الله به نادرخان و توجیه ناجوان‌مردانه خلیلی از قهرمانی قهرمان نجات کشور، «توله‌افغان» (www.tolafghan.com).

۲۲۸ - میرزا محمد قاسم پس از آن که گمرکات بلخ را به اجاره گرفت سرمایه هنگفتی اندوخت و از توان گران بزرگ شمال شد، (۲۶ مه ۲۰۱۶)، رخ نامه «بلخ و بلخیان» (<https://www.facebook.com>).

۲۲۹ - ولایت سرپل، «<http://darkol.co/city.php?id=14>»

۲۳۰ - هوسا غلجی، د سولې رښتینې مینان/ عاشقان راستین صلح، (۱۱ ژوئیه ۲۰۱۹)، ناشر: هدایت الله، «نن تکی آسیا» (<https://www.nunn.asia>).

۲۳۱ - هیأت اجرائیه فارو، غلام نبی خان چرخي، سپاهی وفادار جنبش امانی، (۲۰ اوت ۲۰۱۴)، «فیدراسیون سازمان های پناهنده گان افغان در اروپا» (<https://www.afghandiaspora.org>).

۲۳۲ - هیأت چهارده نفری به ریاست معاون امور سیاسی ملا برادر آخوند از قطر راهی مسکو شد، «افغانستان اسپوتنیک نیوز» (<https://af.sputniknews.com>).

۲۳۳ - یادداشت های استاد خلیلی، «دانش نامه افغان» (www.afghanpedia.com).

۲۳۴ - یک مقام امنیتی فاش کرد: اعزام صد نفر از سوی «آی اس آی» پاکستان برای ترور فرمان دهان طالبان افغانستان، (یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۳)، «افغانستان شفقنا» (<https://www.afghanistan.shafaqna.com>).

یادداشت ها، مکالمه ها و مکاتبات با اشخاص

۲۳۵ - ابوی، خلیل الله، (۱۶ مرداد ۱۳۹۸)، مکالمه تلفنی و مکاتبه اینترنتی.

۲۳۶ - اچک، جمعه خان، (۷ مهر ۱۳۹۸)، مکالمه تلفنی.

۲۳۷ - انصاری، میر عبدالرحمان، (۴ تیر ۱۳۹۸)، یادداشت ارسالی کتبی.

۲۳۸ - پیکار، محمد هاشم، (۱۵ تیر ۱۳۹۸)، مکالمه حضوری.

۲۳۹ - پیوستون، عبدالبشیر، (۲۳ مرداد ۱۳۹۸)، مکاتبه اینترنتی.

۲۴۰ - تیمور، محمد اسماعیل، (۳۰ مرداد ۱۳۹۸)، مکالمه حضوری.

۲۴۱ - حبیب، دکتر حبیب الله، (۳ شهریور ۱۳۹۸)، مکالمه تلفنی و مکاتبه اینترنتی.

۲۴۲ - رزاق یار، محمدانور، (۱۱ شهریور ۱۳۹۸)، مکالمه حضوری.

- ۲۴۳ - ربیعان شمالی، عبدالغفار، (۹ مرداد ۱۳۹۸)، مکالمه حضوری.
- ۲۴۴ - سالک زاده، محمد عثمان، (۲۶ تیر ۱۳۹۸)، یادداشت ارسالی کتبی.
- ۲۴۵ - سراج الدین، (۶ مرداد ۱۳۹۸)، مکالمه حضوری.
- ۲۴۶ - ظریفی، مولوی عبدالجمیل، (۲۰ شهریور ۱۳۹۸)، یادداشت ارسالی کتبی.
- ۲۴۷ - عدیل، محمد سمیع (۱۴ مرداد ۱۳۹۸)، مکالمه حضوری و یادداشت کتبی.
- ۲۴۸ - کوه یار، احمد شاه، (۲۹ خرداد ۱۳۹۸)، مکالمه حضوری و یادداشت کتبی.
- ۲۴۹ - محمد آصف، (۱۸ تیر ۱۳۹۸)، مکالمه حضوری.
- ۲۵۰ - مصلح، دکتر محمد صالح، (۱۵ آبان ۱۳۹۸)، مکاتبه اینترنتی.

درباره نویسنده این کتاب

صالح محمد خلیق فرزند صوفی محمد عیسا، نویسنده این دفتر، در آدینه روز ۱۲ آبان ۱۳۳۴ / ۴ نوامبر ۱۹۵۵ در بلخ به جهان آمد. پس از سپری کردن دوره دانش آموزی، آموزش های فنی را در رشته زمین شناسی در دانش سرای نفت و گاز بلخ و آموزش های عالی را تا درجه کارشناسی / لیسانس در رشته ادبیات فارسی دری در دانش کده ادبیات و دانش های انسانی دانش گاه بلخ و دوره کارشناسی ارشد / ماستری را در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانش گاه پیام نور جمهوری اسلامی ایران به پایان برد.

خلیق به سمت های کارمند کارخانه کود شیمیایی بلخ، رئیس انجمن نویسنده گان بلخ، کارگزار امور فرهنگی استان های شمالی کشور و مدیر مسؤول و سردبیر مجله «جنبش»، مجله «ام البلاد»؛ روزنامه «بیدار» و مجله «کیان» کار کرده است و از بنیادگذاران انجمن نویسنده گان بلخ و عضو کانون فرهنگی حکیم ناصر خسرو بلخی، کانون فرهنگی مولانا جلال الدین محمد بلخی و چند کانون دیگر و عضو گروه دبیران چندین نشریه بود و اکنون رئیس اداره اطلاعات و فرهنگ استان بلخ و هم زمان رئیس انجمن نویسنده گان بلخ است.

خلیق شعر می گوید، در زمینه های فرهنگ، ادبیات و زبان می نویسد و در گستره های شعر، تاریخ و دانش و فناوری نو آثاری را از زبان روسی برگردان کرده است. نوشته ها و سروده های خلیق در نشریه های داخلی و خارجی به چاپ رسیده اند و هم چنین از نام، احوال و آثار خلیق در بیش تر از صد کتاب در داخل و خارج کشور یاد شده است.

در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ خورشیدی، از چهلمین سال سرایش شعر خلیق از سوی انجمن ادبی «هشت بهشت» با برگزاری همایشی در بلخ بزرگداشت شد، در جشن نوروز سال ۱۳۹۴ برایش لقب «پژوهشگر بلخ» داده شد و در ۱۹ آبان ۱۳۹۴ از جای گاه وی به عنوان یک نویسنده پیش کسوت کشور، از سوی نهاد دانش آموخته گان افغانستان با برگزاری همایشی در بلخ گرامی داشت شد و نیز در ۲ دی ۱۳۹۵ انجمن قلم افغانستان در کابل با برگزاری محفلی از او

بزرگداشت کرد و در بهار سال ۱۳۹۶ دکتر محمد اشرف غنی، رئیس جمهور کشور، برای او به عنوان یک شاعر و ادیب، مدال دولتی غازی میرمسجدی خان را تفویض کرد.

سفرهای بیرونی و اشتراک در همایش‌های جهانی

خلیق، تا اکنون در ۱۵ همایش جهانی در داخل و خارج کشور شرکت کرده و در ۱۱ کشور سفر داشته است.

در تاجیکستان:

از ۸ تا ۲۱ تیر ۱۳۶۱ خورشیدی، به عنوان یک شاعر سفری رسمی فرهنگی به تاجیکستان به شهرهای دوشنبه، نازک و حصار و بازدید از فرهنگستان علوم تاجیکستان و سایر مراکز علمی و فرهنگی آن کشور؛

از ۱۵ تا ۲۱ آذر ۱۳۶۶ خورشیدی، به دعوت اتحادیه کارگران کارخانه کود شیمیایی «وخش» در عضویت یک هیأت پنج نفری از کارخانه کود و برق بلخ سفری رسمی به تاجیکستان و بازدید از شهر دوشنبه و شهر کالنین آباد استان قرغان تپه، کارخانه کود شیمیایی وخش و بخش‌های گوناگون آن و اشتراک در همایشی در خانه فرهنگ آن کارخانه؛

از ۱۸ تا ۲۶ شهریور ۱۳۷۱ به دعوت دولت تاجیکستان برای اشتراک در نخستین کنگره بین‌المللی فرهنگیان فارسی‌زبان سفری رسمی به شهر دوشنبه؛

از ۱۶ تا ۲۲ شهریور ۱۳۷۲ برای اشتراک در دومین کنگره سفری رسمی به شهرهای دوشنبه، کولاب، خجند و اوراتپه؛

از ۲۳ تا ۳۰ فروردین ۱۳۸۴ به دعوت وزارت مخابرات تاجیکستان برای مبادله تجارب سفری رسمی به شهرهای دوشنبه و قرغان تپه؛

از ۱۶ تا ۲۰ شهریور ۱۳۸۵ به دعوت دولت تاجیکستان برای اشتراک در همایش بین‌المللی تاجیکان و فارسی‌زبانان و ۲۷۰۰ ساله‌گی شهر کولاب سفری رسمی به شهرهای دوشنبه و کولاب؛

از ۱۹ تا ۲۷ شهریور ۱۳۸۹ سفری تفریحی به شهرهای دوشنبه و حصار و دیدار با دانش‌مندان و شاعران تاجیکستان؛

از ۷ تا ۱۰ تیر ۱۳۹۱ همراه با استاد عطا محمد نور، والی بلخ، سفری کاری به شهر دوشنبه؛

از ۲۶ اسفند ۱۳۹۴ تا ۵ فروردین ۱۳۹۵ به دعوت دولت تاجیکستان برای اشتراک در همایش بین‌المللی ادیبان حوزهٔ نوروز سفری رسمی به دوشنبه، پنج‌کنت و حصار.

در اوزبیکستان:

از ۷ آبان تا ۲ آذر ۱۳۷۱ برای عقد پیمان همکاری طباعتی میان استان بلخ افغانستان و استان سرخان‌دریای اوزبیکستان و چاپ برخی از نشریه‌های بلخ و بازدید از شهرهای ترمذ، دهنو، تاشکند و سمرقند؛

از ۸ دی تا ۳ بهمن ۱۳۷۱؛ از ۸ تا ۱۸ اسفند ۱۳۷۱؛ از ۲۹ اردیبهشت تا ۲۶ خرداد ۱۳۷۲؛ از ۶ آذر تا ۶ دی ۱۳۷۲ و از ۳ تا ۵ فروردین ۱۳۷۳ سفرهایی به آن کشور برای چاپ نشریه‌ها و مجموعه‌های شعر؛

در ۲۹ اسفند ۱۳۸۴ برای اشتراک در جشن نوروز سفری رسمی به شهر ترمذ؛
از ۲۹ شهریور تا ۹ مهر ۱۳۹۱ سفری سیاحتی به شهرهای ترمذ، سمرقند، تاشکند و بخارا؛
از ۱۶ تا ۲۶ خرداد ۱۳۹۲ سفری سیاحتی به تاشکند؛
در ۲۸ اسفند ۱۳۹۴ برای اشتراک در جشن نوروز سفری رسمی به شهر ترمذ، مرکز استان سرخان‌دریا؛
و از ۱۰ تا ۲۰ مرداد ۱۳۹۶ سفری سیاحتی به شهرهای تاشکند و سمرقند.

در ایران:

از ۱۰ تا ۲۶ خرداد ۱۳۷۵ به دعوت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران در رأس هیأتی سه‌نفری همراه با استاد فرزاد و فیاض مهرآیین سفری رسمی به ایران و بازدید از شهرهای تهران، اصفهان، شیراز و مرودشت و دانشگاه‌های تهران و اصفهان و دیگر مراکز فرهنگی؛

از ۱۱ دی تا ۱۲ بهمن ۱۳۷۵ برای چاپ کتاب سفری کاری به ایران و بازدید از شهرهای تهران، قزوین، قم و مشهد؛

از ۲۵ دی تا ۱۷ اسفند ۱۳۷۶ سفری کاری برای چاپ مجلهٔ «ام‌البلاد» به شهرهای مشهد و تهران؛

از ۱۹ اردیبهشت تا ۲ خرداد ۱۳۸۸ سفری سیاحتی به شهرهای تهران، مشهد، توس، قم، اصفهان و شیراز؛

از ۶ تا ۱۳ اسفند ۱۳۸۸ به دعوت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی در رأس هیأتی با ترکیب معاون و مدیر بخش فرهنگی روضه مبارک حضرت علی «ک» برای مبادله تجارب سفری رسمی به ایران و بازدید از شهرهای مشهد، نیشاپور و توس؛ از ۱۱ تا ۱۴ تیر ۱۳۸۹ به دعوت مجلس اسلامی در ترکیب هیأتی از دانش‌مندان کشور برای اشتراک در همایش میراث‌های مشترک مکتوب میان افغانستان و ایران سفری رسمی به تهران؛ از ۲۱ تا ۲۹ آبان ۱۳۹۰ به دعوت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی با سه تن از شاعران بلخ، برای اشتراک در همایش بین‌المللی شعر باران غدیر سفری رسمی به تهران و شیراز و مرودشت؛

از ۱۲ تا ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۱ به دعوت استان‌داری خراسان رضوی در همراهی با استاد عظامحمد نور، والی بلخ، سفری رسمی به شهرهای مشهد، نیشاپور و توس.

در پاکستان:

از ۳۰ تیر تا ۱۳ مرداد ۱۳۷۵ برای چاپ کتاب، سفری کاری به پاکستان و بازدید از شهرهای پیشاور، اسلام‌آباد، راولپندی و مری؛ از ۱۳ تا ۲۳ خرداد ۱۳۷۹ به دعوت دفتر یونیسیف برای اشتراک در سمینار حقوق کودک سفری کاری به شهر پیشاور؛ از ۱۳ تا ۲۳ خرداد ۱۳۸۰ برای بار دوم در ادامه همان سمینار سفری کاری به شهر پیشاور.

در ترکمنستان:

از ۱۲ تا ۱۳ بهمن ۱۳۷۵ یک‌جا با پروفسور استاد برهان‌الدین ربّانی، رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان، و هیأت همراهش در بازگشت از ایران به افغانستان، از راه شهر سرخس از ایران به ترکمنستان و بازدید از شهرهای سرخس، مرو (ماری) و کرکی.

در هندوستان:

از ۸ تا ۲۹ شهریور ۱۳۸۴ سفری سیاحتی به هندوستان به دهلی نو؛ از ۱۶ آبان تا ۲ آذر ۱۳۹۳ سفری سیاحتی به دهلی نو و آگره؛ از ۲۳ دی تا ۶ بهمن ۱۳۹۴ سفری سیاحتی به شهرهای دهلی نو، آگره و بمبئی.

در عربستان سعودی:

از ۸ آذر تا ۱۸ دی ۱۳۸۵ برای ادای فریضه حج سفری به شهرهای مدینه منوره، جدّه و مکه مکرّمه؛

از ۱۷ تا ۲۵ آبان ۱۳۹۷ برای ادای عمره سفری به شهرهای مکه مکرّمه، مدینه منوره و جدّه.

در ترکیه:

از ۱۵ تا ۲۷ دی ۱۳۹۲ سفری فرهنگی و سیاحتی به ترکیه و بازدید از شهرهای استانبول، آنکارا، قونیه و بورسا؛

از ۲۶ اردیبهشت تا ۴ خرداد ۱۳۹۴ خورشیدی سفری فرهنگی و سیاحتی به ترکیه و بازدید از شهرهای استانبول، مانيسا و ازمير؛

از ۱۹ آذر تا ۶ دی ۱۳۹۶ سفری فرهنگی به ترکیه برای اشتراک در عرس مولانا جلال الدین محمّد بلخی و بازدید از شهرهای قونیه، استانبول، آنکارا، ازمير و جزیره قوش استان آیدین.

در فرانسه:

از ۱۰ تا ۲۱ آذر سال ۱۳۸۷ خورشیدی به دعوت وزارت فرهنگ فرانسه در رأس هیأتی سه نفری برای بازدید از جاهای تاریخی و نهادهای فرهنگی و دیدار با هم‌تایان فرانسه‌یی و مبادله تجارب، سفری رسمی به فرانسه و دیدن از شهرهای پاریس، سن دونی و شارتر.

در لهستان / پولند:

از ۱۶ تا ۲۴ شهریور سال ۱۳۹۲ خورشیدی از سوی انستیتوت خدمات ملکی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، برای آموزش رهبری، همراه با هفت تن از معینان وزارت‌خانه‌های گوناگون کشور سفری رسمی به لهستان / پولند و دیدن از شهر ورشو، پای‌تخت آن کشور، و شهر تاریخی کراکوف.

در ایالات متّحده آمریکا:

از ۲۶ مرداد تا ۱۶ شهریور سال ۱۳۹۳ خورشیدی به دعوت دفتر بازدیدکننده‌گان بین‌المللی اداره آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه ایالات متّحده آمریکا برای پیش‌برد برنامه رهبری استخراج معادن و حفاظت از میراث‌های فرهنگی در ترکیب هیأتی از چندین نهاد کشور سفری رسمی به ایالات متّحده آمریکا و دیدن از شهر واشنگتن دی سی، پای‌تخت ایالات متّحده آمریکا، شهر پیتسبرگ ایالت پنسیلوانیا، شهر مورگان تاون ایالت ویرجینیای غربی، فرودگاه شهر هوستون ایالت تکزاس، شهر توسان ایالت آریزونا، شهر سالت لیک سیتی، مرکز ایالت یوتا، و شهر سنت لوئیس ایالت میسوری.

آثار چاپ شده خلیق

دفترهای شعر

«سلام به آفتاب» (بلخ، ۱۳۶۳)، «کاج بلند سبز» (بلخ، ۱۳۶۶)، «بر پای راه ابریشم» (بلخ، ۱۳۷۲)، «یک آسمان ستاره» (بلخ، ۱۳۸۲)، «از اوج‌های آبی...» (کابل، ۱۳۸۶)، «سرود ملی عشاق» (کابل، ۱۳۹۱)، «در بامیان قلب منی» (کابل، ۱۳۹۲)، «مراد از بلخ، تو بودی...» (۱۳۹۳)، «نقطه و نقطه، باز هم نقطه» (کابل، ۱۳۹۳)، «اینک فقط تو مانده‌ای» (کابل، ۱۳۹۳)، «سوگ‌نامه گل سرخ» (کابل، ۱۳۹۴)، «آخرین مرز بی کرانی» (کابل، ۱۳۹۴)، «سرنوشتی دیگر» (کابل، ۱۳۹۵)، «هیجان جان» (کابل، ۱۳۹۵)، «سخن عشق» (کابل، ۱۳۹۵)، «کولاک می‌گرید» (برگردان شعرهای سرگی یسینین) (کابل، ۱۳۹۶)، «زمزمه نام خراسان» (کابل، ۱۳۹۷) و «به ره‌گذار غچی‌ها» (کابل، ۱۳۹۸).

آثار پژوهشی و منثور خلیق

«جشن‌های آریایی» (بلخ، ۱۳۷۰)، «عقاب در فرهنگ ملی و جهانی و سروده‌ها» (تهران، ۱۳۷۵)، «سرگذشت روزنامه بیدار» (پیشاور، ۱۳۸۰)، «فریاد آزادی» (نگرشی بر سروده‌های علامه سید اسماعیل بلخی» (بلخ، ۱۳۸۳)، «تاریخ ادبیات بلخ» (کابل، ۱۳۸۷)، «تاریخ روزنامه‌نگاری بلخ» (تهران، ۱۳۸۹)، «آهنگ کیانی» (گزیده شعر درباره دره کیان با معرفی سرایش‌گران آنها) (کابل، ۱۳۹۲)، «ساحه‌های باستانی و بناهای تاریخی بلخ» (تهران، ۱۳۹۴)، «آیین در آیین» (کابل، ۱۳۹۴)، «تأثیر شاه‌نامه بر شعر مقاومت افغانستان» (تهران، ۱۳۹۵)، «ناشناخته‌های دانش» (مجموعه مقاله‌های برگردان‌شده از منابع روسی)، (پیشاور، ۱۳۹۶)، «نشانه‌های شکوه گذشته بخدی» (بلخ، ۱۳۹۷) و «والیان بلخ در نخستین سده پس از بازستانی افغانستان» (کابل، ۱۳۹۸).